



انتشارات دکتر فاطمی

آموزش و سنجش
زبان
و
ادبیات فارسی
کنکور و اعزام

تذکره دولتی

۱۱۷۲

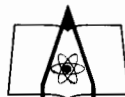
۲۸۰۰ زش

کتابی تازه از انتشارات دکتر فاطمی

کتاب شناخت ایدئولوژی و معارف اسلامی در دو جلد بصورت آموزش و سنجش با مطالب زیر منتشر یافت:

پیشگفتاری درباره اسلام و عربستان قبل از اسلام و شانزده گفتار بترتیب درباره قرآن کریم، ائمه اطهار (ع) تشیع و فقه شیعه، ابواب فقه شیعه، رساله عملیه، ایدئولوژی اسلامی، کلام، فلسفه، عرفان، هنر و نهضتهای اسلامی.

انتشارات دکتر فاطمی علاقمندان را به مطالعه این کتاب دعوت می نماید.



انتشارات دکتر فاطمی

آموزش و سنجش زبان و ادبیات فارسی کنکور و اعزام

ناشر : انتشارات دکتر فاطمی

تاریخ انتشار : تیر ماه یکهزار و سیصد و شصت و یک

چاپ اول : سه هزار نسخه

شمارهء مسلسل : ۱۰۳

چاپ و صحافی چاپخانهء فرهنگ

کلیهء حقوق برای انتشارات دکتر فاطمی محفوظ است

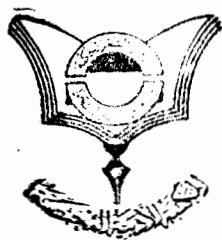
نشانی : تهران - خیابان دکتر فاطمی - مقابل سازمان آب - شماره ۱۵۹

تلفن : ۶۵۲۷۷۰ - ۶۵۱۲۲۲

تهیه و تنظیم : کاظم کاظمی

قیمت ۴۰ تومان

1920



مقدمه

کاخ شکوهمند که حکیم ابوالقاسم فردوسی از نظم برافراشته کرد تا
اروز از طوفانهای سمناک یاسی و ایغارهای وحشاک نظامی گزندى ندیده است،
بوستان و گلستان فرجبخش که شیخ اجل سعدی شیرازی پی ریخته و در آنها داری تلخ
نصیحت را با شهد طرافت چنان در هم آمیخته که هفت اقلیم بی تعالات ادا نمایی نازند،
ادای کلوتی و دلشیر «نی» مولانا که در سراسر مشنوی بالهام از آیات الهی
و احادیث نبوی گوش و جان در روح و روان جانیان را با آهنگی قدوسی می نوازند،
و بالاخره عرصه ی سیرخی که خواجۀ بزرگ حافظ شیرین سخن در فراخای این
مرز و بوم به وجود آورده که نه تنها سیاه چشمان کشمیری و ترکمان سمرقندی را به قصر
در آورده بلکه مدتیان را نیز با توهم خویات عارفانه خویش به دست افشانی
پای کوبی واداشته است، برج و باروی خلل ناپذیر و درهای استواری است که
مجد و عظمت این کشور اسلامی و عزت و حرمت قوم ایرانی را محفوظ و مصون داشته
و بر شکوه و شوکت آن نیز افزوده است.

چون مواد و مصالح این بنای عظیم که سر از فخر بر کیوان می‌تازند
 چهری جز زبان شیرین و ادبیات متین فارسی، که ریشه در سرچشمه‌ی معارف اسلامی
 داشته و از آن منبع فیض اشراق و اشتراب شده و می‌شود، نیست، بنابراین و طبعه
 ملی و تکلیف اخلاقی هر ایرانی بویژه نوجوانان برومند و جوانان نیرومند این آب و
 خاک است که منظور استحکام حیات سیاسی و استقلال و آزادی و بالمال پادداری از
 جمهوری اسلامی - این بومست عظمای الهی - در فراگیری هر چه بهتر و کاملتر زبان مادری
 و آشنایی هر چه بیشتر و عمیقتر با نخبه آثار بزرگان ادب فارسی، که گوهر وجودشان خالصانه
 در سخنان موج می‌زند و هر یک چون خودشید منظومه‌ی شمی پیرامون خویش را در درون
 ایزدی گرفته و جادو دانه در کار افافه و افاده می‌باشند، صمیمانه بگویند و در سیرای بخش
 چنین کاخهای با عظمت و بردمان چنان سزه زارهای پر طراوت بشینند، و بر تپه
 دلاگریز بلبلان خوش الحان مرغزار ادب ایران گوش فرا دهند و بر کرانه جویبارهای
 آردش کنز آن عبقانه راه سپرند و درس ایشان را در جو اندری و محبت و آزادی و
 مفاد آراستگی بیاموزند و جمال ظاهر و کمال باطن خود را در شوی بازلال آن چشمه ساران بخوبی
 برای این خادم زبان و ادب فارسی که به شکرانه تجدید فعالیت نگارها
 این سال را به قصد چنان برالتی برای فارغ التحصیلان دوره متوسطه، علامه به ثمرت
 در ازبکون تحصیلات عالی تهیه و تدوین کرده است، اگر در اجرای نقش خویش - تمهید
 مقدمات آشنایی و ایجاد ذوق پویایی در آنان - توفیق و لواذک یابد پادش خود را
 دریافته است.

تیرماه ۱۳۶۱ : کاظم - کاظمی

فصل اول : دستور زبان فارسی

از صفحه ۹ تا ۱۴	۱- اسم
" " ۱۴ تا ۱۶	۲- صفت
" " ۱۶ تا ۲۰	۳- فعل
" " ۲۰ تا ۲۲	۴- قید
" " ۲۲ تا ۲۳	۵- حروف
" " ۲۳ تا ۲۵	۶- اصوات

مفردات

صفحه ۲۵	۷- مبحث الف
" ۲۵	۸- مبحث این و آن
" ۲۶	۹- مبحث با
" ۲۶	۱۰- مبحث تا
" ۲۷	۱۱- مبحث چون
" ۲۷	۱۲- مبحث چه
" ۲۷	۱۳- مبحث را
" ۲۸	۱۴- مبحث که
" ۲۸	۱۵- مبحث همه
" ۲۹	۱۶- مبحث ی
از صفحه ۳۰ تا ۳۳	۱۷- تمرین‌های مربوط به بخش دستور
" " ۳۴ تا ۴۰	۱۸- سی تست در شناخت ویژگیهای کلمه
" " ۴۰ تا ۴۵	۱۹- نقش و حالت کلمه در جمله
" " ۴۵ تا ۴۸	۲۰- مبحث اضافه
" " ۴۸ تا ۵۵	۲۱- سی تست در شناخت نقش کلمه

فصل دوم : لغت

از صفحه ۵۶ تا ۸۱	۲۲- لغت و معنی
" " ۸۱ تا ۹۲	۲۳- لغات متشابه

از صفحه ۹۳ تا ۹۴	۲۴ - لغات مترادف
" " ۹۵ تا ۹۶	۲۵ - لغات متضاد
" " ۹۷ تا ۱۰۲	۲۶ - لغات و ترکیبات عربی
" " ۱۰۳ تا ۱۰۶	۲۷ - سی تست درباره لغات
	فصل سوم : املاء
از صفحه ۱۰۸ تا ۱۳۰	۲۸ - املاء
	فصل چهارم : تاریخ ادبیات
از صفحه ۱۳۲ تا ۱۳۵	۲۹ - مقدمه‌ای درباره‌ی زبان
" " ۱۳۶ تا ۱۳۸	۳۰ - تحول و تطور نثر فارسی
" " ۱۳۸ تا ۱۳۹	۳۱ - تعریف شعر
" " ۱۳۹ تا ۱۴۳	۳۲ - انواع شعر
" " ۱۴۴ تا ۱۴۸	۳۳ - آرایشهای لفظی و معنوی شعر
" " ۱۴۹ تا ۱۶۱	۳۴ - برگزیده آثار نظم و نثر فارسی
" " ۱۶۲ تا ۱۶۷	۳۵ - سی تست درباره‌ی تاریخ ادبیات
	فصل پنجم : گزینش کلمه
از صفحه ۱۶۹ تا ۱۷۷	۳۶ - ۶۰ تست گزینش کلمه یا کلمات
	فصل ششم : درک معنی و مفهوم
از صفحه ۱۷۸ تا ۱۸۴	۳۷ - سی تست درک و معنی مطلب
	فصل هفتم : تستهای متنوع
از صفحه ۱۸۵ تا ۲۶۰	۳۸ - پانصد تست مختلف مطالب ادبی
	فصل هشتم : تستهای کنکور، سالهای ۵۷ و ۵۸
از صفحه ۲۶۱ تا ۲۸۸	۳۹ - ۱۸۰ تست آزمون سراسری دانشگاهها
از صفحه ۲۸۹ تا ۲۹۷	۴۰ - پاسخ تمرینها و تستها به ترتیب

دستور زبان

در سرآغاز مجموعه - که به منظور آموزش و آزمون ادبیات فارسی برای شرکت در کنکور دانشگاهها تهیه گردیده است - ضروری می دانند من باب یادآوری و تجدید آشنائی با مباحث مهم دستور زبان فارسی (شناخت ویژگیهای کلمه ها و نقش کلمه در جمله) که گمال اهمیت را دارد مطالبی با رعایت اختصار و در پاره ای موارد تنها با اشارتی کوتاه عنوان شود ، امید که با دقت در مطالعه و فراگیری مطالب آن و بذل کوشش و صرف وقت در حل تمرینهای مفید و فراوانی که در ذیل هر مبحث درج گردیده ، موجبات توفیق در آزمون بیش از پیش فراهم گردد .

می‌دانیم که موضوع دستور زبان فارسی - که فن درست خواندن و درست نوشتن را به ما می‌آموزد - حرف، کلمه و کلام (جمله) است.

حرف یا حروف؛ نشانه‌هایی هستند که الفبای زبان را تشکیل می‌دهند که در زبان فارسی با آمیختگی به زبان عرب (به حرمت دین) سی و سه حرف یا نشانه می‌باشد: ا، ب، پ، ت، ث، ج، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ف، ق، ک، گ، م، ن، ی. کلمه؛ عبارت است از ترکیب چند حرف که دارای معنی و مفهومی باشد؛ مانند:

ایران، آزاد، بینا، ایشان، بی‌درنگ، می‌خورشیم، چهلمین، آخ...

جمله؛ عبارت است از ترکیب چند کلمه که رابطه‌ای بین آنها برقرار بوده مقصودی را به شنونده یا خواننده القا کند، مانند؛ "ز دانش دل پیر برنا بود"،

در این فصل از این مجموعه - که صرفاً "برای شرکت کنندگان در آزمون دانشکده‌ها تهیه شده روشی نو و کوششی تازه معمول می‌گردد که شما را نخست با انواع کلمه‌های فارسی که بر طبق نظر استادان فن و آخرین پژوهشهای دستوری به شش دسته مهم؛ "اسم، صفت، فعل، قید، حروف و اصوات" تقسیم می‌شوند به طور خیلی مختصر آشنا نماید و پس از آموزش لازم و ارائه نمونه و مثال و شاهد کافی در اختتام هر فصل، سپس تستهای متنوع و برگزیده‌ای نظیر تستهای آزمون دانشگاه، در آخر همین مبحث درج و به آزمون آنچه فرا گرفته‌اید بپردازد.

اسم

اسم: کلمه‌ای است که بدان انسان یا حیوان یا نبات یا چیزی را نامند. مانند: بیژن، منیژه، پسر، مامک، طوطی، گوزن، سرو، نخل، دریا، آب، بینش، رفتار، آرزو.
اسم را به جهات گوناگون به انواع مختلفی تقسیم کرده‌اند؛

۱- اسم
مفرد - اسمی است که بر یکی دلالت کند. مانند: پدر، موز، درخت، سخن، دانش....
جمع - اسمی است که بیش از یکی دلالت کند. مانند: پدران، موران، درختها، سخنان.

۲- اسم
عام - اسمی است که بر افراد یک نوع دلالت کند. مانند: شهر، کشور، رود، مرد، کتاب...
خاص - اسمی است که بر فرد یا شیء مشخص دلالت کند: تهران، چین، کارون، علی....

۳- اسم
ذات - اسمی است که وجود خارجی داشته باشد. مانند: روباه، پنیر، برگ، شب، گنج....
معنی - اسمی است که وجود مادی و خارجی نداشته باشد. مانند: جوانمردی، رنج، طمع، پیام

۴- اسم
جامد - اسمی است که از کلمه‌ی دیگری ساخته نشده باشد. مانند: آتش، ناخن، گیسو، کوه.
مشتق - اسمی است که از کلمه‌ی دیگر مخصوصاً "مصدر" ساخته شده باشد. مانند: کوشش
خنده، ماله، کردار، شتابزدگی، گفتار...

۵- اسم
بسیط - اسمی است که از یک کلمه یا جزء ساخته شده باشد. مانند: گل، سرا، سنگ، کتاب.
مركب - اسمی است که از دو کلمه یا بیشتر ساخته شده باشد. مانند: گلابدان، کاروانسرا.

۶- اسم
معرفه - اسمی است که نزد گوینده و شنونده مشخص باشد. مانند: طفل، کتاب، مرد
نکره - اسمی است که نزد گوینده و شنونده، مشخص نباشد. مانند: طفلی را دیدم. یک

کتاب خریدم.

- ۷- اسم مکبر - اسمی است که علامت تصغیر (چه، ک، و، ه) نداشته باشد. مانند: باغ، دختر، پسر.
- ۷- اسم مصغر - اسمی است که علامت تصغیر داشته باشد. مانند: باغچه، دخترک، پسرُو، مُردَه...
- ۸- اسم جمع - اسمی است که به صورت مفرد و به معنی جمع باشد. مانند: لشکر، دسته، گروه....

مصدر - کلمه (اسم معنی) ای است که بر انجام کار یا پدید آمدن حالتی بدون در نظر گرفتن زمان یا شخص معینی دلالت کند، و نشانه‌ی ظاهری آن "تن" و "دن" است که به آخر کلمه افزوده شده است مانند: گفتن، پیراستن، شنیدن، آوردن. انواعی دارد که عبارتند:

- ۱- مصدر اصلی - به مصدرهایی گفته می‌شود که از اصل مصدر بوده‌اند. مانند: سوختن، پریدن
- ۲- مصدر جعلی - که با افزودن "یدن" به آخر بعضی اسمها ساخته می‌شود. مانند: جنگیدن،
- ۳- مصدر بسیط - که یک کلمه یا یک جزء باشد. مانند: رستن، زدن.
- ۴- مصدر مرکب - که از دو کلمه یا بیشتر ساخته شده باشد. مانند: رها شدن، سخن گفتن،
- ۵- مصدر مَرخَم - که با حذف "ن" از آخر آن معنی مصدری را برساند. مانند: گفت و شنود.
- ۶- اسم مصدر - که از بن (ریشه) ماضی یا مضارع با افزودن پسوندهائی ساخته می‌شوند و معنی مصدری دارند، مانند:

- ۱- بن مضارع + — ش ، مانند: کاهش، پرورش، ستایش، سنجش...
- ۲- بن مضارع + ه مانند: گریه، مویه، پویه، ناله، خنده
- ۳- بن مضارع + مان مانند: سازمان، زایمان، چایمان (سرما خوردگی)
- ۴- بن مضارع + ا مانند: یارا، چرا، گنجا، شناسا
- ۵- بن ماضی + ار مانند: رفتار، گفتار، کردار، کشتار
- ۷- حاصل مصدر (که به آن اسم مصدر هم گفته می‌شود) - که با افزودن (یای مصدری) به آخر اسم، صفت و ضمیر ساخته شده و معنی مصدری می‌دهد. مانند: مردی، نیکی، جوانمردی،

ضمیر - کلمه‌ای است که در کلام یا جمله جانشین (اسم) می‌شود، و بر دو نوع تقسیم کرده‌اند

۱ - ضمایر منفصل شخصی (جدا) - من ، تو ، او (وی) ما ، شما ، ایشان (آنها - آنان)

۲ - ضمایر متصل شخصی - م ، ت ، ش ، مان ، تان ، شان

ضمیر اشاره - هر گاه " این و آن " که ادات اشاره هستند در جمله به جای اسم بنشینند، ضمیر اشاره نامیده می‌شوند، مانند: این را چندین بار خوانده‌ام ولی آن را هنوز نخوانده‌ام، که (این و آن) در دو جمله به جای (کتاب) به کار رفته است.

ضمیر مشترک - سه لفظ " خود، خویش، خویشتن " را که به جای گوینده و شنونده و دیگری می‌توان به کار برد ضمیر مشترک گویند.

(یادآوری، از ضمایر فاعلی فعلها " م، ی، د، یم، ید، ند " در مبحث فعل سخن به میان خواهد آمد)

مبهمات - کلماتی هستند که به طور مبهم و پوشیده بر کسی یا چیزی دلالت می‌کنند. معروفترین آنها عبارتند از: کس، هر، همه، فلان، بهمان، بعضی، برخی، چند، هرکس، همگی، هیچکدام، هیچیک، این و آن، هرکه. (توضیح لازم - هرگاه مبهمات با اسم همراه شوند، صفت مبهم خواهند بود. مانند: هر غنچه)

تمرین ۱ - اسمهای ذات و معنی را مشخص کند:

- ۱ - کالبد ۲ - جان ۳ - غم ۴ - دل ۵ - آرزو ۶ - شره ۷ - شرح ۸ - دد ۹ - دی - و
- ۱۰ - مملکت ۱۱ - پریدن ۱۲ - گنج ۱۳ - دوستی ۱۴ - ماله ۱۵ - رنج ۱۶ - گفتار ۱۷ - گفتار
- ۱۸ - بانگ ۱۹ - هرکس ۲۰ - گریه ۲۱ - آموزش ۲۲ - آه ۲۳ - علم ۲۴ - اندیشه.

تمرین ۲- اسمهای جامد و مشتق را در اسمهای زیر مشخص سازید:

- ۱- سودا ۲- یارا ۳- عنقا ۴- چرا ۵- سپیدار ۶- رخسار ۷- کوهسار ۸- گفتار ۹- خرداد
 ۱۰- آیه ۱۱- ناله ۱۲- کوهه ۱۳- دانشکده ۱۴- شتابزدگی ۱۵- کژی ۱۶- گفتگو ۱۷- گردان
 ۱۸- سخن ۱۹- توانائی ۲۰- زندگی .

تمرین ۳- اسمهای معنی ، مشتق ، مبهم را در ابیات زیر پیدا کنید :

هیچ دانی تا خرد به یا روان	من بگویم گر بداری استوار
اگر شیرین و پرمغز است بارت	تورا خوب است چون گفتار ، کردار
همه در هوای فریدون بدند	که از جور ضحاک دل خون بدند
هر که آمد عمارتی نو ساخت	رفت و منزل به دیگری پرداخت

تمرین ۴- مصدر ، اسم مصدر ، حاصل مصدر ابیات زیر را معین کنید :

ز دانش چو جان ترا بهره نیست	به از خامشی هیچ پیرایه نیست
بالای سرش ز هوشمنندی	می تافت ستاره‌ی بلندی
حافظ ز غم از گریه نپرداخت به خنده	ماتم زده را داعیه‌ی سوز نماندست
ندانست خود جز بد آموختن	جز از کشتن و غارت و سوختن
چون تویی تو هنوز از تو نرفت	سوختن باید ترا در نار تفت
سخن عشق نه آن است که آید به زبان	ساقیا! می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت
تن ز جان و ، جان زن مستور نیست	لیک کس را دید جان دستور نیست

تمرین ۵- انواع ضمیرها را در اشعار زیر معین کنید :

گو دلم حق وفا با خط و خالت دارد	محترم دار در آن طره عنبر شکنش
چنان شرم دار از خداوند خویش	که شرم ز همسایگاه است و خویش
سرآورد و دست ، از عدم در وجود	در این جود بنهاد و در آن ، سجود
روزها فکر من این است و همه شب سخنم	که چرا غافل از احوال دل خویشتم

پاسخ تمرین ۱- اسمهای شماره‌ی ۱ و ۴ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۹ اسم ذات هستند و اسمهای شماره‌ی ۲ و ۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ اسم معنی‌اند.

پاسخ تمرین ۲- اسمهای شماره‌ی ۱ و ۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ اسم جامداند و اسمهای شماره‌ی ۲ و ۴ و ۸ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۹ و ۲۰ اسم مشتق هستند.

پاسخ تمرین ۳- اسمهای ۱: "خرد، روان، گفتار، کردار، هوا، جور" اسم معنی، و "گفتار، کردار" اسم مشتق، و "همه، هرکس، دیگری" اسم مبهم می‌باشند.

پاسخ تمرین ۴- کلمه‌های ۱: "بدآموختن، کشتن، سوختن" مصدر اصلی و "دانش، گریه، خنده" اسم مصدر و "خامشی، هوشمندی، بلندی، تویی" حاصل مصدر و "گفت، شفت، دید" مصدر مرخم می‌باشند.

پاسخ تمرین ۵- در بیت اول به ترتیب: "م، ت، ش" ضمیر متصل شخصی هستند، در بیت دوم به ترتیب "خویش" در مصراع اول ضمیر مشترک، و "ت" ضمیر متصل شخصی است، در بیت سوم "این، آن" ضمیر اشاره هستند، در بیت آخر "من" ضمیر منفصل، "این" ضمیر اشاره، "م"، "درسخنم" ضمیر متصل، "خویشتن" ضمیر مشترک می‌باشد.

صفت

صفت کلمه‌ای است که به اسم افزوده می‌شود و حالت کمی و کیفی آن را توصیف می‌کند، و اقسامی دارد:

- ۱- صفت ساده، مانند: تلخ، بلند، سخت، روشن، محکم، شریف، خشن
- ۲- صفت فاعلی، مانند: گوینده، شنوا، خندان، خریدار، آفریدگار، ستمکار، دادگر
- ۳- صفت مفعولی، مانند: شکسته، آفریده، رونوشت، ناشناخته
- ۴- صفت نسبی، مانند: خراسانی، چوبین، پشمینه، راهوار، سده، گروگان، مادرانه، روحانی
- ۵- صفت اشاره، مانند: "این و آن" در این جمله (این سخن در آن مجلس غوغایی به پا کرد.)
- ۶- صفت شمارشی، مانند: هفت روز، چهل شب، سال اول، کلاس چهارم، نخستین روز
- ۷- صفت پرسشی، مانند: کدام سخن؟ چه کاری؟ هیچ کار نکرده‌ای؟ چقدر سرمایه لازم داری؟
- ۸- صفت تعجبی، مانند: چه هوای فرحبخشی! عجب دل سختی! چقدر گران!
- ۹- صفت مبهم، مانند: چند کتاب خریدم. هر گلی بویی دارد. بعضی اشخاص بدبین هستند.
- ۱۰- صفت سنجشی، مانند: کمتر، داناتر، گرمتر (تفضیلی)، کمترین، داناترین، سردترین (عالی)

صفت اگر یک کلمه یا جزء باشد آن را "بسیط" نامند. مانند: سبز، پریشان، هزاره، هر، پر، بد و اگر از دو کلمه یا جزء ترکیب یافته باشد آن را "مرکب" نامند. مانند: پریشان روزگار، پر طاقت، بد سرشت.

صفت‌های فاعلی و مفعولی چون مرکب شوند علامت فاعلی (نده) و مفعولی (ه) از بن آنها ساقط می‌شود. مانند "دلنواز" که در اصل (دلنوازنده) بود، و همچنین "دانش‌آموز"، "رونوشت" که (رو نوشته) بوده است و "خدا داد"

تمرین ۶- نوع صفت‌های زیر را مشخص کنید:

- ۱- جویان ۲- ملی ۳- فلان ۴- دانشجو ۵- چهلمین ۶- دوران‌دیش ۷- به ۸- صغیر ۹- رَسا

۱۸- برخی ۱۹- چگونه ۲۰- مهین ۲۱- گرفتار ۲۲- حکیمانہ ۲۳- حلال ۲۴- پویا

تمرین ۷- در اجیات زیر صفتها را با ذکر نوع آنها مشخص سازید:

ببلبل گوینده بر منابر اغصان

اول اردیبهشت ماه جلالی

هر بندی اوفتاده به جایی و مفصلی

آن پنجهی کمانکش و انگشت خوشنویس

روان همچنان کز^۲ بط کشته ، خون

می لاله گون از بط^۱ سرنگون

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

۵- شمارشی ۶- مرکب ۷- سنجشی (تفصیلی) ۸- ساده ۹- فاعلی ۱۰- نسبی ۱۱- شمارشی

۱۲- مبهم ۱۳- نسبی ۱۴- فاعلی ۱۵- فاعلی مرکب ۱۶- مفعولی مرکب مرخم (گردآلوده)

۱۷- اشاره ۱۸- مبهم ۱۹- پرسشی ۲۰- سنجشی (عالی) ۲۱- مفعولی ۲۲- نسبی ۲۳- ساده

(بیانی) ۲۴- فاعلی

پاسخ تمرین ۷- به ترتیب : ۱- " درفشان = صفت فاعلی " ۲- " شیرین سلک = بیانی مرکب "

۳- " پر لیکھ = بیانی مرکب " ۴- " سیہ = بیانی " ۵- " اول = صفت شمارشی " ۶- " جلالی =

صفت نسبی " ۷- "گوینده = صفت فاعلی ۸- "آن = صفت اشاره " ۹- "کمانکش = صفت

فاعلی مرکب مرخم " ۱۰- " خوشنویس = فاعلی مرکب مرخم " ۱۱- " هر = صفت مبهم

۱۲- " لاله گون = صفت بیانی مرکب " ۱۳- " سرنگون = صفت بیانی مرکب " ۱۴- " روان = صفت

فاعلی " ۱۵- کشته = صفت مفعولی ۱۶- " چه = صفت تعجبی " ۱۷- " آن = صفت اشاره "

۱۹- " تازه = صفت ساده، مقدم بر موصوف (برات) آمده است .

فعل

فعل کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا پدید آمدن حالتی و صفتی در یکی از سه زمان گذشته (ماضی)، حال (مضارع) و آینده (مستقبل) دلالت کند. مانند: نوشتم، بنویسم، خواهم نوشت.

الف - فعل ماضی "گذشته" پنج نوع است که صیغه (ساخت) های شگانه‌ی آنها به شرح زیر صرف می‌گردد.

- ۱- ماضی مطلق (ساده) : نوشتم، نوشتی، نوشت نوشتیم، نوشتید، نوشتند
 - ۲- ماضی استمراری: می‌نوشتیم، می‌نوشتی، می‌نوشت می‌نوشتید، می‌نوشتند
 - ۳- ماضی نقلی: نوشته‌ام، نوشته‌ای، نوشته‌است نوشته‌ایم، نوشته‌اید، نوشته‌اند
 - ۴- ماضی بعید: نوشته‌بودم، نوشته‌بودی، نوشته‌بود نوشته‌بودیم، نوشته‌بودید، نوشته‌بودند
 - ۵- ماضی التزامی: نوشته‌باشم، نوشته‌باشی، نوشته‌باشد نوشته‌باشیم، نوشته‌باشید، نوشته‌باشند
- ب - فعل مضارع " حال " بر دو نوع است که چنین صرف می‌شود:

- ۱- مضارع اخباری: می‌نویسم، می‌نویسی، می‌نویسد می‌نویسیم، می‌نویسید، می‌نویسند
 - ۲- " التزامی: بنویسم، بنویسی، بنویسد بنویسیم، بنویسید، بنویسند
- ج - فعل مستقبل "آینده" یک قسم بیش نیست که از مصدر "نوشتن" چنین ساخته می‌شود
- مستقبل (آینده): خواهم نوشت، خواهی نوشت، خواهد نوشت، خواهیم نوشت، خواهید نوشت، خواهند نوشت

د - فعل امر و نهی هر یک دارای دو صیغه (ساخت) است به شرح زیر، از مصدر "نوشتن"

امر = بنویس، بنویسید نهی = م‌نویس، م‌نویسید

فعل لازم - فعلی است که تنها با فاعل (نهاد) معنی جمله کامل باشد . مانند : برف آمد ، مرغ پرید
فعل متعدی - فعلی است که معنی جمله علاوه بر فاعل به مفعول نیازمند شود . مانند : برف " زمین "
را پوشانید . مرغ " دانه " را خورد

فعل معلوم - فعل متعدی است که فاعلش در جمله ذکر شده باشد . مانند : قصاب مرغ را کشت .
یا دو جمله ی فوق .

فعل مجهول - فعل متعدی است که فاعلش در جمله ذکر نشده باشد . مانند : مرغ کشته شد . زمین .
پوشیده شد .

فعل ربطی - فعلهایی که از مصدر : استن ، بودن ، شدن ، گشتن ، گردیدن " ساخته شوند فعلهای
ربطی نامیده می شوند مانند : " چو شب گشت پیدا و شد روز تار = چون شب پیدا گشت و روز تار
شد " . هوا سرد است . دوش در حلقه ی ما قصه ی گیسوی تو بود . سخن بگو که کلامت لطیف
و موزون است .

افعال مُعین - مصدرهای : استن ، بودن ، خواستن ، شدن " را که با کمک آنها به ترتیب ، ماضی نقلی
بعید ، التزامی ، فعل مستقبل و فعل مجهول ساخته می شوند ، فعلهای مُعین (کمکی) می نامند .
نشانه های ' م ، ی ، د - یم ، ید ، ند " که در آخر ساختهای فعل به چشم می خورند (ضمیر فاعلی)
نامیده می شوند .

تمرین ۸ - از مصدرهای زیر " ماضی استمراری و مضارع اخباری بسازید ، (اول شخص مفرد)

- ۱ - فروختن ۲ - آفریدن ۳ - کاستن ۴ - کاشتن ۵ - شناختن ۶ - طلب کردن ۷ - اندوختن -
- ۸ - جُستن ۹ - جُستن ۱۰ - انگاشتن ۱۱ - پختن ۱۲ - دوختن

تمرین ۹ - چه نوع فعلی هستند ؟ (از نظر زمان)

- ۱ - می کوش ۲ - منه ۳ - برانگیخت ۴ - نماند ۵ - می دیده است ۶ - بُد ۷ - بنشیند ۸ - دیده
- باشی ۹ - گسترده بودم ۱۰ - بدهد ۱۱ - خواهم خواست ۱۲ - بنگر

تمرین ۱۰- معین کنید کدام یک از افعال زیر لازم اند و کدام متعدی؟

- ۱- همی خروشم ۲- برده باشد ۳- شنیده اند ۴- سوخت ۵- می گریزد ۶- خواهم خریــــد
۷- باشم ۸- بگویی ۹- ریخت ۱۰- بست ۱۱- شکست ۱۲- دوانید

تمرین ۱۱- فعلهای معلوم زیر را به صورت مجهول صرف کنید:

- ۱- نوشت ۲- دیدی ۳- کشتند ۴- خواهم دید ۵- می بردیم ۶- طلب کردم ۷- می گویــــد
۸- می زدید ۹- بخواند ۱۰- سوخته ام ۱۱- دیده بود ۱۲- می بندد

تمرین ۱۲- زمان و نوع افعال را در ابیات زیر معین کنید:

- | | |
|-------------------------------|---|
| چون که گل رفت و گلستان درگذشت | نشنوی ^۱ از آن پس ز بلبل سرگذشت |
| درختت گر ز حکمت بار دارد | به گفتار آی و بار خویش می بار |
| مپذیر قول جاهل تقلیــــدی | گرچه به نام ، شهره ی دنیا شد |
| جوانی به دانگی کرم کرده بود | تمنای پیری برآورده بــــود |

- پاسخ تمرین ۸- ۱- می فروختم (ماضی استمراری) . می فروشم (مضارع اخباری)
۲- می آفریدم ، می آفرینم ۳- می کاستم ، می کاهم ۴- می کاشتم ، می کارم ۵- می شناختم ، می شناسم
۶- طلب می کردم ، طلب می کنم . ۷- می اندوختم ، می اندوزم ۸- می جستم ، می جهم ۹- می جستم
می جویم ۱۰- می انگاشتم ، می انگارم ۱۱- می پختم ، می پزم ۱۲- می دوختم ، می دوزم .

- پاسخ تمرین ۹- ۱- امر استمراری ۲- نهی ۳- ماضی پیشوندی (ساده) ۴- مضارع منفی
۵- ماضی نقلی استمراری ۶- ماضی ساده ۷- مضارع التزامی ۸- ماضی التزامی ۹- ماضی بعید
۱۰- مضارع التزامی ۱۱- مستقبل ۱۲- امر .

۱- هرگاه بر سر فعلهای سه گانه (ماضی ، مضارع و مستقبل) نونی درآید فعل منفی می شود ، مانند : نرفت ، نخواهم رفت ، نمی روم .

- پاسخ تمرین ۱۰- ۱- لازم ۲- متعدی ۳- متعدی ۴- لازم، متعدی ۵- لازم ۶- متعدی
- ۷- لازم ۸- متعدی ۹- لازم، متعدی ۱۰- متعدی، لازم ۱۱- لازم، متعدی ۱۲- متعدی.
- پاسخ تمرین ۱۱- ۱- نوشته شد ۲- دیده شدی ۳- کشته شدند ۴- دیده خواهم شد
- ۵- برده می شدیم ۶- طلب کرده شدم ۷- گفته می شود ۸- زده می شدید ۹- خوانده ش—ود
- ۱۰- سوخته شده ام ۱۱- دیده شده بود ۱۲- بسته می شود.
- پاسخ تمرین ۱۲- ۱- رفت = ماضی ساده ۲- درگذشت = ماضی ساده پیشوندی ۳- نشنوی =
- مضارع منفی ۴- دارد = مضارع التزامی ۵- آی = فعل امر ۶- می بار = امر استمراری ۷- می پذیر =
- فعل نهی ۸- شد = فعل ربطی (ماضی) ۹- کرم کرده بود = ماضی بعید مرکب ۱۰- برآورده
- بود = ماضی بعید پیشوندی

قید

قید کلمه یا ترکیبی است که مفهوم فعل یا صفت یا قید دیگری را به چیزی از قبیل: زمان، مکان، کیفیت، کمیت و مقید می‌سازد. بعضی از آنها که همیشه به عنوان قید به کار می‌روند مانند: همیشه، همواره، هرگز، هنوز، جز، ناگاه، فوراً، "لطفاً" (کلمات تنوین‌دار) قید مختص نامیده می‌شوند و برخی را که گاه قید و گاه صفت و گاه اسم هستند، قید مشترک گویند، مانند: سخت، شب، سال، خوب، شیرین، محکم ...

قید از نظر معنی اقسام فراوانی دارد که معروفترین آنها عبارتند از:

- ۱- قید زمان: همیشه، هنوز، ایدون، پیوسته، زود، روز، دوش، ناگاه، اینک، دائماً، الآن
- ۲- قید مکان: اینجا، پس، بالا، چپ، یمن، زیر، ایدر، شرقاً، غرباً، خارج، پیرامون
- ۳- قید مقدار: چندان، کم، پاک، لختی، بسا، هیچ، قطره‌قطره، سراسر، بکلی، کلاً، لااقل
- ۴- قید حالت: آهسته، خوب، پیاده، سربسته، عاقلانه، آسان، پرسان‌پرسان، عالماً، صریحاً
- ۵- قید تأکید: هرآینه، بلی، بناچار، لاجرم، بی‌شک، البته، لابد، حتماً، مطمئناً، ابداً، نیز
- ۶- قید ترتیب: نخست، باز، دوباره، سرانجام، آنگاه، دوبه‌دو، ثانیاً، بعداً، متوالیاً، دسته‌دسته
- ۷- قید تردید و شک: مگر، شاید، گویی، گویا، پنداری، احتمالاً، بلکه
- ۸- قید استفهام: کی، چند، چرا، چون، برای چه، آیا، مگر، هیچ، کدام، چقدر، چطور
- ۹- قید علت: چرا، چون، زیرا، ازیرا، از آن، از این جهت، از آنروی، بدلیل
- ۱۰- قید استثناء: جز، مگر، جزکه، الا، مگرکه، غیر
- ۱۱- قید شرط: اگر، اگرچه، هرگاه، هر وقت
- ۱۲- قید تمنا و آرزو: کاش، ای‌کاش، کاشکی، بویکه، بودکه، باشد که، لطفاً

۱۳- قید تکرار: باز، دیگر، دو دیگر، سه دیگر، دوباره، دگر

۱۴- قید نفی: نه، خیر، هرگز، هیچ، اصلا، "ابدا"، "بهیچوجه، مطلقا"

۱۵- قید سوگند: به خدا، به جان، خدارا، به مولا، برای رضای خدا

تمرین ۱۳- قیدهای مختص و مشترک را مشخص کنید؛

- ۱- هماره ۲- فوق ۳- زشت ۴- غالبا ۵- دوش ۶- بی تردید ۷- استثنائا ۸- طبیبانه ۹- ایدر
۱۰- وانگاه ۱۱- هیچ ۱۲- بامداد ۱۳- درشت ۱۴- جبرا .

تمرین ۱۴- قیدهای ابیات و عبارات زیر را با ذکر نوع معین کنید؛

و گر نشنود بودنیهها درست	بیاید هم اکنون ز جان دست شست
دلی افسرده دارم سخت بی نور	چراغی زو به غایت روشنی دور
منجنیق آه مظلومان به صبح	سخت گیرد ظالمان را در حصار
گرم سخن درشت نگویم تو نشنوی	بی جهد از آینه نبرد زنگ، صیقلی
تا به تحقیق مرا منزل وره ننمایی	یکدم آرام نگیرم نفسی دم نزنم
دوش بامن گفت پنهان کاردانی تیزهوش	کز شما پنهان نشاید کرد سرّ می فروش

پاسخ تمرین ۱۳- ۱- مختص ۲- مشترک ۳- مشترک ۴- مختص ۵- مشترک ۶- مشترک

۷- مختص ۸- مشترک ۹- مختص ۱۰- مختص ۱۱- مشترک ۱۲- مشترک ۱۳- مشترک ۱۴- مختص

پاسخ تمرین ۱۴- ۱- اگر = قید شرط ۲- درست = قید حالت ۳- هم اکنون = قید

زمان ۴- سخت = حالت ۵- به غایت = قید مقدار ۶- به صبح = قید زمان ۷- سخت = قید

حالت ۸- درشت = قید حالت ۹- بی جهد = قید حالت ۱۰- به تحقیق = قید تاکید و ایجاب

۱۱- یکدم = قید زمان ۱۲- نفسی = قید زمان ۱۳- دوش = قید زمان ۱۴- پنهان = قید حالت

حروف :

حروف کلماتی هستند که به تنهایی معنی مستقلی ندارند ولی در به هم پیوستن اجزای جمله به یکدیگر یا ربط دو جمله به هم به کار می‌روند و بر دو دسته تقسیم می‌شوند؛ حرف اضافه، حرف ربط

۱- حروف اضافه - کلماتی هستند که کلمه یا عبارتی را به یکی از اجزای جمله می‌پیوندند و متمم اسم یا فعل می‌سازند، مانند: "جسم خاک از عشق بر افلاک شد" حروف اضافه‌ی "از" عشق را متمم جسم و "بر" افلاک را متمم شد ساخته است. معروفترین حروف اضافه عبارتند از: از، در، بر، به، با، تا، را، برای، پی، نزد، سوی، پیش، بهر، نزدیک، از بهر، از برای، به غیر از، از پی، در نزد، چون، اندر...

۲- حروف ربط یا پیوندی - کلمه‌ای است که دو کلمه یا دو جمله را به هم ربط داده می‌پیوندد. مانند: "ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند" یا "کسب کمال کن که عزیز جهان شوی". معروفترین آنها عبارتند از: و، ولی، ولیک، مگر، نه، چه، نیز، هم، با، تا، خواه، که، اگر، اما، پس، باری، چون، سپس، لیکن، بلکه، بنابراین، تا اینکه، چنانکه، هرچند، چنانچه، همینکه...

تمرین ۱۵- حروف اضافه و ربط را در ابیات زیر مشخص کنید:

از آن پس نه پر خاش جویی نه کین	به نیزه ز اسبت نهم بر زمین
تو شاهی و گردنکشان چون رمه	بدان گفتم این، تا بدانی همه
که از وی گزیرت بود یا گزیر	چو جنگ آوری با کسی بر ستیز
هر شبی تا صبح دیوان ابوالقاسم حسن	توهمی سوزی و من بر توهمی خوانم به مهر

پاسخ تمرین ۱۵- به ترتیب در بیت اول (به ، ز ، بر) حرف اضافه و (نه ، نه) حرف ربط در بیت دوم (تا ، و) حرف ربط و (چون = مانند) حرف اضافه . در بیت سوم (با ، از) حرف اضافه و (چو ، که ، یا) حرف ربط . در بیت آخر (و) حرف ربط و (بر ، به ، تا) حرف اضافه می باشد .

اصوات:

اصوات یا شبه جمله ها ، کلماتی هستند که بر حالات درونی و عاطفی گوینده یا نویسنده ، چون : غم ، شادی ، تحسین ، خشم ، تعجب ، نفرت ، دعا و افسوس ، دلالت می کنند ، انواع معروف آن عبارتند :

- ۱- اصوات تحسین و شادی : به به ، آفرین ، زه ، خوشا ، حبذا ، بارک الله ، خنک
- ۲- " غم و تأسف : افسوس ، دریغا ، آوخ ، آه ، دردا ، داد ، فریاد ، هیبات
- ۳- " تعجب و شگفتی : به ، عجب ، وه ، عجبا ، شگفتا ، وه وه ، یاللعجب
- ۴- " تحذیر و تنبیه : زنهار ، پرهیز ، مبادا ، باخیر ، الفرار ، الحذار ، الا ، هان ، هین
- ۵- " آرزو و تمنا : کاش ، کاشکی ، ای کاش ، بوکه ، انشاءالله
- ۶- " تصدیق : آری ، بلی ، البته
- ۷- " ندا : ای ، ایا ، یا ، ا (الف آخر اسم ، مانند : خدایا ، سعدیا)
- ۸- " دعا : شب خوش ، سفر به خیر ، بامداد نیکو

تمرین ۱۶ - انواع اصوات را در ابیات زیر مشخص سازید؛

تو که سود و زیان خود ندانی	به یاران کی رسی ، هیهات هیهات
همی گفتم که خاقانی دریغاگوی من باشد	دریغا! من شدم آخر دریغاگوی خاقانی
زینهار! از قرین بد ، زینهار!	و قننا رینسا عذاب النار
خنک آن که آسایش مرد و زن	گزیند بر آسایش خویشتن
بارک الله ! عجب نکوگفتی	گوهر مدح شه نکو سفتی

پاسخ تمرین ۱۶ - ۱ - هیهات ، دریغا = از اصوات غم و تاسف ۲ - زینهار ، زینهار = از اصوات

تنبیه و تخدیر ۲ - خنک = صوت تحسین ۴ - بارک الله = از اصوات تحسین و شادی

مفردات

۱- **مبحث الف:** الف اگر بصورت پسوند در آخر کلمه‌ای درآید به آن کلمه معنای خاصی می‌بخشد و خود به همان معنی نامیده می‌شود. معروفترین الف الحاقی عبارتند از:

- ۱- الف ندا: خدایا، ملکا، حافظا، دلا، (سعدیا، چندانکه می‌دانی بگوی)
- ۲- الف تفخیم: کردگارا، بزرگا، (بزرگا! مردا! که این دو تن‌اند)
- ۳- الف تعجب: شکفتا، عجبا، صعبا (صعبا: فریبنده که این دینار و درم است)
- ۴- الف دعا: بودا، کناد، مبادا، (مبادا که بهمن شود تاجدار)
- ۵- الف صفت فاعلی: شنوا، بینا، جویا (دمی شدم ز اسارت رها که دانستم)
- ۶- الف تأسف: دردا، دریغا، واحسرتا (دردا! که به لب رسید جانم)
- ۷- الف مصدری: کرما، سرما، درازا، چرا، گنجا، ژرفا (نیست گنجایی دو من در یک سرا)
- ۸- الف إشباع: بیژنا، مسلمانا، "بهیچید بر خویشتن بیژنا"، عابد و زاهد و مسلمانا
- ۹- الف زائد: گفتا، ندانما، "گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سرآید،
- ۱۰- الف تنوین: مطلقا، عمدا، "او پوستین خویش به عمدا" همی درید"

۲- **مبحث "این و آن":** این و آن، که برای اشاره به نزدیک و دور به کار می‌رود، اقسامی دارد!

- ۱- "صفت اشاره": هر گاه با مُشارِالیه خود در جمله ذکر شوند، مانند: (این مرد در آن سال فداکاریها کرد.)
- ۲- "ضمیر اشاره": هر گاه بی مُشارِالیه در جمله ذکر شوند، مانند: (گر این را براند که برداردش / گر آن را بخواند که نگذاردش)

- ۳- " مبهمات " : هرگاه مشارالیه مشخصی نداشته باشند . مانند : (بهردوان منت این و آن را مکش)
- ۴- " ضمیر ملکی " : هرگاه (آن) معنی ملکیت را برساند . مانند : (از سقف خانه تا به ثریا از آن تو)
- ۵- " اسم معنی " : هرگاه (آن) کیفیتی وصف ناشدنی را در خوبان برساند . مانند : (اینکه می گویند آن بهتر از حسن)
- ۶- " قید زمان " : هرگاه (آن) زمانی کوتاه را برساند . مانند : (یک آن ازشکر خدا غافل نیست .)

۳- مبحث با " :

- ۱- " پیشوند " : با اسم ترکیب شده صفت می سازد . مانند :
- هم به نسبت دان و فاق ای منتخب این دو ضد با ادب یا بی ادب
- ۲- " حرف ربط " به معنی " و " مانند :
- فرق است میان آن که یارش در ——— با آن که دو چشم انتظارش ——— در
- ۳- " حرف اضافه " به معنی ، مصاحبت ، استعانت ، با وجود ، ظرفیت ، نزد و پیش ، مانند :
- عشق تو در وجودم و مهر تو در دلم با شیر اندرون شد و با جان بسدر شود

۴- مبحث " تا " :

- ۱- " حرف اضافه " هرگاه (تا) در جمله با متمم ذکر شود و یا زمان و مکان را برساند ، مانند :
- میان ماه من تا ماه گـردون تفاوت از زمین تا آسمان است
- ۲- " حرف ربط " در سایر موارد (تا) حرف ربط بوده و معانی مختلفی دارد . مانند :
- نام نیک رفتگان ضایع مکن تا بماند نام نیکت برقرار

۵- مبحث "چون":

۱- "قید علت"، مانند: گر ما می و معشوق پرستیم رواست چون عاقبت کار همین خواهد بود

۲- "قید استفهام"، مانند:

طفل می‌گیرد چو راه خانه را گم می‌کند چون نگریم من که صاحبخانه را کم کرده‌ام

۳- "حرف ربط"، مانند:

سخن چون برابر شود با خرد ز گفتار گوینده رامش برسد

۴- "حرف اضافه" وقتی که به معنی (مانند) باشد، مانند: (گر ز مهر آید، چون مهر بتابد بر دل،)

۶- مبحث "چ":

۱- "صفت پرسشی و تعجب" به معانی تعظیم و تحقیر و کثرت، مثال برای تعظیم: (چه دلاور است

دزدی که به کف چراغ دارد)

۲- "حرف ربط" در صورتی که دو جمله را به هم بپیوندد، مانند: (ای فرزند! هنرآموز چه بی‌هنر

همه جا خوار است)

۳- "قید استفهام" به معنی چقدر و بسیار، مانند: (چه خوش باشد که بعد از انتظاری به امیدی

رسد امیدواری)

۷- مبحث "را":

۱- "علامت مفعولی"، مانند:

(در آسمان نه عجب گر ز گفته‌ی حافظ سرود زهره به رقص آورد مسیحا را)

۲- "علامت فکّ اضافه" در جمله‌هایی که بین مضاف و مضاف‌الیه فاصله افتاده یا مقدم و مؤخر شده

باشد، بلافاصله پس از مضاف‌الیه قرار می‌گیرد. مانند:

قاضی را دل به حال او سوخت = دل قاضی به حال او سوخت.

و یا در این بیت: " سال دیگر را که می داند حساب؟ " یعنی: که حساب سال دیگر را می داند؟

۳- " حرف اضافه " به معانی: از، در، بر، به، برای، مانند:

۱- " را = از ": اگر دشنام فرمایی و گرنفرین دعاگویم جواب تلخ می زبید لب لعل شکرخا را

۲- " را = در ": جز اینقدر نتوان گفت در جمال تو عیب که خال مهر و وفا نیست روی زیبا را

۳- " را = بر ": شه بد منش را خوش آمد سخن که آن سرو سیمین برافکند بن

۴- " را = به ": شکر فروش که عمرش دراز باد چرا تفقّدی نکند طوطی شکر خا را

۵- " را = برای ": ز فریب چشم جادو دل مستمند خون شد / نظری فکن به حالش بت دلربا خدا را

۸- مبحث " که ":

۱- " حرف ربط " وقتی که دو کلمه یا دو جمله را به هم پیوند دهد، مانند: یادگاری که درین گنبد دوار بماند.

آن کس که بداند و نداند که بداند بیدارش نمایید که بس خفته نماند

۲- " اسم استفهام " وقتی که جنبه‌ی پرسش و استفهام داشته باشد، مانند:

(که گل دسته بندد چو پژمرده گشت؟)

شب فراق که داند که تا سحر چند است؟ مگر کسی که به زندان عشق در بند است

۹- مبحث " همه ":

۱- " اسم مبهم "، مانند: همه از دست دشمنان نالند سعدی از دست دوستان فریاد

۲- " صفت مبهم "، هرگاه " همه " با اسمی در جمله همراه باشد برای آن اسم صفت مبهم خواهد بود، مانند:

عاشق ورندم و میخواره به آواز بلند وین همه منصب از آن حور پریش دارم

۱۰- مبحث "ی":

- ۱- مبحث "ی": "ی" که با احتساب همزه سی و سومین حرف الفبای فارس است، اقسامی دارد:
- ۱- یاء نسبت: به شعر حافظ شیراز می‌رقصند و می‌خوانند سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی
 - ۲- "وحدت": گریه حافظ چه سنجد پیش استغناى عشق کاندرین طوفان نماید هفت دریا شبنمی
 - ۳- "نکره": شده‌ام خراب و بدنام و هنوز امیدوارم که مگر خلاص یابم به دعای نیکبامی
 - ۴- "مصدری": درین بازار اگر سودی است یا درویش خرسند است خدا یا منعم گردان به درویشی و خرسندی^۱
 - ۵- "استمراری": درویش بجز بوی طعامش نشنیدی^۲ مرغ از پی نان خوردن او ریزه نچیدی^۳
 - ۶- "ضمیر فاعلی": گفתי از حافظ ما بوی ریا می‌آید آفرین بر نفست باد که خوش بردی بوی
 - ۷- "فاعلی": سیاهی لشکر نیاید به کار یکی مرد جنگی^۴ به از صد هزار
 - ۸- "مفعولی": یزدان به کمال شد پدیدار و اهریمن زشت خو حصاری^۴
 - ۹- "فعل ربطی": تو خود چه لعبتی^۵ ای نازنین شعبده‌باز که در برابر چشمی^۵ و غایت از نظری^۵
 - ۱۰- "اضافی": دوش در حلقه‌ی ما قصه‌ی گیسوی تو بود تا دل شب سخن از سلسله‌ی موی تو بود
 - ۱۱- "شک و تردید": زمین از خرمی گویی گشاده آسمانستی گشاده آسمان گویی شکفته بوستانستی
 - ۱۱- "تَمَنّا": تعبیر رفت، یار سفر کرده می‌رسد ای کاش هر چه زودتر از دَر درآمدی^۶
 - ۱۳- "تعظیم": هر آنکس که برد از خرد توشه‌ای جهانی^۷ است بنشسته در گوشه‌ای
 - ۱۴- "تحقیر": چه شکرهاست درین شعر که قانع شده‌اند شاهبازان طریقت به مقام مگسی
 - ۱۵- "تأکید": (بلرزیدی زمین لرزیدنی سخت) (راستی دفتر سعدی به گلستان ماند)
 - ۱۶- "لیاقت": تو به پاسخ نگهی کردی و در چشم زدن گفتنی^۸ گفته شد و بسته شد آن که پیمان
 - ۱۷- "نوعی": چون که بی رنگی اسیر رنگ شد موسیقی با موسیقی در جنگ شد
 - ۱۸- "شرط": گرم زمانه سرافراز داشتی^۹ و عزیز سریر عزتم آن خاک آستان بودی^۹
 - ۱۹- "ریشه‌ی کلمه": گر فراموش کند لطف خدای کی رهی زمین کشتی بی ناخدای

۱- درویش و خرسند بودن ۲- می‌بود ۳- جنگ کننده ۴- گرفتار و زندانی ۵- چه لعبت هستی، در برابر چشم هستی

۶- در می‌آمد (وارد می‌شد) ۷- به عظمت جهان است ۸- لایق گفتن ۹- می‌داشت، می‌بود.

تمرین ۱۷- نوع " الف " و " این و آن " را در ابیات زیر مشخص سازید؛

- | | |
|---|--|
| ۱- گرت سودای آن باشد کزین سودا برون آیی | زهی سودا که خواهی یافت فردا از چنین سودا |
| ۲- سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد | دلبر که در کف او موم است سنگ خارا |
| ۳- دیدی دلا که آخر پیری و زهد و علم | با من چه کرد دیده‌ی معشوقه باز من |
| ۴- من وانکار شراب این چه حکایت باشد | غالبا " این قدرم عقل و کفایت باشد |
| ۵- توانا بود هر که دانا بود | به دانش دل پیر برنا بود |
| ۶- بر رخ تو توان فشاندن جان | راستی را رخ تو آن دارد |
| ۷- مگر باز دانی نشیب از فراز | نگویی که این کوتاه است آن دراز |
| ۸- و گر خود پرستی شکم طلبه کن | در خانه‌ی این و آن قبله کن |
| ۹- بنده‌ی طالع خویشم که در این قحط وفا | عشق آن لولی سرمست، خریدار من است |

پاسخ تمرین ۱۷- ۱- " سودا = الف تعظیم و کثرت " ۲- " خارا = ریشه‌ی کلمه " ۳- " دلا = الف ندا " ۴- " غالبا " = الف تنوین ۵- توانا ، دانا = صفت فاعلی " ۶- " برنا = ریشه‌ی کلمه " ۷- " وفا = ریشه‌ی کلمه " " این و آن " - از بیت ششم به بعد به ترتیب ۱- " آن = اسم معنی " ۲- " این و آن = ضمیر اشاره " ۳- " این و آن = مبهمات " ۴- " این و آن = صفت اشاره "

تمرین ۱۸- نوع " چه " و " چون " را در ابیات زیر معین کنید؛

- | | |
|--------------------------------------|---|
| دین چو رای تو ضعیف و ظلم چون دست قوی | امن چون نانت عزیز و عدل چون عرض تو خوار |
| چو در بسته باشد چه داند کسی | که گوهر فروش است یا پهلـهـور |
| گازری از بهر چه دعوی کنی | چون که نشویی خود دستار خویش |
| تو با دشمن نفیس همخانه‌ای | چه در بند پیکار بیگانه‌ای |
| چه فضل آوریم ای پسر بر ستور | اگر همچو ایشان خوریم و مریم |

چون سخن در وصف این حالت رسید هم قلم بشکست و هم کاغذ درید

پاسخ تمرین ۱۸- ۱- در بیت اول " چو، چون، چون، " حرف اضافه هستند، به معنی: مثل و مانند ۲- در بیت دوم " چو" حرف ربط، و " چه" قید استفهام ۳- در بیت سوم "چه" اسم، و "چون" حرف ربط ۴- " چه" قید استفهام ۵- در بیت پنجم " چه" صفت پرسشی و " همچو" حرف اضافه مرکب ۶- در بیت آخر " چون" حرف ربط

تمرین ۱۹- نوع " را" و " که" را در ابیات زیر مشخص کنید.

- | | |
|---------------------------------------|---|
| ۱- غرور حسن اجازت مگر نداد ای گل | که پرسشی نکنی عندلیب شی—دا را |
| ۲- ندانم از چه سبب رنگ آشنائی نیست | سَهِی قَدانِ سِیه چشمِ ماه سیما را |
| ۳- گلستانِ ما را طراوت گذشت | که گل دسته بندد؟ چو پژمرده گشت |
| ۴- زاهد اگر به حور و قصور است امیدوار | ما را شرابخانه قصور است و یار حور |
| ۵- در فروغِ دلِ چنین مخ—دوم | آن همه رنجها رواست مرا (بر من) |
| ۶- ز دست جور تو گفتم ز شهر خواهم رفت | به خنده گفت: که حافظ برو که پای تو بست؟ |
| ۷- می‌ده تا دهمت آگهی از سَرِ قضا | که به روی که شدم عاشق و از بوی که مست |
| ۸- به مهلتی که سپهرت دهد ز راه م—رد | ترا که گفت که این زال ترک‌دستان گفت |

پاسخ تمرین ۱۹

" را" به ترتیب ۱- " را" در بیت اول (حرف اضافه) است به معنی " از" ۲- " را" در بیت دوم، (حرف اضافه) است به معنی " در" ۳- " را" در بیت سوم (فَکِّ اضافه) است؛ " طراوتِ گلستان‌ما گذشت" ۴- " را" در بیت چهارم (حرف اضافه) است به معنی " برای" ۵- " را" در بیت پنجم (حرف اضافه) است به معنی " بر" ۶- " را" در بیت هشتم (حرف اضافه) است به معنی " به".
 " که" به ترتیب ۱- در بیت اول " که" = حرف ربط ۲- در بیت سوم " که" = اسم استفهام

۳- در بیت ششم " که اول = حرف ربط است ، و که دوم = اسم استفهام " ۴- در بیت هفتم " که اول = حرف ربط ، که دوم و سوم اسم استفهام است ۵- در بیت آخر " که اول و سوم = حرف ربط و که دوم = اسم استفهام " می باشد .

شایان توجه : " که " موصول در نظام تحصیلی جدید " که " ربط یا پیوندی نامیده می شود .

تمرین ۲۰- نوع " همه " را در ابیات زیر مشخص کنید ؛

همه قبیله‌ی من عالمان دین بودند	مرا معلم عشق تو شاعری آموخت
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار	شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبیری
نه گل از دست غمت رست و نه بلبل در باغ	همه را نعره زنان جامه‌داران می داری
دلارا می که داری دل بر او بند	دگر چشم از همه عالم فرو بند

پاسخ تمرین ۲۰ - ۱- " همه " در بیت اول (صفت مبهم) ۲- در بیت دوم (اسم مبهم) ۳- در بیت سوم (اسم مبهم) ۴- در بیت چهارم (صفت مبهم)

تمرین ۲۱- انواع " ی " را در ابیات زیر مشخص سازید ؛

۱- شد راستی خیانت و شد زیرکی سَفَه ^۱	شد دوستی عداوت و شد مردمی جفا
۲- پادشاهی در ثَمینی ^۲ داشت	بهر انگشتی نگینی داشت
۳- نهاده پدر چنگ بر نای ^۳ خویش	پسر چنگی ^۴ و نایی ^۴ آورد پیش
۴- کی از تو جان غمگینی شود شاد	کی آخر از فراموشی کنی پیاد
۵- از دست چرا هشت ^۵ سر زلف تو حافظ	تقدیر چنین بود چه کردی که نهشتی ^۷
۶- بحر علمی در نمی پنهان شده	در سه گز تن عالمی پنهان شده

۱- نادانی ۲- گرانبها ۳- گلو ۴- نوازنده چنگ و نی ۵- فراموش شده ۶- رها کرد ۷- رها نمی کرد

پاسخ تمرین ۲۱ - ۱- در بیت اول : "ی" در (راستی ، زیرکی ، دوستی ، مردمی) یای مصدری است . ۲- در بیت دوم : "ی" در (پادشاهی) نکره ، در (ثمنی) صفت و موصوف ، در (انگشتری) ریشه کلمه ، و در (نگینی) وحدت است . ۳- در بیت سوم : "ی" در (نای) ریشه کلمه ، در (چنگی و نایی) یای فاعلی است ۴- در بیت چهارم : "ی" در (غمگینی و فراموشی) یای مفعولی ، و در (کنی) یای ضمیر فاعلی است . ۵- در بیت پنجم : "ی" در (کردی و نهشتی) یای استمراری است ۶- در بیت آخر : "ی" (علمی ، عالمی) تعظیم ، و در (نمی) تصغیر است .

۳. تست

((در شناخت کلمه های فارسی))

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

۱- " جان و خرد " از لحاظ دستوری چه کلمه ای هستند ؟

۱- هر دو اسم معنی ۲- هر دو اسم خاص

۳- هر دو اسم ذات ۴- هر دو اسم مشتق

یکی حلقه ی کعبه دارد به دست یکی در خرابات افتاده مست

گر آن را بخواند که نگذاردش وراین را براند که باز آردش

۲- نوع " این و آن " در کدام پاسخ صحیح است ؟

۱- هر دو صفت اشاره ۲- هر دو ضمیر اشاره

۳- هر دو از مبهمات ۴- هر دو ضمیر ملکی

چون تیشه مباح جمله ی خود متراش چون رنده ز کار خویش بی بهره مباح

تعلیم ز آره گیر در عقل معاش نیمه ی سوی خود می کش و نیمه ی می باش

۳- " می کش ، می باش " چه نوع فعلی هستند ؟

۱- هر دو ماضی استمراری ۲- هر دو مضارع اخباری

۳- هر دو فعل نهی ۴- هر دو امر استمراری

(نعمت عاجل به تشویش محنت آجل منقض کردن دور از رأی خردمندان است .)

۴- در عبارت فوق " عاجل ، آجل " چه کلمه ای هستند ؟

- ۱- هر دو قید حالت
- ۲- هر دو اسم مشتق
- ۳- هر دو صفت
- ۴- هر دو اسم جامد
- به رنج اندر است ای خردمند گنج
- ۵- "رنج، گنج" به ترتیب چه کلمه‌ای هستند؟
- ۱- هر دو اسم ذات
- ۲- اولی اسم معنی و دومی اسم ذات
- ۳- اولی اسم ذات، دومی معنی
- ۴- هر دو صفت بیانی
- سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت
- ۶- "بسوخت" لازم است یا متعدی؟
- ۱- هر دو فعل متعدی
- ۲- هر دو فعل لازم
- ۳- اولی متعدی، دومی لازم
- ۴- اولی لازم، دومی متعدی
- مردی آن نیست که در مرحله‌ی سیر و سلوک
- ۷- نوع "ی" در بیت (که علامت‌گذاری شده) را مشخص سازید؛
- ۱- اولی نکره، دومی معرفه
- ۲- اولی مصدری، دومی اضافی^۱
- ۳- اولی نسبت دومی اضافی
- ۴- اولی فاعلی، دومی نسبت
- که همچون پدر خواهد این سِفلهٔ مرد
- ۸- فعل جملهٔ اول این بیت از نظر زمان و شخص در کدام پاسخ صحیح است
- ۱- مستقبل، سوم شخص مفرد
- ۲- مضارع، سوم شخص مفرد
- ۳- ماضی ساده، سوم شخص جمع
- ۴- ماضی ساده مرکب، دوم شخص مفرد
- بیندیش در قلبِ هیجا^۲ مفرّ
- ۹- نوع "که" در کدام پاسخ درست است؟
- ۱- اولی ربط، دومی استفهام
- ۲- اولی استفهام، دومی ربط
- ۳- هر دو حرف ربط
- ۴- هر دو اسم استفهام

۱- منظور از "اضافی" پای بدل از کسره است نه پای زائد، مانند: پای ۲- قلب هیجا= وسط میدان جنگ

الهی! ما را از آن دِه که ما را آن به و مگذار ما را به کِه و مِه .

۱۰- نوع " که " در عبارت فوق را در کدام پاسخ درست می‌دانید؟

- | | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| ۱- اولی ربط، دومی استفهام | ۲- هر دو اسم استفهام |
| ۳- هر دو حرف ربط | ۴- اولی ربط، دومی صفت برتر |
| واستان از دست دیوانه سلاح | تا ز توراضی شود عدل و صلاح |
| چون سلاحش هست و عقلش نی، ببند | دست او را، ورنه آرد صد گزند |

۱۱- " سلاح، صلاح " از نظر دستوری چه کلمه‌ای هستند؟

- | | |
|--------------------------|--------------------------------|
| ۱- اولی اسم، دومی صفت | ۲- اولی اسم ذات، دومی اسم معنی |
| ۳- هر دو اسم مشتق | ۴- هر دو اسم خاص |
| بده گرمی دل افسرده‌ام را | فروزان کن چراغ مرده‌ام را |

۱۲- نوع " را " را در کدام پاسخ درست می‌دانید؟

- | | |
|----------------------------------|--|
| ۱- هر دو مفعولی | ۲- هر دو حرف اضافه به معنی " به " |
| ۳- هر دو علامت فکّ اضافه | ۴- اولی حرف اضافه (به)، دومی مفعولی |
| همه کس کشته خود می‌دُرود بخت نگر | که دلم بهر و وفا کشت و غم و دُرد دُرود |

۱۳- " می‌دُرود، دُرود " چه نوع فعلی هستند (از نظر زمان)

- | | |
|----------------------------|--|
| ۱- اولی ماضی، دومی مضارع | ۲- اولی مضارع اخباری، دومی مضارع التزامی |
| ۳- اولی مضارع، دومی مستقبل | ۴- اولی مضارع، دومی ماضی ساده |
| بده داد من آمدستَم دوان | همی نالم از تو به رنج روان |

۱۴- " دوان، روان " از نظر دستوری چه کلمه‌ای هستند؟

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------|
| ۱- هر دو صفت فاعلی | ۲- هر دو قید حالت |
| ۳- اولی صفت فاعلی، دومی اسم معنی | ۴- اولی قید، دومی صفت فاعلی |

چنان برکش آواز خنیاگری که ناهید چنگی به رقص آوری

۱۵- نوع " ی " در مصراع دوم مشخص شود؟

۱- اولی فاعلی ، دومی ضمیر فاعلی ۲- اولی نسبت دومی فاعلی

۳- اولی نسبت ، دومی ضمیر فاعلی ۴- هر دو ضمیر فاعلی

۱۶- کلمه " خوب " در کدامیک از عبارتهای زیر (قید) است .

۱- کتاب دوستِ خوب من است ۲- کتاب را خوب می خوانم

۳- خواندن کتاب خوب است ۴- کتاب خوب فراوان است

تو سراپا همه آنی و همه آن تواند غرض من همگی آن که تو آنم باشی

۱۷- نوع " آن " ها را از نظر دستوری در کدام پاسخ صحیح می دانید؟ " به ترتیب "

۱- ضمیر اشاره ، ضمیر ملکی ، صفت اشاره ، مبهم ۲- اولی اسم معنی ، بقیه ضمیر اشاره

۳- صفت اشاره ، ضمیر اشاره ، ضمیر ملکی ۴- اسم معنی ، ضمیر ملکی ، ضمیر اشاره ، ضمیر ملکی

پیکره روبین حقیقت ، هدف پیکان شکسته باطل نیست .

۱۸- دو کلمه " روبین ، شکسته " چه نوع صفتی هستند؟

۱- هر دو صفت بهیانی بسیط ۲- اولی صفت مرکب ، دومی بسیط

۳- اولی نسبی ، دومی مفعولی ۴- اولی بهیانی ، دومی نسبی

هان نظاره که گل جمال نمود هین تماشا که نوبهار آمد

۱۹- " هان ، هین " چه نوع کلمه‌ای است؟

۱- هر دو از اصوات تنبیه ۲- هر دو از حروف اضافه

۳- هر دو از ادات ندا ۴- هر دو حرف ربط

ای بخارا شادباش و دیرزی میرزی تو شادمان آید همی

۲۰- " زی " در دو مصراع چه نوع کلمه‌ای است؟

۲- اولی فعل امر، دومی حرف اضافه

۱- اولی قید حالت، دومی حرف ربط

۴- اولی فعل امر، دومی اسم معنی

۳- اولی فعل امر، دومی اسم خاص

هر چه گوید نگیرد اندر کس

عالمی را که گفت باشد و بس

۲۱- "گفت، گوید" چه کلمه هستند؟

۲- اولی ماضی ساده، دومی مضارع اخباری

۱- اولی فعل ماضی، دومی مضارع التزامی

۴- هر دو فعل از مصدر گفتن

۳- اولی مصدر مرخم، دومی مضارع التزامی

۲۲- کدام دسته از کلمه‌های زیر "صفت فاعلی" هستند؟

۲- گرفتار، خریدار

۱- پرستار، پاسدار

۴- گفتار، گفتار

۳- مردار، دیدا

(مردم به شور آمده‌ی پاریس در اطراف کاخ لویی شانزدهم فریاد می‌زدند: اینجا کاخی است فروختنی)

تختی است سوختنی، شاهی است آویختنی)

۲۳- نوع "ی" در (کاخی و فروختنی) را در کدام پاسخ درست می‌پندارید؟

۲- اولی وحدت، دومی لیاقت

۱- اولی نکره، دومی نسبت

۴- اولی نکره، دومی وحدت

۳- اولی نسبت، دومی لیاقت

نشوی ز آن پس ز بلبل سرگذشت

چون که گل رفت و گلستان درگذشت

۲۴- "درگذشت، سرگذشت" چه نوع کلمه‌ای هستند؟

۲- اولی فعل بسیط، دومی فعل مرکب

۱- هر دو فعل ماضی سوم شخص

۴- اولی فعل، دومی صفت مرکب

۳- اولی فعل پیشوندی، دومی اسم مرکب

عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد

صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برخواست

۲۵- "هزاران" در دو مصراع از نظر دستوری چه کلمه‌ای هستند؟ (به ترتیب)

۲- هر دو صفت شمارشی

۱- صفت شمارشی، اسم ذات

۴- اسم مرکب جمع، اسم جمع

۳- هر دو اسم مرکب

ادب پیرایه‌ی نادان و دانا است خوش آن کواز ادب خود را بیاراست

ندارم آن مسلمان‌زاده را دوست که در دانش فزود و از ادب کاست

۲۶- با توجه به دو بیت فوق کدامیک از چهار دسته سؤال و جواب زیر را درست می‌دانید!

۱- پیرایه " اسم معنی" ، دانا " اسم مصدر" ، خود " ضمیر مشترک" ، آن " صفت اشاره"

۲- نادان " صفت فاعلی" ، ادب " اسم معنی" ، را " حرف اضافه" ، دانش " اسم مصدر"

۳- ادب " صفت ساده" ، بیاراست " فعل ماضی" ، ندارم " فعل مضارع" ، کاست " فعل ماضی"

۴- دانا " صفت فاعلی" ، خود " ضمیر مشترک" ، دوست ندارم " فعل مضارع" ، فزود " فعل ماضی"

شکار شیر گوزن است و آن یوز آهو و مرد بخرد را علم و حکمت است شکار

که مرد علم به گور اندرون نه مرده بود و مرد جهل ابر تخت بر بود مُردار

۲۷- با توجه به دو بیت فوق کدام دسته از پرسش و پاسخهای طرح شده زیر را درست می‌دانید!

۱- شکار " اسم" ، آن " ضمیر اشاره" ، حکمت " اسم معنی" ، ابر " حرف اضافه"

۲- آن " ضمیر ملکی" ، علم " اسم معنی" ، اندرون " حرف اضافه" ، مرد " اسم عام"

۳- یوز " اسم ذات" ، بخرد " صفت" ، که " حرف اضافه" ، مُردار " اسم ذات"

۴- گوزن " اسم" ، و " حرف ربط" ، گور " اسم ذات" ، جهل " اسم مشتق"

هر که آمد عمارتی نو ساخت رفت و منزل به دیگری پرداخت

۲۸- " هر که ، دیگری" به ترتیب چه کلمه‌ای هستند؟

۱- حرف ربط مرکب ، صفت مبهم ۲- اسم مرکب ، ضمیر مبهم

۳- اسم مبهم مرکب ، اسم مبهم ۴- اسم مبهم ، ضمیر اشاره

(عالم ناپرهیزگار کور مشعل دار است)

۲۹- " ناپرهیزگار و مشعل‌دار" چه نوع کلمه‌ای هستند؟

۱- اولی صفت مرکب ، دومی قید مرکب ۲- صفت فاعلی مرکب ، صفت فاعلی مرخم

۳- اسم مرکب ، صفت مرکب ۴- صفت نسبی ، صفت فاعلی

نشانید که نامت نهند آدمی

توکز محنت دیگران بی غمی

۳۰- نوع "ی" را در "بیغمی و آدمی" مشخص کنید؟

۲- اولی مصدری، دومی تحقیر

۱- اولی فعل ربطی، دومی نسبت

۴- اولی نسبت، دومی مصدری

۳- اولی ریشهء کلمه، دومی فعل ربطی

نقش و حالت کلمه در جمله

با انواع کلمه‌های زبان فارسی و اختصاصات و ویژگیهای هر یک از آنها آشنا شدیم، اینک به نقش یا حالتی که کلمه در جمله به عهده می‌گیرد اختصاراً "اشارتی می‌شود.

می‌دانیم که از بین کلمه‌های فارسی تنها اسم (سقراط) یا هر کلمه‌ای که بتواند به جای آن بنشیند - "ضمیر" (او) و "صفت جانشین اسم" (دانشمند) - نقش و حالت می‌پذیرد.

نقشهای مهم در زبان فارسی عبارتند از: ۱- نهادی (فاعل، مُسندِ اَلیه) ۲- مفعولِ اصلی ۳- متممی (مفعول با واسطه) ۴- اضافی (مُضَافِ اَلیه) ۵- ندایی ۶- بدل ۷- مُسند.

۱- نقش نهادی؛ هر گاه اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم در جمله فاعل کاری باشد یا چیزی را به آن نسبت (اسناد) دهند، نهاد جمله بوده، گوئیم نقش نهادی دارد، مانند:

نهاد - "فاعل"

۱- "اسم" - (فریدون به خورشید بُر بُرد سر) "فریدون" فاعل جمله است عمل بُردن از او سر زده است.

۲- "ضمیر" - (تو مهندار که من شعر به خود می‌گویم) "تو و من" فاعل دو جمله‌ء این مصراع‌اند.

۳- "صفت جانشین اسم" -

(سخن چین کند تازه، جنگ قدیم به خشم آورد نیک مرد سلیم) سعدی

نهاد - "مُسندِ اَلیه"

۱- "اسم"؛ (بُستان ز نو شکوفه چو گردون شد) "بُستان" مُسندِ اَلیه جمله است که پر گل و شکوفه شد.

۲- "ضمیر": (اوز حرص و عیب گلی پاک شد) "او" مسندالبیه جمله است که از عیب و حرص پاک شد.

۳- "صفت جانشین اسم":

(میان دو کس جنگ چون آتشی است سخن چین بدبخت هیزم کش است سعدی)

۲- نقش مفعولی؛ هرگاه مفهوم فعل بر اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم واقع شود، گوئیم نقش مفعولی دارد. مانند:

۱- "اسم": (که عشق از پرده‌ی عصمت برون آرد زلیخا را) "زلیخا" مفعول جمله است.

۲- ضمیر: (کز نیستان تا مرا بریده‌اند) "من" مفعول جمله است.

۳- "صفت جانشین اسم": (دود آه سینه‌ی سوزان من سوخت این افسردگان خام را) "افسردگان"

۳- نقش متممی؛ هرگاه بر سر اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم یکی از حروف^۱ اضافه درآید آن

اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم نقش متممی (مفعول با واسطه) خواهد داشت. مانند:

۱- "اسم": (صدای ناله‌ی عارف به گوش هر که رسید). "گوش" متمم است "به" بر سر آن درآمده است.

۲- "ضمیر": (سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد). "ما" متمم است "از" بر سر آن درآمده است.

۳- "صفت جانشین اسم": (با بدان بد باش با نیکان نکو). "بدان، نیکان" متمم اند "با" بر سر آن دو آمده است.

۴- نقش اضافی؛ هرگاه اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم به دنبال اسمی که بدان مضاف گویند

قرار گیرد، گوئیم نقش اضافی (مُضَافُ إِلَیْهِ) دارد. مانند:

۱- "اسم": (کتاب عشق بر طاق بلند است). "عشق" مضاف‌الیه و "کتاب" مضاف است

۲- "ضمیر": (چون آذرخش در سخن خویش زیستند). "خویش" مضاف‌الیه و "سخن" مضاف است.

۱- با "حروف اضافه" در قسمت شناخت نوع کلمه آشنا شده‌اید به صفحه ۲۲ مراجعه کنید.

۳- " صفت جانشین اسم " : (مَپذیر قولِ جاهِل تقلیدی) . " جاهل " مضاف‌الیه است یعنی : مرد جاهل .
(برای آشنائی به انواع اضافه به صفحه ۴۵ مراجعه کنید ؛)

۵- نقش ندایی ؛ هرگاه اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم در جمله مورد ندا و خطاب قرار گیرد ،
گوییم نقش‌ندایی (منادی) دارد . مانند :

۱- " اسم " : (ای دل ! اگر اهل دلی جان بباز) " دل " منادا است چون مورد خطاب واقع شده است .

۲- " ضمیر " : (گفت ؛ اکنون چون منی ای من ! درآ) " من " منادا است چون مورد خطاب واقع شده
است .

۳- " صفت جانشین اسم " : (خروشید کای پایمردان دیو !) " پایمردان " یعنی : یاران ، دوستان

۶- نقش بدَلی ؛ هرگاه اسم یا عبارتی همراه اسم برای بیان و توضیح نام یا شغل

یا شهرت یا یکی دیگر از خصوصیات آن اسم بیاید ، گوییم نقش بدلی دارد . مانند :

بُـسُو سَعیدِ مِهـنـه ، شیخِ محـتـرم بود در حمام با پیـری به هم

این دبیر گیج و گول کور دل ، تاریخ تا مذهب دخترش را گاهگه می‌خواست

(شیخ محترم) در بیت اول ، و (تاریخ) در بیت دوم نقش بدلی دارند .

۷- نقش مسند ؛ هرگاه مفهوم اسم یا ضمیر یا صفت به نهاد جمله‌های ربطی (مسندالیه) نسبت

داده شود ، آن اسم یا ضمیر یا صفت را " مسند " جمله گویند . مانند :

۱- " اسم " : (با سلیمان چون برانم من ، که مورم مُرکَب است) ، " مور " مسند است (مُرکَب من مور
است) .

۲- " ضمیر " : (زاهدان معذور داریم ، که اینم مذهب است) ، " این " مسند است (مذهب من این
است) .

۳- "صفت" : (نگر که کار جهان بی ثبات و بی محل است) . " بی ثبات و بی محل " مسند جمله است .

۸- نقش قیدی ؛ هر گاه اسمی (سال ، روز ، شب ، صبح ، سحر ، دوش) در جمله ای قید قرار گیرد

گوییم آن اسم - که حتما " باید نقشی داشته باشد - نقش قیدی دارد . مانند :

ملک با نان را <u>نشايد</u> <u>روز و شب</u>	گاهی اندر <u>خمر</u> و گاهی در <u>خمار</u>
<u>سالها</u> دل طلب جام جم از ما می کرد	آنچه خود داشت ز بیگانه <u>تمنا</u> می کرد
<u>مشکل</u> خویش بر پیر مغان <u>بردم</u> <u>دوش</u>	کو به <u>تأیید</u> نظر حل <u>معما</u> می کرد

مبحث اضافه

گفتیم هرگاه اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم به دنبال اسمی که آن را "مضاف" نامند درآید آن اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم را "مُضَافٌ إِلَیْهِ" نامند. چون ارتباط و وابستگی (مُضَاف و مُضَاف إِلَیْهِ) ها از نظر معنی و مفهوم یکسان نیست بدین اعتبار اقسامی دارد که معروفترین آنها عبارتند از:

- ۱- اضافه‌ی ملکی - بین مضاف و مضاف الیه نسبت مالکیت برقرار باشد، در این اضافه، مُضَافٌ إِلَیْهِ باید انسان باشد و مضاف هم قابل تصرف و تملک باشد، مانند: عینک پرویز، کتاب تو.
- ۲- اضافه‌ی تخصیصی - مضاف به مضاف الیه اختصاص داشته باشد، در این اضافه مضاف الیه ممکن است انسان باشد ولی مضاف قابل تصرف و تملک نخواهد بود، مانند: برگ درخت، چشم پرویز.
- ۳- اضافه‌ی توضیحی - مضاف الیه درباره‌ی مضاف توضیحی می‌دهد و آن را مشخص می‌کند، در این اضافه مضاف غالباً اسم عام است، مانند: کشور ایران، شهر تهران، کوه دماوند، روز شنبه.
- ۴- اضافه‌ی بیانی - مضاف الیه جنس مضاف را بیان می‌کند، مانند: قلم نی، انگشتری عقیق.
- ۵- اضافه‌ی تشبیهی - که بین مضاف و مضاف الیه رابطه‌ی شباهت و همانندی برقرار است، مانند: دندان مروارید، جاسار گوش، گلیم تیره بختی، لب لعل یا لعل لب.
- ۶- اضافه‌ی بُنُوْتُ - بین مضاف و مضاف الیه رابطه‌ی پدر فرزندی برقرار باشد، مضاف الیه پدر یا نیای مضاف باشد، مانند: ناصر خسرو، مسعود سعد سلمان، بوعلی سینا، رستم زال.
- ۷- اضافه‌ی اِستِعارِی: مضاف در غیر معنی واقعی خود به کار رفته باشد به علاقه تشابهی که بین مضاف و مضاف الیه وجود دارد، مانند: چشم روزگار، دست انتقام، پای استقامت.
- ۸- اضافه‌ی اِقتِرانی: بین مضاف و مضاف الیه اقتران و پیوستگی معنوی باشد، مانند: چشم ادب،

دست نوازش، پای ارادت .

۹- اضافی توصیفی: یا " صفت و موصوف " مضاف الیه صفت برای مضاف باشد . مانند: مرد نامحرم هوای لطیف، گل پرپر .

(ضمایر متصل شخصی) " م ، ت ، ش ، مان ، تان ، شان ، " که به اسم و فعل و حرف ملحق می‌شوند و معمولاً به ترتیب نقش اضافی و مفعولی و متممی را باید به عهده داشته باشد در آثار منظوم فصحای بزرگ زبان فارسی بر خلاف قاعده نقشهای مختلفی می‌گیرند که تنها با توجه به معنای بیت یا عبارت باید درباره‌ی نقش آنها اظهار نظر کرد مثلاً " به ابیات زیر دقت کنید :

۱- زدم تیشه یک روز بر تلّ خاک به گوش آمدم ناله‌ی دردناک سعدی

ضمیر متصل " م " مضاف الیه گوش است: " به گوش من آمد .

۲- مرا بار لطفش دو تا کرد پشت به شمشیر احسان و فضلّم بکشت سعدی

ضمیر متصل " م " مفعول جمله قرار گرفته است: مرا به شمشیر ... کشت .

۳- عنان مہیج که گر می‌زنی به شمشیرم سپر کنم سر و دست ندارم از فتراک حافظ

ضمیر متصل " م " در مصراع اول مفعول جمله است: " اگر مرا به شمشیر می‌زنی . "

۴- گرت بار دیگر ببینم ، به تیغ چو دشمن بهرم سرت بی‌دریغ سعدی

ضمیر متصل " ت " به ترتیب (مفعول) و (مضاف الیه) است: اگر ترا بار دیگر ببینم . سر تو را

ببرم .

۵- دگر ره چه حاجت که ببند کُست سعدی

ضمیر متصل " ت " در (کُست) مفعول جمله است: " دگر بار چه حاجت که کسی ترا ببیند

۶- زمانه از ورقِ گل مثال روی تو ساخت ولی ز شرم تو در غنچه کرد پنهانش حافظ

ضمیر متصل " ش " مفعول جمله قرار گرفته است: " ولی او را از شرم تو در غنچه پنهان کرد . "

۷- نهان گشت و گیتی بر او شد سیاه سپردش به ضحاک تخت و کلاه فردوسی

ضمیر متصل " ش " بر خلاف قاعده و انتظار فاعل جمله است: او تخت و کلاه (را) به ضحاک سپرد . "

۸- غلامی شکستش سرو دست و پای که باری نگفتمت ایدر مپای سعدی
ضمیر متصل "ش" مضاف الیه سرو دست و پای است. و ضمیر متصل "ت" متمم جمله آخر: "به تو
نگفتم که ...

۹- چنین گفتش ای پیر دیرینه روز چو پیران نمی بینمت صدق و سوز. سعدی
ضمیر متصل "ش" متمم: "به او چنین گفت ...". ضمیر متصل "ت" متمم: "مانند پیران در تو
صدق و سوزی نمی بینم .

۳. تست

((شناخت نقش کلمه در جمله (())

سخن گفتن اندر زبان آفرید

به نام خدایی که جان آفرید

۱- "جان و" زبان" چه نقشی (حالت) دارند؟

۲- هر دو "مفعول" جمله‌ها اند.

۱- هر دو "نهاد" جمله‌ها هستند

۴- اولی "متمم" دومی "مفعول"

۳- اولی "مفعول" دومی "متمم"

که پیر باده فروشش به جرعه‌ای نخرید*

من این مرقع رنگین چو گل بخواهم سوخت

۲- "نهاد" هر دو مصراع را در کدام پاسخ می‌یابید؟

۲- مرقع ، باده فروش

۱- من ، پیر

۴- ضمیر فاعلی در هر دو فعل

۳- گل ، جرعه‌ای

که شهیدان که اند این همه خونین کفنان؟

با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم

۳- دو "متمم" در بیت مشخص شود.

۲- چمن ، خونین کفنان

۱- صبا ، شهیدان

۴- صبا ، چمن

۳- سحر ، که

* در این بیت "من" که ضمیر است (نهاد) جمله‌ی اول، و "پیر" که صفت جانشین اسم است (نهاد) مصراع دوم است. بسیار بعید می‌داند یکبار دیگر یادآوری کند که: از بین کلمه‌های فارسی فقط (اسم و ضمیر و صفت جانشین اسم) نقش می‌پذیرند و نقشهای مهم هم عبارتند از نهاد (فاعل، مسند الیه)، مفعول، متمم، مضاف الیه، منادا، مسند، می‌باشد. در بیت آخر هم "صبا" و "چمن" متمم هستند زیرا حروف اضافه (با) و (در) بر سر آنها آمده است.

هان ای کُسر، که پیر شوی، پند گوش کن

پیران سخن ز تجربه گویند، گفتمت

۴- "پیران" چه کلمه‌ای است و چه نقشی دارد؟

۲- صفت جانشین اسم، جمع - فاعل

۱- اسم، جمع - فاعل

۴- صفت، جمع - مضاف‌الیه

۳- اسم، جمع - متمم

بر اثر صبر نوبتِ ظفر آید

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

۵- "صبر" و "ظفر" چه کلمه‌ای هستند و در مصراع اول چه نقشی دارند؟

۲- هر دو اسم ذات، نهاد

۱- هر دو صفت، نقش ندارند

۴- هر دو اسم معنی، مسندالیه

۳- هر دو اسم مصدر، فاعل

دل و تیغ و بازو حصار من است

جهان آفریننده یار من است

۶- "مسند" این بیت "که دارای دو جمله اسمیه است" کدام است؟

۲- جهان، تیغ

۱- آفریننده، دل

۴- من، بازو

۳- یار من، حصار من

کشیدندم از چنگ آن لخت کوه

سواران جنگی همه همگروه

۷- "فاعل" و "مفعول" این بیت (که یک جمله است) را در کدام پاسخ می‌یابید؟

۲- همه، کوه

۱- سواران، چنگ

۴- سواران، ضمیر متصل "م" درکشیدندم *

۳- همگروه، آن

*- شایان توجه، ضمائر متصل شخصی (م، ت، ش، مان، تان، شان) اگر به فعل متصل شوند غالباً "مفعول" و اگر به اسم ملحق شوند غالباً "مضاف الیه" و اگر به حرف ملحق شوند "متمم" جمله می‌شوند ولی موارد استثنائی نسبتاً زیادی در آثار منظوم استادان سخن دیده شده است. بنابراین باید با توجه به معنی شعر یا جمله درباره نقش این ضمائر اظهار نظر کرد.

جهان آفرین بشنود گفت من مگر کاشکارا شوی جفت من

۸- "مفعول" مصراع اول و "مُضَافُ الیه" در مصراع دوم کدام است؟

۱- جهان . جفت ۲- آفرین . من

۳- گفت . من ۴- گفت . جفت

بد اندیش وی را درون شاد گشت به گورش پس از مدتی برگذشت

۹- "نهاد" جمله‌ی اول کدام است و "وی" چه نقشی دارد؟

۱- بد اندیش ، مضاف الیه ۲- بد اندیش ، مفعول

۳- شاد ، فاعول ۴- درون ، مضاف الیه

گر امروز گفتار ما نشنوی مبادا که فراد پشیمان شوی

۱۰- "امروز، فرداد" چه نقشی دارند؟

۱- هر دو نهاد دو جمله‌اند ۲- هر دو نقش قیدی دارند

۳- هر دو متمم جمله‌ها اند ۴- هر دو مضاف الیه هستند

ببرد از پریچهره‌ی زشتخوی زن زشت سیمای خوش طبع ، گوی

۱۱- "فاعل و" "مفعول" این بیت را به ترتیب در کدام پاسخ می‌یابید؟

۱- پریچهره زشتخوی - زن ۲- زن زشت ، گوی

۳- زن زشت سیمای پریچهره زشتخوی ۴- خوش طبع ، زشتخوی

گلستان ما را طراوت گذشت که گل دسته بندد؟ چو پژمرده گشت

۱۲- "نهاد" جمله‌ی اول و دوم این بیت کدام است؟

۱- گلستان ، کُلل ۲- ما ، ضمیر فاعلی "د"

۳- طراوت ، کسه ۴- ضمیر پوشیده ، ضمیر فاعلی "د"

دوش در حلقه‌ی ما قصه‌ی گیسوی تو بود تا دل شب سخن از سلسه‌ی موی تو بود

۱۳- چند ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) در بیت هست؟

- ۱- شش ترکیب اضافی
۲- پنج ترکیب اضافی
۳- چهار ترکیب اضافی
۴- سه ترکیب اضافی
- روی رنگین را به هر کس می‌نماید همچو گل
ور بگویم بازپوشان، باز پوشاند ز من
- ۱۴- چند متمم (مفعول با واسطه) در بیت می‌یابید؟

- ۱- سه متمم
۲- چهار متمم
۳- پنج متمم
۴- دو متمم
- به صبر کوش تو ای دل که حق رها نکند
چنین عزیز نگینی به دستِ اهرمنی
- ۱۵- "دل" و "دست" چه نقشی دارند؟

- ۱- منادا، مفعول
۲- متمم، مفعول
۳- منادا، متمم
۴- منادا، مضاف الیه
- چو خواهی که نامت بماند به جای
پسر را خردمندی آموز و رای

۱۶- کدام یک از پاسخهای زیر درباره‌ی این شعر صادق است؟

- ۱- "خواهی" فعل مضارع. "نام" نهاد. "پسر" مفعول. "خردمندی" حاصل مصدر.
۲- "که" حرف ربط. "بماند" فعل مضارع. "خردمندی" مفعول. "رای" اسم معنی.
۳- "چو" قید شرط. "جای" متمم. "پسر" اسم ذات. "آموز" فعل مضارع.
۴- "نام" نهاد. "جای" متمم. "پسر" مفعول. "خردمندی" متمم.

تن رخس از آن تیرها گشت سست
نبد باره و مرد جنگی درست

۱۷- "مسندالیه و مسند" هر دو مصراع را در کدام پاسخ زیر درست می‌دانید.

- ۱- "رخس و تیر" به ترتیب در مصراع اول. "باره و مرد" در مصراع دوم.
۲- "تن و سست" به ترتیب در مصراع اول. "باره و درست" در مصراع دوم.
۳- "تیر و تن" به ترتیب در مصراع اول. "مرد و جنگی" در مصراع دوم.
۴- "تن و آن" به ترتیب در مصراع اول. "جنگی و نبد" در مصراع دوم.

رقیبان خبر یافتندش ز درد دگر باره گفتندش اینجا مگرد

۱۸- ضمیر متصل "ش" در (یافتندش و گفتندش) چه نقشی به عهده دارد؟

۱- در اولی "مفعول" در دومی "متمم" ۲- در اولی "متمم" در دومی "مفعول"

۳- در اولی "مضاف الیه" در دومی "متمم" ۴- در اولی و دومی هر دو "متمم"

گرت بار دیگر ببینم به تیغ چو دشمن ببرم سرت بی دریغ

۱۹- ضمیر متصل "ت" در (گرت ، سرت) چه نقشی دارد؟

۱- هر دو مضاف الیه ۲- هر دو مفعول با واسطه "متمم"

۳- هر دو مفعول صریح ۴- اولی (مفعول) دومی (مضاف الیه)

نگویم بزرگی و جاهم ببخش فروماندگی و گناهم ببخش

۲۰- ضمیر متصل "م" در (جاهم ، گناهم) چه نقشی دارد؟

۱- در اولی اضافی در دومی متممی ۲- در اولی متممی در دومی اضافی

۳- در هر دو مضاف الیه (اضافی) ۴- در هر دو متممی (مفعول با واسطه)

درختت گرز حکمت بار دارد به گفتن آی و بار خویش می بار

۲۱- کدام دسته از پاسخهای زیر را درباره‌ی شعر فوق درست می دانید؟

۱- درخت (نهاد) حکمت (متمم) گفتن (متمم) بار (نهاد) خویش (اضافی)

۲- "نهاد" "متمم" "متمم" "اضافی" "اضافی"

۳- "متمم" "نهاد" "مفعول" "متمم" "نهاد"

۴- "مسندالیه" "متمم" "متمم" "مفعول" "اضافی"

روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتنم

۲۲- چند ترکیب اضافی (مضاف الیه) در بیت هست؟

۱- سه ترکیب اضافی ۲- چهار ترکیب اضافی

۳- پنج ترکیب اضافی ۴- شش ترکیب اضافی

- چو شب گشت پیدا و شد روز تار شد اندر شبستان کی نامدار
- ۲۳- "نهاد" جمله‌های این بیت (سه جمله دارد) را به ترتیب در کدام پاسخ می‌یابید.
- ۱- شب، روز، کی نامدار ۲- ضمیر پوشیده، ضمیر پوشیده، نامدار
- ۳- در هر سه، "کی نامدار" ۴- پیدا، تار، کی نامدار
- تا مرا عشق تو تعلیم سخن گفتن کرد خلق را ورد زبان مدحت و تحسین من است
- ۲۴- نقش کلمه‌های "من"، "خلق" که پیش از حرف "را" قرار گرفته‌اند چیست؟
- ۱- من (مفعول) خلق (مفعول) ۲- من (متمم) خلق (متمم)
- ۳- من (متمم) خلق (مضاف‌الیه) ۴- من (مفعول) خلق (متمم)
- ۲۵- "این‌وآن" (سرآورد دست از عدم در وجود در این جود بنهاد و در آن سجود) چه نقشی دارند؟
- ۱- نقش فاعلی ۲- نقش مفعولی
- ۳- نقش متممی ۴- نقش قیدی
- زمین گر گشاده کند راز خویش نماید سرانجام و آغاز خویش
- پراز مرد دانا بود دامنش پراز خویرخ جیب پیراهنش
- ۲۶- کدام دسته از پاسخهای زیر با توجه به معنی دو بیت فوق درست است؟^۲
- ۱- "راز" مفعول. "سرانجام" مفعول. "مرد" متمم. "جیب" نهاد
- ۲- "خویش" اضافی. "آغاز" قید. "دامن" نهاد. "خویرخ" متمم
- ۳- "زمین" نهاد. "سرانجام" مفعول. "دانا" اضافی. "پیراهن" اضافی
- ۴- "گر" قید شرط. "خویش" ضمیر مشترک. "بود" فعل ربطی. "ش" نشانه مصدری
- از کیمیای مهر تو زرگشت روی من آری به یمن لطف شما خاک زر شود
- ۲۷- کدام دسته از پاسخهای زیر را صحیح می‌دانید؟^۲

۱- برای پاسخ به اینگونه پرسش‌ها نخست شعر را از نظر دستوری منظم کنید؛ "تا عشق تو سخن گفتن (را) به من تعلیم کرد مدحت و تحسین من ورد زبان خلق است" اینک به سادگی می‌توان نقش دو کلمه را تشخیص داد.

۲- در هر دو دسته فقط یک اشتباه وجود دارد

۱- "کیمیا" متمم . "روی" قید . "یمن" اسم معنی . "خاک" نهاد

۲- "مهر" اسم معنی . "من" مضاف الیه . "آری" قید . "زر" مسند

۳- "زر" مسند . "روی" قیید . "شما" مضاف الیه . "یمن" متمم

۴- "تو" مضاف الیه . "از" حرف ربط . "لطف" اسم معنی . "شود" فعل ربطی

توانا بود هر که دانا بود به دانش دل پیر برنا بود

۲۸- "مسندالیه" مسند "جمله‌ی اول و آخر کدام است؟

۱- توانا ، دانا دانش ، برنا

۲- هر که ، توانا پیر ، بود

۳- هر که دانا بود ، توانا دل ، برنا

۴- دانا ، بود برنا ، بود

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

۲۹- "وجود ، مردان ، کیمیا ، زر" به ترتیب چه نقشی دارند؟

۱- متمم ، نهاد مفعول ، مضاف الیه

۲- نهاد ، متمم نهاد ، مفعول

۳- مضاف الیه ، مفعول متمم ، نهاد

۴- اضافی ، متممی مفعولی ، مسندی

حافظا تکیه بر آیام چو سهواست و خطا من چرا عشرت امروز به فردا کنم

۳۰- "حافظا ، خطا ، امروز ، فردا" به ترتیب چه نقشی دارند .

۱- منادا ، مسند ، مضاف الیه متمم (مفعول با واسطه)

۲- نهاد ، متمم ، قید زمان قید زمان

۳- منادا ، نهاد ، متمم متمم

۴- منادا ، مضاف الیه ، مضاف الیه متمم

۳. تست

((درباره معانی و سایر ویژگیهای لغات فارسی))

- ۱- معانی دولفت "نبی و نبی" را به ترتیب در کدام پاسخ درست می‌دانید؟
 - ۱- پیغمبر . قرآن مجید
 - ۲- پسر کوچک . خبرگزار
 - ۳- فرزند من . پدر من
 - ۴- پیغمبر . زیرک‌ی
- ۲- "جَنان . جُنان . جَنان" به ترتیب؛
 - ۱- بهشت‌ها . سیر . پنهان
 - ۲- پریان . دیوانگی . بهشت‌ها
 - ۳- دل . سیر . بهشت‌ها
 - ۴- میان چیزی . پوشیده . بهشت‌ها
- ۳- "ثَبات . ثُبات" ؛
 - ۱- نویسنده . پایداری
 - ۲- پایداری . در دسر
 - ۳- پایداری . نویسنده
 - ۴- "جَناح . جُنّاح" ؛
- ۴- "جَناح . جُنّاح" ؛
 - ۱- استخوان سینه . اسب
 - ۲- سمّت . کیفر
 - ۳- اسب . طرف راست
 - ۴- بال و پر . گناه
- ۵- زَفَت . زِفَت . زُفَت ؛
 - ۱- فریه . قیر . لئیم
 - ۲- طعم تیز . ممسک . صغ سیاه
 - ۳- درشت . فرومایه . سایید
 - ۴- لاغر . چاق . درشت
- ۶- "عَدَّت . عُدَّت" ؛
 - ۱- شماره . توانایی
 - ۲- شمردن . چیرگی
 - ۳- شمردگی . آمادگی
 - ۴- ایام پس از طلاق زن . ساز و برگ جنگی

۷- "طَرَفَه . طَرَفَه" ؛

- ۱- گریختن از کار . چشم بهمزدن
۲- زمان کوتاه . نو و شگفت
۳- شگفت و نو . زمان کوتاهی
۴- گریختن . گیسو

۸- "سُموم . سُموم" ؛

- ۱- باد گرم . زهرها
۲- زهرها . سوراخهای پوست
۳- فصلها . زهرها
۴- حیوانی است . جمع اسم

۹- "حَرَّ . حَرَّ" ؛

- ۱- گرما . نگرانی
۲- جنگ . نام پهلوانی
۳- گریه . یاورحسین (ع)
۴- گرما . آزاد

۱۰- "مُعین . مُعین" ؛

- ۱- مددکار . روشن
۲- صاف و پاک . یار و مددکار
۳- آشکار . روشن شده
۴- هر دو به معنی یار و ییاور

۱۱- "عَقْد . عِقْد" ؛

- ۱- زناشویی . پیمان بستن
۲- گره . مروارید درشت
۳- بستن . گردنبند
۴- توده ریز . لکنت زبان

۱۲- کدام پاسخ معنی لغت "مُتَرَفِّین" می باشد ؛

- ۱- ثروت بدست آمده
۲- پیمان شکنان
۳- گردنکشانان
۴- شاد خواران

۱۳- "اِتِّبَاع" یعنی ؛

- ۱- پیروان
۲- پزشکان
۳- پیروی کردن
۴- آلودگیها

۱۴- "فَشَل" یعنی ؛

۲ - سستی و تنبلی

۴ - مرد بد دل و ترسو

۲ - نخستین نشانه‌ی الفبا

۴ - عهد و پیمان

۲ - سخت زشت و بیهوده

۴ - جدا و دور مانده

۲ - نعمت ها

۴ - چهارپایان

۱۸ - "کران . ناشنویان" معنی کدام لغت زیر است ؟

۲ - بُکْمٌ

۴ - حَقٌّ

۲ - حَظْمٌ

۴ - هَظْمٌ

۲ - ذُلٌّ

۴ - ضَلٌّ

۲ - صَهِيلٌ

۴ - نَهِيْقٌ

۱ - سست . تنبل

۳ - پرده که بر هودج کشند

۱۵ - "الف" یعنی ؛

۱ - هـ زار

۳ - انس گرفتن

۱۶ - "هَجِير" یعنی ؛

۱ - خوب و نیک

۳ - نیمروز . ظهر

۱۷ - "أَنعَام" یعنی ؛

۱ - نعمت دادن

۳ - شتر مرغها

۱۹ - "دور اندیشی" ؛

۱ - هَضْمٌ

۳ - حَزْمٌ

۲۰ - "گمراهی" ؛

۱ - زَلٌّ

۳ - ظَلٌّ

۲۱ - "صدای زاغ" ؛

۱ - نَعِيبٌ

۳ - صَرِيرٌ

۲۲- "افشَره" :

- | | |
|----------|----------|
| ۱- عَسیر | ۲- عَصیر |
| ۳- اَثیر | ۴- اَشیر |

۲۳- "استخوان" :

- | | |
|----------|----------|
| ۱- عَزَم | ۲- عُزَم |
| ۳- عَظَم | ۴- مُظَم |

۲۴- "پَریان یا زنان سیاه چشم" معنی کدام کلمه زیر است ؟

- | | |
|-----------|------------|
| ۱- حَوَاء | ۲- أَحَوْر |
| ۳- حَوْر | ۴- حَوْرِي |

۲۵- یکی از کلمه‌های زیر با کلمه‌های دیگر هم معنی و هم خانواده نیست. کدام است

- | | | | |
|-----------------|---------------|-------------|--------------|
| ۱- اِسْتَحْقَار | ۲- اِحْتِرَاق | ۳- تَحْقِیر | ۴- حَقَّارَت |
|-----------------|---------------|-------------|--------------|

۲۶- "عِشاء . عَشاء" به ترتیب یعنی :

- | | |
|-----------------------|-----------------------|
| ۱- نماز عصر ، نماز شب | ۲- نماز شب ، نماز صبح |
| ۳- نماز شب ، شام شب | ۴- شام شب ، نماز شب |

۲۷- معنی "اَرَامِل ، جِیرَان" در کدام دسته از پاسخهای زیر صحیح است ؟

- | | |
|--------------------|---------------------------|
| ۱- انگشتان ، غزال | ۲- سنگریزه‌ها ، آهوی دشتی |
| ۳- بیوه زنان ، آهو | ۴- بیوه زنان ، همسایگان |

۲۸- "حَکَم" جمع مکسر کدام کلمه زیر است ؟

- | | | | |
|------------|----------|---------|----------|
| ۱- حَکَمَت | ۲- حَکَم | ۳- حاکم | ۴- حَکیم |
|------------|----------|---------|----------|

۲۹- "دَلَالِیل" جمع مکسر کدام کلمه است ؟

- | | | | |
|-----------|-------------|-------------|---------|
| ۱- دَلِیل | ۲- اَدَلَّة | ۳- دَلَالَت | ۴- دَال |
|-----------|-------------|-------------|---------|

۳۰- "اَنفَاس" جمع مکسر کدام کلمه است ؟

- | | | | |
|-------------|----------|----------|-----------|
| ۱- نَفَاسَه | ۲- نَفَس | ۳- نَفَس | ۴- نَفِیس |
|-------------|----------|----------|-----------|

۳

املاء

در این فصل شما را با برگزیده ترین عبارات کوتاه و بلند زبده ترین آثار منشور ادبیات فارسی (از قرن چهارم تا چهاردهم هجری) که حاوی لغات و ترکیبات مشکل ولی مستعمل و مورد استفاده نویسندگان بزرگ خاصه فقها و علمای معاصر است، آشنا می نماید. ضمناً برای مزید فایده، معانی آن دسته از لغاتی که در مبحث پیش ذکری از آنها به میان نیامده است، در ذیل صفحات درج می گردد.

(در هر یک از عبارتهای این مبحث دو غلط‌آملائی گنجانده شده آن دو غلط را در دسته کلمه‌های ذیل همان عبارت پیدا کنید .)

۱ - " و چندان غلام و اسباب و ضیاء و زر و سیم و نعمت هیچ سود نداشت ، و این همه اسباب مُنَازَعَت و مُکَاوَهَت^۱ از بهر حطام دنیا به یک سو نهاد . " تاریخ بیهقی

۱ - اسباب . حطام ۲ - ضیاء . مکاوحت

۳ - ضیاء . منازعت ۴ - حطام . مکاوحت

۲ - " ... در کوشک باغِ عدنانی فرمود تا خانه‌ای برآوردند خُوابِ غیلُولَه آرا و آن را مَزْمَلَه‌ها^۲ ساختند و خویشها^۳ آویختند ، چنانکه آب به طِلْسَم از حوض بر بام خانه شدی . " تاریخ بیهقی

۱ - عدنانی . طلسم ۲ - غیلوله . حوض

۳ - غیلوله . مزملها ۴ - غیلوله . خویشها

۳ - " ... یحیی گفت : این چیزها در روزگار عمارت پسر در خانه‌های خداوندان این چیزها بود . هارون از این جواب سخت طَیْرَه شد چنانکه آن هدیه بر وی مُنْغَص شد و روی ترش کرد و درخواست از آن خَضْرَا^۴ و برفت . " تاریخ بیهقی

۱ - عمارت . درخواست ۲ - طیره . خضراء

۳ - منغص . درخواست ۴ - عمارت . خضراء

۴ - " ... هستند درین روزگار ما گروهی عِظامیان^۵ با اَسب و سِتام^۶ زر و جامه‌های گرانمایه و قاشیه^۷ و جَنَاغ^۸ که چون به سخن گفتن و هنر رسند چون خر بر یخ بمانند و گویند که پدر ما چنین بود و چنان کرد ، و طَرَفَه آنکه افاضل و مردمان هنرمند از سَعایط^۹ و بَطَر ایشان در رنجاند . " تاریخ بیهقی

۱ - عظامیان . بطر ۲ - ستام . طرفه

۳ - قاشیه . سعایط ۴ - جَنَاغ . رنجاند

۱ - جنگ و ستیز کردن ۲ - خواب نمروز ۳ - لوله و شیر آب ۴ - برده‌ی کتانی ۵ - محل بلند و سبز ۶ - کسانی که به پدر و اجداد خود نازند ۷ - زین و برگ اسب ۸ - روپوش اسب ۹ - نم‌دزین ۱۰ - سخن چینی ۱۱ - بدگوی

۵- "... به عَجَب بمانده‌ام از حِرْص و مُنَاغَشَت با یکدیگر و چندی و زَرَو و بَال و تَبِعَت که درویش گرسنه در محنت و ذحیر و توانگر با همه نعمت چون مرگ فراز آید از یکدیگر بازشان نتوان شناخت."

تاریخ بیهقی

۱- حرص . تَبِعَت
۲- مُنَاغَشَت . ذحیر

۳- وَزَر . فَرَاَز
۴- وَزَر . ذحیر

۶- "... یک نَفَس ما را به مانگذار و بر نعمتی که دهد و شدتی که پیش آید اِلْهَام ارزانی دارد تا بنده وار صبر و شکر پیش آریم و دست به تَمَآثُک اوی زنیم تا هم نعمت زیادت گردد به شکر ، و هم

صَوَاب حاصل آید به صبر."

تاریخ بیهقی

۱- اِلْهَام . صواب
۲- ارزانی . تَمَآثُک

۳- صواب . نگذار
۴- تَمَآثُک . صواب

۷- "... چنان باید که هر چه بدان اِجَابَت کنی غَزَاذَتی^۱ به جای ملک باز نگردد ، و اگر مُسْئَلَتی^۲ اُفْتَد مشکل تر که ترا در آن تَحْیِری^۳ افزاید و از ما در آن باب مِثَالی^۴ نیافته باشی ، اِسْتِطْلَاع رآی ما

کنی و نامه‌ها فرستی با قاصدان مُصَرِّع^۵ تا حل کرده آید."

تاریخ بیهقی

۱- غَزَاذَتی . مُصَرِّع
۲- مُسْئَلَتی . اِسْتِطْلَاع

۳- اِجَابَت . مُصَرِّع
۴- تَحْیِری . اِسْتِطْلَاع

۸- "... دبیر باید که کریمُ الْأَصْل ، شَرِیفُ الْعَرَض ، دَقِیقُ الْنَظَر ، عَمِیقُ الْفِکْر و صَاقِبُ الرَّأی باشد ، و به حُطَام^۶ دنیای و مَزْخَرَفَاتِ آن مشغول نباشد ، و به تَحْسِین و تَقْبِیح اصحاب اَعْرَاض و اَرَبَاب

اِغْمَاضِ الطِّفَات نکند .

چهارمقاله‌ی نظامی

۱- صَاقِب . الطِّفَات
۲- حُطَام . مَزْخَرَفَات

۳- حطام . اَعْرَاض
۴- تَقْبِیح . اِغْمَاض

۹- "... در صِیَاقَت^۷ سخن آن طریق گیرد که اَلْفَاظُ مُتَابِعِ معانی آید و سخن کوتاه گردد ، چه هرگاه معانی مُطَابِعِ اَلْفَاظِ افتد سخن دراز شود و کاتب را مِکْثَارِ خوانند و اَلْمِکْثَارُ مِهْذَارُ^۸ . "چهارمقاله‌ی نظامی^۹

۱- چنگ زدن ، توسل ۲- کمی و خواری ۳- فرمانی ۴- تیز رو و چابک ۵- اندیشه‌ی نافذ ۶- مال بی ارزش دنیا

۷- روش ۸- راندن ۹- برگوی باوه گوی است

- ۱ - صِیَاقَت . مِکْثَار
۲ - مُتَابِع . مِهْذَار
۳ - اَلْفَاظ . مُتَابِع
۴ - صِیَاقَت . مُتَابِع
۱۵ - "... اما چون قَضِیَّت را تحقیق کنی نتیجه بر خلاف این آید که من در مُرَاهِلِ شَیْم و او در مُنَازِلِ شَبَاب و آنان که او را برین بُعْث همی کنند نَاقِضِ این دولت‌اند نه نَاصِح، و حَادِمِ ایمن خاندانند نه خَادِم"

چهار مقاله

- ۱ - قَضِیَّت . بُعْث
۲ - مُرَاهِل . حَادِم
۳ - بُعْث . نَاصِح
۴ - مُرَاهِل . نَاقِض
۱۱ - "... خلیفه گفت: اول این نامه را بر آخر چندان فَطِیْلَت است که (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) رابِع (تَبَّتْ یَدَا ابْنِ لَهَبٍ) درِیغ باشد خاطر چون شَمَا بُلْغَا را به دست غوغای مَایْحَاجِ بَسَاز دادن . و اَسَابِ تَرْفِیَه^۵ او چنان فرمود که اُمثال آن کلمه دیگر هرگز به قُور^۶ گوش او فرو نَشُود."

چهار مقاله

- ۱ - فَطِیْلَت . تَرْفِیَه
۲ - دِریغ . مَایْحَاج
۳ - بُلْغَا . غُوغَا
۴ - فَطِیْلَت . قُور
۱۲ - "... غایتِ فَصَاحَتِ قرآن ایجازِ لَفْظ و اِعْجَازِ مَعْنَاست، و هر چه فَصَحَا و بُلْغَا را اُمثال این تَظْمِین^۷ افتاده است تا به درجه‌ای است که دَحْشَت همی آرد و عَاقِل و بَالِغ از حال خویش همی گردد."
- ۱ - غَايَت . بَالِغ
۲ - فَصَحَا . دَحْشَت
۳ - تَظْمِین . دَحْشَت
۴ - بُلْغَا . فَصَاحَت

- ۱۳ - "... شعر باید به آن درجه باشد که در صَحِیفَه‌ی رُوزگار مَسْتُور باشد و بَرَالْسَنَه‌ی^۸ اَحْرَارِ مَقْرُوع^۹، بر سَفَایِن^{۱۰} بنویسند و در مَدَایِن بخوانند که حَظَّ اَوْفَر و قِسْمِ اَفْضَل از شِعْر اسم است. چهار

- ۱ - صَحِیفَه . اَفْضَل
۲ - مَسْتُور . مَقْرُوع
۳ - سَفَایِن . مَدَایِن
۴ - اَلْسَنَه . اَوْفَر

۱ - بهری ۲ - جوانی ۳ - بگو (ای محمد) اوست خدای یگانه ۴ - بریده باد دو دست ابی لهب ۵ - آسایش ۶ - مق و زرقا ۷ - در برگرفتن . برداشتن ۸ - زبان آزادگان ۹ - خوانده شده ۱۰ - دفترهای شعر (دیوانها)

۴- "... خواجه عمید آسعد مردی فاضل بود و شاعر دوست، شعر فرخی را شعری دید تر و عزب^۱ خوش و استادانه، فرخی را سگزی دید بی اندام. جبهای پس و پیش چاک پوشیده، دستاری بزرگ سگزی وار در سر، پای و کفش بس ناخوش و شعر در آسمان هفتم. بر سبیل امتحان گفت."

چهار مقاله

۲- تر. سبیل

۱- خواجه عمید. امتحان

۴- عزب. امتحان

۳- فاضل. سگزی

۱۵- "... وچندان قصاید قرر^۲ و نفایس درر^۳ که از طبع وقاد^۴ او زاده، هیچ مسموع نیفتاد. و آن آزاد مرد (مسعود سعد) در دولت ایشان همهی عمر در حبس بود. و من متوقفم^۵ که این حال بر چه حمل کنم؟ بر ثبات رأی، یا بر غفلت طبع یا بر قضاوت قلب^۶."

چهار مقاله

۲- طبع^۴ وقاد. ثبات رأی

۱- قرر. قضاوت

۴- متوقفم. حمل کنم

۳- نفایس درر. مسموع

۱۶- "... در میان مجلس عشرت از حجة الحق عمر^۷ شنیدم که او گفت: گور من در موزعی باشد که هر بهاری شمال بر من گل افشان کند. مرا این سخن مستهیل^۸ نمود و دانستم که چنوبی گزاف نگوید."

چهار مقاله

۲- موزعی. مستهیل

۱- حجة الحق. گزاف

۴- موزعی. چنوبی

۳- عشرت. مستهیل

۱۷- "... شنیدم که در مجلس خوارزمشاه چند کس اند از اهل فضل که ادیم^۹ النظیرند به مجلس ما فرستی که به علوم و کفایات ایشان مستظهر شویم. رسول وی یکی از افاضل و اماصل^{۱۰} عصر و اعجوبه‌ای بود از رجال زمانه"

چهار مقاله

۲- ادیم النظیر. اعجوبه‌ای

۱- اهل فضل. اماصل عصر

۴- ادیم النظیر. اماصل

۳- مستظهر. افاضل

۱- دوارا و شمرین ۲- برگزیده ۳- مروریدها ۴- روشنی خاطر. فروزان ۵- حیرانم ۶- سنگدلی ۷- منظور حکیم میر خدام است ۸- باور نکردنی ۹- بی مانند ۱۰- پشتگرم ۱۱- برگزیدگان زمان

۱۸ - " چنین آورده‌اند که نصر بن احمد سامانی که واسطه‌ی^۱ عقد آل سامان بود، و اوج دولت آن خاندان آیام ملک او بود، و اسباب طمع^۲ و علل ترفع^۳ در غایت ساخته‌گی بود خزائن آراسته و لشکر جرار، و بندگان فرمانبردار. "

۱ - نصر . خزائن
۲ - واسطه‌ی عقد . ترفع

۳ - اوج . غایت
۴ - طمع . ساخته‌گی

۱۹ - "... از عذب گویان عجم یکی امیر الشعرا معزی بود که شعر او در تلاوت^۳ و طراوت به غایت است و در روانی و عزوبت^۴ به نهایت، از وی خواست که قصیده را جواب گوید و الحاح^۵

کرد، "

چهار مقاله

۱ - تلاوت . عزوبت
۲ - عجم . الحاح

۳ - طراوت . خواست
۴ - تلاوت . عذب

۲۰ - "... خردمند چگونه آرزوی چیزی در دل جای دهد که رنج و تبعیت آن بسیار و انتفاء^۶ استمتاع^۷ اندک؟ از این اندیشه‌ی ناثواب درگذر و همت بر اکتساب ثواب مقصور گردان، "

کلیله و دمنه

۱ - تبعیت . ثواب
۲ - استمتاع . اکتساب

۳ - انتفاء . مقصور
۴ - انتفاء . ناثواب

۲۱ - "... به صحبت دوستان هم مناز و بر وصال ایشان حریص مباش که سور آن از شیون قاصر است و اندوه بر شادی راجه، و با این همه درد فراق بر اثر و سوز هجر منتظر و نیز شاید بود که برای فراغ اهل و فرزندان و، تمحید^۷ اسباب ایشان، به جمع مال حاجت افتد، کلیله و دمنه

۱ - سور . فراغ
۲ - راجه . فراق

۳ - راجه . تمحید
۴ - سور . منتظر

۱ - گوهر درشت میانه‌ی گردنبند ۲ - استواری و نیرومندی ۳ - حسن . پذیرایی دل ۴ - پاکیزگی ۵ - اصرار و پافشاری

۶ - برخوردار داشتن ۷ - آماده کردن

۲۲- "و من (برزویه طبیب) به حکم این مُقَدِّمات از علم طَبِّ تَبَرُّمٌ می نمودم و هِمَّت و نَحْمَت^۱ به طلب دین مصروف گردانید، و اَلْحَقّ راه آن دراز و بی پایان یافتیم . سراسر مَخَاف و مَضایِغ^۲ ."
کَلیلَه و دِمَنَه

۱- نَحْمَت . مَضایِغ

۲- تَبَرُّمٌ . مَخَاف

۳- نَحْمَت . تَبَرُّمٌ

۴- مصروف . مَضایِغ

۲۳- "... جَماعتی برای حُتام دنیا و رَفَعَتِ مَنزِلَت میان مردمان تکیه بر استخوانهای پوسیده کرده، و اختلاف میان ایشان در معرفتِ خَالِق و ابتدایِ خَلق و انتهایِ کار بی نهایت، و رَأی هر یک برین مَقَرَّر که من مُسَبِّم^۳ و خَصَم مَخْطی^۴ ."
کَلیلَه و دِمَنَه

۱- رَفَعَت . مَخْطی

۲- حُتام . مُسَبِّم

۳- مَنزِلَت . مَقَرَّر

۴- مُسَبِّم . مَخْطی

۲۴- "... زبان را از سخنانی که ازو مَضَرَّتی تواند زاد، چون فُحش و بُحْثان و غِیْبَت و تَهْمَت بسته گردانید، و در معنی بَعَث و قِیامت و صَوَاب و عِقَاب بر سَبیل اِفْتِرا چیزی نگفتم ."
کَلیلَه و دِمَنَه

۱- مَضَرَّتی . بَعَث

۲- بُحْثان . صَوَاب

۳- غِیْبَت . اِفْتِرا

۴- تَهْمَت . عِقَاب

۲۵- "... چون مَحاسِنِ سَلاح بر این جمله در ضمیر مَتَمَكِّن شد، خواستم که به عبادت مَتَحَلِّی^۵ گردم تا شَعَار و دِثار من مَتَناسِب باشد که تعبد^۶ و تَعَقُّف در دَفْعِ شَرِّ حَسین^۷ است و در جَذَبِ خیر کمندِ دراز و اگر حَسکی^۸ در راه اَفْتَد یا بالایی تند پیش آید بدانها تَمَسُّک توان کرد ."
کَلیلَه و دِمَنَه

۱- سَلاح . حَسین

۲- مَتَحَلِّی . تَمَسُّک

۳- تَعَبْد . حَسکی

۴- مَحاسِن . تَعَقُّف

۱- سر شدن و بسته آمدن ۲- کمال و کوشش و آرزو ۳- تنگناها ۴- درستکارم ۵- خطاکار ۶- آراسته ۷- بندگی و پاکدامنی ۸- محکم و استوار ۹- خار سه پهلوی فلزی

۲۶- "... می بینم که لُوم^۱ و دَنائَتِ مُستولی، و کُرم و مَروَتِ مُنزوی، مَکر و خَدِیعتِ بیدار وفا و حُریتِ در خواب، حقِ مُنَحَزِم^۲ و باطلِ مُظَفَّر، مَظلومِ مُحَقِّ ذَلیل و ظالمِ مُبطلِ عَزیز، > حِشِّ قَالِب و قَناعتِ مَغلوب "

کلیله و دمنه

۱- لُوم . مَغلوب ۲- دَنائَت . مُبطل

۳- مُنزوی . ذَلیل ۴- مُنَحَزِم . قَالِب

۲۷- "... پدر در آسنای سخن گفت که : ای فرزندان ! اهل دنیا جویان سه رُتبت اند و بدان نرسند مگر به چهار خِصَلَت . اما آن سه که طالبِ آنند . فراخی معیشت ، رِفعتِ مَنزِلَت ، و رسیدن به صوابِ آخرت . "

کلیله و دمنه

۱- آسنای . مَنزِلَت ۲- خِصَلَت . رِفعت

۳- آسنای . صواب ۴- مَنزِلَت . صواب

۲۸- "... چون کاری کند که به صواب نزدیک و به سَلاح ملک مَقْرُون باشد ، در تَقْرِیرِ^۳ فَوائِدِ آن مُبَالَغَتِ نماید تا شادی او به مَتانَتِ رَای و رِزائَتِ^۴ عقل خویش بیفزاید و اگر در کاری خَوَز^۵ کند پس از تَأَمُّلِ^۶ و تَدَبُّرِ به رِفَقِ هر چه تمامتر و عبارتِ نرمتر غُور^۷ و غایِلَه‌ی آن با او گویم . "

کلیله و دمنه

۱- صواب . غُور و غایِلَه ۲- سَلاح . خَوَز

۳- تَقْرِیر . رِزائَت ۴- مُبَالَغَت . تَأَمُّل

۲۹- "... مَلِک تا اَتَباعِ خود را شناسد و براندازه‌ی رَای و رَوَپَتِ^۸ و اِخلاص و مُناصَحَتِ هر یک واقف نباشد از خدمتِ ایشان اِنْتِفاعی نتواند گرفت و در اِصْطِناءِ^۹ ایشان مِثال نتواند داد . "

کلیله و دمنه

۱- اَتَباع . اِصْطِناء ۲- مُناصَحَت . اِنْتِفاعی

۳- اِخلاص . مِثال ۴- اِنْتِفاعی . اِصْطِناء

۱- هستی و فرومایگی ۲- فراری ۳- بهمان کردن ۴- آهستگی و وقار ۵- مشروع و فکر کردن ۶- اندیشیدن ۷- چاره جویی

۸- عاقبت بد و زیانکار ۹- اندیشه و تفکر ۱۰- پروردن ، نیکویی کردن

۳۰- " ... گاوه ذکر ملک صباغ شنید بترسید ، دمنه را گفت : اگر مرا قوی دل گردانی و از بعث^۱ او ایمن کنی با تو بیایم . دمنه با او وثیقتی کرد و شرایط تأکید و احکام^۲ اندر آن بجای آورد . "

کلیله و دمنه

۱- صباغ . بعث . ۲- بعث . وثیقتی

۳- ذکر . احکام ۴- صباغ . تأکید

۳۱- " ... چون دمنه بدید که شیر در تقریب گاوه ترهیب^۲ می نماید و هر ساعت در اصطفاع^۳ و اجتبای^۴ وی می افزاید دست حسد^۵ سرمه ی بیداری در چشم وی کشد و فروغ^۶ خشم ، آتش غیرت در مفرش وی پراکند تا خواب و قرار از وی بشد . "

کلیله و دمنه

۱- تقریب . فروغ ۲- ترهیب . اصطفاع

۳- حسد . غیرت ۴- ترهیب . اجتباء

۳۲- " ... ذکر جمیل سعدی که در افواه^۴ عوام افتاده است و سیت^۵ سخنش که در بسیط^۶ زمین رفته و قصب الجیب^۷ حدیثش که همچون شکر می خورند و رقعهای منشعاتش که چون کاغذ زر می برند . "

گلستان

۱- افواه . بسیط ۲- عوام . منشعات

۳- سیت . منشعات ۴- حدیث . قصب الجیب

۳۳- " ... دیگر عروس فکر من ، دیده ی یأس از پشت پای خجالت بر ندارد و در ذمره ی صاحب دلان متجلی^۷ نشود مگر آن که که متحلی^۸ گردد به زیور قبول امیر کبیر که ممدوه اکابر آفاق است و مجموع مکارم اخلاق . "

گلستان

۱- یأس . متحلی ۲- زیور . متجلی

۳- ذمره . ممدوه ۴- ذمره . متحلی

۱- عذاب و سختی و خشم ۲- شادباش گفتن ۳- برگزیدن ۴- دهانها (ج- فم) ۵- آوازه و شهرت ۶- کنایه

از شیرینی ۷- آشکار ۸- تراسته

۳۴- "... اِمعان^۱ نظر در ترتیب و تهذیب ابواب، ایجاز سخن مصلحت دید تا بر این روضه^۲ قنأ و حدیقه^۳ قلباء چون بهشت هشت باب اتفاق افتاد تا به کلال نینجامد." گلستان

۱- تهذیب. روضه

۲- اِمعان نظر. حدیقه

۳- روضه. حدیقه

۴- قنأ. قلباء

۳۵- "... طایفه‌ی دزدان عرب بر سر کوهی نشسته بودند و منقض کار و اینان بسته، رعیت بلدان از مکاید ایشان مرعوب، و لشکر سلطان مغلوب به حکم آنکه ملازی^۴ مانع از قلّه‌ی کوهی رفیع گرفته بودند و ملجاء^۵ و ماوای خود ساخته." گلستان

۱- منقض. ملجاء

۲- منقض. ملازی

۳- مرعوب. مغلوب

۴- ملجاء. ماءوا

۳۶- "... و ازینجا گفته‌اند، اصحاب فتنه و خبرت، که از حدت و صورت پادشاهان بر حذر باید بودن که غالب همت ایشان به معظمت امور مملکت متعلق باشد و تحمل ازدحام عوام نکنند." گلستان

۱- فتنه. ازدحام

۲- حدت. معظمت

۳- بر حذر. عوام

۴- فتنه. صورت

۳۷- "... ابلهی را دیدند سمن^۶. خلعتی سمن^۷ در بر و مرکبی تازی در زیر و قصبی^۸ مصری بر سر. کسی گفت: سعدی؛ چگونه همی بینی این دیبای معلم^۹ برین حیوان لایعلم. گفتم: یک خلعت زیبا به از هزار خلعت دیبا." گلستان

۱- سمن. معلم

۲- قصبی مصری. لایعلم

۳- خلعتی سمن. خلعت

۴- سمن. سمن

۳۸- "... فوائد سفر بسیار است؛ از نذمت خاطر و جر منافع و دیدن عجائب و شنیدن قرائب^{۱۰} و تفرج بلدان و مجاورت خلان^{۱۱} و تحصیل جاه و ادب و مزید مال و مکتسب و معرفت یاران." گلستان

۱- زرف نگری ۲- بستان بر درخت ۳- باغ درختان درهم ۴- پناهگاهی استوار ۵- پناه جای، منزل ۶- فربه و جاق

۷- گرابها ۸- کتان نازک که دستار کنند ۹- نگارین و نقش ۱۰- چیزهای نادر و عجیب ۱۱- دوستان

- ۱ - نَدَهَتْ . قَرَائِب
۲ - جَرَّ مَنَافِعَ . مَزِيدَ مَال
۳ - مَعْرِفَتْ . فَوَائِد
۴ - عَجَائِبَ . قَرَائِب

۳۹ - "... طوطی را با زاغ در قفس کردند، از قُبَح مشاهده‌ی او مجاهده می‌برد و می‌گفت: این چه طَلَعَتْ مَكْرُوح است و هَيَّاتِ مَمْقُوت^۱ و مَنَظَرِ مَلْعُون و شَمَائِلِ نَامُوزُون . عَجَب آنکه قُرَاب هم از مجاورت طوطی به جان آمده بود و ملول شده و لِأَحْوَلِ کَنَان^۲ دستهای تَغَابُن^۳ بر یکدیگر همی‌مالید ."

گلستان

- ۱ - قُبَح . تَغَابُن
۲ - مَكْرُوح . قُرَاب
۳ - مَمْقُوت . لِأَحْوَل
۴ - طَلَعَتْ . هَيَّاتِ

۴۰ - "... یاد دارم در تموزی که هُرُور^۴ دهان بخوشایندی و سُمُوش^۵ مغز استخوان بجوشایندی از ضَعْفِ بَشَرِيَّتِ تاب آفتابِ هَجِير^۶ نیاوردم و اِلْتِجَا به^۷ سایه دیواری کردم مُتَرَعِّب^۸ که کسی حَرِّ تموز از من به بَرْدِ آبی فرو نشاند ."

گلستان

- ۱ - سُمُوش . حَرِّ تَمُوز
۲ - هُرُور . هَجِير
۳ - هُرُور . مُتَرَعِّب
۴ - تَمُوز . اِلْتِجَا

۴۱ - "... حالی که من این سخن بگفتم، عِنَانِ طَاقَتِ درویش از دست تَهْمَلِ برفت، تیغِ زَبَانِ برکشید و اسبِ فَصَاحَتِ در میدانِ وَقَاهَتِ^۹ جهانید و گفت چندان مَبَالِغَه در وصف ایشان بکردی"

گلستان

- ۱ - تَهْمَل . وَقَاهَت
۲ - طَاقَت . فَصَاحَت
۳ - حالی که . مَبَالِغَه
۴ - تَهْمَل . مَبَالِغَه

۴۲ - "... مشتِ مُتَكَبِّر و مغرور، مُعْجَب^{۱۰} نفور، مُشْتَغِلِ مال و نعمت و مُقْطِنِ^{۱۱} جاه و ثروت کد سخن نگویند اِلَّا به سَفَاهَت و نظر نکنند اِلَّا به کُرَاهَت، علما را به گدایی مَنصُوب کنند و فقرا را به بی‌سرو پائی معیوب گردانند به غَرَّت^{۱۲} مالی که دارند و عِزَّتِ جاهی که پندارند خود را برتر از همه دانند ."

گلستان

۱ - دشمن داشته شده ۲ - قید حالت به معنی تعجب کنان ۳ - زبان دیدن ۴ - باد گرم شب ۵ - گرمی آفتاب ۶ - باد گرم روز ۷ - نیمروز ۸ - پناه گرفتن ۹ - چشم به راه ۱۰ - منتظر ۱۱ - بی‌شرمی ۱۲ - خودپسند ۱۳ - شیفته و فریفته ۱۴ - فریفتگی

۲ - مُقْتَطِن . مُنْصُوب

۱ - مُعْجَب . غِرَّتْ

۴ - مَغْرُور . كِرَاهَت

۳ - مُشْتَغَل . سَفَاهَت

۴۳ - "... چه فایده، چون ابر آزارند^۱ و نمی بارند و چشمه‌ی آفتابند و بر کس نمی تابند، بر مرکبِ اِسْتَطَاعَت سوارانند و نمی رانند، قدمی بهر خدا ننه‌ند و درمی بی من^۲ و آزی ندهند."

گلستان

۲ - اِسْتَطَاعَت . آزی

۱ - ابر آزار . اِسْتَطَاعَت

۴ - ابر آزار . آزی

۳ - من . آزی

۴۴ - "... اما صاحب نعمت دنیا به عین عنایت حق ملحوظ است و به حلال از حرام محفوظ. من همانا که تقریر این سخن نکردم، انصاف از تو توقع دارم؛ هرگز دیده‌ای دست دقایی^۳ بر کتف بسته یا بی‌نوابی به زندان درنشته یا کفی از معسم^۴ بریده الا به علت درویشی." گلستان

۲ - ملحوظ . حرام

۱ - عنایت . معسم

۴ - تقریر . حلال

۳ - دقایی . معسم

۴۵ - "... قاضی گفت: ای که توانگران را ثنا گفتی و بر درویشان جفا روا داشتی بدان که هر جا که گل است خار است و با خمر خمار است و بر سر گنج مار است و آنجا که در شاهوار است نهنگ مردمخار است. لذت عیش دنیا را لدقه^۵ اجل در پس است و نعیم بهشت را دیوار مکاره در پیش.

گلستان

۲ - خار . نعیم

۱ - ثنا . دیوار مکاره

۴ - مردمخار . لدقه

۳ - قاضی . اجل

۴۶ - "... وای که گفتی توانگران مشتغلند و ساحی^۶ و مست ملاحی^۷؛ نعم . طایفه‌ای هستند برین صفت قاصر همت، کافر نعمت، به اعتماد مکنّت خویش از محنت درویش نپرسند و از خدای، عزوجل^۸

نترسند.

گلستان

۲ - مشتغل . عزوجل

۱ - ساحی . ملاحی

۴ - نعم . اعتماد

۳ - قاصر . محنت

۱ - نام اول بهار رومیان ۲ - منت نهادن و آزار رساندن ۳ - مرد نادرت و دغل ۴ - بندگاه دست با ساعد ۵ - نیش مار و کژدم، گریدن ۶ - فراموشکار ۷ - کارهای بیپوده ۸ - گرامی و ناخکوه است

۴۷- "... مُراد از نُزولِ قرآن، تَحْصیلِ سیرتِ خوب است نه تَرْطیلِ ۱ سُوْرَتِ ۲ مکتوب، عامی مَتَعَبِدِ ۳ پیاده‌ی رفته است و عَالِمِ مَتَحَاوِنِ ۴ سوارِ خفته، عاصی ۵ که دُست بردارد به از عابد که در سر دارد."

۱- نُزول . عاصی

۲- تَحْصیل . تَرْطیل

۳- سُوْرَت . مَتَحَاوِن

۴- تَرْطیل . مَتَحَاوِن

۴۸- "... حِلْمٌ ۶ شتر چنانکه معلوم است، اگر طفلی مهارش گیرد و صد فرسنگ بُرد . گـردن از مُطابَعَتش نیچد . اما اگر دَره‌ای هولناک پیش آید که موجب هِلاک باشد، زمام از کَفَش درگسلاند و بیش مَتَاوَعَت ۷ نکند."

گلستان

۱- مُطابَعَت . مَتَاوَعَت

۲- حِلْم . مَتَاوَعَت

۳- مِهار . زمام

۴- هولناک . هِلاک

۴۹- "... غالبِ گفتارِ سعدی طَرَبِ انگیز است و تَبِیَّت ۸ آمیز و کوته نظران را بدین عِلّت زبان طَعْن دراز گردد که مَغْزِ دِماغ، بیهوده بُردن کار خردمندان نیست . ولیکن بر رأی روشن صاحبِ دلان پوشیده نماند که دُرِّ موعظه‌های شافی را در سِلْکِ ۹ عبارت کشیده است و داروی تلخ نصیحت به شَهِدِ ضرافت ۱۰ برآمیخته"

گلستان

۱- غالب . سِلْک

۲- طَعْن . موعظه‌های

۳- تَبِیَّت . ضرافت

۴- دِماغ . شَهِد

۵۰- "... مگر آن که که سخن گفته شود به عادتِ مَعْلُوف و طریقِ معروف که آزرَدن دوستانِ جَهِل است و کَفَّارَتِ یَمِینِ ۱۱ سَهْل ، و خِلَافِ راهِ صَوَاب است و نَغْزِ ۱۲ رَایِ اُولُوْاَلِیَّابِ ۱۳ که ذُوْاَلْفَقارِ ۱۴ علی در نیام و زبان سعدی در کام"

گلستان

۱- عادت . اُولُوْاَلِیَّاب

۲- مَعْلُوف . نَغْز

۳- کَفَّارَت . صَوَاب

۴- سَهْل . ذُوْاَلْفَقار

۱- آرام و بهداخواندن ۲- سوره‌ی قرآن ۳- عبادتکار ۴- سهل‌انگار ۵- نافرمان و گنهکار ۶- بردباری ۷- فرمانبرداری به‌میل ۸- نمکین و آمیخته به مزاج ۹- رشته ۱۰- زیبایی ۱۱- سوگند ۱۲- شکستن ۱۳- صاحبان خرد ۱۴- شمشیر معروف علی ع

۵۱- "... نبینی که حق، جَلَّ و علا^۱ در مُحَكَّم تَنْزِیل^۲ از نَعِیم^۳ اهل بهشت خبر می دهد تا بدانی که مشغول کفاف از دولت عَفاف محروم است و مُلک فِرَاقَت^۴ زیر نَگین رِزق معلوم".
گلستان

- | | |
|-----------------------|----------------------|
| ۱- جَلَّ و علا . رِزق | ۲- مُشغول . تَنْزِیل |
| ۳- مُشغول . فِرَاقَت | ۴- عَفاف . فِرَاقَت |

۵۲- (... این غلام (ابوالقاسم قائم مقام) به کُنْج فقر و کُنْج شکر و توشه ی قناعت و گوشه ی فِرَاقَت خو گرفته و پناه جستم ام که بقیه ی عمر در ظِلِّ اَعْتَاب^۵ وَاَلا با فِرَاق^۶ بال و رفاه حال تقدیم توانم کرد".
منشآت قائم مقام

- | | |
|----------------------|--------------------|
| ۱- فِرَاقَت . فِرَاق | ۲- توشه . رفاه حال |
| ۳- قناعت . ظِلِّ | ۴- اَعْتَاب . رفاه |

۵۳- "... غایتِ بِضَاعَت و مایه ی اسطِنَاعَت این بنده ی کمترین . همین کَلْک شکسته است و نُطق فرو بسته که هیچ آفریده را از فَضْلِ خدا و یَمَنِ والا (مُحَمَّد شاه قاجار) امکان قدرت نیست که تواند این اسباب دعاگویی و آلت ثناخوانی را از من واسناند . عُموم حَسَاد را هَبْل^۷ نَفْس گسسته گردد".
منشآت

- | | |
|-----------------------|------------------------|
| ۱- غایت . حَسَاد | ۲- بِضَاعَت . ثناخوانی |
| ۳- اسطِنَاعَت . هَبْل | ۴- اَسباب . آلت |

۵۴- "... عیسی (ع) در عَهْدِ صِبْی و مَحَدِ قِمَاط^۸ ناطق و صادق بود و به پاکی مادر شاهد شد، و پیغمبر (ص) ما به مکتبی نرفته و ابجدی ناخوانده مُعَلِّمِ عُلومِ اَوَّلین و اَخِرین بود و مَقَنِّ رُسومِ دنیا و دین . امثال این احوال که دُرک و افهام ما از کُنْج^۹ احوالشان عاجز، بعید و بدیع نیست". منشآت

- | | |
|-----------------|---------------------|
| ۱- صِبْی . بعید | ۲- مَحَد . کُنْج |
| ۳- ناطق . افهام | ۴- قِمَاط . مَقَنِّ |

۱- بزرگ و برتر از همه چیز ۲- قرآن مجید ۳- فراوانی نعمت ۴- آسودگی ۵- آستانه ی درها ۶- آسوده خاطر ۷- رشته .
رسمان ۸- قنداق طفل شیر خواره ۹- اصل و عمق و پاهای

۵۵- "... گوهرِ علم نه چندان خوار و بی‌مقدار است که بی‌زحمت ریاضت موردِ اِفاظت^۱ گردد و هر مشتی سفلهی ناچیز، ابلهی بی‌تمیز، غافل هرزه‌گرد، فتنه‌ی خواب و خور، که غایتِ کسبِشان قیل و قال است و حاصلِ عمرشان مِراع^۲ و جدال، به نیلِ آن امکان دسترسش باشد." منشآت

۱- خوار. غایت ۲- ریاضت. قیل و قال

۳- سفله. هرزه‌گرد ۴- اِفاظت. مِراع

۵۶- "... دیشب که به خانه آمدم، خانه را صحنِ گلزار و کلبه را طبله^۳ عطار دیدم طیفی^۴ مُستَغنی^۵ الوصف که مایه‌ی ناز و محرمِ راز بود، گفت: قاصدی وقتِ ظُهر کاغذی سر به مُهر آورد که سربسته به طاق ایوان است و گل دسته‌ی باغِ رِزوان. فی‌الْفور، مُهر از سر نامه برگرفتم، گویی که سر گلابدان است."

منشآت

۱- طبله. فی‌الْفور ۲- طیفی. باغِ رِزوان

۳- طاق. مُستَغنی الوصف ۴- قاصدی. مُهر

۵۷- "... بلی فرغت یاران و تفریق میان جسم و جان بازیچه نیست، ایام هجر است و لیالی^۶ بی‌فجر درد دوری هست، تاب صَبوری نیست. رنجِ هِرمان^۷ موجود است راهِ درمانِ مَسدود^۸."

منشآت

۱- فرغت. هِرمان ۲- تفریق. مَسدود

۳- ایامِ هجر. صَبوری ۴- لیالی بی‌فجر. تاب

۵۸- "... شما را طَرَب داد و ما را طَعَب^۸، قسمت شما حَضَر شد و نصیب ما سَفَر. خوشا به حالت که مایه‌ی معاشی از حلال داری و هم انطعاشی^۹ در وصال. نه چون ما که روزها روزه‌ایم و شبها به دریوزه^{۱۰}."

۱- طَرَب. دریوزه ۲- حَضَر. سَفَر

۳- نصیب. وصال ۴- طَعَب. انطعاشی

۱- سود بخشی ۲- جنگ و ستیزه ۳- قوطی عطار ۴- مهمان ۵- بی‌نیاز از تعریف ۶- شبهای بی‌روشنایی ۷- نومیدی ۸- رنج و زحمت ۹- نشاط و خوشی ۱۰- گدایی

۵۹- "... أَلْفَتِ پیران آشفته با جوانان آلفته^۱ بَعَيْنُهَا^۲ صحبتِ سنگ و صَبَواست و حکایت زاغ و دیوار باغ. شما را چه افتاده که خزان به باغ برید و سَموم^۳ به صحرا، یا اینکه حالا نوبت فصل بهار است و موسم بادِ سَبَا^۴."

منشآت

- | | |
|----------------------|------------------------|
| ۱- أَلْفَت . مَوْسَم | ۲- أَلْفَتَه . سَموم |
| ۳- صَبَو . سَبَا | ۴- بَعَيْنُهَا . فَصَل |

۶۰- "... چه لازم که شما بعد از چندی که به سَیر و صفا و گشت و گلزار تشریف می‌برید، زخم ناصور^۴ و بوی کافور و مرده‌ی گور با خود ببرید. شما را باغ باید و ما را چون لاله، داق. یکی را لاله و ورد^۵ سزاوار است و دیگری را ناله و دُرد."

منشآت

- | | |
|------------------|----------------|
| ۱- سَیر . سزاوار | ۲- ناصور . داق |
| ۳- صفا . کافور | ۴- گلزار . باغ |

۶۱- "... شُکْرِ خدا که بار دیگر بابِ رَحمت بر روی اهلِ اسلام گشود و نظرِ رَأْفَت بر طابِعین سَیدِ اَنام^۶ انداخت و مُلکِ اسلام را از وَسْمَت^۷ اِنْقِلابِ مَصُون ساخت. کار ملک و دین به کام شد، تیغِ حَرْب و کین در نیام رفت و مُرغانِ مَراسلات در پرواز درآمدند."

منشآت

- | | |
|-----------------------|--------------------|
| ۱- رَحْمَت . مَراسلات | ۲- رَأْفَت . حَرْب |
| ۳- طابِعین . وَسْمَت | ۴- مَصُون . اَنام |

۶۲- "... دَسْتُخَطِ شریف که از مَفولِهی یَسَر^۸ بعد از عُسَر^۹ و بُر^{۱۰} بعد از سُقم^{۱۱} و فَرَجِ بعد از شِدَّت و فَرَجِ بعد از مِهْنَت بود رسید و خاطر فرسوده را آسوده ساخت."

منشآت

- | | |
|----------------------|--------------------|
| ۱- مَفولَه . مِهْنَت | ۲- عُسَر . فرسوده |
| ۳- بُر . فَرَج | ۴- عُسَر . مِهْنَت |

۶۳- "... مَسْتورات آن جناب به نظر اِصَابَت اثر رسید و چون وصول مکاتبات به قاعده‌ی مشهور، بدلی از حُصول ملاقات می‌تواند شد. خاطرِ مِهَرِ مَظَاهِر را زایدًا الوَصَف^{۱۲} مسرور و مُبَطَّح^{۱۳} ساخت."

- | | |
|---------------------------|-------------------------|
| ۱- مَسْتورات . مسرور | ۲- اِصَابَت . مَظَاهِر |
| ۳- زایدًا الوَصَف . حُصول | ۴- مَسْتورات . مُبَطَّح |

۱- آشفته و پرشور ۲- درست مانند ۳- باد گرم و سوزان ۴- زخم چرکین ۵- گل سرخ ۶- مردمان ۷- عیب و عمار ۸- سایش ۹- سختی و مشقت ۱۰- شفا و دور شدن ۱۱- بیماری و نادرستی ۱۲- بی نیاز از تعریف، زیاد از توصیف ۱۳- شاد و مسرور

۶۴- "... اکنون باید فرزندی در حِفْظِ حدود و ضَبْطِ سَقُور و تَوَلِّیَّتِ امور و تربیتِ جمهور و رَفْعِ بُدْعِ مُسْتَحْدَثَه^۱ و وَضْعِ سُنَنِ مُسْتَحْسِنَه^۲ حُسْنِ کَفایت و فَضْلِ دِرایت ظاهر کرده. طَریقَهی عَنِیقَهی ما را تابع آمده طالب باشد."

منشآت

- | | |
|----------------------|----------------------------------|
| ۱- حِفْظ . طالب | ۲- ضَبْط . تابع |
| ۳- سَقُور . عَنِیقَه | ۴- مُسْتَحْدَثَه . مُسْتَحْسِنَه |

۶۵- "... اکنون در تحریر و تقریر دستگیر آمد که عالیجاه فوق العاده از این مراتب غافل است و به اَقْصَى الغایه از آن مرحله ذاهل^۳ معلوم است که هنوز در تَبِه^۴ غفلت پی سپار است و در قَیْدِ حَیْرَت گرفتار، اِشْفاع^۵ کاملی ما دربارهی آن عالیجاه از غایت ظُهور در حِجابِ مُسْطُور است."

منشآت

- | | |
|--------------------------|-----------------------|
| ۱- تَقْرِیر . فوق العاده | ۲- اِشْفاع . مُسْطُور |
| ۳- ذاهل . اَقْصَى الغایه | ۴- غافل . مَرَحَلَه |

۶۶- "... بار دیگر عالم علوم ادب را رونقِ عهدِ شباب باز آمد و کُلْشَنِ فَضْل و بِلَاغَتِ را حُسن و طَراوت افزود طبعِ فَصاحتِ رَسْمِ صُمُاحت^۶ تازه کرد. سَحَابِ حِکْمَتِ بارانِ رَحْمَتِ ببارید. شَعْلَهی طُورِ جِلْوَهی ظُهور گرفت پنجهی موسی لَمَعَهی^۷ بیَّظاً نمود."

منشآت

- | | |
|----------------------|-----------------------|
| ۱- صُمُاحت . بیَّظاً | ۲- بِلَاغَتِ . طَراوت |
| ۳- فَصاحت . سَحَاب | ۴- طُور . ظُهور |

۶۷- "... نه از وَعْدِ رَحْمَتِ مَایوس می توان بود نه از وَعْدِ نَعْمَتِ مَأمُون^۸ می توان شد. بیک سو کاخِ غَفَّاری اَفراخته اند و یک سو نارِ قَهَّاری افروخته. فومی به عِشوهی عاجل در عِیشاند و قومی به وعدهی آجل در تیش."

منشآت

- | | |
|-------------------|------------------------|
| ۱- مَایوس . آجل | ۲- غَفَّاری . قَهَّاری |
| ۳- مَأمُون . عاجل | ۴- نَعْمَتِ . تِیش |

۱- نوازنده پِدا عده ۲- نیکو شمرده شده ۳- نهایت دوری ۴- غافل و فراموشکار ۵- بیابان، وادی ۶- مهربانسی و دلسوزی ۷- جوانمردی و شجاعت ۸- نور ۹- عقوبت و عذاب ۱۰- درامان

۶۸- "... آیات این قرآن مَفْصَلٌ و مَلْفُوظٌ، چون دیگر آیات وجود نور و نیرویی است که از علم و اراده بسیط و مَحْزُون مَبْدَع^۱ هستی به آخرین مراتب نازل یکباره تَنْزُل و تَغْدِیر^۲ یافته و بر قلب درخشان رسول اکرم (ص) تابیده است. (تفسیر پرتوی از قرآن - آیه الله طالقانی)

۱- مَفْصَل . رَسُول

۲- مَلْفُوظ . تَغْدِیر

۳- مَبْدَع . تَغْدِیر

۴- مَحْزُون . تَنْزُل

۶۹- "... خَشِیت^۳ نگرانی و حَراسی است که از شُور به قدرت و مَسْوَلِیت پدید می آید و موجب پذیرش و تسلیم و تربیت می گردد، و این از خواص روحی انسان خَاشِع و رَاغِی^۴ و دریابنده می باشد. " ایضا "

۱- خَشِیت . خَاشِع

۲- حَراسی . رَاغِی

۳- مَسْوَلِیت . تَسْلِیم

۴- شُور . پُذِیرش

۷۰- "... نارِ حَامِیَه، اِجْمالا^۱ آتشی سوزان است، آیا این سوزندگی از خود آن است یا از آثار سقوط انسان از جاذبه ی خیر و فِترت^۵ می باشد یا شَهَوَات و هواهای مُتَضَاد و مُتَسَادِمِ^۶ که او را سبک نموده و به هر سو می کشاند، سرانجامش، هاوِیَه^۷ و آتش سوزان آن است. " ایضا "

۱- اِجْمالا . هاوِیَه

۲- جَاذِبَه . شَهَوَات

۳- حَامِیَه . سَبْک

۴- فِترت . مُتَسَادِمِ

۷۱- "... کتاب و حکمتی که قرآن پس از تَذْکِیَه تعلیم می دهد، چشم و عقلِ فِطری را به مبادی و نهایت جهان و طریق سلوک انسانها و رازها و ریشه های آفرینش و اصول احکام باز می نماید. قرآن با این طریق تعلیم، حس تحقیق و دریافت را در آذهان مردمان مُسْتَعِدِّبیدار کرد و عقاید و اوهام جامد آنها را درهم شکست. " ایضا "

۱- تَذْکِیَه . آزَهان

۲- فِطری . اوهام

۳- سُلُوک . مُسْتَعِدِّ

۴- تَذْکِیَه . تَعْلِیم

۱- اصل و سبب ۲- مقدر شده، اندازه گیری ۳- بیم و ترس ۴- پشرفته ۵- برشت و خلقت ۶- سخت به هم برخوردنده،

بهم کوفته شدن ۷- دوزخ

۷۲- "... مَرَّاحِلِ رُوحِي حَضْرَتِ رَسُولِ اَكْرَمِ پَس از چهل سالگی به سه دورهی تنظیم یافته ، مشخص شده : نخست دورهی اِنْعِضَال^۱ و تَفَكُّر و تَقَرُّب و آمادگی برای تَجَلُّی وَحی . دوم دورهی قیام به رسالت و هِدایتِ خَلْق . سوم تَسْبِیح و اِسْتِغْفَار و آمادگی برای بازگشت به سوی پروردگار . " ایضا "

۱- مَرَّاحِلِ . تَسْبِیح ۲- اَكْرَمِ . قِیَام

۳- اِنْعِضَالِ . اِسْتِغْفَار ۴- تَقَرُّبِ . رِسَالَت

۷۳- "... چنانکه پیش از این هم اشاره شد احادیثی که از جهت سَنَدِ مُطَقَّن^۲ و از جهت دلائل محکم باشد مُفَسِّرِ آیاتِ اَحْکام و مُعَوِّل^۳ مُتَشَابِهَات و مُبَیِّنِ بَطُون^۴ قرآن است و این غیر از فِهْمِ هِدایتی قرآن می باشد . " ایضا "

۱- مُطَقَّنِ . مُعَوِّل ۲- مُطَقَّنِ . بَطُون

۳- مُفَسِّرِ . مُتَشَابِهَات ۴- اَحَادِیْثِ . مُعَوِّل

۷۴- "... تنها دانستن فنون معمولی بِلَاغَت برای دُرکِ وسیع و مُتَنَوِّعِ قرآن کافی نیست . بلکه با تأمل در نکته های مقصوده ، و اشاراتِ مَلْحُوضَه^۵ ، و مقایسه در اَسْلُوب ، و تَوَجُّه به سَرِایِجاز و تَطْوِیل ، تقدیم و تأخیر حَرْف^۶ و اِبْدال و اَمْثال و عِبَر^۷ می توان به رُمُوزِ بِلَاغی قرآن آشنا شد . " ایضا "

۱- بِلَاغَتِ . عِبَر ۲- مُتَنَوِّعِ . اَسْلُوب

۳- تَطْوِیلِ . بِلَاغی ۴- مَلْحُوضَه . حَرْف

۷۵- "... همه در اُمَواجِ تاریک طبیعت که قَعَرِ آن جَهَنَّم سوزان است فرو می روند ، جز آنهایی که بر کشتی هدایت استوارند ، آن کشتی فَلَاح^۸ و موج شکنی که بدنه ی آن از فولاد ایمان و استوانه های آن از عِقَامَه ی صُلُوه برآمده و با دُفَه ی^۹ اِنْفَاغ^{۱۰} و عملِ صَالِح پیش رود . و با نورافکنِ یقین ساحل را بِنَمایاند . " ایضا "

۱- قَعَرِ . صَالِح ۲- عِقَامَه . اِنْفَاغ

۳- فَلَاحِ . دُفَه ۴- صُلُوه . اِنْفَاغ

۱- گوشه نشینی ۲- محکم و استوار ۳- شرح و تفسیر شده ۴- پوشیدگیها ۵- مورد توجه ۶- ساقط ، انداختن ۷- پندها و حکمتها ۸- رستگاری ۹- هاروی قایق ، سکان کشتی ۱۰- دادن مال به نیازمندان برای رضای خدا

۷۶- "... در قرآن، از توحید گرفته تا معاد، و از نبوت گرفته تا امامت و دعامت^۱، و از آرمانهای فردی گرفته تا هدفهای اجتماعی همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن، همدوش توحید، هدف تشریع نبوت و مقیاس سلامت اجتماع است." (عدل الهی. استاد مطهری)

۱- توحید. تشریع

۲- دعامت. اجتماعی

۳- محور. اجتماعی

۴- تشریع. دعامت

۷۷- "... نقطه‌ی مقابل عبس^۲، حکمت است. فعل حکیمانه فعلی است که حتی بطور نسبی نیز فاقد غایت و غرض نباشد و به عبارت دیگر غرض معقول داشته باشد، و علاوه بر غرض معقول داشتن، توأم با انتخاب اصلح و ارجه بوده باشد."

ایضا

۱- عبس. ارجه

۲- بطور نسبی. غرض معقول

۳- فاقد. اصلح

۴- توأم. ارجه

۷۸- "... آشاعره مجبور شدند هر چیز را مستقیماً و بلاواسطه و بدون دخالت هیچ شرط و واسطه‌ای منبیس^۳ از اراده خداوند بدانند. اهل فن می‌دانند که چنین عقیده‌ای بر ضد بساطت^۴ و علو و شموخ^۵ ذات اقدس الهی است."

ایضا

۱- آشاعره. ذات اقدس

۲- بلاواسطه. شموخ

۳- منبیس. بساطت

۴- منبیس. علو

۷۹- "... اهل رأی و قیث^۶ معتقد بودند که "عدالت" و "مصلحت" می‌تواند راهنمای خوبی برای فقیه باشد. اینجا بود که فقیه خود را موظف می‌دید که درباره‌ی آنچه "مقتضای عدالت" است و آنچه مصلحت اقتضا می‌کند بیندیشد، اصطلاحاتی از قبیل "استحسان^۷، استصلاح^۸، از همین جا پیدا شد."

ایضا

۱- اهل رأی. استصلاح

۲- قیث. استصلاح

۳- مقتضای. اقتضا

۴- قیث. استحسان

۱- پیشوایی و ریاست ۲- بی‌پرده و باطل ۳- برخاسته، برانگیخته ۴- فراخی، گسترده‌گی ۵- بلندی و رفعت ۶- به ذیل صفحه بعد مراجعه شود ۷- ترجیحی است که پس از تفکر و تعقل برای قاضی یا فقیه در مسئله‌ای پیدا شود ۸- استنباطی که قاضی از روی کلیات مصالح لازم الرعایه بدست می‌آورد.

۸۰- "... در فقه شیعه میان عقل و خیال، و به عبارت دیگر میان برهان عقلی و قیاس^۱ که همان تمصیل^۲ منطقی است تفکیک شد. گفته شد منابع فقه چهار است: کتاب^۳، سنت^۴، اجماع^۵، عقل. در این مکتب فقهی با اینکه رأی و قیاس مردود گشت، عقل و برهان معتبر شناخته شد. "

ایضا "

- | | |
|-----------------|------------------|
| ۱- قیاس . معتبر | ۲- تمصیل . اجماع |
| تفکیک . منابع | ۴- قیاس . اجماع |

۸۱- "... ما غرق در جهالتیم، برای یک حادثه‌ی کوچک هزار قسم شایعه می‌سازیم دروغگویی و نادرستی را شیوه‌ی خود قرار داده‌ایم و از هر فضیلتی تبری^۶ جسته استعفا کرده‌ایم، می‌خواهیم بر دنیا صیادت داشته باشیم. این نشدنی است. "

ایضا "

- | | |
|------------------|-------------------|
| ۱- حادثه . صیادت | ۲- جهالت . استعفا |
| ۳- فضیلت . صیادت | ۴- تبری . شایعه |

۸۲- "... سختی همچون کیمیا خاصیت قلب ماهیت کردن دارد، جان و روان آدمی را عوض می‌کند. اکسیر حیات دو چیز است؛ عشق، و آن دیگر بلا. این دو نبوق می‌آفرینند و از مواد افسرده و بی‌فروغ گوهرهایی تابناک و درخشان به وجود می‌آورند. "

ایضا "

۱- استدلال به گونه است یا به عبارت دیگر به وجه پیدا می‌کند؛ قیاس، استقراء، تمثیل. قیاس به آن گونه استدلال می‌گویند که ذهن را از کلی به جزئی یا از اصل به نتیجه و از قانون به موارد اطلاق آن برساند. مانند؛ هر انسان حیوان است. هر حیوان جسم است. نتیجه؛ هر انسان جسم است

۲- تمثیل حکم به جزئی است از روی حکم جزئی دیگر که در معنی جامعی با آن موافق است. مثلاً؛ "فلان دارو بر روی مسموم اثری نیکو داشته است، حکم می‌کنیم که بر روی انسان هم اثری نیکو دارد (مبتنی است بر شباهت)

۳- منظور کتاب آسمانی حاوی قوانین الهی. "قرآن مجید" است ۴- روش پیغمبر؛ گفتار و کردار و تقریر پیغمبر و امامان.

۵- گرد آمدن بر امری. اتفاق عقیده‌ی امت ۶- بیزاری و تنفر

۱ - خاصیت . بی فروغ

۲ - حیا ط . نبوق .

۳ - ماهیت . عوض

۴ - اکسیر^۱ . نبوق

۸۳ - "... هیچ حرکت طبیعی بدون غَسَر^۲ ممکن نیست . انسان نیز وقتی به سوی کمال می شتابد که فاقد آن باشد . همواره سعادت انسان در مطلوب داشتن است و مطلوب داشتن زمانی تَحَقُّق می پذیرد که فُقدان^۳ و محرومیت در کار باشد ؛"

ایضا "

۱ - غَسَر . فُقدان

۲ - فَاقد . تَحَقُّق

۳ - فاقد . فُقدان

۴ - غَسَر . محرومیت

۸۴ - "... وجود امدادهای غیبی و تأییداتِ رحمانی یکی از شواهد غلبه‌ی رحمت بر قُضَب است . مَغْفَرَتِ پروردگار و زایل ساختن عوارض گناه یکی دیگر از شواهد تَسَلُّطِ رَعْفَتِ او بر غضب و قهر می باشد ."

ایضا "

۱ - تأییدات . غُضَب

۲ - رَحْمَت . رَعْفَت

۳ - غیبی . تَسَلُّط

۴ - قُضَب . رَعْفَت

۸۵ - "... رَمَزِ مَغْفَرَتِ خواهی رسولِ اَکْرَم و سایر انبیاء و اَعْمَی مَعْصُومین در همان عُمومیت و شمول اصلِ مَغْفَرَتِ است و بطور کلی هر که قُربش بیشتر است ، از اَسْمَاءِ حَسَنای^۴ الهی بیشتر از دیگران اِسْتِضَاعَه^۵ می نماید ."

ایضا "

۱ - مَغْفَرَت . اَسْمَاءِ حُسْنی

۲ - اَعْمَ . اِسْتِضَاعَه

۳ - قُربش . اِسْتِضَاعَه

۴ - اَنْبِیاء . اَسْمَاء

۸۶ - با توجّه به معانی لغات زیر املائی یک کلمه غلط است ، مشخص کنید ؛

۱ - وَرَع : پارسائی

۲ - وَشَن : بت . صنم

۳ - وَلَع : آزمندی

۴ - وَصَن : چرت زدن

۱ - جوهری که ماهیت اجسام را تغییر دهد ، هر چیز کیمیا و مفید ، نظر مربی و مرشد کامل که ماهیت مرید را تغییر دهد

۲ - به جبر و ستم کسی را به کاری واداشتن ۳ - گم کردن ، از دست دادن ۴ - اسمهای خدای متعال ۵ - روشنی خواستن ، روشن شدن

۸۷- با توجه به معنی ، املاي کدام کلمه غلط است ؟

- ۱- نَوَاحِي : اطراف . بخشها
- ۲- نَهَالِي : توشک
- ۳- مَلَاَحِي : سرگرمي‌هاي بيهوده و ناروا
- ۴- مَنَاهِي : ممنوعات شرعي و عرفي

۸۸- با توجه به معنی ، املاي کدام کلمه غلط است ؟

- ۱- قَذَفَ : دور انداختن . تهمت زدن
- ۲- عَذَبَ : شيرين و گوارا
- ۳- حَذَفَ : ساقط کردن . انداختن
- ۴- قَذَبَ : شاخه‌ي درخت

۸۹- با توجه به معنای مقابل هر لغت ، املاي کدام لغت غلط است ؟

- ۱- صُرِير : کور
- ۲- سُرِير : تخت . اورنگ
- ۳- طُرِير : گياهي زرد رنگ
- ۴- صُرِير : آواز نوک قلم

۹۰- املاي کدام لغت با توجه به معنای مقابل آن غلط است ؟

- ۱- تَشَطَّطَ : پراکندگي
- ۲- تَذَرَعَ : اندازه گرفتن . زياده روی
- ۳- تَشَبَّثَ : وسيله جوبي
- ۴- تَذَلَّلَ : خواري و فروتنی نمودن

۹۱- املاي يکي از لغات زير با توجه به معنی غلط است .

- ۱- سَوَقَ : بازار
- ۲- سَوَر : گاو نر
- ۳- سَوَقَ : راندن
- ۴- سَوَر : ديوار

۹۲- املاي کدام لغت با توجه به معنی مقابل آن درست است ؟

- ۱- سَلَوْتُ : فرو نشستن اندوه . آرامش
- ۲- تَرْقِيبَ : به شوق آوردن
- ۳- لَحِجَتَ : تلفظ ، طراز ادای سخن
- ۴- تَرْحِيبَ : ترسانيدن

۹۳- املاي کدام لغت زير را درست مي دانيد ؟

- ۱- حَرَوَلَه : نوعي رفتار بين راه رفتن
- ۲- حَزَل : شوخي و مزاح کردن
- ۳- حَرَّاس : ترس و بيم
- ۴- حَزَر : اندازه گرفتن . تخمين زدن

۹۴- املاي يک کلمه با توجه به معنای مقابل آن درست است . مشخص کنيد ؛

- ۱- اساتير : افسانه‌هاي نيمه تاريخي و نيمه خرافي
- ۲- سَطِير : درشت و ضخيم

- ۳- دَسَاتیر : کتاب و لغت مجعول
۹۵- املائی لغت درست را مشخص کنید؟
- ۱- زَجَر : دلگیر ، دلتنگ
۳- زُخَر : پسراندار کردن
- ۴- سُرّه : کیسه‌ی درم و دینار
۲- زُحیر : پیچش و درد شکم ، ناله
۴- دُحیر : پشتیان
- ۹۶- کدام لغت درست نوشته شده است؟
- ۱- مَهَب : محل وزیدن باد
۳- مَهَب : دوست‌دار
- ۲- نَحَب : چپاول ، غارت
۴- لَحَب : شعله و زبانه‌ی آتش
- ۹۷- املائی کدام لغت با توجه به معنی ، درست است؟
- ۱- اِسْتِصْحَار : پشتگرم بودن
۳- اِسْتِحْظَار : آگاه شدن
- ۲- اِسْتِصْقَاء : نوعی بیماری
۴- اِسْتِصْقَاء : غایت اهتمام
- ۹۸- املائی یک لغت با توجه به معنای مقابل آن غلط است . مشخص شود:
- ۱- تَهْکَم : مسخره و ریشخند کردن
۳- تَمَسْخَر : ریشخند کردن
- ۲- اِسْتِهْذَاء : مسخره کردن
۴- اِسْتِهْجَاء : بدگویی کردن
- ۹۹- املائی کدام لغت را نادرست می‌دانید؟
- ۱- ضَرْغَام : شیر درنده
۳- ضَبْغَم : شیر بیشه
- ۲- ضَرَاء : سختی و تنگدستی
۴- صَرَاء : شادی و فراخ حالی
- ۱۰۰- کدام لغت با توجه به معنی آن درست نوشته شده است؟
- ۱- سَیْف : شمشیر
۳- صَیْف : تابستان
- ۲- عَاسِف : وزیر حضرت سلیمان
۴- عَاصِف : باد تند و سخت



تاریخ ادبیات

در این فصل با نثر و نظم ادب فارسی و تحوّل و تطوّر هزار ساله‌ی آن‌ها و انواع نثر و سبکهای مختلف ادبی و قالبهای شعری و صنایع بدیعی و شعرا و نویسندگان نامی ایران و آثار برجسته نظم و نثر فارسی آشنا می‌گردید و با توجّه به سوءالاتی که در پایان همین مبحث تهیّه و تنظیم گردیده به کیفیت تستهای آزمون (مربوط به تاریخ ادبیات) نیز آگاه می‌شوید.

زبان شیرین فارسی که ما امروز بدان سخن می‌گوییم یکی از چند لهجه یا شاخه‌ی قدیمی است که در ایران زمین، از کرانه‌ی اروند رود تا مرز تبت و از ورای قفقاز تا پنجاب و هند بدان سخن می‌گفته‌اند، معروفترین این لهجه‌ها همانهایی هستند که آثار باستانی فارسی را با آنها نوشته‌اند و عبارتند از:

۱- اوستایی. که کتاب مقدس زردشت به آن زبان (به خط دین دبیری) نوشته شده است و بازبان سانسکریت خویشی نزدیک دارد.

۲- فارسی قدیم. که کتیبه‌ها و سنگنبشته‌های پادشاهان هخامنشی به آن زبان (خط میخی) بر پیشانی صخره‌ها و دل گوه‌ها و لوحه‌های فلزی و سفالی کنده شده است.

۳- پهلوی. که زبان دوره پادشاهان اشکانی و ساسانی بوده و آثار معدود ولی ارزنده‌ای از آن زبان (به خط هام دبیری) در دست است که ساده و آسان‌ترین شیوه‌ی نگارش است.

زبان پهلوی و خط هام دبیری با تسلط عرب بر ایران یکباره نمرد و بیش از چهارصد سال در ایران بعد از اسلام به این زبان کتاب می‌نوشته‌اند و سخن می‌گفته‌اند، شاخه‌ای از این زبان

ایرانی که پس از اسلام در ناحیه‌ی خاصی زبان نگارش و تکلم شده است زبان دَری یا "فارسی دَری" از آنجهت که منسوب به دربار حکمرانان و شاهان سامانی بوده نامیده شد، که بر طبق تحقیق پژوهندگان چندان دوگانگی اساسی با زبان دوره ساسانی ندارد.

زبان دَری که بعد از اسلام در سرزمینهای خراسان شرقی، بلخ، بخارا و سمرقند نشاءت گرفته قوتی یافت و شعراء و نویسندگان صاحب‌جاه و علاقمند به زبان فارسی بـدان زبان (دَری) شعرها گفته و چیزها نوشته‌اند بتدریج به سایر نواحی ایران سرایت کرد و زبان رسمی کشور شد.

زبان دَری مثل همه‌ی زبانهای زنده‌ی دنیا دستخوش تحوّل و تطوّر گردیده و از آغاز نشر تا به امروز به چند سبک و شیوه با اختصاصات و ویژگیهای ممتازی تغییر و تبدیل یافته‌واز لهجه‌های دیگر مناطق ایران لغات و ترکیبات و اصطلاحاتی به خود گرفته و با زبان عربی (به حرمت دین) مزج یافته و بی شک از این پس نیز در این سیر تبدیل و تبدّل به کمال جویی خود ادامه خواهد داد.

تحوّل و تطوّر نشر فارسی دَری را از لحاظ سبک و شیوه انشای آن به چهار دوره‌ی مشخص و مهمّ تقسیم کرده‌اند که در کمال اختصار به تعریفی بسیار کوتاه از آنها اشارتی نموده نمونه‌هایی ارائه می‌نماید:

۱- سبک دوره سامانیان (از ۳۰۰ تا حدود ۴۵۰ هجری) که به سادگی، روانی، خالی بودن از صنایع بدیعی و بسیاری لغات فارسی ممتاز است. مانند: تاریخ بلعی، کتاب حدود العالم. مقدمه‌ی شاهنامه ابومنصوری و ترجمه‌ی تفسیر طبری. سطری چند از تاریخ بلعی:

"... بهرام بند از وی برداشت و اسب و سلاح دادش و خود برنشست و برفت با چوگان، و بندوی به خانه بهرام سیاوشان اندر همی بود، و خواهر زاده بهرام شوبین زن بهرام سیاوشان بود، این زن کس فرستاد سوی بهرام شوبین که شوی من امروز جامه چوگان زدن اندر پوشید و با چوگان بیرون شد و بزیر صُدره اندر زره دارد، ندانم این چیست خویشان را از وی بر حذر دار....."

۲- سبک دوره سلجوقی (۴۵۰ تا ۶۰۰ هجری) که علاوه بر افزونی لغات عربی بتدریج، به اطناب و تفصیل جمله‌ها، ایراد صنایع بدیعی، مترادفات بسیار و فراوانی لغات و ترکیبات عربی معروف است. مانند: "تاریخ بیهقی"، "کلیله و دمنه" تا "مقامات حمیدی" و "مرزبان نامه" با سبک نگارش "تاریخ بیهقی" و "کلیله و دمنه" در فصل املا‌ی مجموعه آشنا شدید اینک سطری چند از مقامات حمیدی:

"... حکایت کرد مرا دوستی که در گفتار امین بود، و در اسرار ضمین، پیشرو ارباب وفا بود و سر دفتر اصحاب صفا که، وقتی از اوقات که کسوت^۱ صبی^۲ بر طی^۳ خویش بود و شیطان شَباب در غی^۴ خویش، حَلَه^۵ کودکی از نقش خَلَاَعَت^۶ طَرازی^۷ داشت، و غُصْن^۸ جوانی از نسیم امانی^۹ اهتزازِ عمر را نَضَرَتی^{۱۰} و طَراوتی بود و عیش را خُضَرَتی^{۱۱} و حَلَاوتی؛ قطعه

آندم که چرخ را سوی من دسترس نبود چشم بد سپهر حُرون^{۱۲} در سپس نبود
و اندر طواف بیهده در کوی کودکسی خوف ادای^{۱۳} شِخَنه^{۱۴} و بیم عَسَس نبود،"

۱- جامه ۲- کودکی ۳- چیزی که لای چیزی باشد ۴- گمراهی ۵- جلعت و زینت ۶- هوی و هوس ۷- هوی و هوس ۸- شاخه ۹- آرزوها ۱۰- شادابی و غمی ۱۱- سرسبزی ۱۲- سرکش ۱۳- آزار و آذیت ۱۴- داروغه و رئیس شهر

۳- سَبَكِ دُورِی مَفُول (از ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ هجری) که به " نثرِ مَصْنُوع " مشهور می‌باشد به تکلفات بدیعی، اصطلاحات علمی، غلبه‌ی لغات و ترکیبات عربی بر فارسی، و ایراد آیات و اخبار و احادیث و امثله‌ی عربی تا آنجا که نثر فارسی را مُشکل و فهم آن را دشوار ساخت، ممتاز است. مانند: تاریخ و صاف. نَفْتَةُ الْمَصْدُورِ زَیْدَرِی، لِبَابُ الْأَلْبَابِ، التَّوَسُّلُ إِلَى التَّرَسُّلِ و جهان‌نگشای جوینی و... سَطری چند از تاریخ و صاف:

"... بینندگان جراید احوال و دانندگان مضامین صحایف اخبار، گشایندگان چهره‌ی آبکارِ اَحْدَاث و نمایندگانِ تَصَارِیفِ شُهور^۲ و اَحْقَابِ^۳ چنین تقریر کرده‌اند که، مَدِیْنَةُ الْإِسْلَام در عَهْدِ خَلْفَاۃِی دَوْلَتِ بَنِی عَبَّاس دَاۤیِم از بُوۤءِ^۴ و بَأۤسِ^۵ فَلَک در حَرِیمِ اَمْن و اِمَان بود و مَغْبُوطِ کَافَّهِی سِلَاطِینِ جِهَان. اَیَاوِین^۶ و بَیُوتَات^۷ اَن با فَلَکِ اَشِیرِ هَمراز شده و اطراف و اکناف آن با رُوضِی رِضْوَان در نَزْهَت و طَرَاوَت اِنْبَاز و در هَوَا و فِضَاۃِی اَن طَایِرِ اَمْن و سَلَامَت در پَرَوَاز و از اَلْوَانِ نَعْمَت و رَاحَاتِ^۸ و اَصْنَافِ و تَنْعَمَاتِ بَی تَعْدَادِ عَقْل در حِیرَت."

۴- سبک بازگشت ادبی، یا " ساده نویسی " (از ۱۲۰۰ تا کنون) که نویسندگان به تقلید از نثرِ زیبای تاریخ بیهقی و " گلستان سعدی " پرداخته و با وقوع انقلاب مشروطه که ساده نویسی رواج یافت همچنان روی به ترقی و تکامل دارد، مانند: منشآت قائم مقام. ناسخُ التَّوَارِیخ. نامه‌ی دانشوران. رساله‌های میرزا ملکم خان. مَسَالِکُ الْمُحْسِنِینِ طَالِبُوف و افسانه‌های کُنُت مونت کریستو و سه تفنگدار ترجمه‌ی محمد طاهر میرزا و کتب و مقالات فراوان نویسندگان بزرگ و نام‌آور زمان حاضر.

۱- کارها و اتفاقات نو و شکست آمیز ۲- ماهها ۳- سالها ۴- تنگدستی شدید ۵- ترس و مذاب ۶- مورد رشک و حسد ۷- تمامی ۸- کاخها ۹- فلک نهم ۱۰- باغ بهشت ۱۱- پاکی و پاکیزگی ۱۲- آسایش و شادمانی‌ها

تحول و تطور شعر فارسی

با توجه خاصی که سامانیان در طول قدرت زمامداریشان (۲۶۰ تا ۳۸۹) به نثر خاصه نظم پارسی مبذول می‌داشتند، و ترویج زبان را در تعقیب فکر استقلال ایران و تجلیل دربار خود در مقابل مرتبت و مقام پر شکوه و جلال خُلفای عباسی ضروری می‌شمردند. موجب شد که دربار آنها مَجْمع و مَلْجَأْ گویندگان و سرایندگان بیشمار گردد و شعر فارسی که از اواسط قرن سوم وسیله‌ی مُحَمَّد بن وَصِیف، حَنْظَلَه بادغیسی، أَبَوْحَفْض سُغْدی، فیروز مُشْرِقی، ها شروع گردیده بود در زمان حکومت این خاندان و عنایات آنان وسیله‌ی شهید بلخی، ابوشکور بلخی، دقیقی و بالاخره رودکی راه کمال پیموده بعدها هم وسیله‌ی ؛ فردوسی‌ها و سعدی‌ها و حافظ‌ها و مولوی‌ها به حد اعتلای خود برسد.

این تحوّل و تطوّر نظم فارسی در مسیر کمال جویی را استادان ادب فارسی به سه دوره و سبک متمایز تقسیم کرده‌اند ؛

۱- سبک خراسانی و ترکستانی (۲۵۰ تا ۵۰۰ هجری) - که از اختصاصات و ویژگیهای کلی آن، سادگی الفاظ، روانی فکر، خالی بودن از تخیلات دور از ذهن، کمی لغات عربی، مفید نبودن به ایراد صنایع بدیعی است. شعرای معروف این دوره عبارتند از ؛ رودکی. دقیقی. فردوسی. فرخی. منوچهری. عنصری. معری. و شکل (قالب) خاص شعر در این دوره " قصیده " است.

۲- سبک عراقی و اصفهانی (۵۰۰ تا ۹۵۰ هجری) - که از مختصات و مشخصات بارز آن آرایش کلام به صنایع بدیعی، آوردن استعاره و کنایه، معانی و مضامین لطیف، و آمیختگی بیشتر با

لغات عربی است. شعرای معروف این دوره عبارتند از: جمال الدین عبدالرزاق. نظامی. خاقانی. انوری. مولوی. سعدی. عراقی. خواجوی کرمانی. حافظ شیرازی. جامی. شکل خاص شعر این دوره "غزل" است.

۳- سبک هندی^۱ (۹۵۰ تا ۱۱۰۰ هجری) که ممیزات آن، تخیلات دقیق، مضمون پردازی، معانی پیچیده و باریک و دور از ذهن، الفاظ ساده و بازاری، کثرت استعاره و کنایه و گنجانیدن معانی وسیع در یک بیت و تشبیهات خیال پرورانه و آوردن امثال بسیار در شعر است. شعرای نامدار این دوره عبارتند از: صائب تبریزی. کلیم کاشانی. نظیری نیشابوری. عرفی شیرازی. شکل خاص شعر این دوره نیز "غزل" است.

شعر و ادب فارسی چه از لحاظ لفظ و چه از لحاظ معنی در اواخر عهد صفویان دچار انحطاط و تنزلی شدید شد، توجه و تعمق شاعران در اختراع مضامین دقیق و مبهم از حد گذشت و شعر که عامل بیان احساسات و عواطف درونی بود، صورت لغز و معما را به خود گرفت تا آنجا که صاحبان ذوق سلیم و طبع لطیف به مخالفت با سبک هندی برخاستند و تجدید و احیای سبک استادان قدیم را وجهی همّت خود ساختند و پایه گذار سبکی شدند که در ادبیات فارسی به "سبک بازگشت ادبی" معروف گشته است از معروفترین آنها، مشتاق، آذر، شهاب ترشیزی، صباحی هاتف اصفهانی، عاشق اصفهانی و نصیر اصفهانی در خور ذکراند. این نهضت ادبی پس از بی سر و سامانی ادب در دوره‌ی افشاریه و زندیه، با روی کار آمدن قاجاریه که تمرکز حکومت و تحکیم سلطنت و در نتیجه امنیت و آسایشی پدیدار گشت، موجبات پیشرفت نهضت و ترقی و تکاملش فراهم گردید، قاجاریه در سایه‌ی لوای دین خواهی که در دست داشتند به حمایت و تربیت شعرا و ادبا پرداختند و دربار آنها مرکز تجمع گویندگان نامی شد که در احیای سبک استادان قدیم اعتقاد و اهتمامی در خور تقدیس داشتند و از نام آورترین آنها می‌توان. صبا. سروش. قاتانی. مجمر. محمود خان ملک الشعراء. فتح اله خان شیانی و... بالاخره "بهار" را نام برد.

۱- وجه تسمیه "سبک هندی" بمناسبت آن است که پیروان این شیوه بیشتر در دربار امپراطوران گورکانی هند بزمی برده‌اند.

با آشنایی مختصری که دربارهٔ پیدایش و دگرگونیهای شعر فارسی بدست آمد، بجاست که دربارهٔ انواع شعر (شکل و قالب) و صنایع و ظرایف بدیعی شعر به ایجاز اشارتی شود و ایسن مبحث را با تعریف شعر آغاز می‌نماید؛

تعریف شعر؛ وقتی سخن از شعر به میان می‌آید، بقول ادیبی وارسته^۱ "روی سخن با دل آگاهان است چرا که سخن در جولانگاه دل آگاهی جریان دارد و کسی که در شمار دوستداران شعر نیست مکلف است که پای از این مقام منیع در کشد و با ایراداتی از سرِ نا دل آگاهی، که از سرچشمه‌ی نادانایی آب می‌برد، آبروی خویش نریزد و زحمت دیگران روا ندارد. با توجه به کرامت معنوی و رسالتِ قدوسی شعر، این "هنر روحهای بزرگ" و "مروارید دریای عقل" از دیرباز تا کنون یعنی از زمان ارسطو تا امروز سخنها گفته و کتابها نوشته‌اند. چکیده‌ی تعاریفی که از شعر شده است، شاید این باشد که؛ شعر کلامی است موزون، مقفی، مختصر، لطیف و خیال انگیز که پیام و رسالتی انسانی را در برداشته و بیانگر صریح و بی‌پروای دردهای اجتماعی و نارساییها باشد. و "این قیمتی لفظِ دَرِ دَری" هرگز در خدمت صاحبان زر و زور و تزویر در نیاید؛

شعر یعنی درد، یعنی زندگی	شعر درمانگوی درد بندگی
شعر فریاد دل است و نای سوز	هست شعر آیینهای افکار روز
شعر گفتاری است کز دل بر جهد	سوزد اندر سینه، جان بر تن دمد
نی که موزون و مقفای کلام	هر چه بُد باید که شعرش کرد نام
شاعر آن باشد که داند از خرد	آنچه در پیرامون آن بگذرد

هستم از این مصرع "اقبال"^۲ مست

(مصرع من قطره‌ی خون من است) علی اکبر صادقی رشاد

۱ - کیومرث منشی زاده ۲ - مراد محمد اقبال شاعر پارسی‌گوی و فیلسوف آزاده و اهل قرن چهاردهم پاکستان است.

حداقل سخن منظوم ، " مصراع " و حداقل شعر ، " یک بیت " است . پس هر بیتی دارای دو مصراع است .

قافیه - کلمه یا کلماتی است که هر بیت به آن خاتمه می یابد . آخرین حرف اصلی از کلمه قافیه " رَوی " نامیده می شود . مثلاً " در این بیت :

شنید این سخن نامبردارِ طی بخندید و گفت ای دلارامِ حی

حرف " ی - ی " در (طی . حی) رَوی است و خود دو کلمه (طی و حی) قافیه می شعراند . اگر حروف زاید به قافیه افزوده شود ، قافیه را " موصول " خوانند و تعداد حروف اضافه تا چهار حرف را با اسامی " وَصل ، خُرُوج ، مَزید ، نَایره " جایز شمرده اند ، مثلاً " در دو کلمه ی " با خبرانیم و با هنرانیم " اگر در شعری قافیه قرار گیرند ؛ حرف " ر " روی . " ا " وصل . " ن " خروج " ی " مزید . " م " نایره خواهد بود .

ردیف - هرگاه بعد از کلمه قافیه در بیت ، یک یا چند کلمه ی مشابه در آید آن کلمه یا کلمه ها را " ردیف " و آن شعر را " مُردَف " می نامند . مثلاً :

یوسف گم گشته باز آید به کنعان ، غم مخور

کلبه ی آحزان شود روزی گلستان ، غم مخور

در این بیت ، کلمه ی (کنعان و گلستان) قافیه و فعل نهی مرکب (غم مخور) ردیف می باشد .

انواع شعر - شعر فارسی بیشتر از حیث قافیه و وزن و شماره ی ابیات طبقه بندی می شود و یا " قالب " و شکل می پذیرد ، قالبهای شعر فارسی بسیار محدود بوده معروفترین آنها عبارتند از :

۱- تک بیتی: به شعری گفته می شود که تمامی منظور شاعر را در بر داشته باشد مانند؛

بیت زیر از صائب تبریزی که تک بیتی های وی سخت مشهور است .

خرقه ی تزویر از باد غرور آبتن است حق پرستی در لباس اطلس و دیبا خوش است

۲- دوبیتی: این وزن را از اوزان شعر دوره ساسانی دانسته اند که بتدریج در آن

اصلاحاتی شده و به قالب عروضی در آمده است ، و عبارت از ترانه های ررستایی و دوبیتی هایایی است که به لهجه های محلی سروده شده باشند . مانند دوبیتی های معروف باباطاهر همدانی :

بی ته اشکم ز مژگانِ تر آییو بی ته نخل امیدم بی بر آییو

بی ته در کنج تنهایی شو و روز نشینم تا که عمرم بر سر آییو

۳- رباعی: به شعری گفته می شود که مُبْتَنی بر چهار مصراع مُتَّحِدُ الْوِزْنِ بوده، سه

مصراع اول و دوم و چهارم آن هم قافیه باشد و بیشتر بر وزن "لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" سروده می شود، رباعی های حکیم عمر خیام شهرت جهانی دارد.

آمد برم آن شوخ به رخسار چو ماه بنشست به کبر و ناز و کج کرد کلاه

از لعل لبش بوسه طلب کردم، گفت "لا حول ولا قوه الا بالله"

۴- قصیده: منظومه ای است که مصراع های اول و دوم و همه مصراع های دوم بیت های

آن به یک قافیه بوده و مضمون آن مدح یا تهنیت یا شکر و شکایت یا مرثیه و یا تعظیم دین و تجلیل از خرد باشد تعداد ابیات آن را بین بیست تا سی و چهل و بیشتر دانسته اند معروفترین قصیده سرایان فارسی عبارتند از: فرخی، عنصری، انوری، خاقانی، ناصر خسرو، سعدی و ملک الشعرا بهار. به سر آغاز قصیده که در وصف یکی از موالید طبیعت یا وصف معشوق شروع می شود، تغزل، نسیب و تشبیب می گویند.

۵- غزل: شعری است مُتَضَمِّنِ احساسات درونی و عواطف انسانی و وصف زیبایی های

معشوق و همچنین بیان مضامین اخلاقی و لطایف عرفانی همراه با سوز و گداز عاشقانه که هر اندازه سوز و گداز آن بیشتر باشد شور و حال بهتری را به خواننده و شنونده القا می کند در غزل نیز مانند قصیده مصراع اول و دوم و مصراع های دوم ابیات بعد هم قافیه اند تعداد متعارف آن را بین پنج تا چهارده دانسته اند. معروفترین غزل سرایان فارسی عبارتند از: رودکی، سنایی، مولوی، سعدی عراقی، خواجوی کرمانی، وحشی بافقی و حافظ.

۶- مثنوی: منظومه ای مُتَّحِدُ الْوِزْنِ است که هر دو مصراع ابیات آن به یک قافیه باشند.

و چون شاعر در سرودن این قالب شعری گرفتاری رعایت قافیه را در تمامی مصراع های دوم ندارد می تواند داستانهای رزمی (مثنوی حماسی) و بزمی (مثنوی عاشقانه) و اخلاقی (مثنوی عارفانه) را در این قالب بریزد، برای تعداد ابیات آن حدی قائل نشده اند. مثنوی سرایان نام آور زبان

فارسی، ابوشکور بلخی، دقیقی، فردوسی، نظامی، عطار، مولوی، سعدی، امیرخسرو دهلوی، خواجو، جامی، وحشی بافقی.

۷. قطعه: منظومه‌ی مَتَّحِدُ الْوَزَنِ که همه‌ی مصراعهای زوج آن هم قافیه بوده مضمون

واحدی را بیان کند تعداد ابیات آن کمتر از دو و بیشتر از چهارده ندانند از قطعه سرایان مشهور زبان فارسی، آنوری، ابنِ یَمین، سعدی، پروین اعتصامی را می‌توان نام برد، قطعه‌ی زیبا و دل انگیز زیر، سروده‌ی خانم پروین اعتصامی، را چاشنی نوشته‌ی خویش می‌شمرد؛

شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست	برای خاطر بیچارگان نیاسودن
به کاخ دهر که آلاش است بنیادش	مقیم گشتن و دامان خود نیالودن
همی ز عادت و کردار زشت کم کردن	هماره بر صفت و خوی نیک افزودن
ز بهر بیهوده، از راستی بُری نشدن	برای خدمتِ تن، روح را نفرسودن
برون شدن ز خرابات زندگی هشیار	ز خود نرفتن و پیمانه‌ای نپیمودن

رُهی که گمره‌یش در پی است نَسِردن

دُری که فتنه‌اش آندر پس است نگشودن

دیوان صفحه ۷۴

۸- ترجیع بند: منظومه‌ای است مرکب از چند قسمت (بند) که در هر قسمت چند

بیت به یک قافیه و در آخر قسمت " بیتی " که در پایان همه‌ی قسمت‌ها " بندها " عیناً تکرار می‌گردد، آورده می‌شود. مانند ترجیع بند عارفانه بسیار مشهور هاتف اصفهانی که دارای هفت بند است.

تیمن را به درج قسمتی از یک بند ترجیع بند مذکور مبادرت می‌ورزد؛

.....	
در کلیسا به دلبر ترسا	گفتم ای دل به دام تو در بند
ره به وحدت نیافتن تا کی	ننگ تَلْیِثُ بر یکی تا چند
نام حَیِ یگانه چون شاید	که آب و ابن و روح قُدَس نهند
لب شیرین گشود با من گفت	و ز شکر خنده ریخت از لب قند

که گر از سرِ وحدت آگاهی تهمت کافری به ما مپسند
سه نگردد برِ یشمِ ار او را پرنیان خوانی و حریر و پرند
ما در این گفتگو که از یکسو شد ز ناقوس این ترانه بلند

" که یکی هست و هیچ نیست جز او "

" وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ "

۹. ترکیب بُنْد: منظومه‌ای است شبیه ترجیع بند با این تفاوت که به جای بیت

تکراری در بن بندها بیتی با قافیه‌ی جدا از قافیه‌ی همان بند آورده می‌شود. مانند ترکیب بنـد
عاشقانه و پر سوز و گداز وحشی بافقی که در ادب فارسی مشهور است با مطلع؛

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید داستان غم پنهانی من گوش کنید
قصه‌ی بی سر و سامانی من گوش کنید گفتگوی من و حیرانی من گوش کنید

شرح این آتش جان سوز نگفتن تا کی

سوختم، سوختم این راز نهفتن تا کی

۱۰. مسمط: عبارت از منظومه‌ای شبیه ترکیب بند با این تفاوت که در مسمط تنها

مِصراع آخر هر بند قافیه دیگری دارد و این قافیه مصراع آخر بند اول باید در مصراع‌های آخر
بندهای دیگر رعایت گردد. مانند مسمط زیبای منوچهری و مسمط آزادپخواهانه‌ی ادیب
الممالکِ فراهانی؛

امروز گرفتار غم و محنت و رنجیم دردا و آفره باخته اندر شش و پنجیم
با ناله و افسوس در این دیر سنجیم چون زلف عروسان همه در چین و شکنجیم
هم سوخته کاشانه و هم باخته گنجیم مائیم که در سوک و طرب قافیه سنجیم

جغدیم به ویرانه هزاریم به گلزار

۱۱- مُسْتَرَاد: منظومه‌ای است که در آخر هر مصراع آن جمله‌ای کوتاه و خوش‌آهنگ برای

زیبایی با رعایت ارتباط معنی می‌افزایند، این قالب شعری در صدر مشروطیت مورد توجه شعرای انقلابی همچون، سید اشرف الدین حسینی مدیر روزنامه "نسیم شمال" و میرزاده‌ی عشقی و ملک الشعرا بهار قرار گرفت.

دوش می گفت این سخن دیوانه‌ای بی باز خواست	دردایران بی دواست
عاقلی گفت؛ که از دیوانه بشنو حرف راست	دردایران بی دواست
مملکت از چهار سو در حال بحران و خطر	چون مریض محتضر
با چنین دستور این رنجور، مهجور از شفاست	دردایران بی دواست
پادشه بر ضد ملت، ملت اندر ضد شاه	زین مصیبت آه آه
چون حقیقت بنگری هم این خطا هم آن خطا	دردایران بی دواست
هر کسی با هر کسی خصم است و بدخواه است و ضد	گوید او را مستبد
با چنین شکل ای بسا خونها هدر جانها هباست	دردایران بی دواست
با وجود این جراید، خفته‌ای بیدار نیست	یک‌رگی هشیار نیست
این جراید همچو شیپور و نفیر و کرناس است	دردایران بی دواست
شکر می‌کردیم جمعی، کارها مضبوطه شد	مملکت مشروطه شد
باز می‌بینیم آن کاسه است آن اش است و ماست	دردایران بی دواست
با خرد گفتم؛ که آخر چاره‌ی این کار چیست	عقل قاطع هم گریست
بعد آه و ناله گفتا؛ چاره در دست خداست	دردایران بی دواست

آرایشهای لفظی و معنوی شعر صنایع بدیعی

هر چند شعر نغز و پر مغز را به حکم " حاجت مشاطه نیست روی دلارام را " نیازی به آرایش نیست، با وجود این بسیاری از ادبا و شعرا به آرایش و پیرایش نوشته و سروده‌ی خویش پرداخته و فصاحت و بلاغت سخن خود را دلنشین‌تر ساخته‌اند.

صنایع و ظرایف بدیعی که زیور کلام گردیده آرایشهای لفظی و معنوی نثر و نظم فارسی را موجب می‌شوند بسیار فراوان است بطوریکه حتی ذکر نام آنها را هم از حوصله‌ی این مقال خارج می‌داند و تنها به ذکر و تعریف مهمترین آنها آنهم در نهایت اختصار می‌پردازد؛

۱- **حقیقت:** عبارت از استعمال لفظ است در معنی اصلی آن (وَضَعَ لَهُ) چنانکه لفظ " دست و پا " بگوییم یا بنویسیم و از آنها اعضای مخصوص بدن را اراده کنیم، مانند:

دستم بگرفت و پا به پا برد تا شیوه‌ی راه رفتن آموخت

۲- **مجاز:** استعمال لفظ است در غیر معنی اصلی و حقیقی خود (غَيْرَ مَا وَضَعَ لَهُ)

البته با رعایت علاقه و وجود قرینه‌ای که شنونده و خواننده را دلالت کند به این که معنی اصلی آن مراد نیست، مثلاً

جهان دل‌نهاده براین داستان همان بخردان و همان راستان

که منظور از " جهان " جهانیان است، در این بیت صنعتِ مجاز بکار رفته است.

۳- **کنایه:** در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح ادبی عبارت از

سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و گوینده جمله را چنان ترکیب کند و بکار برد که ذهن خواننده و شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد، مانند:

یک نیمه ز شب چشم به پروین دارم و آن نیم دگر ز چشم پروین بارم

که چشم به پروین داشتن و از چشم پروین باریدن، کنایه از بی تابی و زاری عاشق است در فراق معشوق یا ؛

عابدانی که روی بر خلق اند پشت بر قبله، می‌کنند نماز

که کنایه از تظاهر و ریاکاری و از خدا به خلق پرداختن و توجه داشتن است.

۴- تشبیه: در معانی و بیان تشبیه، همانند کردن دو چیز در صفتی به یکدیگر است اولی را

"مُشَبَّه" دومی را "مُشَبَّه بِهِ" صفت مشترک بین آن دو را "وَجْهَ شَبَه" و کلماتی را که دلالت بر معنی تشبیه می‌کند "أَدَاتِ تَشْبِيهِ" می‌نامند. مانند: "عِذَارِی چو گل آتش افروز دید" عِذَار = مُشَبَّه . گل = مُشَبَّه بِهِ . آتش افروز = وَجْهَ شَبَه . چو = أَدَاتِ تَشْبِيهِ.

شب افروزی چو مهتاب جوانی سیه چشمی چو آب زندگانی

دو شکر چون عقیق آب داده دو گیسو چون کمند تاب داده

۵- استعاره: در لغت به "عاریت خواستن" است اما در معانی و بیان بکار بردن

لفظی است در معنی لفظ دیگر بسبب مشابهتی که بین معنی آن دو لفظ هست. بعبارت دیگر نویسنده و سراینده ای لفظ "مُشَبَّه بِهِ" را بکار برد و از آن معنی "مُشَبَّه" را از نظر مشابهتی که با هم دارند اراده کند. در اینجا لفظ بکار برده (مُشَبَّه به) را (مُسْتَعَارُ مِنْهُ) و معنی لفظ مورد نظر "مُشَبَّه" را (مُسْتَعَارُ لَهُ) و صفت مشترک بین مُسْتَعَارُ مِنْهُ و مُسْتَعَارُ لَهُ را (جَامِع) می‌نامند. مثلاً:

تابادخزان حَلَّه ابرون کرد ز گلزار ابر آمد و پیچید قَصَب ابر سر کھسار

که مقصود از "حَلَّه" سبزه و گلهاست و غرض از "قَصَب" برف می‌باشد. استعاره موجب ایجاز و زیبایی سخن می‌گردد و به قول دکتر شفیعی کدکنی: شاعر بوسیله استعاره از یک صدف چند مروارید بدر می‌آورد.

۶- سَجْع: در لغت = آواز کیوتر را گویند. و اما در معانی و بیان آوردن دو کلمه، در

پایان جمله‌هاست که در وزن و رُوی^۱ یا یکی از این دو برابر باشند، و بیشتر در نثر مورد توجه است و چنین نثری را (نَثَرِ مُسَجَّع) گویند، و بر سه گونه است:

۱- حَلَّه = پارچه‌های رنگارنگ و منقش ۲- قَصَب = پارچه نازک سفید که بر سر پیچند، دُستار ۳- به قافیه مراجعه کنید.

۱- سَجْعُ مُتَوَاظٍ یا مَرَّعُ که در وزن و رَوّی برابر باشند. مانند: مَنِعٌ، رَفِيعٌ. (مقامی منیع از

قله‌ی کوهی رفیع بدست آورده)

۲- سَجْعُ مُتَوَاظِنِ که تنها در وزن برابر باشند. مانند: شریف، کریم. (مردان کریم در دامان

مادران شریف پرورش می‌یابند.)

۳- سَجْعُ مُطَرَّفِ که در روی برابر باشند. مانند: آفتابند، نمی‌تابند. (چه فایده چون آفتابند

و نمی‌تابند.....)

بهترین نمونه نثر مسجع فارسی: مناجات‌نامه‌ی خواجه عبداللّه انصاری، گلستان سعدی و منشآت قائم مقام است.

به جای لفظ "سجع" در قرآن مجید لفظ "فاصله" و جمع آن "فواصل" بکار می‌رود. تَيْمُنًا "..... فَيْهَآ عَيْنٌ جَارِيَةٌ، سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ، وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ، رَمَارِقٌ مَصْفُوعَةٌ، أَوْ زُرَابٌ مَبْثُوعَةٌ. در آن

(بهشت) چشمه‌های جاری و بارگاه‌های رفیع و ظروف بر نهاده و فرش‌های گسترده است.

۷- تَرْصِيعُ: در لغت= گوهر در نشانیدن است اما در معانی بیان آوردن الفاظی در دو

قرینه جمله یا در دو مصراع یک بیت که از نظر "وزن و رَوّی" برابر باشند. مانند:

۱- در نثر: "شام رفته و بام خفته، سال از عَدّ بیرون و مال از حَدّ افزون."

۲- در نظم: "شکر شکن است یا سخن گوی من است عنبر ذقن است یا سمن بوی من است

(ای منور به تو نجوم جلال وی مقرر به تو رسوم کمال

در کرامت ترا نبوده نظیر در شہامت ترا نبوده همال

تیره پیش فضايل تو نجوم خیره پیش شمایل تو شمال

بخشش تو برون شده ز بیان کوشش تو فزون شده ز مقال)

رَشِيدٌ وَ طَوَاطُ

۸- تَجْنِيسُ: (جناس) آن است که گوینده یا نویسنده دو یا چند لفظ همسان و

همجنس که در همه یا برخی از حروف با هم متجانس باشند در گفته و نوشته‌ی خویش بکار برد، و

اقسام متعددی دارد و بهترین آن جناس تام است که تمامی حروف دو کلمه و تلفظ آنها یکسان باشد. مانند:

۱- در نثر: "چندان خورکِ زیان^۱ دارد، چندان مَخورکِ زیان^۲ دارد."

۲- در نظم: "مهر^۳ را با زمین چو کم شد مهر^۴ بوستان را پرید رنگ از چهر

۹- تلمیح: در لغت = سبک نگرستن، به گوشه‌ی چشم اشاره کردن. و در اصطلاح

بدیع آن است که گوینده یا نویسنده در گفته و نوشته‌ی خود به داستانی مشهور یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند. مثلاً "در شعر زیر که اشارت به داستان حضرت ابراهیم خلیل الله دارد:

یارب این آتش که بر جان من است سرد کن آنسان که کردی بر خلیل

۱۰- مراعات النظیر: یا "تناسب، مُؤاخات" آن است که در کلام یا نوشته کلماتی

را بیاورند که تناسب معنوی داشته باشند، خواه این تناسب از جهت همجنس بودن باشد. مانند:

"سرو. گل. لاله... و "آفتاب. ماه. ستاره و کیوان و بهرام" و یا از حیث مشابهت و ملازمت باشد. مانند: "شمع. پروانه" یا "تیر. کمان" یا "دهن. غنچه"

ظالم ز ستم همیشه لات^۵ آمده است رخ^۶ رفته پیاده^۷ با ثبات آمده است

مشروطه طلب به اسب^۸ و پیل^۹ است سوار^{۱۰} چون کشته^{۱۱} وزیر^{۱۲} شاه^{۱۳} مات^{۱۴} آمده است

۱۱- مطابقه: یا "تضاد. طباق" آن است که در سخن و نوشته کلمه‌های متضاد

آورند. مانند: شب و روز، تلخ و شیرین، گرم و سرد، زشت و زیبا، بالا و پست.....

دارم در انتظار تو، ای ماه سنگدل دارم ز اشتیاق تو، ای ماه سیم بر

دل گرم، و آه سرد، و غم افزون، و صبر کم رخ زرد، و اشک سرخ، و لبان خشک و چشم تر

عَبْدُ الْوَاسِعِ جَبَلِي

۱- صفت فاعلی از مصدر زیستن ۲- ضرر ۳- خورشید ۴- محبت و لطف.

۵- شعر درباره‌ی کشته شدن امین السلطان وزیر مستبد محمد علی شاه و در آن اصطلاح (نام مهره) شطرنج آورده شده است

۱۲- **ایهام:** یا "تَوْرِيَّة" در لغت به معنی "به گمان افکندن، پوشاندن" است و در

اصطلاح معانی و بیان، آوردن واژه‌ای در سخن که دارای دو معنی باشد، یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از آن و مقصود گوینده معنی دور آن باشد. مانند:

گفتم به کشتزار من آبی رسان ز لطف گفتا: به چشم آب دهم کشتزار تو

"به چشم" به دو معنی بکار رفته معنی نزدیک آن "اطاعت می‌کنم و کشتزار شما را آب می‌دهم" و اما معنی دور آن که مراد شاعر است: گفتا: با اشک چشم خویش کشتزار ترا آبیاری می‌کنم. که بسیار لطیف است. در دو بیتی زیر از استاد محمّد ابراهیم باستانی پاریزی که در مدح و منقبت دوست ارجمند خود آقای بنی آدم استاندار پیشین کرمان سروده، ایهامی بس لطیف بکار رفته است:

در کشور جم مردم دانا کم نیست اما همه چیز دست دانا هم نیست

بنگر به مثل، وزارت کشور را در صد عضوش یکی بنی آدم نیست

۱۳- **لف و نشر:** در لغت = پیچیدن و گستردن است اما در ادب عبارت است از آوردن

چند لفظ در کلام، و سپس ذکر صفات یا افعالی که به ترتیب یا بی رعایت ترتیب به آن الفاظ راجع و مربوط باشد، بدیهی است رعایت ترتیب در آنها به سخن لطف و حلاوتی می‌بخشد و در چنین صورتی بدان "لَفّ و نَشْر مَرْتَب" گویند. مانند:

منع مکن از دیدن قد و رخ و چشمش من انس به سرو و گل و بادام گرفتم

که کلمه‌های: سرو، گل، بادام که به ترتیب مظاهر زیبایی قد و رخ و چشم است به الفاظ قد، رخ چشم در مصراع اول راجع و مربوط است. و یا در این شعر پر صلابت فردوسی:

به روز نبرد آن یل ارجمند به شمشیر و خنجر، به گرز و کمند

برید و درید و شکست و بپست بلان را سرو سینه و پا و دست

۴ - مسمط

۳ - رباعی

۶ - چه صنعت بدیعی در شعر زیر بکار رفته است؟

چون پَرندِ نیلگون بر روی پوشد مرغزار پرنیانِ هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار

۲ - استعاره

۱ - تشبیه

۴ - تلمیح

۳ - ایهام

۷ - در این شعر چه صنعتی بکار رفته؟

از اسب پیاده شو بر نطح زمین رخ نه زیر پی پیلش بین شه مات شده نعمان

۲ - تجنیس

۱ - ترصیع

۴ - طباق و تضاد

۳ - مراعات النّظیر

۸ - کدام یک از شعرای بزرگ زیر با "مولوی" همزمان بوده‌اند؟

۲ - سعدی

۱ - فردوسی

۴ - خاقانی

۳ - حافظ

۹ - "ناصر خسرو" در چه قرنی می‌زیست؟

۲ - قرن ششم

۱ - قرن پنجم

۴ - قرن هشتم

۳ - قرن هفتم

۱۰ - چه صنعت بدیعی در شعر زیر بکار رفته است؟

پر آب دو دیده و پر آتش جگرم پر باد دو دستم و پر از خاک سرم

۲ - جناس

۱ - استعاره

۴ - ایهام

۳ - تضاد و طباق

۱۱ - مؤلف دو کتاب: "اشارات" و "التفهیم" به ترتیب در کدام پاسخ درست است؟

۱ - ابوریحان بیرونی ، ابوعلی سینا ۲ - ابوعلی سینا ، ابوریحان بیرونی

۳ - زکریای رازی ، ابوعلی مسکویه ۴ - ناصر خسرو ، امام فخر رازی

۱۲ - موضوع و محتوای کتابهای "قانون" و "الحاوی" در چه زمینه‌ای است؟

- ۱- اولی در حکمت دومی در پزشکی
۲- اولی در پزشکی دومی در حکمت
- ۳- هر دو در حکمت
۴- هر دو در دانش پزشکی
- ۱۳- کدام کتاب زیر نوشته‌ی "شیخ فریدالدین عطار" است؟
- ۱- زاد العارفین
۲- زاد المسافرين
- ۳- تذکرة الأولیاء
۴- أسرار التوحید
- ۱۴- شعرای زیر در سرودن چه نوع شعری مشهورند؟
- ۱- فردوسی
۲- مولوی
۳- سعدی
- ۴- حافظ
۵- عنصری
۶- منوچهری
- ۷- وحشی
۸- صائب
۹- هاتف اصفهانی
- ۱۵- کدام یک از شعرای زیر به داشتن اثر منثور و منظوم مقام برجسته‌ای دارد؟
- ۱- رودکی
۲- نظامی
- ۳- سعدی
۴- فردوسی
- ۱۶- "قافیه" ی شعر زیر کدام کلمه است؟
- ای ماه بدین خوبی مهمان که خواهی شد
و ای آیت نیکویی در شان که خواهی شد
- ۱- شد
۲- خواهی شد
- ۳- که خواهی شد
۴- مهمان . شان
- ۱۷- چه صنعت بدیعی در شعر زیر می‌بینید؟
- نباشد چون لب و رخسار و گیسوی و برت هرگز
شکر شیرین و گل رنگین و شب مشکین و صبح آنور
- ۱- ترصیع
۲- لف و نشر
- ۳- تجنیس
۴- سجع
- ۱۸- مترجم دو اثر معروف: "کَلْبَلَه و دِمْنَه" و "أَلَف لَیْل و اللَّیْلَه" را در کدام پاسخ می‌یابید؟
- ۱- سعدالدین وراوینی، فرهاد میرزا
۲- ملاحسین کاشفی، سام میرزا
- ۳- نصرالله بن عبد الحمید، میرزا عبداللطیف
۴- ابوالفضل دکنی، میرزا حبیب قائانی

۱۹- کدام یک از نوشته‌های زیر در رابطه با ادبیات ایران صحیح است؟

۱- رودکی در قرن چهارم می‌زیست. کلیلۀ و دیمه را به نظم در آورد. قصایدی در مدح سنجر سلجوقی سرود.

۲- ناصر خسرو در قرن پنجم می‌زیست. قصایدی در تعظیم دین و تجلیل خرد سرود. به تقلید نظامی خمسه‌ای ساخت.

۳- خاقانی در قرن ششم می‌زیست. قصیده‌ی ایوان مدائن او مشهور است. مثنوی به نام تُحْقَاقُ الْعِرَاقِین سرود.

۴- مولوی در قرن هفتم می‌زیست. مثنوی کم نظیر و غزلیات دلکش او معروفست. آرام-گاهش در طوس شکوهی دارد.

۲۰- کتاب معروف "جَوَامِعُ الْحَکَايَا وَ لَوَائِعُ الرِّوَايَات" از کیست و در چه موضوعی است؟

۱- مُحَمَّد عَوْفی. داستانهای تاریخی و اخلاقی

۲- رَشید الدّین فَضْلُ اللّٰه. در تاریخ انبیا و خلفا

۳- عُرْفی شیرازی. مثنوی عرفانی

۴- رَشید وَطَاط. در شعر و شاعری

۲۱- کدام دسته از کتابهای زیر به نثر مُسَجَّع نوشته شده است؟

۱- کیمیای سعادت. قابوسنامه

۲- أسرار التّوحید. سیاست نامه

۳- تاریخ بیهقی. نوروزنامه

۴- بهارستان. مناجات نامه

۲۲- در رباعی زیر چه صنعت شعری بکار رفته است (از عین القضاة همدانی)

ای شمع! به هر جمع منت پروانه

وز عشق توأم به خود همه پروانه

لعل تو مرا بوسگگی پذیرفتست

با زلف بگو تا بدهد پروانه

۱- تلمیح

۲- تجنیس

۳- استعاره

۴- ایهام

۲۳- دو فرهنگ: "جهانگیری" و "انجمن آرا" به ترتیب از کیست؟

- ۱- آسدى طوسى . أبوطاهر مجدالدین
- ۲- محمد حسین خُلف . عبدالرشید حسینی
- ۳- جمال الدین حسین اینجو . رضا قلی خان هدایت
- ۴- محمد پادشاه بن غلام .
- ۲۴- " ردیف " در شعر مُردَف زیر کدام است ؟
- ای صبا ! نکستی از کوی فلانی به من آر زار و بیمار غم راحت جانی به من آر
- ۱- (نی به من آر) ۲- (من آر)
- ۳- (به من آر) ۴- آر
- ۲۵- کدام دسته از کتابهای زیر در امور مذهبی است ؟
- ۱- تذکرة الاولیاء . نزهتُ القلوب
- ۲- مُحاکمات . رَوْضَةُ الصَّفا .
- ۳- أنوار سُهیلی . مَجَالِسُ المَوءِنین
- ۴- جَامِعُ عَبَّاسی . جِلِیَةُ الْمُتَّقین
- ۲۶- کدام دو شاعر زیر به تقلید نظامی به سرودن مثنویهایی پرداخته‌اند ؟
- ۱- وحشی بافقی . ناصر خسرو
- ۲- خواجوی کرمانی . عبدالرحمن جامی
- ۳- امیر خسرو دهلوی . انوری
- ۴- عرفی شیرازی . خاقانی شروانی
- ۲۷- کدام دو اثر زیر به تقلید و سَبک " گلستان سعدی " نوشته شده است ؟
- ۱- رِضوان . التَّفَاصیل
- ۲- بهارستان . رِعیار دانش
- ۳- نگارستان . سِحْر حلال
- ۴- خارستان . گلشن راز
- ۲۸- کدام یک از مطالب زیر را نادرست می‌دانید ؟
- ۱- سعدی و مولوی با هم همزمان بوده ، هر دو آثاری به نظم و نثر دارند و مثنویهای هر دو سخت معروف است ،
- ۲- حافظ و خواجوی کرمانی معاصر هر دو غزلیات دلکشی دارند و با هم مکاتبت و معاشرتی

داشته‌اند .

۳ - نظامی و خاقانی در یک عصر می‌زیستند. اولی مثنوی سرا و دومی قصیده سرای معروفی است و در دربار غزنویان عزتی داشتند .

۴ - فردوسی و عنصری همعصر ، اولی مثنوی سرای معروف و دومی قصیده سرای مشهور ، اولی شاعر ملی و دومی شاعر درباری بوده است .

۲۹ - شعر معروف زیر از کیست و در چه زمینه‌ای سروده است ؟

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست این رستخیز عام که نامش محرم است

۱ - قاتانی شیرازی . در سوکواری ماه محرم ۲ - محتشم کاشانی . در رشای شهدای کربلا

۳ - استاد شهریار . در عظمت انقلاب ۴ - ملاحسین کاشفی . در روضه سیدالشهدا

۳۰ - کدام دسته از شعرای زیر به تقلید "نظامی گنجوی" برخاسته‌اند ؟

۱ - امیر خسرو دهلوی . ناصر خسرو . خاقانی شروانی .

۲ - اسدی طوسی . فتعلی خان صبا . وصال شیرازی

۳ - عبدالرحمان جامی . قائم مقام فراهانی . قاتانی شیرازی

۴ - خواجوی کرمانی . عبدالرحمان جامی . وحشی بافقی



گزینش کلمه

در این فصل از مجموعه، کلمات قصار مشهور و جمله‌های
 پر مغز معروف و تک بیتی‌های نغز ادب فارسی را با حذف یک یا دو کلمه
 ارائه داده از شما در خواست می‌شود که جای کلمه یا کلمه‌های محذوف را
 که نقطه چین شده با استفاده از کلمه‌های ذیل هر تست پُر کرده جمله یا
 بیت را کامل کنید، بدیهی است علاوه بر تعمق در معنای جمله یا بیت،
 دقت لازم را هم در انتخاب احسن معمول خواهید داشت.

ای درون پرور برون آرای وی بخش بی بخشای
کفرو دین هر دو در رهت پویان وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ گویان
سنایی

۱- دو کلمه مناسب را برای جای نقطه چینه‌ها در کدام پاسخ درست می‌دانید؟

- ۱- گنه . گنه ۲- ثمر . ثمر
۳- هنر . هنر ۴- خرد . خرد

(یکی از دوستان روزگار مخالف نزد من آورد .) سعدی

۲- با استفاده از کدام کلمه معنی عبارت کامل می‌شود؟

- ۱- موافق ۲- شکایت
۳- قدیمی ۴- صمیمی

(شایان توجه، ممکن است شتابزده کلمه‌ی " موافق " را برگزینید، چه در بادی‌آمر یا "دوست" ترکیب وصفی می‌شود. در ثانی برای کلمه‌ی " مخالف " هم متضاد مناسبی است، لیکن با توجه دقیق به معنی عبارت، نادرستی انتخاب خود را در خواهید یافت. چون روزگار را نمی‌توان نزد کسی بُرد.)

امروز چه دانی که در آتش و چون خاک شوم باد به گوشت برساند

۳- کدام کلمه را مناسب جای نقطه چین می‌دانید؟

- ۱- آهم ۲- تاهم
۳- آبم ۴- سوزم

(در خور تذکر- هر چهار جواب هم از نظر لفظ (رعایت وزن شعر) و هم از نظر معنی درست و مناسب است لیکن چیزی که باید ما را به انتخاب اصح و احسن راهنمون شود آشنایی به صفت " تضاد و طباق " است که شاعر با ذکر چهار عنصر: آتش . باد . خاک و آب به شعر خویش لطفی بخشیده است.)

" ملک از خردمندان گیرد و دین از پرهیزگاران یابد. " سعدی

۴- جای نقطه چینه‌ها را کامل کنید؟

- ۱- کمال . جمال ۲- جمال . کمال
۳- آرایش . پیرایش ۴- آسایش . آرامش

" سه چیز بی سه چیز پایدار نم‌اند: مال بی و علم بی و ملک بی " سعدی

۵- با استفاده از کدام دسته از کلمات زیر معنی عبارت کامل می شود؛

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| ۱- حفاظت . کیاست . سیادت | ۲- تجارت . مهارت . حراست |
| ۳- علامت . کفایت . صیانت | ۴- تجارت . بحث . سیاست |

" چون در امضای کاری مُترَدِّد باشی ، آن طرف اختیار کن که باشد " سعدی

۶- کدام کلمه را مناسب می دانید؟

- | | |
|---------------|--------------|
| ۱- سودمندتر | ۲- آسان تر |
| ۳- بی آزار تر | ۴- بی خرج تر |

آتش آن نیست که از شعله‌ی او خندد آتش آن است که در خرمن پروانه زدند

۷- کدام کلمه را درست می دانید؟ حافظ

- | | |
|--------|--------|
| ۱- کس | ۲- شمع |
| ۳- طفل | ۴- جمع |

" دو کس دشمن ملک و دین اند ؛ پادشاه بی و زاهد بی " سعدی

۸- کدام دو کلمه را به ترتیب مناسب می دانید؟

- | | |
|-----------------|---------------|
| ۱- وزیر . تدبیر | ۲- دانش . کنش |
| ۳- حلم . علم | ۴- قوت . مروت |

" احمق را ستایش خوش آید . چون لاشه که در کعبش فربه نماید " سعدی

۹- کدام کلمه زیر را برای جای نقطه چین درست می دانید؟

- | | |
|---------|-----------|
| ۱- دُمی | ۲- سُمی |
| ۳- دُمی | ۴- سُرینی |

" حکما گفته اند ؛ توانگری به به از توانگری به " سعدی

۱۰- کدام پاسخ را به ترتیب برای بیان مقصود نویسنده‌ی عبارت صحیح می دانید؛

- | | |
|------------------|------------------|
| ۱- بضاعت . قناعت | ۲- قناعت . بضاعت |
| ۳- مشقّت . مذلّت | ۴- قُربت . غُربت |

" نعمت به تشویش محنت منغصّ کردن دور از رأی خردمندان است . "

۱۱- کدام دو کلمه را به ترتیب برای اكمال معنی عبارت درست می پندارید ، سعدی

- | | |
|------------------|---------------|
| ۱- دنیی . عقبی | ۲- آجل . عاجل |
| ۳- موجود . معدوم | ۴- عاجل . آجل |

آن کس که و نداند که بیدارش نمایید که بس خفته نماند انوری

۱۲- با دقت به معنای شعر جای نقطه چینها را با استفاده از کلمه‌های زیر پر کنید :

۱- بداند . بداند ۲- نداند . بداند

۳- بداند . نداند ۴- نداند . نداند

۱۳- کدام جمله‌ی زیر را برای تکمیل عبارت : " هر که علم خواند و عمل نکند بدان ماند که " بر می‌گزینید ؟

۱- درخت بی بر نشاند ۲- صواب از ناصواب نشناسد

۳- سود و زیان خویش نداند ۴- گاو راند و تخم نیفشاند

" دو چیز محال عقل است : خوردن بیش از رِزق و مُردن پیش از وقت " سعدی

۱۴- دو کلمه‌ای که عبارت را از نظر معنی کامل می‌کند کدام است ؟

۱- معلوم . مقسوم ۲- مقسوم . معلوم

۳- مسلم . معین ۴- مذکور . مَسْطور

" استعداد بی دریغ است و نا مستعد ضایع " سعدی

۱۵- کدام کلمه را برای پر کردن جای نقطه چینها مناسب می‌دانید ؟

۱- مجاهدت ۲- ریاضت

۳- مراقبت ۴- تربیت

آن کس که و بداند که لنگان خرک خویش به منزل برساند انوری

۱۶- کدام دو کلمه را به ترتیب درست می‌دانید ؟

۱- نداند . نداند ۲- بداند . بداند

۳- نداند . بداند ۴- بداند . نداند

۱۷- برای تکمیل عبارت : " گدای نیک انجام به از " کدام پاسخ را صحیح می‌دانید ؟

۱- کدخدای ولایت جام ۲- توانگر خوش اندام

۳- پادشاه بد فرجام ۴- سلطان صاحب نام

۱۸- معنی مصراع " خاک را از قدح مرد جوانمرد " با کدام کلمه کامل می‌شود ؟

۱- شریک ۲- نصیب

۳- بریخت ۴- شکیب

بد توان از خلق متواری شدن ، پس بر ملا بر دست و اندر گریبان داشتن

۱۹- جای نقطه چینها را پر کنید :

۱- ساغری . چنگ ۲- مشعله . مشک

۳- مُصْحَفی . سر
۴- خُنْجری . دست

(یکی از پادشاهان ده فرزند داشت .)

سعدی

۲۰- کدام دو کلمه را انتخاب می‌کنید؟

۱- فَرَنگ . زَرَنگ
۲- جَهان . کَلان
۳- سَلَف . خَلَف
۴- صَالِح . طَالِح

به خود دانه داد نه گاه نکردت چو سردر گیاه

۲۱- کدام دو کلمه زیر را به ترتیب برای جای نقطه چینها مناسب می‌دانید؟

۱- اَکرام . اَغنام
۲- اِحسان . حیوان
۳- اَنعام . اِنعام
۴- اِنعام . اَنعام

بُبرد از پریچهره زشتخوی
زن دیو سیمای خوش طبع

۲۲- با کدام کلمه‌ی زیر معنی شعر کامل می‌گردد؟

۱- گوی
۲- روی
۳- موی
۴- شوی

۲۳- عبارت ، " روح را نغمه‌ی همدرد است عظیم " را کامل کنید .

۱- عذابی
۲- سرودی
۳- کلامی
۴- فتوحی

..... همه امید
..... همه آرزوی
سعدی

۲۴- بیت فوق را با استفاده از یک دسته از کلمه‌های زیر کامل کنید ؛

۱- دیروز . امروز . امید . فردا .
۲- امروز . فردا . امید . دیروز
۳- فردا . امروز . امید . دیروز
۴- امروز . فردا . فردا . دیروز

شد ... خیانت و شد سفه
شد ... عداوت و شد جفا

عبدالواسع جبلی

۲۵- بیت را با استفاده از یک دسته از کلمات زیر (به ترتیب) کامل کنید ؛

۱- دوستی . زیرکی . راستی . مردمی
۲- راستی . زیرکی . دوستی . مردمی
۳- مردمی . زیرکی . دوستی . راستی
۴- مردمی . زیرکی . راستی . دوستی

" یکی تحرّمی بسته و دیگری منتظر نشسته ، هرگز این بدان کی ماند " سعدی

۲۶- عبارت را کامل کنید ؛

۱- خِدْمَت . نِعْمَت
۲- عِشا . عِشا

۴ - عِشَا . عَشا

۳ - نِعْمَت . خِدْمَت

" ما درین گفتار و هر دو به هم گرفتار، هر..... که براندی به دفع آن بکوشیدمی و هر.....
که بخواندی به فرزین بیوشیدمی . "

سعدی

۲۷ - با توجه به اینکه سعدی در این عبارت صنعت " مراعه النظیر " را بکار بسته است در انتخاب
کلمه دقت کنید .

۲ - شمشیر . تعویذ

۱ - سخن . شعر

۴ - اسبی . حریفی

۳ - بیدق . شاه

(نه پیوسته باشد در نه همواره گردد در)

۲۸ - کدام دسته از کلمه‌های زیر را به ترتیب برای جای نقطه چینها درست می‌دانید؟

۱ - زبان . دهن - روان . بدن ۲ - زبان . دهن - روان . بدن

۳ - روان . زبان - دهن . بدن ۴ - زبان . روان - بدن . دهن

(..... است خطاب مهتران، آنکه چو دهند و نشنوی ... نهند)

۲۹ - جای نقطه چین بیت را با استفاده از یکدسته از کلمه‌های زیر کامل کنید؛

۱ - نیش . نوش - امر . قید ۲ - شهد . قند - پند . بند

۳ - پند . بند - پند . بند ۴ - نرم . سخت - حکم . قید

(دانا چو طبله‌ی عطار است خاموش و و نادان چون طبلِ غازی بلند آواز و)

۳۰ - کدام دو کلمه را برای تکمیل عبارت بالا درست تر می‌دانید؟

سعدی

۱ - نوازنده‌ی مشام . لرزاننده‌ی اندام ۲ - عطر افشان . فتنه نشان

۳ - دل آویز . هراس انگیز ۴ - هنر نمای . میان تهی

(مُخْلِصان را بزمی نهاده، دلم مطربم اشکم جگرم) قائم مقام

۳۱ - با استفاده از کدام دسته از کلمه‌های زیر عبارت کامل می‌شود؟

۱ - شراب . ناله . پیاله . کباب ۲ - کباب . شراب . پیاله . ناله

۳ - ناله . پیاله . شراب . کباب ۴ - پیاله . ناله . شراب . کباب

(اگر شما را هوس چنین و به تماشای بیدلان است بی تکلفانه به کلبه‌ام)

و به شهیدان کویت (.....) قائم مقام

۳۲ - کدام دسته از کلمه‌های زیر را برای تکمیل عبارت انتخاب می‌کنید؟

۱ - بزمی . عزمی . گذری . نظری ۲ - جشنی . رایبی . راهی . نگاهی

۳ - مجلسی . انسی . قدمی . گامی ۴ - ذوقی . شوقی . گامی . پیامی

(هر يك را به كاری و به خدمتی کرد .)

۳۳- عبارت را کامل کنید ؛

- | | |
|--------------------|--------------------|
| ۱- انتصاب . انتخاب | ۲- منصوب . منسوب |
| ۳- منسوب . منصوب | ۴- انتخاب . انتصاب |

(خورشید از پس ابر سر بر کشید و بر فرق درختان نهاد .)

۳۴- کدام ترکیب را برای تکمیل معنی درست می‌دانید؟

- | | |
|----------------|---------------|
| ۱- تاج زرین | ۲- شعاع طلایی |
| ۳- اشعه‌ی زرین | ۴- کلاه رنگین |

(از برای حوادث سلاحها توان ساخت .)

۳۵- کدام دو کلمه را برای تکمیل عبارت درست می‌دانید؟

- | | |
|------------------|----------------|
| ۱- شکیبایی . رفع | ۲- تجارب . دفع |
| ۳- دوستان . حل | ۴- دانش . سپر |

۳۶- عبارت : (اَقَا وِیلْ عِلْمَا را بسیار است .) را کامل کنید ؛

- | | |
|-------------|-----------|
| ۱- تا وِیلْ | ۲- تعویل |
| ۳- تعابیر | ۴- تفاسیر |

۳۷- مصراع : (که شب ... کوتاه و دراز باشد) چگونه کامل می‌شود؟

- | | |
|---------------|----------------|
| ۱- ربیع . شتا | ۲- فراق . سخن |
| ۳- وصال . سخن | ۴- وصال . فراق |

۳۸- عبارت : (... کاینات ، از روی ظاهر آدمی است و موجودات سگ .) کامل شود ؛

- | | |
|------------------|-----------------|
| ۱- اشرف . اَحْسَ | ۲- اجلّ . اذَلّ |
| ۳- افضل . اَصَلّ | ۴- اعظم . اصغر |

۳۹- عبارت : (آنگاه نفس خویش را میان چهار کار که تکاپوی اهل جهان از آن نتواند گذشت

مخیر گردانیدم : مال ، و حال ، و سایر ، و باقی .) کامل کنید؛

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ۱- وفور . ذکر . لذات . ثواب | ۲- وفور . ثواب . لذات . ذکر |
| ۳- وفور . ثواب . لذات . ذکر | ۴- وفور . لذات . ذکر . ثواب |

۴۰- جای نقطه چینها را در بیت زیر با کدام دسته از کلمات ذیل آن می‌توان پر کرد ؛

... زمین ، چو ... فلک گشته از سلاح ... فلک ، چو ... زمین گشته از غبار

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| ۱- روی . روی - پشت . پشت | ۲- پشت . پشت - روی . روی |
|--------------------------|--------------------------|

۳- پشت . روی - روی . پشت
۴- روی . پشت . پشت . روی

دوش در قصه‌ی گیسوی تو بود
تا سخن از سلسله‌ی موی تو بود
۴۱- جای نقطه چین‌ها را با کلمه‌های مناسب پر کنید ؛

۱- مجلس ما . سرشب
۲- محفل ما . دم صبح
۳- حلقه‌ی ما . دل شب
۴- کلبه‌ی ما . سر صبح

۴۲- عبارت : (وُرأی هر یک بر این مُقرر که من و ، خَصَم . . .) را کامل کنید .

کلیله و دمنه

۱- بهشتیم . دوزخی
۲- رستگارم . گمراه
۳- ضَالِحِم . طَالِح
۴- مُصِیْم . مُخْطِی

۴۳- عبارت : (خردمند به مشاهدتِ . . . هَیْآتِ صفت را بشناسد) را کامل کنید ؛

کلیله و دمنه

۱- صورتِ . سیرتِ
۲- ظاهرِ . باطنِ
۳- آغاز . پایان
۴- انجامِ . فرجامِ

۴۴- " گاهی نتایج تحقیقات بسیار دقیق علمی هم ممکن است باشد . "

۱- بی اساس
۲- ناچیز
۳- مشکوک
۴- نسنجیده

چون یکی زین چهار شد جان شیرین بر آید از

۴۵- جای نقطه چین‌ها را با استفاده از کدام دو کلمه پر توان کرد ؟

۱- غالب . غالب
۲- غالب . قالب
۳- قالب . قالب
۴- قالب . غالب

سعدی

(مُحک داند که زر چیست و گدا شناسد که کیست .)

۴۶- جای نقطه چین را پر کنید ؛

۱- مُشْرِک
۲- مُضْحِک
۳- مُمْسِک
۴- مُهْلِک

(باز دولت سامانیان در اوجِ علیّین پرواز همی کرد .)

۴۷- کدام کلمه را برای تکمیل جمله مناسب می‌دانید ؟

۱- قُلّه
۲- ذُرّوه
۳- کُوهه
۴- نُقْطه

(آزردنِ دوستان است و کفّارتِ یَمین)

۴۸- کدام پاسخ را درست می‌دانید؟

- ۱- از جهل . از عقل
۲- جهل . عقل
۳- جاهل . عاقل
۴- جهل . سهل

۴۹- (.... حرمت دیگران پسندیده نیست .) عبارت را کامل کنید :

- ۱- هُتک
۲- فُتک
۳- فُکّ
۴- حُکّ

۵۰- (وقتی از اوقات با جمعی از آزادگان بر هر چمن و هر دمن می‌گذشتیم) عبارت را با استفاده از کلمه‌های زیر کامل کنید :

- ۱- بیضای . سودای
۲- زرقای . صفرای
۳- حمرای . خضرای
۴- خضرای . صفرای

(یکی از وکلای دادگستری را که در دفاع از موکل خود تهیه کرده بود گم کرد .)

۵۱- کدام کلمه زیر را برای تکمیل معنی عبارت فوق بر می‌گزینید؟

- ۱- کیفر خواستی
۲- اقرار نامه‌ای
۳- اعلامیه‌ای
۴- لایحه‌ای

آن کس که و بداند که اسب شرف از گنبد گردون بجهاند

۵۲- جای نقطه چینها را با کلمه‌های مناسب معنی پر کنید :

- ۱- نداند . نداند
۲- نداند . بداند
۳- بداند . بداند
۴- بداند . نداند

۵۳- عبارت : (در مراسم همکارم که به خراسان منتقل گردیده است شرکت جستم) کامل شود :

- ۱- تحلیف
۲- تشییع
۳- معارفه
۴- تودیع

۵۴- مصراع : (هر که را نیست ادب لایق نبود .) را کامل کنید :

- ۱- صحبت
۲- شوکت
۳- مکنت
۴- دولت

(همت بلند کارهای دشوار را و راههای ناهموار را هموار)

۵۵- جای نقطه چینها را پر کنید :

- ۱- آسان . می‌کرد
۲- آسان . می‌کند

۳- آسانی . می‌کند ۴- سهولت . می‌کند

(اما صاحب دنیا به عینِ عنایت حق است و به حلال از حرام) سعدی

۵۶- کدام دو کلمه معنی عبارت را کامل می‌کند

۱- مشمول . مسئول ۲- مشروع . ممنوع

۳- ملحوظ . محفوظ ۴- معلوم . محروم

۵۷- مصراع : (رُقعه دانم زدن به ی خویش) را کامل کنید . پروین

۱- خامه ۲- کامه

۳- نامه ۴- جامه

۵۸- عبارت : (صاحب صناعت باید فارغ دل و مرفه باشد تا فکرش متلاشی نشود) کامل شود ؛

۱- مهام ۲- سهام

۳- زمام ۴- کلام

آن کس که و نداند که در جهل مرکب ، ابدالذهر بماند

۵۹- جای نقطه چینها را با توجه به مصراع دوم شعر با کدام دو کلمه‌ی زیر پر می‌کنید؟

۱- نداند . بداند ۲- نداند . نداند

۳- بداند . نداند ۴- بداند . بداند

(تعبّد و تعفّف در دفع شرّ حصین است و در جذبِ خیر دراز) کلیله و دمنه

۶۰- کدام دو کلمه را برای اكمال معنی عبارت درست می‌دانید .

۱- جوشن . کمند ۲- حصار . دیوار

۳- برج . بارو ۴- حصن . رسن



درک معنی و مفهوم

در این فصل برگزیده‌ای از ابیات و عبارات و

ضَرْبُ المَثَلِهای شعرا و عُرفا و ادبای نام آور ادب فارسی را گردآوری نموده، ضمن ارائه‌ی آنها معنی و مفهوم هر یک را در خلال چهار پاسخی که به معنی عبارت نزدیک، بطوری که تشخیص معنی درست تر بی زحمت و دقتی میسر نیست، گنجانده و خواسته شده است که پاسخ صحیح را مشخص سازید. برای توفیق بهتر و سریعتر در این زمینه فراگیری دقیق فصل دوم (لغت) و چهارم (تاریخ ادبیات) همین مجموعه را ضروری می‌داند.

خَرَمِ آنان که هر شامان تَه وِیَنَن سخن وا تَه کَرَن و اَتَه نَشپِنَن
گَرَمِ نِه دسترس کایم تَه وِیَنَم بِشَمِ آنان بُوینَم که تَه وِیَنَن بابا ظاهر
۱- بابا ظاهر در چه قرنی می زیست و محتوای دوبیتی های زیبای او در چه زمینه ای است؟

۱- قرن سوم . سوز و گداز عاشقانه

۲- قرن پنجم . مبانی عرفانی همراه با سوز و گداز عاشقانه

۳- قرن چهارم . در اصطلاحات صوفیانه

۴- قرن ششم . در حکمت عملی

(تا جهان بُود از سر آدم فَرَا کس نبود از راه دانش بی نیاز) رودکی

۲- کدام عبارت کوتاه زیر مفهوم واقعی شعر را در بردارد؟

۱- آدمی از آغاز آفرینش از کسب دانش بی نیاز نبوده

۲- سرافرازی آدمی از آغاز جز از راه دانش نبوده

۳- تا جهان بر فراز سر آدمی سایه افکنده به دانش نیازمند است

۴- نیاز انسان به دانش از اسرار آفرینش است

(دایه ای ابر بهاری را فرموده تا بَناتِ نَبات در مَهدِ زمین بپرورد .) سعدی

۳- مفهوم واقعی عبارت را در کدام پاسخ حدس می زنید؟

۱- بهار همچون مادری مهربان دختران خویش پرورد .

۲- دایه ای پر شیر مانند ابر باران ریز بهاری کودکان پروراند .

۳- ابر همچون مادری گیاهان نورسته را می پروراند .

۴- ریزش باران های بهاری موجب رشد گیاهان می شود .

بحکم ضرورت سخن گفتیم و تفرّج کنان بیرون رفتیم (در فصلِ ربیع که صَوْلَتِ بُرد آرمیده بود . و آیامِ دَوْلَتِ وُرد رسیده .) سعدی

۴- مفهوم عبارت بین الهلالین چیست؟

۱- دوران بدبختی ملت سپری و زمان خوشبختی دولت فرا رسیده بود

۲- در موسم بهار که نکبت سرما به پایان رسیده و سعادت و اقبال روی آورده بود

۳- در بهاری که خشم سرما فرو نشسته و آغاز شکوفایی گل فرا رسیده بود

۴- در آیام بهار که خشونت زمستانی گذشته و سرسبزی بوستان فرا رسیده بود .

(گفتی که خُرده ی مینا بر خاکش ریخته و عِقْدِ ثُریّا از تاکش آویخته) سعدی

۵- منظور کلی عبارت کدام است؟

- ۱- گل‌های بوستان به ستارگان آسمان می‌مانست
- ۲- زمینش پر از سبزه و شکوفه و درختانش پر از میوه و خوشه بود
- ۳- دانه‌های درخشان مینا بر گردن‌بندش همچون ثریا بود.
- ۴- مجموعه‌ای از سنگهای قیمتی درخشان را به گردن آویخته بود

۶- مقصود از عبارت (اِرْتِفَاعُ وِلَايَتِ نَقْصَانِ پَذِيرَفْت) چیست؟

- ۱- درآمد مالیاتی کشور کاهش یافت
- ۲- سطح زندگی کشور پایین آمد
- ۳- عمران و آبادی کشور سستی گرفت
- ۴- میزان بارندگی در ولایات کم شد
- ۷- "کَسْرِ حَالَتِ رَا بَه تَقْقَدُی جَبْرِ کَرْد . " یعنی ؛
- ۱- کمبود زندگی ترا جبران کرد
- ۲- بیماری ترا به عیادتی مداوا کرد.
- ۳- افسردگی خاطر ترا به پریشی مهرآمیز بر طرف ساخت
- ۴- کمبود گرفتاری ترا از طریق جبری حل کرد

۸- "بَر نَادِرِ حُکْم نَتَوَان کَرْد . " یعنی ؛

- ۱- کسی را توان فرمان به نادر نیست
 - ۲- نادر فرمان دِه است نه فرمان پذیر
 - ۳- به نادر فرمان دادن کار نابخردان است
 - ۴- امر نادر را نمی‌توان ملاک داوری قرارداد
- (خردمند اگر چه به زور و قوَّتِ خویش ثَقَبَت تمام دارد ، تَعَرُّضِ عِدَاوَت و مُنَاقَشَت جایگزین شمرَد .)

۹- معنی و مفهوم عبارت فوق یعنی چه؟

- ۱- خردمند اگر به نیروی خویش مطمئن باشد از دشمن و ستیز با او نترسد
- ۲- خردمند هر چند به نیروی خویش مطمئن است باز هم از دشمن می‌ترسد
- ۳- خردمند هر چند به نیروی خود اطمینان داشته باشد به دشمنی و ستیز کس نپردازد
- ۴- خردمند در ستیز با دشمن از نیروی عقل خود مدد می‌گیرد نه از زور بازو

(دل بر مجاهده نهادن آسان تر است که چشم از مشاهده بر گرفتن .)

سعدی

۱۰- یعنی چه؟

- ۱- دل بر رنج دوری نهادن سهل تر از دیده از دیدار یار برداشتن
- ۲- دل بر ریاضت نفس نهادن بهتر که چشم از دیدار حق بستن
- ۳- دل بر کوشش نهادن به که دیده از تماشا بر گرفتن
- ۴- دل به ریاضت خو دادن ساده تر از چشم از زیباییها دوختن

(راحت عاجل به تشویش محنت آجل مُنغص کردن خلاف رأی خردمندان است) سعدی

۱۱ - مفهوم و مضمون عبارت فوق را در کدام یک از پاسخهای زیر درست می‌دانید؟

- ۱ - آسایش کنونی را با پرهیزانی اندوه زمان پیری معیوب کردن . پسندخاطر فرزندان نیست
- ۲ - آسودگی جوانی را به اندوه فرسودگی پیری ناگوار ساختن دور از خرد است
- ۳ - آسایش نقد زندگی را به نگرانی رنج آینده ناگوار گردانیدن مخالف اندیشه دانایان است
- ۴ - آرامش زود بدست آمده را با غم گرفتاری که در پیش است تباه ساختن از نابخردی است

۱۲ - عبارت " نه هر که در مُجَادله چُست در مُعَامله دُرست " یعنی چه؟

- ۱ - نه هر که در ستیز تواناست در داد و ستد داناست
- ۲ - نه هر کس در زبان آوری توانا در داد و ستد با مردم درستکار باشد
- ۳ - نه هر کس در حدال چابک در خرید و فروش چالاک
- ۴ - نه هر که در جدل ماهر در تشخیص قیمت کالا وارد

به چهره شدن چون پری کی توانی به افعال ماننده شو مری را ناصر خسرو

۱۳ - غرض شاعر چیست؟

- ۱ - آرایش سر و صورت تا حد فرشته رویی
 - ۲ - پیرایش رفتار و کردار تا حد فرشته خوبی
 - ۳ - از زیبایی صورت به فریبایی اندام پرداختن
 - ۴ - صورت مرشکان با سیرت اهریمنان در خور نیست
- ۱۴ - مقصود از " پیاده‌ی عاج چو عرصه‌ی شطرنج پیماید فرزین شود " چیست؟ سعدی
- ۱ - سیر و سیاحت معنوی موجب کمال می‌گردد
 - ۲ - پیاده روی در طول عمر سبب شادایی می‌شود
 - ۳ - کوشش و تلاش جسم آدمی را نشاط می‌بخشد
 - ۴ - جهانگردی بر دانش آدمی می‌افزاید

(درویش را دست قدرت بسته است و توانگر را پای ارادت شکسته .) سعدی

۱۵ - منظور چیست؟

- ۱ - درم داران عالم را کرم نیست
 - ۲ - درویش قدرت ندارد و توانگر ارادت
 - ۳ - درویش توان بخشش و توانگر علاقه‌ی به بخشش
 - ۴ - کرم داران عالم را درم نیست
- ندارد

۱۶ - معنی این عبارت : (یکی تَحَرِّمِی عِشا بسته و دیگری مُنْتَظِر عِشا نشسته .) کدام است؟

- ۱ - یکی برای احترام دعا برخاسته و دیگری به غذا نشسته
- ۲ - یکی برای گزاردن نماز شب برخاسته و دیگری چشم به راه شام شب نشسته

- ۳ - یکی به حرمت نماز برخاسته و دیگری بر سر سفره نشسته
- ۴ - یکی بار و بنه سفر آخرت بسته و دیگری چشم به مال دنیا دوخته
- ۱۷ - (نه اینان که خرّقه‌ی آبرار پوشند و لقمه‌ی اِدرار فروشند . یعنی ؛
- ۱ - نه اینان که دم از عرفان و معرفت زنند و باقیمانده‌ی سفره^۶ خویش نبخشند و به گدایان فروشند
- ۲ - نه اینان که جامه‌ی پارسایان پوشند و خرده^۶ نانهای دریوزگی به آزمندی مال اندوزی فروشند
- ۳ - جامه‌ی نیکوکاران در بر دارند لیکن سودای زر اندوزی در سر پرورند
- ۴ - جامه‌ی پاره و وصله داری پوشند و آنچه به گدایی بدست می‌آورند می‌فروشند
- ۱۸ - مقصود غایی عبارت : (يَدِ عَلِيًّا بِ يَدِ سُفْلَى چه ماند ؟) چیست ؟ سعدی
- ۱ - دست راست بهتر از دست چپ است ۲ - دست پُر بهتر از دست خالی است
- ۳ - دست مرد بالای بهتر از دست مرد پایینی است ۴ - دست دهنده بهتر از دست گیرنده است
- ۱۹ - (مُلْكُ فَرَاغَتِ زِيرِ نَكِيْنِ رِزْقِ مَعْلُوْمِ) یعنی چه ؟ سعدی
- ۱ - پادشاهان نرَمخو به روزی اندک قانع اند
- ۲ - آسودگی خاطر در گرو روزی معین است
- ۳ - کشور آسودگی مطیع روزی ده است
- ۴ - آسودگی کشور در گرو وضع اقتصادی آن است
- ۲۰ - (مُتَعَلِّقَانِ بِرِ دَرِ بَدَارُنْدِ وَ غَلِيْظَانِ شَدِيْدِ بِرِ گُمَارُنْدِ) یعنی چه ؟ سعدی
- ۱ - آویزه‌ها و زنجیرهای درشت بر در آویزند
- ۲ - بستگان خود را به دربارنی منصوب کنند
- ۳ - خویشان و ندان را وسیله‌ی درباران زشتخوی راه ندهند
- ۴ - خویشان و ندان برانند و بیگانگان به حضور پذیرند
- (اَمَّا صَاحِبِ نِعْمَتِ دُنْيَا ، بِه عَيْنِ عِنَايَتِ حَقِّ مَلْحُوْظِ اسْتِ وَ بِه حَلَالِ از حَرَامِ مَحْفُوْظِ .)
- ۲۱ - معنی و مفهوم این عبارت را در کدام پاسخ درست تر می‌دانید ؟
- ۱ - اما ثروتمند ، چون خود را مشمول عنایت خداوند می‌شمرد ، از پرداختن به حلال و حرام پروایی ندارد .
- ۲ - اما ثروتمند ، چون از لطف و مرحمت خداوند برخوردار است بشکرانه توانگری از آلودگی در امان است
- ۳ - اما آن که از نعمت دنیا برخوردار است و خود را صاحب حق هم می‌داند به حلال و حرام می‌اندیشد

۴- اما توانگر و منعم . خود را منظور نظر خداوند می‌شمارد و از حرام به حلال پناه می‌برد

۲۲- عبارت : (چو قوتِ احسانش نباشد به عصیان مبتلا گردد .) یعنی ؛

- ۱- چون توانایی زن گرفتن ندارد سرکشی می‌کند
- ۲- چون توان نیکوکاری ندارد به تبه‌کاری پردازد
- ۳- چون توانایی شمردن ندارد خشمگین شود
- ۴- چون توان خویشتن داری ندارد به گناه آلوده گردد

چون سگ گرسنه گوشت یافت نپرسد کاین شترِ صالح است یا خرِ دجال سعدی

۲۳- مراد گلی از بیت چیست ؟

- ۱- گربه چون پنیر یابد نپرسد از کیست
- ۲- سگ گرسنه گوشت همسایه صاحب خود را نخورد
- ۳- شکار شیر گوزن است و آن یوز آهو
- ۴- گرگ به نیکوکاری و بدکاری صاحب گوسفند نیندیشد

۲۴- عبارت : " تا نقدِ کیسه‌ی همت در باخت و تیر جعبه حجت بینداخت . " یعنی ؛

- ۱- نقدینه به همت باخت و تیرها به قوت انداخت
- ۲- تا تدبیر و چاره‌اش تمام شد و دلیل و برهانی برایش نماند
- ۳- در کیسه‌اش پولی نماند و در تیردانش تیری
- ۴- نه پول در برابر همت دوام آورد و نه تیر در مقابل حجت

اگر زاله هر قطره‌ای دُر شدی چو خر مهره بازار از او پُر شدی سعدی

۲۵- بیت بیانگر چه رسالتی است ؟

- ۱- مروارید در دریا و خر مهره در بازار
- ۲- مروارید ارزنده را با خر مهره بی ارزش چه نسبت
- ۳- گرانبایگی هر چیز به کمی آن است نه به فراوانی
- ۴- دریغ آنکه در بازار روزگار مروارید و خر مهره با هم سنجند

۲۶- عبارت : " بعد از مجاراً طریق مداراً گرفتیم . " یعنی ؛

- ۱- بعد از کشمکش سر سازش گرفتیم
- ۲- بعد از همجواری به دوستی گرویدیم
- ۳- بعد از ستمکاری به دادگری پرداختیم
- ۴- بعد از همسایگی روش بیگانگی برگزیدیم

سعدی

۲۷- عبارت : " سَفَلَه چون به هنر با کسی برنیاید به خُبَش در پُستین افتد " یعنی چه ؟ سعدی

- ۱- نادان چون از هنر عاری است به درون پلیدی خویش به هنرمند در آویزد
- ۲- ابله چون خود را در هنر با دانا برابر نمی‌بیند جامه و لباس او را بدرد
- ۳- فرومایه چون خود را خوارتر از دیگران نتواند دید به جنگ و ستیز کمبود خویش جوید
- ۴- فرومایه چون به فضیلت بر کسی چیرگی نیابد به پلیدی باطن به غیبت و زشت‌گویی او پردازد.

(مَبَر طاعت نفس شهوت پرست - که هر ساعتش قبله‌ای دیگر است)

۲۸- معنی و مفهوم بیت را در کدام پاسخ زیر درست می‌دانید؟

- ۱- از انسانهای شهوت پرست پیروی مکن که هر روز ترا به سویی می‌کشانند
- ۲- اطاعت از انسانهای شهوت ران مکن که هر ساعت ترا به پرستش زیبارویی وا می‌دارند
- ۳- از نفس شهوت پرست خویش پیروی مکن که هر لحظه ترا به جانبی به ناشایست کشاند
- ۴- اسیر نفس شهوت جوی خود مباش که هر دم به چیزی آرزو کند

(در ابتدا این قاضی مردی بود درویش و مُعِیل و من وظیفه او همی دادم تا)

۲۹- در این عبارت " من وظیفه او همی دادم " یعنی چه ؟ سیاست‌نامه

- ۱- برنامه کار او را من منظم می‌کردم
- ۲- حقوق ماهیانه‌ی او را من می‌پرداختم
- ۳- وظایف او را من انجام می‌دادم
- ۴- کارهای نان و آبداری به او ارجاع می‌کردم

۳۰- عبارت : " رأی بی قوّت مکر و فسون است و قوّت بی رأی جَهل و جنون . یعنی چه ؟ سعدی

- ۱- نظریه ضعیف در شمار نیرنگ و فریب است و نیروی بی هدف نادانی و دیوانگی
- ۲- اظهار نظر ناتوانان نوعی فریب بشمار می‌رود و اظهار نظر نیرومندان نوعی دیوانگی
- ۳- اندیشه‌ی ناتوان مکر و فریب شمرده می‌شود و نیروی بی توان نادانی به حساب می‌رود
- ۴- اندیشه و تدبیر بی نیرو و توان نیرنگ و فریب باشد و نیرومندی بی اندیشه و تعقل نادانی و دیوانگی نماید



تستهای متنوع

درین فصل، که پس از آموزش مباحث مختلف ادبیات از قبیل؛ دستور زبان، لغت، املاء، تاریخ ادبیات، گزینش کلمه‌های مناسب و درک معنی و مفهوم، از نظر تان می‌گذرد مجموعه‌ای از تستهای مربوط به تمامی قسمتهای مختلف ادبیات با رعایت حد کیفی و تنوع و تازگی آنها تهیه و تنظیم گردیده است امید که با دقت کامل و فراغت خاطر تستها را با تائی و تأمل کافی قرائت و به طرح سؤال و پاسخهایی که برای هر یک قید گردیده دقیقاً "توجه فرموده آنگاه به اظهار نظر پردازند.

(ای یاد تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز) سعدی

۱- " منادا " در بیت کدام است و " نامه چه نقشی دارد ؟

۱- منادا از کثرت وضوح محذوف (خدا) . مفعول

۲- خداوند . نهاد

۳- خداوند . متمم

۴- خداوند . مضاف الیه

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش حافظ

۲- " مُسْنَدُ إِلَیْهِ " و " مُسْنَدُ " مصراع اول کدام است .

۱- کافری . طریقت

۲- طریقت . کافری

۳- دانش . طریقت

۴- تکیه بر تقوا و دانش . کافری

آینه‌ات دانی چرا غماز نیست زانکه زنگار از رخسار ممتاز نیست

۳- معنی و مفهوم بیت را در کدام پاسخ می‌یابید؟

۱- می‌دانی چرا یار در برابر تو عشوهِ گری نمی‌کند برای اینکه صورت خود را آرایش نکرده است

۲- دوست که همچون آینه‌ای است عیب و نقص ترا نمی‌گوید چون غبار غرضان را مکن‌در ساخته است

۳- دل تواز آنجهت نور حقیقت را منعکس نمی‌سازد که زنگار هوا و هوس آن را تیره نموده است

۴- آینه‌ی راست نمای تو (دوست) بخاطر رنجیدگی و کدورت از تو، هدایت نمی‌کند

۴- کدام دسته از مطالب زیر درباره‌ی " ناصر خسرو " صادق است ؟

۱- در قرن پنجم می‌زیست ، به مسافرتی هفت ساله پرداخت ، به مدح و ستایش سلاطین روزگار گذرانیید .

۲- با قطران تبریزی معاصر بود ، قصیده‌ها بوالهپثم را شرح کرد ، در آخر عمر به دربار غزنویان شتافت

۳- قصایدش در تعظیم دین و خرد ، مردی آزاده و پارسا ، آثارش در مسائل دینی در ۴۸۱ درگذشت

۴- آرمانش تلفیق دین و خرد ، در مصر و عربستان مدتی سیاحت کرد ، " اَحْیَاءُ الْعُلُومِ " را نوشت .

۵- ویژگیهای زیر درباره کدام یک از عرفای مشهور ایران صدق می‌کند؟

- ۱ - حکمت
۲ - هیئت
۳ - پزشکی
۴ - اخلاق
- ۱۳ - "گویی" در عبارت بالا چه کلمه‌ای است و "یکی" چه نقشی دارد؟
۱ - فعل ماضی ، مفعول
۲ - قید شک و تردید ، متمم
۳ - فعل مضارع ، علامت نکره
۴ - فعل ، اضافی
- نوشته است برگزیده بهرام گور
که دستِ کرم به ز بازوی زور
- ۱۴ - چه صنعت بدیعی در شعر بکار رفته است؟
۱ - ترصیع
۲ - تجنیس
۳ - تلمیح
۴ - لفّ و نشر
- ۱۵ - "مُسْنَدُ إِلَیْهِ" و "مُسْنَدُ" بیت را به ترتیب در کدام پاسخ زیر درست می‌دانید؟
۱ - بهرام گور ، به
۲ - بهرام گور ، نوشته
۳ - دست ، گور
۴ - تمام مصراع دوم ، نوشته
- ۱۶ - "گور" به ترتیب چه نقشی در شعر دارد؟
۱ - متمم ، مضاف الیه
۲ - هر دو متمم
۳ - هر دو مضاف الیه
۴ - اضافی ، متممی
- ۱۷ - "کرم" و "به" چه کلمه‌ای هستند؟
۱ - صفت بیانی ، صفت برتر
۲ - صفت جامد ، حرف اضافه
۳ - اسم معنی ، صفت برتر
۴ - اسم معنی ، حرف اضافه
- توز خوک خویش اگر آگه نه ای
سخت معذوری که مُردَره نه‌ای
- ۱۸ - معنی و مفهوم بیت کدام است؟
۱ - تو که از شیطان نفس بی خبری از مقام سیر و سلوک بی اطلاع خواهی ماند .
۲ - اگر به معایب درون خود پی می‌بردی در انتخاب روش زندگی توفیق می‌یافتی
۳ - اشتغال به امور مادی ترا از معنویات دور ساخته است ،
۴ - تو که در شناخت نفس هوس باز خود ناتوانی از سیر به تعالی و ترقی معذور خواهی بود .
- اگر پای در دامن آری چو کبوه
سرت بگذرد ز آسمان از شکوه
- ۱۹ - "آری" چه کلمه‌ای است و "کوه" چه نقشی دارد؟
۱ - از اصوات ، نهاد
۲ - فعل مضارع ، متمم

۳- قید ایجاب . متمم
۴- فعل ماضی . اضافی

۲۰- " نهاد " هر دو مصراع کدام است ؟

- ۱- ضمیر فاعلی "ی" . سرت
۲- کوه . شکوه
۳- پای . سر
۴- دامن . آسمان

۲۱- " شکوه " چه کلمه‌ای است و " بگذرد " چه فعلی است ؟

- ۱- فعل امر . فعل ماضی
۲- صفت مفعولی . مضارع
۳- اسم ذات . مضارع التزامی
۴- اسم معنی . مضارع التزامی

۲۲- در بیت فوق وصف چه چیزی مورد نظر شاعر بوده است ؟

- ۱- وقار و متانت
۲- استواری و شجاعت
۳- عظمت و بلندی
۴- گردنفرازی و سرکشی

(ارباب معنی به مُنادمَت او رَغبت کنند و به اُنواع خدمت نمایند .)

۲۳- معنی عبارت کدام است ؟

- ۱- صاحبان خرد را به همنشینی او تشویق کنند و مردم را به خدمتش وا دارند
۲- صاحبان خرد او را همنشین خود خواهند کرد و زندگیش را تأمین خواهند نمود
۳- خردمندان همنشینی با او را دوست خواهند داشت و کارهایی به او محول خواهند کرد
۴- خردمندان به معاشرت با او تمایل خواهند یافت و از هر خدمت و محبتی دریغ نخواهند کرد

۲۴- املای کدام کلمه با توجه به معنی غلط است ؟

- ۱- تَمویه ، ظاهر آرای
۲- تَوجیه ، شرح و تفسیر آوردن
۳- تَرجیه ، برتر شمردن
۴- تَنبیه ، بیدار کردن

۲۵- املای کدام کلمه با توجه به معنی درست است ؟

- ۱- مَعاصِر ، کارهای نیک
۲- مَهجَن ، چوگان
۳- مَحَبَّ ، محل وزش باد
۴- مَضْمُوه ، آب در دهان گرداندن

۲۶- معنی کدام کلمه درست نیست ؟

- ۱- خَوَاسِثَه ، مال و ثروت
۲- تَفْسِرَه ، رساله‌ی کوچک
۳- مِکْثَار ، بسیار گو
۴- طَرْد ، راندن

۲۷- کدام یک از ترکیبات زیر " اضافه تشبیهی " است ؟

- ۱- دَسْتِ تَرَحَّم
۲- دریای مَوَاج

- ۳ - آسمان نیلگون
۴ - چراغ هدایت
- ۲۸ - در این بیت: "ز حسرت لب شیرین^۱ هنوز می بینم که لاله می دمدا ز خون دیده ی فرهاد"
چند ترکیب اضافی هست؟
- ۱ - چهار ترکیب
۲ - پنج ترکیب
۳ - سه ترکیب
۴ - شش ترکیب
- ۲۹ - کدام یک از ترکیبات زیر "اضافه ی توصیفی" است؟
- ۱ - درخت گشن
۲ - درخت دوستی
۳ - درخت سرو
۴ - درخت باغ
- ضمیرانی در بُن بید معلق جا گرفت ریشه ی نازک به خاک افشرد و کم پا گرفت
۳۰ - شعر از کیست؟
- ۱ - بهار
۲ - شهریار
۳ - نیما
۴ - همایی
- ۳۱ - "ضمیران" و "ریشه" به ترتیب چه نقشی دارند؟
- ۱ - مفعول ، نهاد
۲ - متمم ، مضاف الیه
۳ - نهاد ، مفعول
۴ - مضاف الیه ، متمم
- ۳۲ - "بید معلق" و "ریشه ی نازک" چه نوع ترکیبی هستند؟
- ۱ - ترکیب توصیفی ، ترکیب اضافی
۲ - ترکیب توصیفی ، ترکیب توصیفی
۳ - هر دو ترکیب اضافی
۴ - ترکیب اضافی ، ترکیب توصیفی
- از قضا لطف نسیم آن ناله ی جانسوز را برد سوی بید و در قلب رُو و فش جا گرفت
۳۳ - "نهاد" جمله اول کدام است؟
- ۱ - آن ناله
۲ - لطف نسیم
۳ - ناله ی جانسوز
۴ - از قضا
- ۳۴ - "ناله" و "آن" و "سوی" و "رُو و فش" و "از قضا" چه کلمه ای هستند؟
- ۱ - به ترتیب (اسم معنی) ، (ضمیر اشاره) ، (قید مکان) ، (صفت) و (حرف شرط مرکب)
۲ - به ترتیب (اسم معنی) ، (صفت اشاره) ، (قید مکان) ، (اسم معنی) ، (قید)
۳ - به ترتیب (اسم مصدر) ، (ضمیر ملکی) ، (قید مکان) ، (صفت) ، (حرف اضافه)
۴ - به ترتیب (اسم معنی) ، (صفت اشاره) ، (حرف اضافه) ، (صفت) ، (قید)

به باد آفره این گناهَم مگیر ————— تو ای آفریننده‌ی ماه و تیسر

۳۵ - " باد آفره " و " تیر " به ترتیب در کدام پاسخ معنی شده‌اند؟

- ۱ - پاداش . خورشید
۲ - بزرگواری . ستاره‌ای است
۳ - کیفر . ستاره‌ی عطارد
۴ - خاطر . قلم

۳۶ - " این " چه کلمه‌ای است و ضمیر متصل " م " در (گناهَم) چه نقشی دارد؟

- ۱ - صفت اشاره . مفعول
۲ - ضمیر اشاره . مفعول
۳ - از مبهمات . مضاف الیه
۴ - ضمیر ملکل . مضاف الیه

۳۷ - " آفریننده " چه کلمه‌ای است و چه نقشی دارد؟

- ۱ - صفت فاعلی . نهاد
۲ - صفت فاعلی جانشین اسم . منادا
۳ - صفت مفعولی . نهاد
۴ - صفت فاعلی . مسندالیه

۳۸ - چند مزدوج متضاد در بیت زیر می‌یابید؟

- (در رزم چو آه‌نیم و در بزم چو موم
بر دوست مبارکیم و بر دشمن شوم)
۱ - چهار مزدوج
۲ - سه مزدوج
۳ - دو مزدوج
۴ - پنج مزدوج

۳۹ - چند جمله در بیت زیر می‌یابید؟

- (عزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده
باز گردد یا بر آید چیست فرمان شما)
۱ - سه جمله
۲ - پنج جمله
۳ - چهار جمله
۴ - شش جمله

از گوهر دامنی فرو ریزم ————— گر آستنی ز طبع بفشانم

۴۰ - " آستین افشاندن " یعنی چه؟

- ۱ - با حرکت دست اجازه تاراج دادن
۲ - شادی و تحسین کردن
۳ - از سر تقصیر و خطای کسی گذشتن
۴ - عفو بخشش کردن

۴۱ - " طبع " چه کلمه‌ای است و " فرو ریزم " چه فعلی است؟

- ۱ - قید حالت . ماضی پیشوندی
۲ - اسم مشتق . مضارع مرکب
۳ - اسم معنی . مضارع پیشوندی
۴ - اسم ذات . ماضی پیشوندی

به فندق مشک را از سیم بر کند ————— ز نرگس بر سمن گوهر پراکند

۴۲ - چه صنعت بدیعی در این بیت بکار رفته است؟

- ۱ - ایهام
۲ - تضاد و طباق
۳ - تلمیح
۴ - استعاره
- ۴۳ - شاعر در این بیت قصدش بیان و یا توصیف چه چیزی است؟
۱ - با پرداخت پولی مشک و فندق خرید و نرگس و گلی در صحن خانه و حیاط پراگندید.
۲ - با نوک انگشتان سرخ رنگ موی از چهره برکند و از دیدگان مخمورش بر چهره‌ی سپیدش اشک فرو ریخت.
۳ - به کمک انگشتان فندق چون مشک را می شکست و نقل بر روی گل‌های سر عروس می پاشید.
۴ - آجیل و مواد خوشبو خرید و گل‌های رنگارنگی چون گوهرهای الوان در خانه چید
- ۴۴ - این دو کتاب "زَادُ الْمُسَافِرِينَ" و "زَادُ الْعَارِفِينَ" از کیست؟
۱ - ناصر خسرو . رضا قلی خان هدایت
۲ - علامه‌ی مجلسی . شیخ بهایی
۳ - رضا قلی هدایت . خواجه عبدالله انصاری
۴ - ناصر خسرو . خواجه عبدالله انصاری
- هر که را نیست به سر عشق و به دل سودایی حیوانی است مُنَافِق که به انسان مانَد
۴۵ - "را" چه کلمه‌ای است و بیت چند جمله دارد؟
۱ - علامت فک اضافه . چهار جمله
۲ - علامت مفعولی . دو جمله
۳ - حرف اضافه . سه جمله
۴ - حرف اضافه . دو جمله
- کنون خورد باید می خوشگوار
که می بوی مشک آید از کشتزار فردوسی
۴۶ - "کنون" چه کلمه‌ای است ، و "مشک" چه نقشی دارد؟
۱ - قید زمان . متمم
۲ - قید زمان . نهاد
۳ - قید زمان . مضاف الیه
۴ - حرف ربط . متمم
- ۴۷ - "می" در مصراع اول و دوم به ترتیب چه کلمه‌ای است (از نظر دستوری) ؟
۱ - اولی اسم ذات دومی اسم معنی
۲ - هر دو علامت مضارع اخباری
۳ - اولی اسم ذات دومی علامت مضارع اخباری
۴ - هر دو علامت ماضی استمراری
- ۴۸ - "خوشگوار" چه نوع صفتی و "کشتزار" چه نوع اسمی است ؟
۱ - صفت مرکب . اسم ذات مرکب
۲ - صفت نسبی . صفت مرکب
۳ - صفت مفعولی . قید مکان
۴ - صفت فاعلی مرکب . اسم مرکب
- ۴۹ - در بیت زیر چند مزدوج متضاد می‌یابید ؟
(سخن زهر و پازهر و درمان و درد)
(سخن تلخ و شیرین و گرم است و سرد)

- ۱ - سه مزدوج متضاد
۲ - چهار مزدوج متضاد
- ۳ - هشت مزدوج متضاد
۴ - دو مزدوج متضاد
- ۵۰ - نام مؤلف کتابهای (خیرات الحسان ، لآلی منتظمه) به ترتیب در کدام پاسخ می‌یابید؟
۱ - صنع الدوله . ملاهادی سبزواری
۲ - فاضل خان گروسی . آمین احمد رازی
۳ - مشیر الدوله . ملاصدرا
۴ - رضا قلی خان هدایت . واله داغستانی
- ۵۱ - در عبارت زیر چه صنعت بدیعی بکار رفته است؟
(رعیت بلدان از مکاید ایشان مرعوب و لشکر سلطان مغلوب .)
سعدی
۱ - جناس
۲ - مطابقه
۳ - سجع
۴ - لَفّ و نشر
- از صحبت دوستی به رنجم
کاخلاق بدم حَسَن نماید
۵۲ - " صحبت " و " حَسَن " چه کلمه‌ای هستند؟
۱ - هر دو اسم معنی
۲ - اولی اسم معنی . دومی صفت
۳ - هر دو صفت مطلق
۴ - اولی صفت . دومی اسم معنی
- ۵۳ - " دوستی " و ضمیر متصل " م " در (بدم) چه نقشی دارند؟
۱ - هر دو متمم (مفعول با واسطه)
۲ - اولی متمم . دومی مضاف الیه
۳ - مضاف الیه . متمم
۴ - هر دو مضاف الیه
- عیبم هنر و کمال بیند
خارم گل و یاسمن نماید
۵۴ - " عیب " چه کلمه‌ای است و چه نقشی دارد؟
۱ - اسم معنی . مفعول
۲ - صفت جانشین اسم . مفعول
۳ - صفت ساده . مفعول
۴ - اسم معنی . نهاد
- ۵۵ - " خار " در بیت تست قبل چه کلمه‌ای است و چه نقشی دارد؟
۱ - صفت مطلق . نقش ندارد
۲ - اسم ذات . مفعول
۳ - صفت . مسند
۴ - اسم ذات . مسند الیه
- کو دشمن شوخ چشم ناپاک
تا عیب مرا به من نماید
۵۶ - دو کلمه " من " در مصراع دوم به ترتیب چه نقشی دارند؟
۱ - اضافی . متممی
۲ - متممی . متممی
۳ - مفعولی . متممی
۴ - اضافی . اضافی

۵۷- لغت : "خِذْلَان" یعنی ؛

- | | |
|-----------|----------|
| ۱- بیماری | ۲- مصیبت |
| ۳- خواری | ۴- آسیب |

۵۸- ترکیب : "نَفْخَةُ صُور" یعنی ؛

- | | |
|-------------------|-------------------------|
| ۱- نسیم شادی بخش | ۲- رستاخیز |
| ۳- باد و پیچش شکم | ۴- یکبار دمیدن در شیپور |

۵۹- عبارت : "حَالِ فَضِيلَتِ وَ سَبَقِ تَوَاطُّهَرُ مِنَ الشَّمْسِ" است . یعنی ؟

- ۱- جریان دانش و ترقی تو پشتیبان دلگرم کننده‌ای است .
- ۲- کیفیت دانش اندوزی و کمال جویی تو برای من روشن است
- ۳- چگونگی برتری و پیشی تو بر من آشکار تر از آفتاب است
- ۴- تقوی و تقدّم تو غیر قابل انکار است

از این اندیشه‌ی نا در گذر و همت بر اکتساب آخرت مقصور گردان

۶۰- جای نقطه چین‌ها را با کلمه‌های مناسب معنی پر کنید ؟

- | | |
|----------------|----------------|
| ۱- ثواب . صواب | ۲- صواب . صواب |
| ۳- صواب . ثواب | ۴- ثواب . ثواب |

۶۱- "ثواب" و "صواب" به ترتیب چه کلمه‌ای هستند ؟

- | | |
|--------------|--------------|
| ۱- صفت . اسم | ۲- اسم . صفت |
| ۳- هر دو صفت | ۴- هر دو اسم |

۶۲- "اندیشه" چه کلمه‌ای است و چه نقشی دارد ؟ (در قسمت فوق)

- | | |
|--------------------|---------------------------------------|
| ۱- اسم معنی . نهاد | ۲- اسم مصدر . متمم (مفعول با واسطه) |
| ۳- صفت . مسند | ۴- اسم مشتق . مضاف الیه |

۶۳- "هَمَّتْ" چه کلمه‌ای است و چه نقشی دارد ؟ (در قسمت فوق)

- | | |
|--------------------|-----------------------------|
| ۱- قید حالت . قیدی | ۲- اسم جامد . نهاد (فاعل) |
| ۳- اسم ذات . متمم | ۴- اسم معنی . مفعول |

۶۴- ابیات زیر در چه قالب شعری سروده شده است ؟

(شکسته دست بتی دیده‌ام گرش آزر	به عهد خویش بدیدی شدی دو دستش سُست
به رخ بهار و به بالا بلند کز کِشَمَر	درخت زردهشتی بدین کمال نرُسُست

به سرو ماند و قدری برو بخواند زَند گلش گماند و بلبل برو بخواند اُسْت
گشاد هر که بدو دیده از شگفتی گفت بدین شکستگی آرزد به صد هزار دُرُسْت)
۱ - قسمتی از مثنوی ۲ - قطعه ادیب الممالک
۳ - غزل ۴ - مسقط

عنان باز پیچان نفس از حَرام به مردی ز رستم گذشتند و سام
۶۵- "ی" مردی چه نوع یایی است و چند حرف اضافه در بیت می یابید؟
۱ - یاء مصدری . سه حرف اضافه ۲ - یاء وحدت . چهار حرف اضافه
۳ - یاء تعظیم . دو حرف اضافه ۴ - یاء نسبت . پنج حرف اضافه

۶۶- "نهاد" بیت کدام است و "حرام" چه کلمه‌ای است؟
۱ - عنان . اسم معنی ۲ - نفس . صفت ساده
۳ - تمام مصراع اول . صفت ۴ - ضمیر فاعلی "ند" . اسم معنی

۶۷- از شش کتاب زیر سه کتاب نوشته‌ی مَلّا مُحَمَّدَ باقر مجلسی را در کدام پاسخ می یابید؟
(جَلَاءُ الْعُیُونِ . مُحَاكَمَاتُ . عَيْنُ الْحَيَوةِ . مِرْصَادُ الْعِبَادِ . حِلْيَةُ الْمُتَّقِينَ . رَوْضَةُ الْأَنْوَارِ)
۱ - محاکمات . مرصاد العباد . روضة الانوار
۲ - مرصاد العباد . حلیة المتقین . روضه الانوار
۳ - جلاء العیون . عین الحیوة . حلیة المتقین
۴ - جلاء العیون . محاکمات . عین الحیوة

۶۸- در عبارت زیر از کتاب "چهار مقاله نظامی عروضی"^۱ غلط‌املایی هست آن دو را در کدام پاسخ می یابید؟

(دبیر باید به تحسین و تقبیّه أصحابِ أغراض و أربابِ إغماضِ الطِّفَاتِ^۲ نکند و غره نشود . و عرض مخدوم را در مقامات ترسل^۳ از مواضع نازل^۴ و مراسم خامل محفوظ دارد .)
۱ - تحسین . محفوظ ۲ - اغراض . اغماض
۳ - تقبیّه . الطِّفَات ۴ - غره . ترسل

۶۹- معنی یکی از چهار لغت زیر غلط است مشخص کنید؟

۱ - حَظْ أَوْفَر . بهره‌ی بیشتر ۲ - سِرّاً و جَهَاراً . پنهان و آشکار
۳ - حَطَامِ دُنْیَاوِی . مال اندک دنیا ۴ - أَقْصَاى عَالَم . خوشیهای جهان

۱ - شعر در وصف محسمه‌ی ونوس رُبّة النوع زیبایی است .

۲ - زشت شعردن ۳ - چشم پوشندگان از عیب و گناه ۴ - توجه و نگریستن ۵ - شرف و آبرو ۶ - نامنگاری ۷ - پست و بی مقدار

۷۰- جمع مُکَسَّر دو کلمه‌ی "شَهِید . دلیل" در کدام پاسخ صحیح است؟

- ۱- شُهُود . دِلَالَت
- ۲- شُهِدَا . دَلَائِل
- ۳- شُهِدَا . اَدِلَه
- ۴- شَوَاهِد . دَلَل

بنده‌ی طالع خویشم که درین قَحْطِ وِفا عشق آن لُولی سرمست خریدار من است
۷۱- "این . آن" از نظر دستوری چه نوع کلمه‌ای هستند؟

- ۱- هر دو صفت اشاره
- ۲- هر دو ضمیر اشاره
- ۳- اولی صفت دومی ضمیر
- ۴- هر دو از مبهمات

۷۲- چند ترکیب اضافی "مُضَافٌ وَ مُضَافٌ إِلَیْهِ" در بیت هست؟

- ۱- چهار ترکیب
- ۲- شش ترکیب
- ۳- سه ترکیب
- ۴- پنج ترکیب

۷۳- "سرمست" و "خریدار" چه کلمه‌ای هستند؟

- ۱- اسم مرکب . اسم مصدر
- ۲- صفت مرکب . اسم مصدر
- ۳- صفت مرکب . اسم مشتق
- ۴- صفت مرکب . صفت فاعلی

۷۴- در عبارت زیر از کتاب "پریشان قآنی" دو غلط املایی هست در کدام پاسخ آنها را می‌یابید؟

(تُغَوِّرُ مَمْلَکَتَ بَمَنْذَلَهٗ اطراف جسم است که افاضه‌ی روح به ایشان کمتر شود لِاجَرَمِ چوَن طبیعت از اعتدال مُنَحَرَفٌ شود نخست ایشان را مُنْقَصَتْ افتد، پس لازم است در حَرَاثَتِ آنها اِهتمام بیشتر شود .)

- ۱- تُغَوِّرُ . منفعت
- ۲- بَمَنْذَلَهٗ . حراثت
- ۳- تُغَوِّرُ . حراثت
- ۴- افاضه . اهتمام

همان خواه بیگانه و خویش را که خواهی روان و تن خویش را

۷۵- "خویش" در هر دو مصراع چه نقشی (به ترتیب) دارد؟

- ۱- مفعول . مفعول
- ۲- متمم . مضاف الیه
- ۳- متمم . متمم
- ۴- مفعول . مضاف الیه

۷۶- "خویش" به ترتیب چه کلمه‌ای است؟

- ۱- در هر دو مصراع "ضمیر مشترک"
- ۲- در هر دو مصراع "اسم مبهم"
- ۳- اولی اسم ذات . دومی ضمیر مشترک
- ۴- اولی اسم . دومی صفت

۷۷- "خواه" و "خواهی" چه فعلی هستند؟

۲- حرف ربط . فعل مضارع

۱- امر . مضارع اخباری

۴- هر دو فعل ماضی ساده

۳- امر . ماضی ساده

دوش وقت صبحدم بوی بهار آورد باد حَبْذَا باد شمال خَرْمَا بوی بهار

۷۸- " فاعل " جمله اول کدام است و " باد شمال " چه نوع " اضافه‌ای " است ؟

۲- صبحدم . توصیفی

۱- دوش . تخصیصی

۴- بهار . تشبیهی

۳- باد . توضیحی

۷۹- معنی لغات زیر به ترتیب در کدام پاسخ مندرج است ؛

(اَلتَّيَام . اِتِّسَاق . مُضَاجِع . اَقْحَوَان)

۱- مرهم نهادن . بازار داشتن . هفته‌ها . گلی است .

۲- سازواری . ترتیب دادن . آرامگاهها . بایونه

۳- آرام کردن . راندن . حجره‌ها . سازی است

۴- پیوستن . فراهم آمدن . گورها . آهنگی است

شاه ترکان سخن مدعیان می‌شنود شرمی از مظلومی خون سیاووش باد حافظ

۸۰- چه صنعت بدیعی در بیت فوق به چشم می‌خورد ؟

۲- جناس

۱- مطابقه

۴- ایهام

۳- تلمیح

بیندیش در قلب هیجا مَفَرَّ چه دانی که زان که باشد ظَفَر

۸۱- نوع " که " به ترتیب در کدام پاسخ درست است ؟

۲- هر دو اسم استفهام

۱- اولی ربط . دومی استفهام

۴- اولی استفهام . دومی ربط

۳- هر دو حرف ربط " پیوندی "

۸۲- " هیجا " یعنی چه ، و " آن " چه نوع کلمه‌ای است ؟

۲- زشتگویی . مبهمات

۱- جنگ . ضمیر ملکی

۴- جنگ . ضمیر اشاره

۳- دشنام دادن . صفت اشاره

۸۳- عبارت ؛ (هر یک به قراضه‌ای در معبر ، نشسته و رخت سفر بسته .) یعنی ؛

۱- هر یکی با اندک مایه سیم و زری در کشتی نشسته و وسائل سفر بسته بودند .

۲- هر یک با وسیله‌ی کهنه و از کار افتاده‌ی به راه افتاده و لباس سفر پوشیده بودند

۳- هر یکی با کشتی فرسوده‌ای از آبراه می‌گذشتند و وسائل سفر همراه داشتند

۴- هر یکی با اتومبیل کهنه و فرسوده‌ای به راه افتاده و لوازم خانه را بار کرده بودند

۸۴- معنی این دو لغت : " مُحَابَا ، خُطَام " را در کدام پاسخ می بینید ؟

- ۱- ترس و بیم . مال اندک دنیا
- ۲- دوست داشتن . ریزه ی کاه
- ۳- پروا و گذشت . سُکَان کشتی
- ۴- بی ملاحظه . خَس و خاشاک

جای آن است که خون موج زند در دل لعل زین تَغَابُنْ که خَرْف می شکند بازارش

۸۵- فاعل " زند " و " می شکند " را در کدام پاسخ می یابید ؟

- ۱- لعل . خرف
- ۲- لعل . بازارش
- ۳- خون . خرف
- ۴- دل . تغابن

۸۶- شکوه و شکایت شاعر از چیست ؟

- ۱- گرانی لعل و ارزانی خرف
- ۲- بازار لعل فروشان کاسد است
- ۳- بی هنران هنرمندان را می آزارند
- ۴- بی خردان بر فرزندگان برتری یافته اند

۸۷- " تَغَابُنْ " و " خَرْف " یعنی چه ؟

- ۱- یاری . خرمهره
- ۲- زیانزدگی . سفال
- ۳- افسوس کردن . گول و نادان
- ۴- روبرو شدن . پاییز

پادشاهی دُرْ ثَمینی داشت بهر انگشتی نگینی داشت

۸۸- نوع (ی) را در " پادشاهی . ثمینی . انگشتی . نگینی " به ترتیب در کدام پاسخ درست می دانید ؟

- ۱- وحدت . نکره . وحدت . وحدت
- ۲- هر چهار ، پای وحدت
- ۳- نکره . صفت و موصوف . ریشه کلمه . وحدت
- ۴- نکره . وحدت . ریشه . نکره

۸۹- کتابهای : خُسی در میقات . کَویر . عدل الهی . ایدئولوژی شیطانی " به ترتیب از کیست ؟

- ۱- دکتر شریعتی . جلال آل احمد . استاد مرتضی مطهری . دکتر سروش
- ۲- جلال آل احمد . دکتر علی شریعتی . استاد مرتضی مطهری . دکتر عبدالکریم سروش
- ۳- دکتر علی شریعتی . دکتر سروش . استاد مطهری . دکتر جلال آل احمد
- ۴- استاد مطهری . جلال آل احمد . دکتر شریعتی . دکتر سروش

۹۰- املا ی کدام لغت با توجّه به معنی غلط است ؟

- ۱- تَعَنّت . آزار رسانیدن
- ۲- تَفَوِیظ . واگذار کردن
- ۳- تَطَوُّع . میل و رغبت داشتن
- ۴- تَقْرِیظ . ستودن اثر

۹۱- املا ی کدام لغت با توجه به معنی درست است ؟

- ۱ - تَسَلَّفَ . لاف زدن
 ۲ - سَخَت . خشم گرفتن
 ۳ - تَحَصَّنَ . نگهداری
 ۴ - نَقَتَ . دشنام دادن

۹۲ - معنی "مُجَاهِز" و "مُبَاثَّت" در کدام پاسخ درست است؟

- ۱ - وسائل عروس . گفتگو
 ۲ - شتر تندرو . شکایت کردن
 ۳ - بسیج شدن . برخورد کردن
 ۴ - حریف قمار در بازی . افشای راز
 به سوگند گفتن که زر مغربی است چه حاجت ، مُحَك خود بگوید که چیست

۹۳ - مفهوم بیت با معنی کدام بیت زیر مترادف است؟

- ۱ - زهد با نیت پاک است نه با جامه‌ی پاک ای س‌آلوده ، که پاکیزه رَدایی دارد
 ۲ - خوش بود گر مُحَك تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غَش باشد
 ۳ - اگر مُشَكِ خالص نَداری مگوی وگر هست خود فاش گردد به بوی
 ۴ - اگر گفتار بی کسردار داری چو زر آلوده دیناری به دیدار

۹۴ - کتاب معروف "تَمَهِّدَات" از کیست و در چه زمینه‌ای است؟

- ۱ - خواجه عبدالله انصاری . عرفان
 ۲ - عَيْنُ الْقُضَاةِ همدانی . در حقیقت عشق
 ۳ - إمام مُحَمَّد غزالی . حکمت
 ۴ - عَبْدِ الرَّحْمَنِ جامی . فقه شیعه

مَعْلَم کُتَّابِي را دیدم در دیارِ مَغْرِب . ترشروی و تلخ گفتار .

۹۵ - "فاعل" عبارت کدام است و "کُتَّابِي" یعنی چه؟

- ۱ - معلم . کتابها
 ۲ - ضمیر فاعلی "م" . دبستان
 ۳ - معلم . مدرسه
 ۴ - تلخ گفتار . نام شهری است

کودکان را هیبت استاد نخستین از سر برفت .

۹۶ - "فاعل" عبارت کدام است و "کودکان" چه نقشی دارد؟

- ۱ - استاد . مفعول
 ۲ - هیبت . مضاف الیه
 ۳ - سر . متمم
 ۴ - نخستین . نهاد

۹۷ - "استادِ نخستین" چه نوع ترکیبی است؟

- ۱ - ترکیب وضعی
 ۲ - ترکیب اضافی
 ۳ - اسم مرکب
 ۴ - صفت مرکب

۹۸ - (كَلِيلَه وَ دِمْنَه) وسیله‌ی چه کسی به عربی و فارسی ترجمه شد؟

- ۱ - عَبْدُ اللَّهِ بنِ مَقْعَع . برزویه طبیب
 ۲ - ابنِ مَقْعَع . داد به

۳- این مَقْع . نصر الله بن عبد الحمید ۴- این مَقْع . رُوزِبه

چه نیکو ز دست این مثل برهن

۹۹- " نیکو " . " حرمت " . " هر کس " به ترتیب چه کلمه‌ای هستند؟

۱- صفت مشتق . صفت ساده . صفت مرکب ۲- قید . صفت . اسم مبهم

۳- صفت ساده . صفت بسیط . صفت مرکب ۴- قید حالت . اسم معنی . اسم مبهم مرکب

خردمند مردم هنر پرورند

۱۰۰- " مُسندُ اَلیه " دو جمله را مشخص کنید؟

۱- ضمیر فاعلی " ند " در بن مصراعها ۲- خردمند . تن پرور

۳- مردم . تن پروران ۴- هنر . هنر

۱۰۱- " خردمند مردم " چه ترکیبی است ، " هنر " چه کلمه‌ای است؟

۱- ترکیب وصفی مقلوب . اسم معنی ۲- اسم مرکب . صفت ساده

۳- صفت مرکب فاعلی . اسم ۴- ترکیب نیست . اسم معنی

۱۰۲- " مُسند " دو جمله کدام است؟

۱- هنر . هنر ۲- هنر پرور . لاغر

۳- خردمند . تن پروران ۴- مسند و فعل ربطی با هم اند

۱۰۳- نقش ضمیر متصل " ش " و " م " را در بیت زیر مشخص کنید؟

(مرا بارِ لطفش دو تا کرد پشت به شمشیر احسان و فُضْلَم بکشت

۱- هر دو مضاف الیه ۲- متمم . مضاف الیه

۳- هر دو متمم ۴- مضاف الیه . مفعول

۱۰۴- غلطها عبارت زیر از کتاب " مرزبان نامه " را در کدام پاسخ می‌یابید؟

(ترجیح جانب دوستان و ترقیه احوال ایشان بر هر چه مصالح و مناجح آمال و امانی این

جهانی است در مذهب فتوت واجب است و امتناع از تلافی خللی که بر کار دوستان متطرق^۵

شود پیش مفتی خرد محصور^۶ .)

۱- ترجیح . متطرق ۲- ترقیه . محصور

۳- مناجح . امتناع ۴- مصالح . مفتی

۱۰۵- دو بیت زیر از کیست و در چه قالب شعری سروده شده است؟

- این مجلس چهارم به خدا ننگ بشر بود دیدی چه خبر بود
 هر کار که کردند ضرر روی ضرر بود دیدی چه خبر بود
 ۱ - ملك الشعرا بهار ۲ - میرزاده عشقی
 ۳ - فرخی یزدی ۴ - عارف قزوینی

- ۱۰۶ - اِعراب یکی از ترکیبهای زیر غلط است مشخص شود؟
 ۱ - قَوْسُ قُرَح ۲ - كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ
 ۳ - نُصِبَ الْعَيْنُ ۴ - لَمْ يَزْرَعْ

- ۱۰۷ - علامت تشدید " َ " یکی از کلمه‌های زیر نادرست است؟
 ۱ - مَوَادِّ اَوَّلِيَّه ۲ - اِهْمِيَّت
 ۳ - عَظِيمُ الْجَثَّة ۴ - رِفَاهِيَّت

- ۱۰۸ - واژه " پیرایه " مرکب است از ؛
 ۱ - پیرای + ه ۲ - پیر + ایه
 ۳ - پیرا + یه ۴ - پیر + ای + ه

- ۱۰۹ - واژه " پیشینیان " مرکب است از ؛
 ۱ - پیشین + ان ۲ - پیش + ین + یان
 ۳ - پیش + ین + ان ۴ - پیش + ین + ی + ان

- ۱۱۰ - واژه " مُردار " از نظر دستوری چه کلمه‌ای است؟
 ۱ - اسم مصدر ۲ - اسم ذات
 ۳ - صفت مفعولی ۴ - اسم جامد

- که بُدْ مرد را خصم خود می‌کنی و گر نیکمرد است بُدْ می‌کنی
 ۱۱۱ - " بد مرد " و " نیکمرد " از نظر دستوری چه نوع ترکیبی هستند؟
 ۱ - اسم مرکب ۲ - ترکیب اضافی
 ۳ - صفت مرکب ۴ - ترکیب وصفی مقلوب

- ۱۱۲ - " قافیه " شعر فوق کدام است؟
 ۱ - کنی . کنی ۲ - می‌کنی . می‌کنی
 ۳ - خود . بد ۴ - می . می

شب و روز در بحر سودا و سوز ندانند ز آشفته‌گی شب ز روز

۱۱۳ - " شب و روز " به ترتیب از نظر دستوری چه کلمه‌ای هستند؟

- ۱ - در مصراع اول " قید " در مصراع دوم " اسم "
- ۲ - در هر دو مصراع " قید زمان "
- ۳ - در مصراع اول " اسم " در مصراع دوم " قید "
- ۴ - در هر دو مصراع " اسم "

تشنگان را نماید اند رخسواب همه عالم به چشم چشمه‌ی آب

۱۱۴ - بیت چند جمله دارد؟

- ۱ - دو جمله
- ۲ - سه جمله
- ۳ - یک جمله
- ۴ - چهار جمله

۱۱۵ - این بیت چند جمله دارد؟

- خواجه دانست که من عاشقم و هیچ نگفت حافظار نیز بداند که چنینم چه شود
- ۱ - چهار جمله
 - ۲ - سه جمله
 - ۳ - شش جمله
 - ۴ - پنج جمله

(خردمند چگونه آرزوی چیزی در دل جای دهد که تَبَعَت آن بسیار باشد و اِسْتِمَاع آن اندک)
کلیله و دمنه

۱۱۶ - " تَبَعَت " و " اِسْتِمَاع " یعنی چه؟

- ۱ - نتیجه و عاقبت بد ، برخورداری جستن
- ۲ - پیرو تابع ، سود بردن
- ۳ - پیروی کردن ، زن خواستن
- ۴ - سرشت و خمیره ، نیکو شنیدن

۱۱۷ - " خردمند " چه کلمه‌ای است و چه نقشی دارد؟

- ۱ - صفت ، مسند
- ۲ - صفت جانشین اسم ، نهاد (فاعل)
- ۳ - صفت مرکب ، قید حالت
- ۴ - صفت مشتق ، مسند الیه

۱۱۸ - " بسیار " و " اندک " از نظر دستوری " در عبارت بالا " چه کلمه‌ای هستند؟

- ۱ - هر دو از اصوات
- ۲ - هر دو قید حالت
- ۳ - هر دو صفت ساده
- ۴ - هر دو مسند جمله

۱۱۹ - معنی و مفهوم عبارت فوق یعنی ؟

- ۱ - خردمند آرزوی کاری که ثوابش بسیار و گناهش اندک باشد چگونه در دل جای ندهد

- ۲ - خردمند آرزوی خریدن چیز کمیابی را با پول و مشقت فراوان در سر نمی‌پروراند
 ۳ - مردم خردمند به کاری که ثوابش کم و گناهش زیاد باشد دست نیازند
 ۴ - شخص خردمند اندیشه‌ی کاری که سود آن اندک و رنج و مشقت آن بسیار باشد در دل نهروRAND .

۱۲۰ - مثنوی " جَلَايِرُ نَامَه " از کیست و در چه زمینه‌ای سروده شده است؟

- ۱ - خواجوی کرمانی . عاشقانه
 ۲ - میرزا حبیب قاتانی . مدحی
 ۳ - میرزا ابوالقاسم قائم مقام . انتقادی
 ۴ - میرزا ملکم خان . سپاسی

حکیمی که با جُهَال در افتد تَوَقُّعِ عِزَّت ندارد .

۱۲۱ - چرا نباید توقع عِزَّت داشته باشد؟

- ۱ - چون جاهل کُنْه سخن حکیم در نیابد .
 ۲ - چون جاهل رسم و آیین عِزَّت نمی‌داند
 ۳ - چون حکیم خود حرمت خود شکسته است
 ۴ - چون حکیم معلّم و مربّی نادانان است .

۱۲۲ - جمع مَکْسَر " حَکِیم " و مُفْرَد " جُهَال " را در کدام پاسخ می‌یابید؟

- ۱ - حکام . جهالت
 ۲ - حکماء . جاهل
 ۳ - حکم . جهل
 ۴ - احکام . جهول

۱۲۳ - کدام یک از دو کلمه‌های زیر " صفت فاعلی " است؟

- ۱ - گفتار . رفتار
 ۲ - کشتار . دیدار
 ۳ - پندار . کردار
 ۴ - پرستار . خریدار

۱۲۴ - در عبارت زیر " اختیار " چه معنی دارد و " هیچ " چه کلمه‌ای است؟

(بدان اختیار هیچ مُنْجَم راضی نبود .)

- ۱ - برگزیدن ساعت سعد . صفت پیشین
 ۲ - اجازه داشتن . اسم مبهم
 ۳ - مقابل جبر . صفت مبهم
 ۴ - انتخاب کردن . قید نفی

حافظ وظیفه‌ی تو دعا گفتن است و بس در بند آن مباش که نشنید یا شنید

۱۲۵ - " نهاد . مسند الیه " جمله اول کدام است . " مباش " چه فعلی است .

- ۱ - حافظ . ماضی منفی
 ۲ - دعا . مضارع منفی
 ۳ - وظیفه‌ی تو . فعل نهی
 ۴ - بس . امر منفی

حجاب چهره‌ی جان می‌شود غبار تنم خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم

۱۲۶ - کدام دسته از مطالب زیر از نظر دستوری درباره‌ی این شعر صادق است؟ حافظ

- ۱ - حجاب = اسم ذات ، جان = اسم معنی - خوشا = از اصوات ، این = ضمیر اشاره
- ۲ - چهره = اسم ذات ، تن = مضاف الیه - پرده = مفعول ، برفکنم = ماضی پیشوندی
- ۳ - غبار = مسند الیه ، " م " مضاف الیه - چهره = مشار الیه ، برفکنم = مضارع پیشوندی
- ۴ - " ی " = بدل از کسره ، غبار = اسم - که = حرف ربط ، از = اصوات

۱۲۷ - مقصود غایی در شعر فوق به مفهوم کدام یک از ابیات زیر نزدیکتر است؟

- | | | |
|--|-----------------------------------|--------|
| ۱ - جان که از عالم علوی است یقین می دانم | رخت خود باز بر آنم که بدانجا فکنم | مولوی |
| ۲ - از حجاب نفسِ ظلمانی بَر آری | تا شوی شایسته ی لطف خدای | شبستری |
| ۳ - خُتکِ هوشیاران فرخنده بخت | که پیش از دُهلِ زنِ بیستند رخت | سعدی |
| ۴ - خرم آن روز کزین مرحله بر بندم رخت | وز سر کوی تو پیرسندر فیکان خبرم | حافظ |
| بدوزد شَره دیده ی هوشمند | در آرد طمّع مرغ و ماهی به بند | |

۱۲۸ - " فاعل " دو جمله کدام است؟

- | | |
|-----------------|----------------------|
| ۱ - شَره ، طمّع | ۲ - هوشمند ، بند |
| ۳ - دیده ، مرغ | ۴ - ضمیر فاعلی " د " |

۱۲۹ - " دیده ی هوشمند " چه نوع ترکیبی است و " شَره " چه کلمه ای است؟

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ۱ - ترکیب وصفی ، اسم معنی | ۲ - ترکیب وصفی ، صفت مفعولی |
| ۳ - ترکیب اضافی ، اسم معنی | ۴ - ترکیب اضافی ، قید تاکید |
| جهان دیده پیری بر او برگذشت | چنین گفت خندان به ناطور دشت |

۱۳۰ - " جهان دیده " چه کلمه ای است و " ناطور " چه معنایی دارد؟

- | | |
|-------------------------|------------------------|
| ۱ - صفت مرکب ، بی نزاکت | ۲ - صفت فاعلی ، دشتبان |
| ۳ - صفت مفعولی ، باغبان | ۴ - صفت نسبی ، کشاورز |

۱۳۱ - " خندان " چه کلمه ای است و " دشت " چه نقشی دارد؟

- | | |
|---------------------------|--------------------------|
| ۱ - صفت حالی ، متمم | ۲ - قید حالت ، مضاف الیه |
| ۳ - قید حالت ، مفعول جمله | ۴ - صفت فاعلی ، قید مکان |

نشاط جوانی ز پیری مجــــوی که آب روان باز ناید به جــــوی

۱۳۲ - " جوانی و پیری " چه کلمه ای هستند و " نشاط " چه نقشی دارد؟

- | | |
|-----------------------|--------------------------|
| ۱ - حاصل مصدر ، مفعول | ۲ - اسم نکره ، فاعل جمله |
| ۳ - صفت بیانی ، متمم | ۴ - صفت نسبی ، مفعول |

۱۳۳ - " جوانی ، پیری " چه نقشی دارند؟

- ۱- اولی = مفعول و دومی متمم
۲- اولی = مضاف الیه . دومی = متمم
۳- هر دو مضاف الیه
۴- هر دو متمم " مفعول با واسطه "

۱۳۴- مؤلف کتابهای: (کوچه، کوچه باغهای نیشابور، جام جهان بین، تاریخ مشروطه ایران) کیستند؟

- ۱- به ترتیب: جمال زاده، مشیری، فرهاد میرزا، سید احمد کسروی
۲- به ترتیب: احمد شاملو، دکتر شفیعی، دکتر اسلامی ندوش، سید احمد کسروی
۳- به ترتیب: هدایت، احمد شاملو، جلال آل احمد، دکتر باستانی پاریزی
۴- به ترتیب: دکتر شفیعی، مشیری، دکتر اسلامی، سید احمد کسروی

جهان دیده پیری ز ما بر کنـــار ز دُورِ فَلَکِ لَیلِ مویِش نهار

۱۳۵- "لیلِ مویِش نهار" یعنی:

- ۱- موی سیاه و صورت سفیدش مانند شب و روز بود
۲- موهای سیاهش بر صورت روشن او سایه می افکند
۳- سیاهی مویش به سپیدی گراییده بود
۴- خوشبختی و تیره بختی فراوان دیده بود

۱۳۶- جمع مَکْثَر "لیل" و "نهار" را در کدام پاسخ می یابید؟

- ۱- لَیالی، اَنهار
۲- لَیالی، نُهر
۳- لَیلَه، نهارات
۴- لیال، نهور

از نوحه جُفَدَ الْحَقْ ماییم به دردِ سر از دیده گلابی کن دردِ سرِ ما بنشان

۱۳۷- "الْحَقْ" و "دیده" و "درد" چه کلمه‌ای هستند؟

- ۱- اصوات، اسم مصدر، صفت
۲- قید، صفت مفعولی، اسم معنی
۳- صفت، اسم مشتق، صفت
۴- قید، اسم ذات، اسم معنی

۱۳۸- "درد"، به ترتیب چه نقشی دارد؟

- ۱- متمم، مفعول
۲- نهاد (مسند الیه)، نهاد (فاعلی)
۳- هر دو مضاف الیه
۴- هر دو متمم "مفعول با واسطه"

۱۳۹- دو غلط املایی در عبارت زیر برگزیده از (مرزبان نامه) را در کدام پاسخ می یابید:

(درود و تحیات) و سلام و صلواتی که از محبِ آنفاسِ رحمانی با نَفحاتِ ریاضِ قدسِ همعنانی کند بر رُوضه‌ی مَطَهَر و تَرِبَتِ معطرِ خواجه‌ی وجود و نُخبه و نِفاوَه‌ی کلِّ ما هُوَ موجود بر تعاقب

أَيَّامٌ وَلَيَالِي مُتَتَابِعٌ لَوْ مُتَوَالِي (باد)

- ۱ - تَحِيَّات . متتابع
- ۲ - نَفَحَات . تَعَاقِب
- ۳ - مَحَبَّ . نَغَاوَه
- ۴ - رِيَاض . رَوْضَه

شبی خوابم اندر بیابان فیه — فرو بست پای دویدن به قید سعدی
۱۴۰ - " نهاد " بیت کدام است ؟ و " اندر " چه کلمه‌ای است ؟

- ۱ - شبی . قید مکان
- ۲ - بیابان . اصوات
- ۳ - خواب . حرف اضافه
- ۴ - پای . حرف ربط

۱۴۱ - عبارت ؛ " بروی دمید تا بوزینه توسنی کم کرد . " یعنی چه ؟

- ۱ - چندان دعا خواند تا بوزینه از ناله و شیون کاست
- ۲ - چندان سخن فریبده گفت تا بوزینه رام و آرام شد
- ۳ - بر آتش دامن زد تا بوزینه سرکشی نکند
- ۴ - آتش را شعله ور کرد تا بوزینه مزاحمت کم کند

۱۴۲ - متضاد کلمه‌های (عالی . سُفلی . فقیه . کریم) را به ترتیب در کدام پاسخ می‌یابید ؟

- ۱ - فانی . علوی . سفیه . رحیم
- ۲ - ناقص . اعلی . طبیب . بخیل
- ۳ - آلی . علیا . جهیل . خسیس
- ۴ - دانی . علیا . سفیه . لئیم

۱۴۳ - کدام دو شاعر نامبرده زیر در قرن هشتم می‌زیسته‌اند ؟

- ۱ - سعدی . خواجوی کرمانی
- ۲ - حافظ . عبید زاکانی
- ۳ - مولوی . خاقانی
- ۴ - ناصر خسرو . سلمان ساوجی

۱۴۴ - مثنویهای معروف زیر در چه قرن‌ی سروده شده‌اند ؟ (به ترتیب)

(شاهنامه فردوسی . مَخَزَنُ الْأَسْرَارِ نظامی . مَنْطِقُ الطَّيْرِ عطار . بوستان سعدی)

- ۱ - قرن : چهارم . پنجم . ششم . هفتم
- ۲ - قرن : سوم . چهارم . پنجم . هفتم
- ۳ - قرن : پنجم . ششم . ششم . هفتم
- ۴ - قرن : پنجم . ششم . هفتم . هشتم

۱۴۵ - " حق شناس " و " ناسپاس " در عبارت زیر از نظر دستوری چه کلمه‌ای هستند ؟

(سگ حق شناس به از آدم ناسپاس . سعدی)

۱ - هر دو صفت مرکب مرخم

۲ - اولی = صفت فاعلی مرکب مرخم . دومی = صفت مرکب

۱ - روزها و شبها ۲ - بی در پی و بردوام

۳ - وقتی سؤال می‌شود " نهاد " یا " مفعول " بیت کدام است مطمئناً " بیت یک جمله بیش نیست .

۳- هر دو ترکیب وصفی

۴- اولی = ترکیب وصفی . دومی = صفت مرکب

چو از قومی یکی بی دانشی کرد نه که را منزلت ماند نه مه را

۱۴۶- " که " و " مه " و " نه " چه کلمه‌ای هستند؟

۱- حرف ربط . صفت . علامت نفی ۲- استفهام . اسم ذات . حرف ربط

۳- که . مه = صفت برتر جانشین اسم . ربط ۴- هر سه = صفت برتر

۱۴۷- " قوم " و " منزلت " چه کلمه‌ای هستند؟

۱- اسم جمع . اسم معنی ۲- اسم جامد . اسم مشتق

۳- اسم . جمع . صفت بیانی ۴- اسم ذات . قید حالت

۱۴۸- دو ترکیب " خَفْضِ جَنَاح " و " نَقْيِ بَلَد " یعنی چه؟

۱- ارتکاب گناه . روستا نشینی ۲- فروتنی . تبعید

۳- پستی منش . بیابانگردی ۴- ژرف اندیشی . فرار کردن

تأمل کنان در خطا و صواب به از ژاژ خایان حاضر جواب

۱۴۹- مفهوم بیت با معنی کدام از ابیات زیر مناسبت کامل دارد؟

۱- من بی تأمل به گفتار دم نکو گوی اگر دیر گویی چه غم

۲- لاف از سخن چو در توان زد آن خشت بود که پُر توان زد

۳- صدف وار گوهر شناسان راز دهان جز به لوء لوء نکردند باز

۴- حذر کن ز نادان ده مرده گوی چو دانا یکی گوی و پرورده گوی

۱۵۰- عبارت " مُرَائِيَان را به حُطَام دنیا توان دانست " یعنی چه؟

۱- در ریاکاران گرایش به مال دنیا است

۲- ریاکاران روش کسب مال دنیا را بهتر دانند

۳- اشخاص متظاهر را به مال دنیا می توان شناخت

۴- ظاهر سازی را عامل کسب مال می دانند

به پایان رسد کیسه‌ی سیم و زر نگردد تهی کیسه‌ی پیشه‌ور

۱۵۱- چرا کیسه‌ی پیشه‌ور تهی نمی گردد؟

۱- چون سرمایه‌ی او خیلی زیاد است ۲- مرتباً در آن پول می ریزد

۳- چون چیزی از آن بر نمی دارد ۴- چون کمتر از درآمدش خرج می کند

۱۵۲- " تهی " چه کلمه‌ای است و چه نقشی دارد؟

۱ - صفت نسبی . مسند
۲ - قید مقدار . نقش ندارد

۳ - صفت . معین فعل نگردد
۴ - اسم نکره . متمم فعل

۱۵۳ - یکی از مصادر ثلاثی مزید زیر با دیگران تغییری دارد؟ (از لحاظ باب)

۱ - استراق
۲ - استماع

۳ - استناد
۴ - استعداد

۱۵۴ - یکی از مصدرهای زیر از لحاظ باب با دیگر مصدرها فرق دارد؟

۱ - انطفاع
۲ - انطباق

۳ - انزجار
۴ - انعقاد

۱۵۵ - ریشه‌ی یکی از مصدرهای زیر با دیگر مصدرها یکی نیست؟

۱ - احتقار
۲ - تحقیر

۳ - استحقار
۴ - احتراق

۱۵۶ - (صفویان به اشاعه‌ی مذهب شیعه‌ی اثنی عشری علاقه‌ی)

۱ - خاصی داشتند
۲ - خاص خواهند داشت

۳ - خاص داشتند
۴ - خاصی می‌داشتند

۱۵۷ - معنی دو کلمه " سَطَوْتُ " و " سَلَوْتُ " را در کدام پاسخ درست می‌دانید

۱ - آرامش و بی‌اندوهی . خشم و شکوه
۲ - چیرگی و پیروزی . درود فرستادن

۳ - حمله و یورش . کشیدن
۴ - غلبه و چیرگی . خرسندی و بی‌غمی

سخن کز سوز دل تاب‌ی ندارد
چکد گر آب از و، آبی ندارد وحشی

۱۵۸ - با توجه به مفهوم کلی شعر، واژه‌های " تاب‌ی . آبی " چه معنای کنایی در بردارند؟

۱ - تاثیر . طراوتی
۲ - گرمی و حرارت . ارزش و رونق

۳ - سوزندگی . درخشندگی
۴ - غم و اندوه . شادی و سرور

۱۵۹ - " سخن " چه کلمه‌ای است ، " چکد " چه فعلی است؟

۱ - اسم معنی . مضارع التزامی
۲ - اسم بسیط . ماضی ساده

۳ - اسم جامد . مضارع اخباری
۴ - اسم معرفه . مستقبل

۱۶۰ - واژه " خام " در بیت دوم به ترتیب چه معنایی دارد؟

چونا پخته آمد ز سختی به جوش
یکی گفتش از چاه زندان ، خموش

بجای آور ای خام شکر خدای
که چون مانه‌ای خام بر دست و پای سعدی

- ۱ - نادان . ابریشم
۲ - ناپخته و ناآگاه . بند و ریسمان چرمین
۳ - نارسیده . آژ و شَره
۴ - نامجرب . ناپِخرد

کاروان شهید رفت از پیــــش
از شمار دو چشم یک تن کم
و آن ما رفته گیر و می اندیش
وز شمار خرد هزاران بیــــش

۱۶۱ - شعر معروف فوق از کیست و در چه قالب شعری سروده شده است؟

- ۱ - شهید بلخی . رباعی
۲ - دقیقی . دوبیتی
۳ - ابوشکور بلخی . قطعه
۴ - رودکی . رباعی

۱۶۲ - بیت دوم آن را بیشتر در چه مواردی بکار می‌بریم؟

- ۱ - وقتی که انسان با تقوا و فضیلتی در گذرد
۲ - در رثای کسی که صورتی زشت و سیرتی نیکو دارد
۳ - درباره‌ی انسانی که جمالش معیوب و کمالش بی نقص است
۴ - در تعظیم از خردمندان و تنقید از بی خردان

جز زُهره کرا زُهره که ببند رویست
جز یاره کرا یاره که بوسد دست
۱۶۳ - "زُهره" و "زُهره" یعنی چه؟

- ۱ - نام دختران . کیسه‌ای در بدن
۲ - ستاره درخشان . ترس و بیم
۳ - ستاره درخشان . کنایه از جرأت
۴ - درخشندگی . هراسناکی

۱۶۴ - "یاره و یاره" به ترتیب یعنی چه؟

- ۱ - دستبند . دل و جرأت
۲ - کمر بند . صفت نسبی به معنی دلبر
۳ - گردنبند . توانایی
۴ - قلم . قدرت و توان

۱۶۵ - کتابهای (نَجُومُ السَّمَا ، گوهر مراد ، غزلیات شمس تبریزی ، نَفَحَاتُ الْأَنْس) به ترتیب از کیست؟

- ۱ - تقی الدین کاشانی . ملا صدرا . شمس تبریزی . محمد عوفی .
۲ - فرهاد میرزا . ملاهادی . محمد مولوی . ملا محسن فیض کاشانی
۳ - محمد صادق بن مهدی . عبدالرزاق لاهیجی . محمد مولوی . عبدالرحمن جامی
۴ - صَنِيعُ الدَّوْلَه . خواجه کرمانی . محمد مولوی . احمد جامی

کهن خرقه‌ی خویش پیراستن
به از جامه‌ی عاریت خواستن

۱۶۶ - بیت چند جمله دارد و "کهن خرقه" چه نوع ترکیبی است؟

- ۱ - دو جمله . ترکیب وصفی
۲ - یک جمله . ترکیب وصفی مقلوب
۳ - یک جمله . ترکیب اضافی
۴ - سه جمله . ترکیب وصفی مقلوب

۱۶۷ - " به " چه کلمه‌ای است و در بیت چه نقشی به عهده دارد؟

- ۱ - حرف اضافه . نقش ندارد
۲ - صفت برترین . مسند
۳ - صفت برتر . نقش ندارد
۴ - صفت برتر . مسند

سوختن ، افروختن و جامه دريـسـدن پروانه زمن ، شمع زمن ، گل ز من آموخت

۱۶۸ - در این بیت چه صنعت بدیعی بکار رفته است؟

- ۱ - تضاد و طباق
۲ - لَفّ و نُشْر مرتب
۳ - تلمیح
۴ - تجنیس

۱۶۹ - ترکیب یکی از کلمه‌های زیر صرفنظر از معنی با کلمه‌های دیگر فرق دارد .

- ۱ - پَهِنا
۲ - دِرازا
۳ - تَگِنا
۴ - زُرْفا

۱۷۰ - در عبارت زیر " دو غلط املائی " گنجانده شده است آنها را در کدام پاسخ می‌یابید؟

(گفتم : ای یار ! توانگرانِ دَخلِ مسکینان اند و ذخیره گوشه نشینان و کَحْفِ مسافران . دست تَنَاولِ آنکه به طعام برند که مُتَعَلِّقان و زیر دستان بخورند و فَضْلَه‌ی مَکارِمِ ایشان به عَراِمِلِ و پیران و اَقاربِ و جِیرانِ رسیده .)

گلستان

- ۱ - ذخیره . اَقارب
۲ - تَنَاول . اَقارب
۳ - کَحْف . عَراِمِل
۴ - مُتَعَلِّقان . فَضْلَه

به نطق آدمی بهتر است از دَوَاب دَوَاب از توبه گر نگویی صواب سعدی

۱۷۱ - شعر چند جمله دارد ، و " دواب " یعنی چه؟

- ۱ - سه جمله . حیوانات
۲ - چهار جمله . جنیدگان
۳ - دو جمله . جانداران
۴ - یک جمله . چهارپایان

۱۷۲ - " دواب " در دو مصراع به ترتیب چه نقشی دارد؟

- ۱ - مضاف الیه . متمم
۲ - مسند . مسندالیه
۳ - متمم . مسند الیه
۴ - مسند الیه . مسند

۱۷۳ - مفهوم کلی بیت یعنی چه ؟

- ۱ - شایستگی انسان به فصاحت اوست
۲ - گفتار نیک نشانه‌ی فضیلت انسان است

۳ - نیکوکاری آدمی در نطق و بیان است ، ۴ - ارزش آدمی به گفتار شیرین او است

۱۷۴ - بیت در چه قالب شعری است و " حرف رُوی " در قافیه دو مصراع کدام است ؟

۱ - مثنوی . ب ۲ - مستزاد . ا

۳ - غزل . " د " و " ص " ۴ - مثنوی . و

" گر خدا خواهد " نگفتند از بطَر پس خدا بنمودشان عجزِ بشر

۱۷۵ - معنی و مفهوم بیت کدام است ؟

۱ - از روی نادانی به خود ستایی پرداختند ، خداوند هم ناتوانی بشر را افزون ساخت

۲ - از روی بی اعتقادی به خداوند به اِتْکاء علم خویش بکار پرداختند و به عجز خویش پی بردند .

۳ - از گفتن اگر خدا بخواهد اِبا کردند و خداوند هم از روی قهر و غضب آنها را ناتوان نمود .

۴ - از روی سرمستی و غرور به خداوند توکل نجستند خداوند هم آنها را در انجام کارشان عاجز و ناتوان کرد .

۱۷۶ - معنی عبارت : " علی (ع) تحکیم او را کاره بود . " چیست ؟

۱ - علی علیه السلام ، حکومت او را دوست نداشت .

۲ - علی ، که بر او درود باد ، به داوری او راضی نبود .

۳ - علی (ع) به استواری رای او شک داشت .

۴ - علی علیه السلام ، احکام صادره‌ی او را دوست نداشت .

۱۷۷ - عبارت : " مر یکدیگر را جفاها گفتند " . یعنی ؛

۱ - به یکدیگر جور و ستم روا داشتند ۲ - یکدیگر را به ستمکاری متهم کردند

۳ - به یکدیگر سخنان زشت و درشت گفتند ۴ - بر یکدیگر آزار و اذیت روا داشتند

هنر خوار شد ، جادوی ارجمند ————— نهان راستی ، آشکارا گزند

۱۷۸ - با توجه به اینکه بیت چهار جمله دارد نهاد (مسندالیه) جمله‌ها را به ترتیب در کدام پاسخ می‌یابید ؟^۱

۱ - هنر ، جادوی . راستی . گزند ۲ - هنر ، جادوی . نهان . گزند

۳ - خوار ، ارجمند ، نهان ، آشکارا ۴ - هنر ، جادوی . راستی . آشکارا

۱۷۹ - کدام ترکیب زیر " اسم مرکب " است ؟

۱ - بقیه‌ی کلمه‌های مانده در شعر " مُسَد " جمله‌ها خواهد بود .

۲ - نمودمال

۱ - شهردار

۴ - سرگذشت

۳ - رونوشت

۱۸۰ - مؤلف کتابهای (مُحَاكَمَات . اِشَارَات . اَخْلَاقِ ناصری . تَشْرِیْحُ الْاَفْلَاک) را در کدام پاسخ درست می‌دانید؟

۱ - ابوعلی سینا . امام فخر رازی . ابوعلی مسکویه . فرهاد میرزا .

۲ - امام فخر رازی . خواجه نصیر طوسی . ملاحسین واعظ . قطب الدین شیرازی

۳ - خواجه نصیر طوسی . ابوعلی سینا . ناصرالدین محتشم قهستان . شیخ بهائی

۴ - قطب الدین رازی . ابوعلی سینا . خواجه نصیر طوسی . شیخ بهائی .

۱۸۱ - عبارت : " پس این حال را پیش قابوس رفع کردند، یعنی :

۱ - جریان را پیش قابوس آشکار کردند ۲ - آنگاه ، واقعه را به قابوس گزارش کردند

۳ - واقعه را نزد قابوس فاش ساختند ۴ - پس از آن واقعه ، نزد قابوس به شکایت رفتند

۱۸۲ - کدام دو کلمه زیر با دیگر کلمات هم‌آهنگی دستوری ندارند؟

۱ - پوی . پویه ۲ - سنب . سنبه

۳ - نال . ناله ۴ - کوه . کوهه

۱۸۳ - کدام دو کلمه زیر را با دیگر کلمه‌ها هم‌آهنگ نمی‌بینید؟

۱ - گرفتار . گفتار ۲ - کشتار . پرستار

۳ - گفتار . دستار ۴ - رفتار . فروختار

۱۸۴ - مقصود غایی شاعر از این بیت چیست؟

کس نیاموخت علم تیر از من که مرا عاقبت نشانه نکشد

۱ - شکوهی شاعر از بیوفایی و ناسپاسی ۲ - گلهی شاعر از تیری که به او اصابت کرد

۳ - ناراحتی شاعر از تربیت و نصیحتی که کرد ۴ - ناخشنودی از نیاموختن تیراندازی

۱۸۵ - در عبارت : " اَیَّامُ هَجْرٍ اسْتَ وَلِیَّالِی بَیْ فُجَر . " کدام رکن جمله‌ها محذوف است؟

۱ - در دومی فعل ربطی محذوف است ۲ - در هر دو نهاد (مسندالیه) محذوف است .

۳ - اولی حذفی ندارد دومی فعل ندارد ۴ - در هر دو " مسند " محذوف است

۱۸۶ - " هجر " و " فجر " یعنی :

۱ - رفتن . برگشتن ۲ - دوری . سپیده دم

۳ - دوری گزیدن . تباهی کردن ۴ - فراق . چراغ

(نظر اصلی آنان در شاعری بیان دقیق و تازه و ابتکار در آنها بوده است .)
 ۱۸۷ - جای نقطه چینها را با کدام دسته از کلمات زیر پر می‌کنید؟

- | | |
|--------------------|-------------------|
| ۱ - مراتب . آفرینش | ۲ - مطالب . ایجاد |
| ۳ - مضامین . خلق | ۴ - مسائل . آرایش |

اگر آلوده شد گوهر به یک ننگ
 ۱۸۸ - "مُسْنَدٌ إِلَيْهِ" و "مُسْنَدٌ" جمله اول کدام است؟

- | | |
|----------------|-------------------|
| ۱ - ننگ . شد | ۲ - گوهر . یک ننگ |
| ۳ - گوهر . ننگ | ۴ - گوهر . آلوده |

۱۸۹ - "فاعل" و "مفعول" جمله دوم کدام است؟

- | | |
|----------------------|--------------------------|
| ۱ - آب . دریا | ۲ - صد دریا . زنگ |
| ۳ - آب صد دریا . زنگ | ۴ - ضمیر فاعلی "د" . زنگ |

۱۹۰ - با توجه به معنی شعر، "گوهر" و "زنگ" چه کلمه‌ای هستند؟

- | | |
|------------------------|----------------------------------|
| ۱ - اسم ذات . اسم معنی | ۲ - هر دو اسم معنی |
| ۳ - هر دو اسم ذات | ۴ - اولی اسم معنی . دومی اسم ذات |

(به هوا پری باشی ، ور به دریا روی باشی ، دل بدست آرتا باشی)
 ۱۹۱ - جای نقطه چین را پر کنید؟
 انصاری

- | | |
|----------------------|----------------------|
| ۱ - خسی . مگسی . کسی | ۲ - کسی . مگسی . خسی |
| ۳ - مگسی . خسی . کسی | ۴ - خسی . کسی . مگسی |
- دلم آبستنِ خرسندی آمد
 اگر شد ما درِ روزی سِتَرُون

۱۹۲ - معنی و مفهوم بیت چیست؟

- ۱ - اگر منبع درآمد من از سود دِهی افتاده غمی نیست دل به پیش آمدها خشنود کنم .
- ۲ - اگر خداوند روزی مرا نرساند غم در دل کنم و به صورت خندان و راضی باشم .
- ۳ - اگر مادر روزگار از دادن روزی من باز ماند خشنودم که قناعت در دلم خانه گزیده‌است .
- ۴ - اگر مادرم از زادن فرزند ناتوان شود خوشحالی فراوانی احساس خواهم کرد .

(بعد از خوان به قیلوله پرداختی و سپس به مُفَاوِضَه و مُحَاوَرَه مشغول شدی .)

۱۹۳ - معنی و مفهوم عبارت چیست؟

- ۱ - بعد از قرائت سیگاری می‌کشید و سپس به کار و مذاکره مشغول می‌گشت .
- ۲ - پس از صرف غذا به خواب ظهر می‌پرداخت و سپس به شور و گفتگو مشغول می‌شد .

۳ - پس از چیدن سفره به خواب می‌رفت و سپس به واگذاری و برکراری کارها می‌پرداخت .

۴ - بعد از مراجعت از سفر به اندرون می‌رفت و سپس به شوخی و مزاح می‌پرداخت .

۱۹۴ - جَمْعُ مُكَسَّرٍ : " نَفِيس . مَتَاع . بَاغِي . حُجَّت " به ترتیب کدام است ؟

۱ - نَفُوس . اَمْتَاع . باغات . حاجات

۲ - نَفَائِس . اَمْتَعَه . بُغَاة . حُجَج

۳ - اَنْفُس . مَتَاعَات . بُغْي . حَجِيج

۴ - نَفْسَاء . مَتَع . بَوَاعِي . حُجَّاج

و عده‌ی اهل کرم نَقْد روان و عده‌ی نا اهل شد رنــــج روان

۱۹۵ - " روان " در بُن دو مصراع به ترتیب چه نوع کلمه‌ای هستند ؟

۱ - هر دو صفت فاعلی " حالی "

۲ - هر دو اسم معنی

۳ - اولی صفت فاعلی . دومی اسم معنی

۴ - اولی اسم معنی . دومی صفت فاعلی

(ظالمی را حکایت کنند که هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح .)

۱۹۶ - معنی و مفهوم عبارت چیست ؟

۱ - ستمکاری را حکایت کنند که هیزم درویشان را به ستم می‌خرد و به توانگران به رغبت

می‌فروخت .

۲ - از ستمگری حکایت کنند که هیزم مستمندان را به بهای اندک می‌خرد و به توانگران

گران می‌فروخت

۳ - از ستمکاری روایت کنند که اجناس مردم بیچاره را بی بها می‌خرد و به توانگران

می‌بخشید .

۴ - ستمکاری ، هیزم درویشان را برای توانگران می‌خرد و انبار می‌کرد .

هیچ می‌دانی خرد به تاروان من بگویم ، گریداری استوار

۱۹۷ - " استوار بداری " یعنی چه ، " می‌دانی " چه فعلی است ؟

۱ - حفاظت کنی . ماضی استمراری

۲ - به خاطر سپاری . مضارع التزامی

۳ - باور کنی . مضارع اخباری

۴ - بکار بندی . ماضی استمراری

آدمی را عقل باید در بــــــدن و ر نه جان در کَالْبَد دارد حِمَار

۱۹۸ - " نهاد " هر دو مصراع را در کدام پاسخ می‌باید ؟

۱ - عقل . حمار

۲ - آدمی . حمار

۳ - بدن . جان

۴ - عقل . کالبد

۱۹۹ - " عقل " و " کالبد " چه کلمه‌ای هستند ؟

- ۱ - صفت جامد . اسم مرکب
۲ - هر دو اسم معنی
۳ - هر دو اسم ذات
۴ - اسم معنی . اسم ذات
- ۲۰۰ - " جان را می‌زدند . " یعنی ؛
۱ - با دشنام روح یکدیگر را می‌آزدند
۲ - تا پای جان به جنگ می‌پرداختند
۳ - با تهمت جان یکدیگر را می‌خستند
۴ - از ترس جان دشمن را می‌زدند
- ۲۰۱ - مفهوم : " ماهی از سرگنده گردید نی زدم " یعنی ؛
۱ - آسیب پذیری هر کس و هر جامعه‌ای از فکر و اندیشه‌ی اوست .
۲ - انسان هم چون ماهی به پرورش قسمت بالای بدن پردازد
۳ - گوشت سر ماهی را از جهت فساد پذیری دور اندازند
۴ - فساد و تباهی ابتدا در سر آدمی پدید آید و سپس در عمل او
- ۲۰۲ - دو ترکیب " دلنواز و نیکدل " از چه کلمه‌هایی ساخته شده‌اند ؟
۱ - اسم + صفت . قید + اسم
۲ - اسم + فعل امر . اسم + اسم
۳ - اسم + بن مضارع . صفت + اسم
۴ - اسم + قید . پیشوند + اسم
- ۲۰۳ - " شاهنامه فردوسی " و " حَدِيقَةُ الْحَقِيقَةِ سَنَابِي " به چه قالب شعری سروده شده‌اند ؟
۱ - قصیده رزمی . غزل عرفانی
۲ - مثنوی حماسی . مثنوی عرفانی
۳ - مثنوی پهلوانی . غزل عاشقانه
۴ - مثنوی تاریخی . قطعات اخلاقی
- باران دو صد ساله فرو نماند
این گردِ بلا را که تو انگیخته‌ای
- ۲۰۴ - " دو صد ساله " و " انگیخته‌ای " چه کلمه‌ای هستند ؟
۱ - ترکیب وصفی . صفت مفعولی مرکب
۲ - عدد و معدود . ماضی استمراری ناقص
۳ - صفت نسبی . ماضی نقلی
۴ - صفت مرکب . مضارع التزامی
- ۲۰۵ - مفهوم مصراع " آتش کند هر آینه صافی عیارِ زر " با کدام یک از مصراعهای زیر مطابق است ؟
۱ - چون بمیرم آتش اند رمن رسد زنده شوم
۲ - می‌کند رسوا ترازو جنس ناسنجیده را
۳ - روزگار آینه را محتاج خاکستر کند
۴ - تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی
- شبی دودِ خلق آتشی بر فروخت
شنیدم که بغدادِ نیمی بسوخت
- ۲۰۶ - " نهاد " جمله اول و آخر کدام است ؟
۱ - شبی . بغداد
۲ - آتشی . نیمی
۳ - دودِ خلق . بغداد
۴ - خلق . ضمیر پوشیده در فعل
- ۲۰۷ - یک " مفعول " در مصراع اول و یک " مفعول " در مصراع دوم مشخص کنید .

- ۱- آتشی . (بغداد نیمی بسوخت)
 ۲- خلق . بغداد
 ۳- شیی . نیمی
 ۴- دود . نیمی
- اند ر بلای سخت پدید آید
 ۲۰۸- " فاعل " در بیت مشخص شود .
 ۱- ضمیر فاعلی " د " در (آید)
 ۳- بلای سخت
 ۲- تمام مصراع دوم
 ۴- ضمیر مستتر در فعل
- ۲۰۹- نوع " ی " در مصراع اول و دوم مشخص شود
 ۱- ریشه‌ی کلمه . نکره . وحدت
 ۳- اضافی . هر دو نسبت
 ۲- زائد . هر دو نکره
 ۴- بدل از کسره . هر دو مصدری
- تویی کافریدی ز یک قطره آب
 ۲۱۰- " مفعول " آفریدی کدام است ؟
 ۱- یک قطره
 ۳- آب
 ۲- تمام مصراع دوم
 ۴- بیت مفعول ندارد
- ۲۱۱- جمع مکسر : " مَرِیض ، دَم ، حِکْمَت ، قِصَه " به ترتیب کدام دسته است ؟
 ۱- مَرَضِیَه ، دَمَاء ، حُکَام ، قَضَايَا
 ۲- مَرَضِی ، دِمَاء ، حِکْم ، قِصَص
 ۳- أَمْرَاض ، دَمَم ، أَحْکَام ، قَصَص
 ۴- أَمْرَاض ، دُمُوء ، حُکَمَا ، قَاصِی
- ۲۱۲- املای یک لغت با توجه به معنی آن غلط است مشخص کنید ؟
 ۱- قَطِیْحَت ، رسوایی و بدنامی
 ۲- قَایِم : کیسه کش حمام
 ۳- فَرَاست ، سوار کاری . اسب تازی
 ۴- قَطْمِیر : چیز بسیار ریز و اندک
 به گامهی دل دشمن نشیند آن مفرور
 که بَشَنُود سخنِ دشمنانِ دوست نمای
- ۲۱۳- معنی و مقصود بیت چیست ؟
 ۱- کسی که به راهنماییها و سخنان دشمنان به ظاهر دوست خود توجه کند مقصود دشمن خویش را بر آورده است .
 ۲- آن که از سخن دشمن دوست نمای خود ایده بگیرد ، دل دوستان واقعی خود را آزرده بسازد .
 ۳- هر که نصایح دشمن دوست نمای خود بکار بندد و مفرور شود ، دشمن جان و دل خویش است .
 ۴- آن که از سخنان دشمن به ظاهر دوست نرنجد مفرور شده دل دشمنان خود را شاد کند ،

(طمع هزاران طاووس خرد و همت را از شاخسار به زیر آورد)

۲۱۴ - جای نقطه چینها را پر کنید؟

- | | |
|-----------------|------------------|
| ۱ - قابوس . عزت | ۲ - همای . قناعت |
| ۳ - طوطی . ابهت | ۴ - سیمرغ . رفعت |

۲۱۵ - معنی "تسویه" و "تصفیه" کدام است؟

- | | |
|------------------------------|--------------------------------|
| ۱ - همچشمی کردن . دوستی کردن | ۲ - جدا شدن . صوفی شدن |
| ۳ - بیکسو شدن . پاک کردن | ۴ - برابر کردن . خالص گردانیدن |

(می بینم کارهای زمانه میل به دارد و چنانستی که مردمان را وداع کردستی اخلاق پسندیده گشته و عالم بدین معانی شادمان شده است) کلیله و دمنه

۲۱۶ - در عبارت بالا کدام دسته از پاسخهای زیر را به جای نقطه چینها به ترتیب می توان نهاد ؟

- | | |
|-------------------------------------|---|
| ۱ - قَهقرا . اسلام . مطرود . مَکّار | ۲ - انحطاط . برکات . از بین رفته . بی وفا |
| ۳ - اِدبار . خیرات . مدروس . غدار | ۴ - فساد . خداوند . متروک . پر جفا |

نیم سنگِ فلاخن لیک دارم بختِ ناسازی که برگردِ سر هر کس که گردم دورم اندازد

۲۱۷ - مفهوم واقعی بیت را در کدام پاسخ درست می دانید؟

- ۱ - با این که فروتنم همه به من تکبر می فروشند
- ۲ - به هر کس خدمتی کنم بی درنگ زیانم رساند
- ۳ - با هر کس که مهربانی پیشه کنم مرا از خود می راند
- ۴ - بخت ناسازگار موجب آوارگی من است

۲۱۸ - املای یک لغت با توجه به معنی درست نیست ؛

- | | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ - جَرَز : دعای دفع چشم زخم | ۲ - هُدی : آواز شتر بانان |
| ۳ - تَعویذ : دعایی که بر بازو بندند | ۴ - هُدی : گوسفندی که قربانی کنند |

۲۱۹ - معنی یک لغت درست نیست ؛

- | | |
|----------------------------|--------------------------|
| ۱ - سیادت : آقایی و سروری | ۲ - صیانت : حفاظت کردن |
| ۳ - سدایت : پرده داری کعبه | ۴ - صیانت : رنگریزی کردن |

جواهر تو بخشی دلِ سنگ را تو بر روی جوهر کشی رنگ را

۲۲۰ - کدام دسته از مطالب دستوری زیر درباره ی این شعر صادق است ؟

- ۱ - جواهر = مفعول . دل = متمم . تو = فاعل . کشی = مضارع اخباری

- ۲ - تو = فاعل ، سنگ = مضاف الیه ، جوهر = اسم ذات ، رنگ = متمم
 ۳ - بخشی = مضارع ، دل = اسم معنی ، در = حرف اضافه ، را = علامت مفعولی
 ۴ - دل = مفعول ، تو = ضمیر منفصل ، کشی = متعدی ، را = ردیف بیت

(از نفس پرور ناید و بی هنر را نشاید)

۲۲۱ - جای نقطه چینها را پر کنید ؛

- ۱ - خردمندی ، زندگی
 ۲ - هنروری ، سروری
 ۳ - دینداری ، رستگاری
 ۴ - هوشمندی ، دانشوری

۲۲۲ - نوع " این ، آن " را در عبارت زیر مشخص کنید؟

" توانگر فاسق ، کلوخ زر اندود است و درویش صالح ، شاهدِ خاک آلود ، این دلقرموسی است
 مَرَقَع و آن ریش فرعون است مَرَصَع . "

گلستان

- ۱ - این = صفت اشاره ، آن = ضمیر اشاره
 ۲ - هر دو صفت اشاره
 ۳ - هر دو ضمیر اشاره
 ۴ - هر دو از مبهمات

۲۲۳ - " توانگر " چه کلمه‌ای است و چه نقشی دارد؟

- ۱ - صفت فاعلی جانشین اسم ، مسند الیه
 ۲ - اسم معنی ، مسند الیه
 ۳ - صفت مرکب ، مسند
 ۴ - صفت فاعلی ، نقش ندارد

۲۲۴ - دو غلط املائی عبارت زیر را در کدام پاسخ می‌یابید؟

(..... تیغ زبان برکشید و اسب فصاحت در میدان وقاها^۱ جهانید و بر من دوانید و گفت:
 چندان مبالقه^۲ آدر وصف ایشان بکردی که وَهْم^۳ تصوّر کند که تریاق^۴ آند یا کلید خزانه آرزاق^۵؟ "

گلستان

- ۱ - فصاحت ، آرزاق
 ۲ - مبالقه ، تریاق
 ۳ - وقاها ، مبالقه
 ۴ - تصوّر ، خزانه

۲۲۵ - کدام یک از جمله‌های زیر " فعلیه " است؟

- ۱ - صاحب‌دلی به مدرسه آمد ز خانقاه
 ۲ - جور استاد به ز مهر پدر
 ۳ - سخن را سراسر ای خردمند و بُن
 ۴ - به دانش دل پیر بُرنا بُود

۲۲۶- کدام جمله زیر "اسمیه" است؟^۱

- ۱- نیکبختان بودند پند پذیر
- ۲- شد^۲ اندر شبستان کی نامدار
- ۳- به دام و دانه نگیرند مرغ دانارا
- ۴- گر چرخ به کام ما نگردد^۲

۲۲۷- نوع "را" در بیت زیر از نظر دستوری به ترتیب در کدام پاسخ درست است؟

- باز آي و دل تنگ مرا مونس جان باش وین سوخته را محرم اسرار نهنان باش
- حافظ

- ۱- اولی مفعولی . دومی فکّ اضافه
 - ۲- اولی حرف اضافه . دومی فکّ اضافه
 - ۳- اولی حرف اضافه . دومی مفعولی
 - ۴- اولی فکّ اضافه . دومی حرف اضافه
- ۲۲۸- کدام یک از جمله‌های این مصراع: "شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست" اسمیه و کدام فعلیه است؟

- ۱- اولی اسمیه . دومی فعلیه
- ۲- اولی فعلیه . دومی اسمیه
- ۳- هر دو جمله‌ی اسمیه است
- ۴- هر دو جمله‌ی فعلیه است

۲۲۹- جای نقطه چینها را با کدام دسته از کلمات زیر عبارت می‌توان پر کرد؟

- (طایفه‌ای هستند برین صفت که بیان کردی قاصر و کافر که ببرند و ... و نخورند و ندهند و به اعتماد خویش از درویش نپرسند و از خدای نترسند)
- گلستان

- ۱- خدمت . نعمت . بخورند . قدرت . زحمت ۲- همت . نعمت . بنهند . مکتب . محنت
- ۳- مرّوت . فتوّت . بدزدند . سلطنت . مسکنت ۴- دولت . ملّت . بچاپند . مال . حال .

۲۳۰- عبارت نغز و پر مغز زیر از کیست و در وصف چیست؟

- (پادگان نظامی اسلامی ، اداره آموزش معارف قرآنی ، مرکز رسیدگی به گرفتاریهای اجتماعی
 کانون دادخواهی و دادگستری و بالاخره ، جایگاه نیایش الهی است .)

۱- آیه الله طالقانی . مجلس شورای اسلامی

۲- استاد مطهری . مسجد سه‌سالار

۳- دکتر علی شریعتی . مسجد

۴- دکتر سروش . مرکز صدا و سیما ایران

۱- جمله‌هایی که به فعل ربطی مشتق از: بودن . استن . شدن . گشتن (گردیدن) ختم شوند جمله‌های اسمیه نامیده می‌شوند .

۲- "شد" و "نگردد" در این دو مصراع به معنی "رفتن" و "جراخیدن" است فعل ربطی هستند .

گر دیو مسخر تو گردد زین هر دو چه عاید تو گردد

۲۳۱- مشارالیه " هر دو " را در بیت بیابید؟

۱- دیو . مسخر

۲- دیو . تو

۳- دیو . این

۴- دیو . دد

ده بود آن نه دل ، کاندروی گاو و خر گنجد و ضیاع و عقار

۲۳۲- معنی " ضیاع . عقار " در کدام پاسخ صحیح است؟

۱- تباه و فاسد . شراب سرخ

۲- آب و زمین زراعتی . متاع خانه و ملک

۳- نور چشم . نباتات

۴- فلات . میوه‌ها

(... تیغ فحش است ، ... زبانش همان است اما پرخاش نیست ، ... زبانش پاک است

کار آن دورا می‌کند منهای پرده‌داری . اما ... تیغی است برنده تراز هر سهی آنها ،

در عمق حرکت می‌کند و آن سه در سطح . آن سه می‌خنداند و این می‌گزد و می‌گریاند .)

۲۳۳- جای نقطه چینها با کدام دسته از کلمات زیر پر می‌شود؟

۱- روزنامه . مجله . کتاب . سخن

۲- تهمت . غیبت . انتقاد . تعریف بیجا

۳- ضرب . شتم . دعا . نفرین

۴- هجو . هزل . فکاهه . طنز

۲۳۴- انگشتان دست به عربی از بزرگ تا کوچک به ترتیب در کدام شماره مندرج است؟

۱- خنصر . بنصر . وسطی . سبابه . ایهام

۲- سبابه . ایهام . وسطی . خنصر . بنصر

۳- ایهام . وسطی . خنصر . بنصر . سبابه

۴- ایهام . سبابه . وسطی . بنصر . خنصر

۲۳۵- معنی یک لغت نادرست است؟

۱- میغ : آمیزه . خلط

۲- جزل : استوار

۳- شراست : تندخویی

۴- چنان : بهشت

۲۳۶- املای یک لغت غلط است؟

۱- غت و سمین : لاغر و فربه

۲- رجفه‌های صخره شکن : زلزله‌های مخرب

۳- ثمن بخش : بهای اندک

۴- رمی جمرات : انداختن ریگها

سر پرست ما که می‌نوشد سُبک رطل گران را

پیکر عریان دهقان را در ایران یاد ندارد

۲۳۷- در مصراع اول چه صنعت بدیعی بکار رفته ، حرف " رَوی " در دو بیت کدام است؟

۱- کنایه . حرف " گ "

۲- تلمیح . حرف " ن "

۳- مطابقه . حرف " ر "

۴- مراعات النطیر . حرف " ا "

۲۳۸- " سبک " و " گران " در بیت فوق چه کلمه‌ای هستند ؟ (به ترتیب)

- ۱- قید . صفت
۲- صفت . قید
۳- هر دو صفت
۴- هر دو قید

۲۳۹- معنی کدام لغت زیر غلط است ؟

- ۱- نَماد : مَظْهَر و سَمیل
۲- چَمان : سبزه‌زار
۳- چَلَبی : عُنوانی نظیر میرزا
۴- کاتُوزی : زاهد

۲۴۰- مُحْتَوای این دو کتاب (نَجَات . لِبَابُ الْأَلْبَاب) در چه زمینه‌ای است ؟

- ۱- پزشکی . اخلاق
۲- اخلاق . حکمت عملی
۳- فلسفه . حکمت
۴- حکمت . تذکره‌ی شعراء

۲۴۱- این دو کتاب " فیه ما فیه . تَحْقِيقُ مَالِیْهِند " از کیست ؟

- ۱- رَشید وَطواط . ابوالفَضْل دُکْنی
۲- حسین واعظ کاشفی . صائب
۳- مُحَمَّد مَولوی . ابوریحان بیرونی
۴- مجلسی . عَوْفی

۲۴۲- عبارت پر مغز : " آن آرزوی که می‌ورزی " با کدام مصراع زیر هم معنی است ؟

- ۱- دو صد گفته چون نیم کردار نیست
۲- ای برادر تو همه اندیشه‌ای
۳- گر بود اندیشه‌ات گل گلشنی
۴- به عمل کار برآید به سخندانی نیست

بسا روزگارا که سختی ببرد پسر ، چون پدر نازک‌کش پرورد

۲۴۳- " پسر " و ضمیر متصل " ش " به ترتیب در بیت چه نقشی دارند ؟

- ۱- منادا . مضاف الیه
۲- نهاد . متمم
۳- نهاد جمله اول . مفعول جمله دوم
۴- مفعول جمله اول . مضاف الیه

۲۴۴- نوع " ا " در بسا روزگارا در کدام پاسخ درست است ؟

- ۱- ندا
۲- تعظیم و کثرت
۳- صفت فاعلی
۴- اِشباع

گوهر وقت بدین خیرگی از دست مده آخر این دُرِ گرانمایه بهائی دارد

۲۴۵- نوع " ی " در (خیرگی و بهائی) به ترتیب کدام است ؟

- ۱- نسبت . نکره
۲- هر دو یای وحدت
۳- هر دو یای مصدری
۴- مصدری . تعظیم و تفخیم

۲۴۶- " مده " چه فعلی است و " آخر " چه کلمه‌ای است ؟

- ۱ - فعل مضارع منفی . اسم
۲ - فعل ماضی . صفت جامد
۳ - فعل نهی . قید زمان
۴ - فعل امر . حرف ربط

۲۴۷ - نهاد (فاعل) دو مصراع^۱ کدام است ؟

- ۱ - گوهر . این در
۲ - وقت . دُرِ گرانمایه
۳ - خیرگی . بهایی
۴ - ضمیر مستتر در فعل " مده " . این دُر

۲۴۸ - در عبارت " آدمی شریف تر خلاق و عزیز تر موجودات است . " دو کلمه‌ی (شریف تر) و (عزیز تر) چه کلمه‌ای هستند ؟

- ۱ - هر دو صفت برتر " تفضیلی "
۲ - هر دو صفت برترین " عالی "
۳ - هر دو قید حالت مرکب
۴ - هر دو اسم مرکب جامد

بادِ خشم ، بادِ شهوت ، بادِ آرز

۲۴۹ - ترکیبات مصراع اول چه نوع اضافی هستند ؟

- ۱ - هر سه اضافی تشبیهی
۲ - هر سه اضافی توضیحی
۳ - هر سه اضافی استعاری
۴ - هر سه اضافی توصیفی

۲۵۰ - عبارت شیوا و پر محتوای زیر از معلّم انقلاب دکتر علی شریعتی درباره‌ی کدام کتاب است ؟

(.... کتاب جهاد در تنهایی است ، و سخن گفتن در سکوت ، و سنگر گرفتن در شکست ، و فریاد زدن در خُفّاقان ، و آموختن با لبهای دوخته ، و سلاح گرفتن یک خلع سلاح شده ، و با این همه یک کتاب دعا .)

- ۱ - نَهْجُ الْبَلَاغَةِ
۲ - نَهْجُ الْفَصَاحَةِ
۳ - صَحِیفَةُ سَجَادِيَّةٍ
۴ - مَغَاتِبُ الْجَنَانِ

۲۵۱ - املاي کدام لغت غلط است ؟

- ۱ - صَفِّه : دست به همزدن برای معامله
۲ - سُویدا : عرصه دل
۳ - شَطَر : اندکی
۴ - اِشْفَاغ : روی برگرداندن

۲۵۲ - معنی کدام لغت درست نیست ؟

- ۱ - شوب : آلودگی
۲ - لَدَغَه : بوسیدن
۳ - نَجْدَت : اعتماد به نفس ، دلیری
۴ - خَرَق : پاره شدن

۲۵۳ - کدام دو کلمه‌ی زیر " نقیض^۲ " یکدیگر اند ؟

۱ - وقتی چنین سئوالی طرح شود بهداست که هر مصراع یک جمله بیش نخواهد بود
۲ - دو چیز نقیض فرض سومی ندارند ولی دو چیز ضد فرض سومی هم دارند .

۲- کوچک و بزرگ

۱- سیاه و سفید

۴- ریز و درشت

۳- شب و روز

۲۵۴- در سَبکِ عراقی چه نوع شعری (از نُظَرِ قَالِب) رواج داشت ؟

۲- غزل

۱- قصیده

۴- قطعه

۳- مثنوی

خَدَنگِ بلا بر دلِ دل نشیند

اگر دل زیاده تو غافل نشیند

۲۵۵- " دل " به ترتیب چه نقشی دارد ؟

۲- نهاد . مضاف الیه . قیدی

۱- فاعل . متمم . مضاف الیه

۴- متمم . متمم . مضاف الیه

۳- منادا . متمم . اضافی

۲۵۶- کدام یک از جمله‌های زیر از نظر نگارش صحیح و فصیح است ؟

۱- نظم و ترتیب جلسات امتحانی در خور تمجید برگزار شد .

۲- شایعات بی اساس ولی فراوان ذهن مردم را مشوب کرده است .

۳- سیلِ مهیبی در قسمتی از سرزمینهای شمال کشور باریدن گرفت

۴- صبر و شکیبایی داروی شفا بخش برخی از مردم است .

هر یکی را کرد از انعام خوش کز علف باشند این انعام خوش

۲۵۷- اعراب دو کلمه " انعام " در کدام پاسخ (به ترتیب) درست است ؟

۲- اِنْعَام . اُنْعَام

۱- اُنْعَام . اِنْعَام

۴- اِنْعَام . اِنْعَام

۳- اُنْعَام . اُنْعَام

۲۵۸- املاي کدام لغت غلط است ؟

۲- مُفْلِق : سخت نو و شگفت

۱- حَلْف : هم پیمانی . سوگند

۴- قُرّه : ماه شب چهارده

۳- طَبَر زَد : نبات

۲۵۹- معنی کدام لغت غلط است ؟

۲- اَلْأَاء : نعمتها

۱- اَنْفَال : غنیمت‌ها و بخششها

۴- اَوْدَاء : دوستان

۳- اَيْمَان : گرویدن

۲۶۰- کدام دسته از ادبا و محققان دانشمند زیر درباره " مولوی و آثار او " تحقیق و تتبع کرده‌اند ؟

۱- دکتر غلامحسین یوسفی . دکتر محمد خزائلی . استاد محمد علی ناصح

۲- استاد بدیع الزمان فروزانفر . استاد جلال الدین همایی . استاد محمد تقی جعفری

۳ - دکتر غنی . علامه محمد قزوینی . دکتر پرویز ناتل خانلری

۴ - دکتر محمود شفیع . دکتر محمد دبیرسیاقی . علی دشتی

۲۶۱ - کدام یک از فضلی نامبرده زیر در تصحیح "کَلِیلَهُودِمنَه" تحقیقی مستوفی کرده است ؟

۱ - علامه محمد قزوینی

۲ - دکتر یحیی مهدوی

۳ - استاد مجتبی مینوی

۴ - علامه محیط طباطبایی

۲۶۲ - کدام دو استاد نامبرده زیر در شرح و تصحیح "گلستان سعدی" تحقیقی بسیار ارزنده دارند ؟

۱ - دکتر محمد خزائلی . دکتر محمد خطیب رهبر

۲ - دکتر محمد خزائلی . دکتر غلامحسین یوسفی

۳ - محمد علی فروغی . دکتر مظاهر مصفا

۴ - علی دشتی . محمد حجازی

۲۶۳ - کدام دو استاد نامبرده زیر در شرح و تصحیح "بوستان سعدی" تحقیقی ارزنده دارند ؟

۱ - محمد علی فروغی . دکتر دبیر سیاقی

۲ - علامه قزوینی . علی دشتی

۳ - استاد محمد علی ناصح . دکتر غلامحسین یوسفی

۴ - دکتر مظاهر مصفا . محمد حجازی

۲۶۴ - کدام دسته از ادبا و شعرای معاصر زیر درباره‌ی "خواجه حافظ شیرازی" اثر ارزنده‌ای دارند

۱ - استاد انجوی شیرازی . احمد شاملو . محمد علی اسفندیاری . اخوان ثالث .

۲ - دکتر سلیم نیساری . اخوان ثالث . استاد مسعود فرزاد . علی دشتی

۳ - دکتر شجاع الدین شفا . استاد معینی کرمانشاهی . دکتر احمد علی رجایی . استاد شهریار .

۴ - دکتر عصمت ستارزاده . دکتر غنی . علامه قزوینی . دکتر خانلری . دکتر هومن .

متن زیر را به دقت بخوانید و با توجه به مفهوم آن ، به پرسشهای ذیل متن پاسخ دهید ؛

" .. یعقوب (لَیثِ صَفَّار) گفت : تیغ نه از بهر آن آوردم که به جان کسی قصد دارم ، اما شکایت کردید که یعقوب عهد امیرالمؤمنین ندارد . خواستم که بدانید ، دارم . امیرالمؤمنین را به بغداد ، نه این تیغ نشانده است ؟ گفتند : بلی . گفت : مرا بدین جایگاه نیز این تیغ نشانده ، عهد من و آن امیرالمؤمنین یکی است .

۲۶۵- یعقوب از آوردن تیغ چه نیتی داشت؟

- ۱- می‌خواست سران مخالفین خود را بکشد ۲- می‌خواست به زور از آنها پیمان بگیرد
 - ۳- می‌خواست امیرالمؤمنین را تهدید کند ۴- می‌خواست پروانه‌ی امارت خود را نشان دهد
- ۲۶۶- منظور از "امیرالمؤمنین را به بغداد، نه این تیغ نشانده است؟" چیست؟

- ۱- شمشیر من خلیفه را به جای خود نشانده است
 - ۲- خلافت امیرالمؤمنین هم برزور و شمشیر متکی است
 - ۳- امیرالمؤمنین هم از ترس این شمشیر در بغداد خاموش نشسته
 - ۴- با این شمشیر خلیفه را می‌توان در بغداد زندانی کرد
- ۲۶۷- منظور کلی عبارت چیست؟

- ۱- امارت یعقوب در سایه شمشیر او بود
 - ۲- فرمانروایی یعقوب به دستور خلیفه‌ی بغداد بود.
 - ۳- حکومت یعقوب در گرو تدبیر او بود
 - ۴- حکمرانی یعقوب نتیجه عهد و پیمان استوار او بود
- ۲۶۸- متن بالا از کدام کتاب تاریخی زیر انتخاب شده است؟
- ۱- تاریخ بهیقی
 - ۲- تاریخ و صاف
 - ۳- تاریخ سیستان
 - ۴- تاریخ گردپزی

۲۶۹- معنی کدام لغت غلط است؟

- ۱- هجوع : خفتن و خواب
- ۲- تحلیل : لا اله الا الله گفتن
- ۳- جوع : گرسنگی
- ۴- تسبیح : سبحان الله گفتن

۲۷۰- املائی کدام لغت با توجه به معنی غلط است؟

- ۱- شُناعت : قبح و زشتی
- ۲- اِبراء : پاک گردانیدن . بری ساختن
- ۲- مُعول : مورد اعتماد
- ۴- سُداع : درد سر

۲۷۱- در متن زیر از "سیاست نامه" خواجه نظام الملک دو غلط املایی هست در کدام پاسخ می‌یابید؟

(در آن بیماری با خدای خود نظر کردم که اگر از این بیماری برهم ، حَج و غَزَا کنم ، خدای عَزَّوَجَلَّ - شفا فرستاد و به سلامت برخاستم ، هر چه مرا کنیزک و غلام بود ، آزاد کردم و هر چه مرا اسباب و ضیاع آلود و مُسْتَقَلَّ بفروختم و روی به راه نهادم حج بگذاردم و به دیارِ روم شدم و به غازیان آپیوستم و چند سال غَزَا کردم)

- ۱- نَظَر . مُسْتَقَلَّ
- ۲- غَزَا . بگزاردم

۳- برخاستم . ضیاع
۴- عزوجل . غازیاب

۲۷۲- قصیده‌ی معروف " ناله از حصارِ نای " با مطلع زیر از کدام شاعر رنجدیده است؟

نالَم به دل چو نای من اندر حصارِ نای پستی گرفت همت من زین بلند جای

- ۱- آنوری
۲- مسعود سعد
۳- معزی
۴- فرخی سیستانی

۲۷۳- کتاب معروف " کافی " از کیست و در چه زمینه‌ای است؟

- ۱- مُلا صدرا . در احکام فقهی شیعه
۲- مُلا محمد باقر مجلسی . در شرح حال ائمه‌ی اطهار
۳- ابو جعفر محمد کلینی . مجموعه‌ای از احادیث شیعه
۴- مُلا محسن فیض کاشانی . در مسائل مذهبی

۲۷۴- " دیده " و " دیدار " در مصراع دوم بیت زیر چه کلمه‌ای هستند؟

چو دیده دید و دل از دست رفت و چاره نماند نه دل ز مهر شکبده دیده‌از دیدار

- ۱- صفت مفعولی . صفت فاعلی
۲- اسم جامد . اسم مشتق
۳- اسم ذات . اسم مصدر
۴- صفت مفعولی . اسم مصدر

۲۷۵- رباعی مشهور زیر از کیست و در وصف چیست؟

جامی است که چرخ آفرین می‌زندش صد بوسه ز مهر برجبین می‌زندش
وین کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

- ۱- عین القضاة همدانی . در تمجید عشق
۲- حکیم عمر خیام . در تحسین خلقت انسان
۳- امام محمد غزالی . در تعظیم خرد
۴- جلال الدین محمد مولوی . در تجلیل از شمس

(علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت . استاد مطهری)

۲۷۶- کدام یک از اشعار زیر به مفهوم عبارت پر معنی فوق نزدیک تر است؟

- ۱- چو علم آموختی از حرص آنکه ترس‌کان در شب چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر بر درکـالا
۲- برون از شرع هر راهی که خواهی رفت گمراهی خلاف دین هر آن علمی که خواهی خواند شیطانی
۳- علم و عمل چون به هم آمد درست رسته شدی از تن غدار خویش
۴- ای بسا علم و ذکاوت و فطـن گشته ره‌رو را چو غول و راه‌زن

۲۷۷- در متن زیر از کتاب " اخلاقِ ناصری " دو غلط‌املائی هست در کدام پاسخ می‌یابید؟

(به فراست و کیاست ابرمکنون اضمایر ایشان اطلاع باید یافت و در انجاه مطالب پیش از اظهار طلب، غایت جهد مبذول داشت و در اندوه و غم مساهمت^۴ و مقاسمت^۵ نمود تا از معونت^۶ ایشان کاسته تخفیف و سلوت^۷ یابند.)

۱ - فراست . سلوت ۲ - انجاه . معونت

۳ - کیاست . مقاسمت ۴ - غایت . مساهمت

۲۷۸ - معنی " تیر " در اول و آخر بیت زیر به ترتیب در کدام پاسخ درست است ؟

(تیر او باد عز و نعمت و ناز تا بتابد بر آسمان بر، تیر^۸)

۱ - خدنگ . ستاره ۲ - بهره و سهم . عطارد

۳ - قسمت . خدنگ ۴ - قرین و یاور . خورشید

۲۷۹ - " بندی ریش " و " بندی خویش " در بیت زیر چه نوع ترکیبی هستند ؟

(اگر کشتی این بندی ریش را نبینی دگر بندی خویش را سعدی)

۱ - هر دو ترکیب اضافی ۲ - اولی ترکیب اضافی . دومی ترکیب وصفی

۳ - اولی ترکیب وصفی . دومی ترکیب اضافی ۴ - هر دو ترکیب وصفی

۲۸۰ - کدام دسته از کتب زیر نوشته " صمد بهرنگی " است ؟

۱ - ارزیابی شتابزده . تاریخ هجده ساله آذربایجان . کچل گفترباز . پسرک لبو فروش .

۲ - کندوکاو در مسائل تربیتی . اولدوز و کلاغها . ماهی سیاه کوچولو . کوراوغلو و کچل حمزه .

۳ - اورازان . زبان آذری . تلخون . افسانه های آذربایجان .

۴ - دید و بازدید . دارالمجانین . حمزه کچل . اولدوز و عروسک سخنگو .

۲۸۱ - قصیده ی بسیار مشهور " همای رحمت " با مطلع زیر سروده ی کدام شاعر معاصر است ؟

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ما سویی فکندی همه سایه ی هما را

بروای گدای مسکین در خانه ی علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

۱ - ملک الشعراء بهار ۲ - استاد محمد حسین شهریار

۳ - دکتر حمیدی شیرازی ۴ - مهدی سپیلی

۲۸۲ - (اشک ریزان . ای کاش . قطعا . جز) به ترتیب چه نوع قیدی هستند ؟

۱ - حالت . تمنا . تاکید . استثناء ۲ - کیفیت . آرزو . زمان . استثناء

۳ - افسوس . آرزو . زمان . استثناء ۴ - حالت . مقدار . علت . شک

۱ - هوشیاری و هردمندی ۲ - پوشیده ۳ - برآوردن ۴ - شرکت و بازی ۵ - بخشش کردن ۶ - رنج و سختی ۷ - آرامش و بی رنجی

۸ - در بیت صنعت بدیعی (رَدِّ الْعِجْرِ عَلَى الْعَدْرِ) بکار رفته است .

۲۸۳- قصیده‌ی معروف "ایوان مدائن" با مطلع زیر از کیست؟

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------|
| هان‌ای دل عبرت‌بین از دیده‌عبرکن‌هان | ایوان مدائن را آیینی‌ی عبرت دان |
| ۱- انوری ابیوردی | ۲- خاقانی شروانی |
| ۳- نظامی گنجوی | ۴- جمال الدین اصفهانی |

۲۸۴- قصیده‌ی معروف "دماوندیه" با مطلع زیر از کیست؟

- | | |
|--------------------------|-----------------------------|
| ای دیو سپید پای در بنسد! | ای قلّه‌ی گیتی، ای دماوند! |
| ۱- دکتر حمیدی شیرازی | ۲- دکتر باستانی پاریزی |
| ۳- استاد شهریار تبریزی | ۴- ملک الشعرای بهار خراسانی |

۲۸۵- مثنوی معروف "زهره و منوچهر" با مطلع زیر از کیست؟

- | | |
|-------------------------|-----------------------------|
| (صبح نتابیده‌هنوز آفتاب | وا نشده دیده‌ی نرگس ز خواب) |
| ۱- عارف قزوینی | ۲- پروین اعتصامی |
| ۳- ایرج میرزا | ۴- میرزاده عشقی |

۲۸۶- تابلوی مشهور "ایدآل پیرمرد دهاتی" با مطلع زیر سروده‌ی کیست؟

- | | |
|--------------------------------|-----------------------------------|
| اوائل گل سرخ است و انتهای بهار | نشسته‌ام سر سنگی کنار یک دیوار |
| جوار درّه‌ی دُرَبند دامن کهسار | فضای شِمران آن‌دک ز قُرب مغرب تار |

هنوز بُد اثر روز بر فراز اوین

- | | |
|---------|-----------------|
| ۱- بهار | ۲- استاد شهریار |
| ۳- عشقی | ۴- ایرج میرزا |

۲۸۷- فعلهای بیت زیر را (از نظر زمان) به ترتیب در کدام پاسخ درست می‌دانید؟

- | | |
|-------------------------------------|---|
| (نگویم فضیلت نهم بر کسی | چنان باش با من که با هر کسی) |
| ۱- مضارع منفی . مضارع التزامی . امر | ۲- مضارع اخباری منفی . مضارع التزامی . امر بسیط |
| ۳- ماضی منفی . مضارع منفی . امر | ۴- مضارع منفی . امر مرکب . امر |

۲۸۸- زمان فعلهای بیت زیر را در کدام پاسخ درست می‌دانید؟

- | | |
|---------------------------|----------------------------------|
| (بزارید وقتی ز نی پیش شوی | که دیگر مَخَرَنان ز بَقَالِ کوی) |
| ۱- مضارع التزامی . امر | ۲- مضارع اخباری . ماضی منفی |
| ۳- ماضی مطلق . نهی | ۴- ماضی نقلی . نهی |

۲۸۹- داستان شیرین و آموزنده‌ی "فارسی شکر است" اثر کیست؟

- | | |
|-----------------|-----------------------|
| ۱- جلال آل احمد | ۲- محمد علی جمال زاده |
|-----------------|-----------------------|

۴ - صادق هدایت

۳ - رسول پرویزی

۲۹۰ - "مه . کِهان" در بیت زیر چه نقشی دارند؟

مها زورمندی مکن با کِهانان که بر یک نَمَط می نماند جهان

۱ - نهاد . مفعول

۲ - منادا . مضاف الیه

۳ - فاعل . متمم

۴ - منادا . متمم

۲۹۱ - املائی کدام لغت زیر با توجّه به معنی غلط است؟

۱ - غَبَضَ : خشم و تندى

۲ - غَرَبَ : بانگ و فریاد و زاری

۳ - غَضَبَ : خشم و قهر

۴ - غَوَا : شور و فریاد و هنگامه

۲۹۲ - متعدّی : "بخند . خوابیده‌ام" کدام است؟

۱ - بخندید . بخوابید

۲ - بخندیدمى . خوابیدمى

۳ - بخنده شد . خوابیده شد .

۴ - بخندان . خوابانیده‌ام

۲۹۳ - مثنوی "ویس و رامین" از کیست و در چه زمینه‌ای است؟

۱ - ناصر خسرو . مثنوی دینی و اخلاقی

۲ - فخرالدین اَسَدِ گرگانی . مثنوی عشقی

۳ - خواجوی کرمانی . مثنوی عشقی

۴ - فخرالدین عراقی . مثنوی عرفانی

۲۹۴ - منادا در بیت زیر کدام است؟

(ای در بقای عمر تو خیر جهانیان

باقی مباد هر که نخواهد بقای تو) سعدی

۱ - بقای عمر

۲ - عمر تو

۳ - خیر جهانیان

۴ - محذوف است

۲۹۵ - دو غلط املائی متن زیر برگزیده از "اخلاق ناصری" را در کدام پاسخ می‌یابید .

(... دوستی با دشمنان فرا نمودن و با دوستان ایشان موافقت و مخالطت کردن از شرایط

هَزَمٌ و کیاست بود ، چه معرفت عَواراتٌ و مَزَالٌ اقدام و مواضع عَسراتِ ایشان بدین وجه آسان

تر دست دهد .)

خواجه نصیر طوسی

۱ - موافقت . عَسرات

۲ - مخالطت . مَزَالٌ

۳ - هَزَمٌ . عَسرات

۴ - عَوارات . کیاست

۲۹۶ - فاعل و مفعول و متمم بیت زیر در کدام پاسخ درست است؟

شی خوابم اندر بیابان قیّد فرو بست پای دویدن به قیّد

۱- خواب . پای . قید

۲- ضمیر مستتر در فعل . پای . فید

۳- شبی . بیابان . فید

۴- خوابم . فید . قید

۲۹۷- مفرد کلمه‌های : (صُغَار . مَعَاصِي . طَلَبَه) را در کدام پاسخ صحیح می‌دانید؟

۱- اصغر . معصیت . طلب

۲- صغیر . معصیت . طالب

۳- صغری . معصی . طلاب

۴- صغر . عصیان . مطلوب

۲۹۸- دو صفت مرکب " جانستان . خودخواه " از چه اجزایی ترکیب یافته‌اند؟

۱- (اسم + صفت) (ضمیر + صفت)

۲- (صفت + بن فعل) (ضمیر + بن فعل)

۳- (اسم + پسوند) (ضمیر + فعل امر)

۴- (اسم + بن فعل) (ضمیر + بن فعل)

۲۹۹- (دوست وار . دوست دار) بُن دو مصراع بیت زیر چه کلمه‌ای هستند؟

مده بوسه بر دست من دوست وار

برو دوستدار مرا دوست دار

۱- صفت مرکب . صفت فاعلی مرکب

۲- قید مرکب . صفت فاعلی مرکب

۳- قید حالت . فعل امر مرکب

۴- اسم مرکب . صفت مرکب

۳۰۰- کدام دسته از کتابهای زیر نوشته‌ی " جلال آل احمد " است؟

۱- دُرِ بیتیم خلیج فارس . اندیشه . سگ ولگرد . هبوط . ماه‌نخشب . نفرین زمین

۲- مدیر مدرسه . شلوارهای وصله دار . دمی باخیام . کلیدر . ازپاریزتا پاریس . دیدوبازدید

۳- خسی درمیقات . ارزیابی شتابزده . غرب زدگی . خدمت و خیانت روشنفکران . زن زیادی

۴- سهار . هفت مقاله . کویر . عدل الهی . قُلْتُشْنْ دیوان . نون والقلم

۳۰۱- معنی کدام یک از لغات زیر غلط است؟

۱- صَلَب : بردار کشیدن

۲- صَلَب : سخت . محکم . قوی

۳- سَلَب : کندن . جدا کردن

۴- سَلَب : نوعی خرید و فروش

۳۰۲- نوع " این ، آن " در عبارت : (این مرد (ستارخان) در آن سال فداکاریها کرد) چیست؟

۱- ضمیر اشاره

۲- ضمیر ملکی

۳- صفت اشاره

۴- اسم معنی

۳۰۳- عبارت : (شدت نیکان روی در قُوج دارد و دولت بدان سر در کشیب) یعنی ؛

۱- درشتی و خوشونت نیکوکاران برای سعادت مردم است و ثروت و مال تبهکاران موجب شقاوت آنهاست .

۲- سختی روزگار نیکان را حتی و شادی دربی دارد ولی ثروت و مقام بدکاران ذلت و پستی بدنبال دارد .

- ۳ - تندخویی مردان نیک بزودی سپری می شود ، همچنان که ثروت بدکاران زود نابود می گردد ،
۴ - سختی کار و حال نیکوکاران به آسانی رفع گردد ، و بخت و اقبال بدکاران زود زوال پذیرد ،

۳۰۴ - " چشم طمع ، چشم ادب ، چشم نرگس ، چشم من " چه نوع اضافهای هستند ؟

- ۱ - به ترتیب : اضافی استعاری ، استعاری ، تشبیهی ، ملکی
۲ - به ترتیب : اضافی استعاری ، اقترانی ، تشبیهی ، تخصیصی
۳ - به ترتیب : اضافی اقترانی ، اقترانی ، توصیفی ، بیانی
۴ - به ترتیب : اضافی تشبیهی ، استعاری ، توضیحی ، ملکی

۳۰۵ - دو غلط املائی متن زیر که از کتاب " اخلاق ناصری " انتخاب گردیده است در کدام پاسخ می یابید ؟

(چهارم مارقان ، و ایشان جماعتی باشند که قصد تهریفاً قوانین نکنند ، اما از سبب سوء فهم ، بر أغراض فضلأ واقف نباشند و آن را بر معانی دیگر حمل کنند و از حق انحراف نمایند ، و باشد که این انحراف مقارن استرشاد بود و از تعنط و عناد خالی باشد و به ارشاد ایشان امیدوار باید بود ، صفحه ۲۷۴)

- ۱ - مارقان ، عناد
۲ - تهریف ، تعنط
۳ - أغراض ، مقارن
۴ - فضلأ ، استرشاد

۳۰۶ - " بخشایش " و " خلق آزار " چه کلمهای هستند ؟

- پسندیده است بخشایش ولیکن
منه بر ریش خلق آزار ، مرهم
۱ - هر دو صفت مرکب
۲ - هر دو اسم مرکب
۳ - اولی اسم ، دومی صفت ، جانشین اسم
۴ - اولی صفت و دومی اسم

۳۰۷ - " ریش " در بیت فوق چه کلمهای است و چه نقشی دارد ؟

- ۱ - اسم ، متمم
۲ - صفت جانشین اسم ، مضاف الیه
۳ - اسم ، مفعول
۴ - صفت ، نقش ندارد

سوز ما با دیگری نسبت مکن کو نمک بر دست و ما بر عضو ریش

۳۰۸ - " دیگری " و " ریش " چه کلمهای هستند ؟

- ۱ - قید ، اسم
۲ - از مبهمات ، اسم
۳ - اسم مبهم ، صفت ساده
۴ - صفت نسبی ، صفت مطلق

۳۰۹ - (آتش خشم اول در خداوند خشم افتد ، پس آنگه زبانه به خصم رسد یل نرسد ، یعنی ؛

۱ - آتش قهر و غضب را خداوند ابتدا به انسان خشمگین دچار سازد و سپس به دشمن او

۲ - آتش غیظ و غضب خانمان دوست و دشمن را یکسان می سوزاند

۳ - آسیب و زیان خشم نخست به خشم گیرنده رسد و سپس به دشمن سرایت کند یا نکند .

۴ - اثر سوزنده خشم به امر خداوند نخست در عصبانی اثر گذارد و سپس به دشمن او زیان رساند .

۳۱۰ - معنی یک لغت زیر نادرست است ؛

۱ - وِزَر ؛ گناه ۲ - نَهَمار ؛ فراوان ، بزرگ

۳ - بَرِخِی ؛ فدا شدن ، قربان گردیدن ۴ - سُموم ؛ باد گرم و سوزان

۳۱۱ - نوع "ی" را در کلمه " هنری " ابیات زیر مشخص کنید ؛

(گر هنری داری و هفتاد عیب دوست نبیند بجز آن یک هنر) سعدی

۱ - نکره ۲ - نسبت

۲ - وحدت ۴ - فاعلی

۳۱۲ - (چهار چیز شد آیین مردم هنری که مردم هنری نیست زین چهار بری) انوری

۱ - وحدت ۲ - فاعلی

۳ - نسبت ۴ - نکره

۳۱۳ - مضمون بیت زیر به مفهوم کدام یک از ابیات ذیل آن نزدیک تر است ؟

نگین خصلتی دارد ای نیکبخت که در موم گیرد نه در سنگ سخت سعدی

۱ - در رزم چو آهنیم و در بزم چو موم بر دوست مبارکیم و بر دشمن شوم

۲ - به فرد دولت او هر که قصد سندان کرد به زیر دندان چو موم یافت سندان را

۳ - طالع عشقی دلی چو موم بدست آر سنگ سیه صورت نگین نپذیرد سعدی

۴ - سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد دلبر که در کف او موم است سنگ خارا حافظ

۳۱۴ - املای کدام لغت غلط است ؟

۱ - تَبَاصُّ : اظهار کوچکی و تملق ۲ - مَوَاحِات : دوستی و برادری کردن

۳ - مَصُوبَات : کارهای نیک و در خور پاداش ۴ - مَهَادَات : تحفه و هدیه به هم دادن

۳۱۵ - کدام دسته از کتابهای زیر از علامه فقید استاد مطهری است ؟

۱ - روش رئالیسم ، پرتو قرآن ، حیات معقول ، حقوق زن در اسلام

۲ - داستان راستان ، تفسیر المیزان ، اسلام شناسی ، انسان و ایمان

- ۳- عدل الهی ، الغدير ، ایدئولوژی شیطانی ، انسان و سرنوشت
۴- امدادهای غیبی ، جهان بینی توحیدی ، علل گرایش به مادیگری ، سیری در نهج البلاغه

۳۱۶- کتاب " اَلْمَعْجَمُ فِي مَعَايِيرِ الْأَشْعَارِ الْعَجَمِ " از کیست و در چه زمینه‌ای است ؟

- ۱- یاقوت حموی ، تذکره شعراء
۲- شمس قیس رازی ، در صنایع شعری
۳- رضا قلی خان هدایت ، شرح حال شعراء
۴- رشید الدین وطواط ، در فن شعر

۳۱۷- در بیت زیر چه صنعت شعری بکار رفته است ؟

- سُخْنُ رَا سَرَا سْتِ اَی خُرْدَمَنْد وَ بُنْ مِیَاوَرِ سَخْنِ دَر مِیَانِ سُخْنِ سَعْدِی
۱- لَفّ و نَشْر
۲- اِیْهَام
۳- رَدّ الْعَجْزِ عَلَی الصَّدْرِ
۴- جُنَاس

۳۱۸- عبارت : " تَوَانِگَرِ فَا سَقِ کَلُوخِ زَرَانْدُودِ اسْت وَ دُرُوشِ صَالِحِ شَاهِدِ خَاکِ آلود ، " یعنی ؛

- ۱- ثروتمند مفسد کاخ خود را از زرو سیم حاصل از دسترنج درویشان در خاک و خون غلتیده می‌سازد .
۲- ثروتمند گناهکار زر و سیم خویش در زیر سنگ و کلوخ پنهان می‌کند و تنگدست نیکوکار چهره‌ی خویش را
۳- ثروتمند بدکار پاره گلی است به طلا اندوده و مستمند نیکوکار زیبا رویی است غبارآلوده .
۴- ثروتمند بدکار به زر و سیم خود می‌نازد و تهیدست نیکوکار به کارهای نیک خود می‌بالد .

۳۱۹- معنی دولغت : (مُرَقَّع ، مُرْصَع) را به ترتیب در کدام پاسخ می‌یابید ؟

- ۱- پاره پاره و وصله‌دار ، گوهر نشان
۲- جامه ، شمشیر
۳- نامه نگاری ، جواهر نشانی
۴- ساده و بی زیور ، مُنَقَّش و مُزَین

۳۲۰- معنی کدام لغت زیر غلط است ؟

- ۱- شَطْح : پراکندگی و پریشان گویی
۲- طَامَات : سخنان نامفهوم و نامعلوم
۳- اِلْتِقَاط^۱ : برداشتن ، خوشه چینی
۴- رُهْبَانِيَّت : ریاضت کشیدن ، عزلت‌گزیدن

۳۲۱- کدام دسته از کتابهای زیر نوشته‌ی معلّم انقلاب " دکتر علی شریعتی " است ؟

- ۱- مذهب علیه مذهب ، تماشاگه راز ، چه کسی می‌تواند مبارزه کند ، فاطمه ، فاطمه است .
۲- تکیه بر مذهب ، طلا در مس ، دو قرن سکوت ، حیات معقول ، آری چنین بود برادر
۳- تاریخ تمدن ، تاریخ ادیان ، حسین وارث آدم ، هبوط ، کویر .
۴- اسلام شناسی ، انسان و سرنوشت ، خسی در میقات ، با کاروان حلّه ، مجموعه مقالات

۳۲۲- ابیات زیر از کیست و در چه زمینه‌ای است؟

باز این چه شور است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز میمن بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست این رستخیز عام که نامش محرم است

- ۱- شیخ بهایی ، درباره‌ی نهضت شیعی صفوی
- ۲- محتشم کاشانی ، در تعظیم عاشورای حسینی
- ۳- فخرالدین عراقی ، کشتار و ایلغار مغول
- ۴- استاد شهریار ، در تجلیل انقلاب اسلامی

۳۲۳- نوع " این ، آن " در بیت زیر به ترتیب در کدام پاسخ درست است؟

(این استر چموش و لگدن از آن من آن گربه مصاحب بابا از آن تو) وحشی

- ۱- صفت اشاره ، ضمیر ملکی ، صفت اشاره ، ضمیر ملکی
- ۲- ضمیر اشاره ، صفت اشاره ، ضمیر اشاره ، ضمیر ملکی
- ۳- صفت اشاره ، ضمیر اشاره ، صفت اشاره ، ضمیر ملکی
- ۴- " این " صفت اشاره ، " آن " ضمیر ملکی

۳۲۴- " روز ، شب " در بیت زیر چه نقشی دارند؟

(ز اضطراب دلم روز وصل معلوم است که از بلای شب هجر جان نخواهم برد) نظیری

- ۱- هر دو نقش قیدی دارند
- ۲- روز = مسندالیه ، شب = مضاف الیه
- ۳- روز = مسند الیه ، شب = مسند
- ۴- روز = قید ، شب = مسندالیه

۳۲۵- " سودایی " در بُن دو مصراع زیر یعنی چه؟

(با وصال نپخته سودایی از فراق شدیم سودایی) عراقی
۱- اولی = هوس ، دومی = دیوانه ۲- اولی = یکی از اخلاط ، دومی = بی آبرو
۳- اولی = عشق ، دومی = مشهور ۴- اولی = سود و نفع ، دومی = سیاه بخت

۳۲۶- کدام دسته از کتابهای زیر نوشته‌ی " دکتر عبدالکریم سروش " می‌باشد؟

- ۱- ایدئولوژی شیطان ، دانش و ارزش ، چه کسی می‌تواند مبارزه کند ،
- ۲- ما در کدام جهان زندگی می‌کنیم ، مجموعه مقالات ، جهان بینی توحیدی
- ۳- علم چیست فلسفه چیست ، تاریخ ادیان ، خیانت و خدمت روشنفکران
- ۴- مارقین ، قاسطین ، ناکثین ، علل گرایش به مادیگری ، مادر کدام جهان زندگی می‌کنیم ،

۳۲۷- " مُسْنَدُالِیْه " دو مصراع بیت زیر کدام است؟

(عَضَد را پسر سخت رنجور بود شکیب از نهاد پدر دور بود) سعدی

۱- پسر . پدر ۲- سخت . شکیب

۳- پسر . شکیب ۴- رنجور . دور

۳۲۸- املاي کدام لغت با توجه به معنی غلط است؟

۱- سَالُوس : حيله و فريب ۲- سَعِير : زبانه آتش

۳- سَالُوك : فقير و درويش ۴- سَفِير : بانگ و آواز

۳۲۹- کدام دسته از پسوندهای زیر با کلمه‌های (سَمَن . دیو . رود . دیگ) به ترتیب مناسبست دارد؟

۱- وش . ساز . کنار . بان ۲- کار . انه . ساز . بر

۳- زار . لاج . بار . دان ۴- بو . ان . لاج . ور

۳۳۰- " مُسْنَدُ إِلَیْهِ " و " مُسْنَد " دو مصراع بیت زیر در کدام پاسخ درست است؟

(خیري از مهر که شد زین سان به گلشن زرد روی

لاله از عشق که شد زین سان به بستان داغدار؟)

قائنی

۱- که . سان - که . سان ۲- مهر . گلشن - عشق . بستان

۳- گلشن . خیری - بستان . لاله ۴- خیری . زرد روی - لاله . داغدار

۳۳۱- دو غلط متن زیر را که از مقدمه‌ی " نامه‌ی دانشوران " انتخاب شده در کدام پاسخ می‌یابید؟

" ... نخست آنکه در تَتَبَعْ^۱ و تَفَحَّصْ^۲ اِستیفای^۳ ثَمات آثار و اخبار و حالات فُقَها و مُحَدِّسین^۴

و حُکما و مَنجَمین و نَحاة^۵ و لُغویین و اَطباء و مَفَسِّرین و عَرَفاء و مُقَرِّعین^۶ و شُعرا از آغاز هجرت

تا سَطوع^۷ انوار دولت قاجار چندان بَذل توجه کنید که ... "

۱- تَتَبَعْ . سَطوع ۲- اِستیفای . نَحاة

۳- تَفَحَّصْ . بَذل ۴- مُحَدِّسین . مُقَرِّعین

۳۳۲- کتابهای : " بهارستان . پریشان . مُنْشآت . مُناجات نامه " به ترتیب از کیست؟

۱- شیخ احمد جامی . عبید زاکانی . رضا قلی خان هدایت . ملا محمد باقر مجلسی .

۲- عبدالرحمن جامی . حبیب قاننی . میرزا ابوالقاسم قائم مقام . خواجه عبدالله انصاری

۳- عبدالرحمن جامی . حبیب قاننی . صادق هدایت . خواجه عبدالله انصاری

۱- تحقیق و پژوهش در علم ۲- بازبینی . کاوش ۳- زنده گردانیدن . حق چیزی را تمام ادا کردن ۴- روایت گوینده

۵- علمای علم نحو ۶- خوانندگان قرآن ۷- نابین و درخشیدن

۴- خواجهی کرمانی . عبدالرحمن جامی . صنیع الدوله . کاشفی سبزواری

۳۳۳- کتاب " تماشاگهی راز " از کیست و در چه موضوعی است ؟

۱- استاد محمد تقی جعفری . در مبانی عرفان

۲- استاد محیط طباطبایی . در نوادر تاریخی

۳- استاد مرتضی مطهری . در عرفان حافظ

۴- استاد جلال الدین همایی . در فنون بلاغت

۳۳۴- " مُسْنَدُ إِلَیْهِ " دو مصراع بیت زیر را در کدام پاسخ درست می دانید ؟

(کس را پس پردهی قضا راه نشد از سرِ قَدَرِ هیچ کس آگاه نشد)

۱- کس . کس ۲- قضا . قدر

۳- پرده . سر ۴- راه . هیچ کس

۳۳۵- کدام دو تن از حکمای معروف ایران در نثر و نظم فارسی آثار ارزنده ای دارند ؟

۱- حکیم ابونصر فارابی . حکیم ابوعلی سینا

۲- حکیم زکریای رازی . حکیم ابوریحان بیرونی

۳- حکیم ناصر خسرو قبادیانی . حکیم عمر خیام

۴- حکیم عمر خیام . حکیم ابوالقاسم فردوسی

۳۳۶- معنی کدام لغت را نادرست می دانید ؟

۱- سُوقُ : راندن ۲- ذَیْلُ : دامن لباس .

۳- قِرْطَاسُ : کاغذ ۴- یَنْبُوعُ : چشمه آب

۳۳۷- معنی و مفهوم بیت زیر چیست ؟

مَنْ آن روز بر کُندم از عمر امید که افتادم اندر سیاهی سپید سعدی

۱- من آن روز از عمر خویش قطع امید کردم که به تباهی و فساد اخلاق افتادم .

۲- من آن روز از عمر خویش بهره ور خواهم شد که سیه روزیم به پایان رسد .

۳- من آن روز به عمر خویش امیدوار خواهم شد که دفتر اعمالم را سپید ببینم .

۴- من آن زمان از زندگی نا امید شدم که در سیاهی موی سر و صورتم سپیدی پدیدار گشت .

۳۳۸- ضمیر متصل " م " در مصراع دوم شعر (تَسْت قبل) چه نقشی دارد ؟

۱- ضمیر فاعلی ۲- مضاف الیه سیاهی

۳- ضمیر مفعولی ۴- متمم سپیدی

۳۳۹- کلمه های : " پاک . پاک . ننگ . خاک " در شعر زیر به ترتیب چه نقشی دارند ؟

(تو پاک آمدی بر حذر باش و پاک) که ننگ است ناپاک رفتن به خاک) سعدی

۱- قیدی ، مسندی ، مسندی ، متممی
۲- مسندی ، نهادی ، مسندی ، متممی

۳- نهادی ، قیدی ، نهادی ، اضافی
۴- اضافی ، مسندی ، متممی ، مفعولی

۳۴۰- جای نقطه چینها را در شعر زیر با کدام دسته از کلمات پر می کنید؟

(غنیمت شمار این گرامی نفس) که بی قیمت ندارد) سعدی

۱- عشق ، هوس
۲- زین ، فرس

۳- مرغ ، قفس
۴- شهد ، مگس

۳۴۱- املاي کدام لغت غلط است؟

۱- أَحْبَار : دانشمندان
۲- أَسْوَاط : تازیانه ها

۳- أَسْفَار : کتابها
۴- أَطْهَار : گله ها و سبزه ها

۳۴۲- ترکیبات اضافی زیر به ترتیب چه نوع اضافای هستند؟

(دیو شب ، پندر پیر ، انگشتِ ندامت ، زنبورِ عمل)

۱- استعاری ، توصیفی ، اقترانی ، توضیحی

۲- تشبیهی ، تخصیصی ، اقترانی ، توضیحی

۳- اقترانی ، تخصیصی ، استعاری ، توصیفی

۴- تخصیصی ، توصیفی ، استعاری ، بیانی

۳۴۳- نوع " ی " را در بیت زیر به ترتیب در کدام پاسخ صحیح می دانید؟

(تَعْلَقَ حِجَابِ اسْتِ وَ بِيْهَا صِلَى) چو پیوندها بگسلی و اِصْلَى) سعدی

۱- نسبت ، ضمیر فاعلی ، وحدت
۲- فعل ربطی ، فاعلی ، نسبت

۳- مصدری ، ضمیر فاعلی ، فعل ربطی
۴- وحدت ، فعل ربطی ، فاعلی

۳۴۴- معنی دو ترکیب : رَعْمَ الْبَدَل ، بئْسَ الْبَدَل " چیست؟

۱- نعمتهای گوناگون ، رنجهای بی شمار
۲- جانشین خوب ، جانشین بد

۳- نعمت های خوب ، بلاهای سهمناک
۴- نظر موافق ، نظر مخالف

۳۴۵- معنی دو لغت " کُحَل ، کُهَل " به ترتیب در کدام پاسخ درست است؟

۱- پزشک چشم ، پزشک
۲- سرمه ، دو مو ، میانه سال

۳- خشکسالی ، تنبلی
۴- چشم ، مو

۳۴۶- کتابهای معروف زیر به ترتیب نوشته ی چه کسی است؟

۱- جایگاه برنده و محبس طيور " قفس " صحیح است " قفس " به معنی " مردن " هست .

(هزار بیشه . صور خیال در شعر فارسی . زنده به گور . دو قرن سکوت)

- ۱ - دکتر باستانی پاریزی . دکتر محمد علی اسلامی . جلال آل احمد . صادق هدایت (
- ۲ - صادق هدایت . دکتر زرین کوب . جمال زاده . دکتر محمدرضا براهنی
- ۳ - جلال آل احمد . دکتر مظاهر مصفا . محمد علی افغانی . محمود دولت آبادی .
- ۴ - محمد علی جمال زاده . دکتر شفیع کدکئی . صادق هدایت . دکتر زرین کوب .

۳۴۷ - املای کدام لغت نادرست است ؟

- ۱ - زَهُوق : گریختن ، رفتن
- ۲ - سَبَّ : دشنام دادن
- ۳ - سراج : چراغ . آفتاب
- ۴ - سَهیل : بانگ اسب

۳۴۸ - معنی یک لغت غلط است ؟

- ۱ - کِهَاد : دروس درجه ۲ و کم اهمیت
- ۲ - نِمَاد : مظهر ، نمودار ، ظاهر
- ۳ - مِهَاد : دروس مهم و درجه یک
- ۴ - رُمَاد : ریگهای نرم

۳۴۹ - در بیت زیر چه صنعت بدیعی بکار رفته است ؟

- إِحْرَامٌ چه بندیم چو آن قبله نه اینجاست در سَعَى چه کوشیم چو از مَرَوْه صفا رفت حافظ
- ۱ - جِنَاس
 - ۲ - طِبَاق وَ تَضَادّ
 - ۳ - مُرَاعَاةُ النَّظِير
 - ۴ - لَفٌّ وَ نَشْر

۳۵۰ - در عبارت زیر " دیگر " و " دیگری " از نظر دستوری چه کلمه‌ای هستند ؟

(امسال با مردم نیکی پیشه ساز که دیگر سال دیگری مالک ملک خواهد بود .)

- ۱ - هر دو صفت مبهم
- ۲ - اولی صفت مبهم . دومی اسم مبهم
- ۳ - هر دو اسم مبهم
- ۴ - اولی اسم مبهم . دومی صفت مبهم

۳۵۱ - " نهاد " در بن دو مصراع بیت زیر از نظر دستوری چه کلمه‌ای است ؟

- چو حاتم به آزادگی سر نهادهاد جوان را برآمد خروش از نهاده سعدی
- ۱ - هر دو فعل ماضی ساده
 - ۲ - هر دو اسم معنی و جامد
 - ۳ - هر دو فعل مضارع التزامی
 - ۴ - اولی ماضی ساده - دومی اسم معنی

۳۵۲ - کتابهای " مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الطَّبِيبُ " و " مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه " اثر کیست ؟

- ۱ - ابوعلی سینا . إمام فخر رازی
- ۲ - محمد زکریای رازی . شیخ صدوق (ابوجعفر محمد بن علی)
- ۳ - ابومنصور موفّق هروی . علاّمه مجلسی
- ۴ - سیّد اسمعیل جرجانی . مُلّا مُحسن فیض کاشانی

۳ - فعلهای مصراع : " گفته آمد که به دلجویی ما می آیی " در کدام پاسخ درست است ؟

- ۱ - ماضی مرکب ، ماضی استمراری
۲ - ماضی ساده ، امر استمراری
۳ - ماضی مجهول ، مضارع اخباری
۴ - فعل ربطی ، مضارع التزامی

۳۵۴ - فعلهای بیت زیر مشخص شود ؛

- (خوشتر آن باشد که سرِ دلبران)
گفته آید در حدیث دیگران (مولوی)
۱ - مضارع اخباری ، مضارع مجهول
۲ - ماضی ساده ، مضارع التزامی
۳ - ماضی التزامی ، ماضی نقلی
۴ - مضارع التزامی ، ماضی مجهول

۳۵۵ - فعل اول و آخر بیت زیر از نظر زمان و شخص در کدام پاسخ صحیح است ؟

- گفتیم : صبر کن ، از صبر بر آید کارت کردمی صبر ز روی تو ، اگر داشتی
۱ - ماضی ساده اول شخص جمع ، ماضی ساده دوم شخص مفرد ،
۲ - ماضی ساده دوم شخص مفرد ، ماضی استمراری ، دوم شخص مفرد
۳ - ماضی ساده دوم شخص مفرد ، ماضی استمراری ، اول شخص مفرد
۴ - ماضی بعید اول شخص ، ماضی نقلی ، دوم شخص

۳۵۶ - " شنیدستم " در مصراع (شنیدستم از راویان کلام) چه فعلی است ؟

- ۱ - ماضی مطلق ، اول شخص مفرد
۲ - ماضی نقلی ، اول شخص مفرد
۳ - ماضی مطلق ، اول شخص جمع
۴ - ماضی التزامی ، اول شخص مفرد

۳۵۷ - فعلهای بیت زیر از نظر زمان مشخص شود ؛

- ای دل آر عشرتِ امروز به فردا فکنی
مایه ی نقدِ بقا را که ضمان خواهد شد
۱ - ماضی ساده ، ماضی مرکب
۲ - ماضی استمراری ، مضارع مرکب
۳ - مضارع اخباری ، مستقبل (آینده)
۴ - مضارع التزامی ، مستقبل (آینده)

۳۵۸ - " گاهها " سخنان کیست ؟

- ۱ - نصایح لقمان حکیم
۲ - سرودهای مذهبی زرتشت
۳ - اندرزهای بزرگمهر
۴ - گفته های مزدک

۳۵۹ - جمع مُکَسِّر ؛ " داعی ، بُخار ، حَرَفه ، زَمَان " به ترتیب کدام است ؟

- ۱ - دَعَاوی ، بُخور ، حِرَفَت ، اَزَمَان
۲ - دَوَاعی ، بُخارات ، حُرَفَاء ، اَزْمَه
۳ - اَدْعِیَه ، بُخاری ، حَرَّاف ، زَمَن
۴ - دُعَات ، اَبْخَرَه ، حِرَف ، اَزْمَه

۳۶۰ - مفرد ؛ " عِیَال ، حُور ، اَسَاطِیر ، حِکَم " چه می شود ؟

۱- مُعِیل ، اَحور ، سطر ، حکیم

۲- عَائِلَه ، حوری ، سیطره ، حکومت

۳- عُیْل ، حُوراً ، اسطوره ، حکمت

۴- عُول ، حور ، مسطور ، حکم

۳۶۱- کدام یک از ترکیبات زیر ترکیب اضافی "مُضَاف و مُضَافٌ إِلَیْهِ" است؟

۱- مردِ غریب

۲- زیرِ میز

۳- رنجِ سفر

۴- نورِ مُطلق

۳۶۲- نهاد عبارت "شب پلاس سیاه بر پیکر کشتگان می کشید" کدام است؟

۱- ضمیر فاعلی "د" در می کشید

۲- شب

۳- پلاس سیاه

۴- کشتگان

۳۶۳- "دانش آموز" از نظر دستوری چه کلمه‌ای است؟

۱- ترکیب وصفی مرکب

۲- اسم مرکب مرکب

۳- ترکیب اضافی مرکب

۴- صفت فاعلی مرکب مرکب

۳۶۴- معنی دو لغت "إِسْتِزَادَتْ" و "إِسْتِعَانَتْ" در کدام پاسخ صحیح است؟

۱- غرور و گردنکشی ، عناد و دشمنی

۲- شایستگی ، پیوستگی

۳- افزون خواهی ، فاش سازی

۴- زیادت طلبی ، طلب یاری و همکاری

۳۶۵- در کلمه‌ی "اهمیت" کدام حرف یا حروف باید علامت تشدید (ّ) داشته باشد؟

۱- حرف "ی"

۲- حرفهای "م" و "و" ی

۳- حرف "م"

۴- حرفهای "ه" و "و" ی

۳۶۶- کدام ترکیب زیر غلط است؟

۱- دوستِ گرام

۲- گرامی دوست

۳- دوستِ گرامی

۴- دوستِ کریم

۳۶۷- مثنویهای : (مَطْلَعُ الْأَنْوَارِ ، مَخْزَنُ الْأَسْرَارِ ، رَوْضَةُ الْأَنْوَارِ ، سُبْحَةُ الْأَبْرَارِ) از کیست؟

۱- عبدالرحمن جامی ، خواجوی کرمانی ، وحشی بافقی ، هلالی جغتائی

۲- خواجوی کرمانی ، اهلی شیرازی ، نظامی گنجوی ، امیر خسرو دهلوی

۳- امیر خسرو دهلوی ، نظامی گنجوی ، خواجوی کرمانی ، عبدالرحمن جامی

۴- نظامی گنجوی ، عبدالرحمن جامی ، امیر خسرو دهلوی ، خواجوی کرمانی

۳۶۸- اَغلَاطِ مَتنِ زیر را در کدام پاسخ می یابید (از : لَمَعَاتِ فَخْرِ الدِّینِ عِرَاقِی)

(بدان که در آسنای هر لمعه‌ای ایمایی آمده می‌آید به حقیقتی منزّه از یقین ، خواه آحبش نام
نه ، خواه عشق اشارتی نموده می‌شود به کیفیت سیر او در اطوار و ادوار در مراتب استقرار و
استبداء^۴ و ظهور او به صورت حقایق)

- ۱- آسنای . استبداء
۲- ایمایی . اطوار
۳- منزّه . استقرار
۴- سیر . ظهور

۳۶۹- نویسنده‌ی کتابهای زیر به ترتیب در کدام پاسخ درست است؟

- (تنگسیر . سو و شون . مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار . کلیدر . شوهر آهو خانم)
۱- رسول پرویزی . سیمین بهبهانی . احمد شاملو . یحیی دولت آبادی . جمال زاده .
۲- صادق چوبک . سیمین دانشور . شاهرخ مسکوب . محمود دولت آبادی . محمد علی افغانی
۳- صادق هدایت . طلعت بصری . آخوان ثالث . احمد شاملو . سیمین دانشور .
۴- دکتر اسلامی . سیمین بهبهانی . آخوان ثالث . محمد علی افغانی . یحیی دولت آبادی .

۳۷۰- " دوستان " و " پریشانی " در بیت زیر چه نقشی دارند؟

- (دوستان شرح پریشانی من گوش کنید قصه‌ی بی سرو سامانی من گوش کنید) وحشی
۱- نهاد . مضاف الیه
۲- منادا . مضاف الیه
۳- نهاد . متمم (مفعول با واسطه)
۴- منادا . متمم (مفعول با واسطه)

۳۷۱- معنی لغات : " مُتَرَفِّین . نَاكِثِین . قَاسِطِین . مَارِقِین " به ترتیب کدام است؟

- ۱- مخالفان . بدگویان . زورگویان . عیبجویان
۲- ثروتمندان . پیکارگران . ستمگران . انتقادگران .
۳- ناز پرودگان . پیمان شکنان . بیدادگران . گمراهان
۴- شاد خواران . فرومایگان . جابران . نادانان .

۳۷۲- مدیران جراید : أَخْتَر . قَانُون . حَبْلُ الْمَتَنِ . عُرْوَةُ الْوُثْقَى ؛

- ۱- محمد . مسعود . میرزا علی اکبرخان دهخدا . میرزا قاسمخان تبریزی . جمال الدین اسدآبادی .
۲- شیخ احمدروحی . ملک الشعرا بهار . سید جمال الدین اسدآبادی . مؤیدالاسلام
۳- میرزا آقاخان کرمانی . سید جمال اسدآبادی . ثقفالاسلام تبریزی . شیخ احمدروحی .
۴- محمد طاهر تبریزی . میرزا ملکم خان . مؤیدالاسلام . سید جمال الدین اسدآبادی

۳۷۳- مدیران روزنامه‌های . نسیم شمال . صوّرا سرافیل . مرد امروز . نوبهار ؛

- ۱- سید اشرف الدین حسینی . میرزا جهانگیر خان شیرازی . محمد مسعود . ملک الشعرا بهار .

- ۲- سید اشرف گیلانی ، میرزا قاسم خان تبریزی ، دکتر بقایی ، محمد تقی بهار ،
 ۳- میرزا جهانگیر خان ، میرزا علی اکبر خان دهخدا ، بهار ، سید اشرف
 ۴- میرزا قاسم خان ، محمد مسعود ، ملک الشعرا بهار ، اشرف حسینی

۳۷۴- املاي کدام لغت با توجه به معنی غلط است؟

- ۱- نامرعی ؛ رعایت نشده
 ۲- مناص ؛ گریز ، گریختن
 ۳- نامرئی ؛ نادیدنی
 ۴- ملاد ؛ زبان کوچک

۳۷۵- معنی کدام لغت درست نیست؟

- ۱- نشید ؛ سرود ، بلند خواندن
 ۲- حلاوت ؛ شیرینی
 ۳- انشاد ؛ پروراندن یک مطلب
 ۴- مرارت ؛ تلخی

۳۷۶- معنی دو ترکیب "أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ، أَسْفَلَ السَّافِلِينَ" به ترتیب در کدام پاسخ درست است؟

- ۱- افسانه‌های باستانی ، پست‌ترین مراتب
 ۲- نوشته‌های پیشین ، عمیق‌ترین دره‌ها
 ۳- پهلوانهای باستانی ، عفريتان دوزخی
 ۴- خط‌های میخی و عبری ، نفرین شدید

۳۷۷- کدام دسته از آثار زیر ، نوشته‌ی "محمد علی جمال زاده" نویسنده‌ی معاصر است؟

- ۱- عمو حسینعلی ، صحرای محشر ، آیین ، ترجمه‌ی کتاب قهوه‌خانه‌ی سورات ، مسخ
 ۲- الدوز و کلاغها ، دارالمجانین ، روابط روس و ایران ، نسیم ، لغت عامیانه
 ۳- سایه روشن ، قصه‌ی غصه‌ها ، گنج شایگان ، اندیشه ، مدیر مدرسه
 ۴- قُلْتُشْن دِیوان ، صحرای محشر ، راه آب نامه ، یکی بود یکی نبود ، هزار بیشه

۳۷۸- جمع مکسر: "أَبٌ ، أُمٌ ، إِبْنٌ ، أَخٌ" در کدام پاسخ درست است؟

- ۱- أَبَوَى ، أُمِّی ، إِبْنِی ، أَخَوِی
 ۲- أَبَاءٌ ، أُمَّهَاتٌ ، أَبْنَاءٌ ، أَخَاءٌ
 ۳- أَبَوَیْن ، أُمَوِی ، بَنَان ، أَخَوَیْن
 ۴- أَبَوَاه ، أُمِّه ، بَنَیْن ، إِخْوَان

۳۷۹- "شنیدستی" در مصراع: خود آب شنیدستی کاتش کندش بریان ، چه فعلی است؟

- ۱- ماضی التزامی ، دوم شخص مفرد
 ۲- ماضی نقلی ، دوم شخص مفرد
 ۳- ماضی استمراری ، سوم شخص مفرد
 ۴- ماضی ساده ، دوم شخص مفرد

۳۸۰- "گناه ، هرگز ، سده ، اندر" به ترتیب چه کلمه‌ای هستند؟

- ۱- اسم معنی ، قید مشترک ، عدد اصلی ، حرف اضافه
 ۲- صفت ساده ، قید نفی ، اسم ذات ، قید مکان
 ۳- صفت ، قید ، صفت ، ربط
 ۴- اسم معنی ، قید مختص ، صفت نسبی ، حرف اضافه

۳۸۱- ضمیر مَفْعِل "تو" در مصراعهای زیر به ترتیب چه نقشی دارد؟

من ایدر برای تو استادهام دل و جان به فرمان تو دادهام

بدانسان روم کم تو فرمان دهی تو شاه جهاندار و من رهی

۱- متمم . مضاف الیه . فاعل . مسندالیه ۲- مفعول . متمم . مسند الیه . فاعل

۳- مضاف الیه . مضاف الیه . فاعل . مسند ۴- متمم . مفعول . فاعل . مسند

۳۸۲- کدام ترکیب زیر "وصفی" است؟

۱- زنگ تفریح ۲- جام بلور

۳- قصه‌ی غصه ۴- مجاهدِ نَسْوَه

۳۸۳- "گرفتار . کشتنی . خبرنگار . نخستین" چه نوع صفتی هستند؟

۱- فاعلی . نسبی . مرکب . شمارشی ۲- مفعولی . لیاقت . فاعلی . شمارشی

۳- مفعولی . لیاقت . فاعلی . نسبی ۴- فاعلی . مفعولی . بیانی . نسبی

۳۸۴- "نهاد" دو مصراع بیت زیر کدام است؟

(ز نیرو بود مرد را راستی) (ز سستی کژی زاید و کاستی) فردوسی

۱- نیرو . سستی ۲- راستی . کاستی

۳- مرد . کژی ۴- ضمیر فاعلی "د" در دو فعل

۳۸۵- ادبیات مکتب "اگزیتانسیالیسم" با کدام یک از مختصات زیر تطبیق می‌کند؟

۱- ضمن تقلید از شیوه‌ی نویسندگان باستانی می‌کوشد که مورد قبول همگان قرار گیرد .

۲- طبیعت را چنان که هست با تمام زشتی‌ها و واقعیاتش می‌نگرد و بیان می‌کند .

۳- بیان دقیق و صحیح طبیعت و زندگی و ترجیح توصیف زشتی‌های اخلاقی را در نظر دارد .

۴- سبکی که هسته‌ی مرکزی آن بر پایه‌ی اصالت انسان "بشر دوستی" استوار است .

۳۸۶- کتاب بسیار مشهور "الغدیر" از کیست و در چه زمینه‌ای است؟

۱- سید رضی . در مناقب علی (ع) ۲- ملا محمد باقر مجلسی . در واقعه‌ی غدیر خم .

۳- شیخ عبدالحسین امینی . در وحدت اسلامی ۴- محمد بن حسین عاملی . در مذهب شیعه .

۳۸۷- کدام یک از ویژگیهای زیر مختصات مکتب "سور رالیسم" را در بردارد؟

۱- بیان مطالب موافق عقل و استدلال و منطق که قوه‌ی تخیل در آن محدود و منظم و مرتب باشد .

۲- بیان دقیق و صحیح تاثرات (تاثرات نیک و بد) و احساسات درونی و ذهنی انسان .

۳- بیان کامل واقعیات طبیعت با تمام زشتیها و مبتذلات آن همانطور که نگریسته و مشاهده می‌شود

۴- بیان احساس یا اندیشه‌ی خالصی زمینه‌ی فکری قبلی یا وابستگی ذهنی یا تعصب و ملاحظه اخلاقی و

قواعد ادبی .

۳۸۸ - " درام " چگونه اثر و نمایشنامه‌ای است ؟

- ۱ - نمایشنامه یا منظومه‌ی جدی و غم‌انگیزی است که موضوع آن سرگذشت رجال مذهبی و مردان بزرگ است
- ۲ - نمایشنامه منظوم یا منثوری است که معمولاً " برای خندانیدن تماشاگران نوشته می‌شود
- ۳ - نمایشنامه‌ای است که در آن مسائل خنده‌آور با قسمت‌های غم‌انگیز زندگی درهم آمیخته باشد
- ۴ - سرگذشت اساطیری و غیر واقعی سنت‌های قدیم یونان قدیم و داستانهای ایران باستان است

(ادبیاتی است موافق عقل و استدلال ، مفاسد اخلاقی را محکوم می‌کند و ملکات فاضله را می‌ستاید)

۳۸۹ - ویژگیهای کدام یک از مکاتیب ادبی است ؟

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| ۱ - مکتب کلاسیسم . | ۲ - مکتب اگزیستانسیالیسم |
| ۳ - مکتب رآلیسم | ۴ - مکتب سوررآلیسم |

۳۹۰ - " فانتزی " یعنی چه ؟

- ۱ - اثری کوتاه و خیالی که بتواند با حقیقت موافق باشد
- ۲ - داستان موهوم و غیر واقعی که با واقعیت خارجی منطبق نباشد
- ۳ - سرگذشت کوتاهی از وقایع عجیب خانوادگی
- ۴ - رمان هجوآمیزی که از اخلاق مردم عصر انتقاد کند

۳۹۱ - دو کتاب لغت معروف " الْمُعْجَد " و " اِنْدِرَاج " از کیست ؟

- ۱ - امام محمد غزالی . حسین خَلَفِ تبریزی
- ۲ - امام احمد غزالی . شیخ محمد داود متخلص به عزیز
- ۳ - لُویس مَعْلُوف . محمد پادشاه متخلص به شاد
- ۴ - ابوبشر سیبویه . شیخ محمد امام

۳۹۲ - کدام یک از مصراعهای زیر : " نهاد . مفعول . مُتَمِّم . مُضَافٌ اِلَیْهِ " دارد ؟

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ - شبی دودِ خلق آتشی بر فروخت | ۲ - مزدور خفته را ندهد مزد هیچ کس |
| ۳ - سنگینی خراج به ما عرصه تنگ کرد | ۴ - هنگام چاشت ، سفره بی نان ما ببین |

۳۹۳ - غرض از " جامِ جم " یا " جامِ جهان بین " در شعر عرفا چیست ؟

- ۱ - آیینهای اسکندر
- ۲ - ارادت صادق سالک
- ۳ - جهان بینی مُرشدِ کامل
- ۴ - دل وارسته‌ی عارف

۳۹۴ - " ادبیاتِ غنایی " به چه نوع آثارِ منظوم و منثوری اطلاق می‌شود ؟

- ۱ - احساسات و عواطف خصوصی و درونی نویسنده یا سراینده در آن تجلی کند .
- ۲ - جنبه‌های ملی و حماسی و عناصر غیر طبیعی قوم یا ملتی در آن تجسم یابد .
- ۳ - از فجایع شوم و وقایع نامیمون و حوادث شفقت انگیز یا وحشت آمیز سخن گوید .
- ۴ - حاوی موضوعات ادبی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و مذهبی و فلسفی باشد .

۳۹۵ - دو غلط‌املايي متن زیر برگزیده از " بهارستان جامی " را در کدام پاسخ می‌یابید ؟

(..... پوشیده نماند که طفلان نورسیده و کودکان رنج نادیده را از تعلّم اصطلاحاتی که
 مَأْنُوسِ طِبَاعٍ اَوْ مَعْلُوفٍ اِسْتَمَاعِ اِيشَانِ نِیست بر دل بارِ وحشتی و بر خاطر غبارِ دهشتی می‌نشیند
 از برای تلطیف و تشحیضِ خاطر وی گاه گاهی از کتاب گلستان که از اَنْفَاسِ مُتَبَرِّکَهِی شیخ
 نامدار و استاد بزرگوار مُصَلِّحُ الدِّین سعدی است سُطری چند خوانده می‌شد)

- ۱ - تعلّم ، اَنْفَاسِ مُتَبَرِّکَهِ
- ۲ - مَعْلُوف ، تشحیض
- ۳ - مَأْنُوس ، سطر
- ۴ - طِبَاع ، دهشتی

۳۹۶ - " صورت و شکل " در ادبیات مهمتر است یا " معنی و موضوع " ؟

- ۱ - معنی و موضوع مهمتر است
- ۲ - شکل و صورت اَصیل تر است
- ۳ - هر دو لازم و ملزوم هم‌اند
- ۴ - هر کدام که دیگری را تحت الشعاع قرار دهد

۳۹۷ - ترکیبهای : سَرای درویش ، عَبْدَاللّٰه زُبَیْر ، شهرِ خون و شهادت ، روی سخن " چه نوع
 اضافهای هستند ؟

- ۱ - تخصیصی ، توصیفی ، بیانی ، اقترانی
- ۲ - ملکی ، بنوّت ، توضیحی ، استعاری
- ۳ - ملکی ، بنوّت ، توصیفی ، بیانی
- ۴ - تخصیصی ، توضیحی ، استعاری ، اقترانی

۳۹۸ - در کدام یک از چهار مصراع زیر استعاره بکار رفته است ؟

- ۱ - یک نیمه ز شب چشم به پروین دارم
- ۲ - این زبان چون سنگ و فَم آهن و ش است
- ۳ - جهانی است بنشسته در گوشه‌ای
- ۴ - تا باد خزان حُلّه برون کرد ز گلزار

۳۹۹ - در عبارت زیر کدام کلمه قید است ؟

(رئیس جمهور طيّ سخنانی خطاب به سفیران جدید ایران چنین اظهار داشتند ،)

- ۱ - طی
- ۲ - جدید
- ۳ - خطاب
- ۴ - چنین

۴۰۰- املای کدام لغت غلط است؟

- ۱- صِماخ ؛ داخل و سوراخ گوش
- ۲- سَمَسام ؛ شمشیر بُرنده
- ۳- صَمَاء ؛ سخت و محکم
- ۴- سَماری ؛ کشتی ، سفینه

۴۰۱- املای کدام لغت درست است؟

- ۱- نَس ؛ کلام صریح ، لفظ آشکار
- ۲- غَازه ؛ گلگونه ، سُرخاب
- ۳- نَحَب ؛ به قهر و غلبه گرفتن
- ۴- قَرَم ؛ میشِ کوهی

۴۰۲- در کدام یک از چهار مصراع زیر " کنایه " بکار رفته است؟

- ۱- ز نرگس بر سَمَن گوهر پراکند
- ۲- وان نیمِ دگر ز چشم پروین بآرم
- ۳- خورشید به هَمّتِ پلندت ماند
- ۴- جهان دل نهاده بر این داستان

۴۰۳- کدام دو ترکیب زیر " وصفی " هستند؟

- ۱- طول زندگانی ، عرض خیابان
- ۲- همه‌ی مطلعین ، روابطِ خصمانه
- ۳- سلسله‌ی افکار ، رشته‌ی دوستی
- ۴- پند پیر ، نظر دانشمند

۴۰۴- (خنده ، رنده ، زنده) به ترتیب چه کلمه‌ای هستند؟

- ۱- اسم مصدر ، اسم آلت ، صفت
- ۲- اسم معنی ، اسم معنی ، صفت مفعولی ، اسم مصدر
- ۳- صفت فاعلی ، مفعولی ، بیانی
- ۴- هر سه اسم مصدر

۴۰۵- مُتَضَاذٌ ؛ "وَعْدَه ، خَوْف ، شَاكِر ، وَجُود " کدام است؟

- ۱- خُلف ، بَشارت ، کَاْفِر ، عَدِیم
- ۲- وَعید ، تَهْوَر ، مُنْکِر ، مَعْدوم
- ۳- وَعید ، رَجَا ، کَاْفِر ، عَدَم
- ۴- عَوْدَت ، تَهْوَر ، کَاْفِر ، فَنَا

(حماسه‌های جاودان کربلا ، به دل ، یقین به جان ، توان به خلق ، ایده می‌دهد)

۴۰۶- " یقین ، توان ، ایده " چه کلمه‌ای هستند؟

- ۱- قید ، صفت ، اسم
- ۲- صفت ، صفت فاعلی ، اسم مصدر
- ۳- صفت ، بن فعل ، قید
- ۴- اسم معنی ، اسم معنی ، اسم معنی

۴۰۷- معنی کدام کلمه غلط است؟

- ۱- اَعْمَى ؛ نابینا و کور
- ۲- اَبْکَم ؛ لنگ و شل
- ۳- اَحْوَل ؛ لوچ و دوبین
- ۴- اَصَم ؛ ناشنوا و کر

۴۰۸- آرامگاه دو عارف بزرگ ایران (باباظاهر عریان ، جلال الدین محمد مولوی) در کجاست؟

- ۱- طوس ، بلخ
- ۲- نیشابور ، بغداد

۳- هرات ، سمرقند ۴- همدان ، قونیه

۴۰۹- بیت زیر در چه قالب شعری است و حرف "رَوّی" قافیه‌ی آن کدام است؟

(دانش اندر دل چراغ روشن است وز همه بد بر تن تو جوشن است) رودکی

۱- مثنوی ، " ن " ۲- مثنوی ، " و "

۳- غزل ، " ش " ۴- قصیده ، " ت "

۴۱۰- " طوس " و " گيو " در بیت زیر چه نقشی دارد؟ " به ترتیب "

(همی راند در پیش با طوس ، گيو پس اندر پرستنده‌ای چند نیو) فردوسی

۱- هر دو فاعل ۲- هر دو متمم

۳- متمم ، فاعل ۴- فاعل ، متمم

۴۱۱- " پرستنده " و " نیو " در شعر فوق یعنی چه؟ " به ترتیب "

۱- خدمتکار و پرستار ، پهلوان و شجاع ۲- دعا گو ، تازه رو

۳- مؤمن ، نیکو رفتار ۴- ستایشگر ، زبان آور

۴۱۲- با توجه به معنی شعر زیر که در وصف " ماه " سروده شده است ، ماه در چه حالتی بوده است؟

چنان چون دو سراز هم باز کرده زَرِّ مَغْرَبِی اَدَسْتُ اَوْرَنَجَن ۲ منوچهری

۱- هلال ۲- محاق

۳- بدر ۴- تربیع

۴۱۳- در کدام لغت و معنی زیر یک غلط‌املائی به چشم می‌خورد؟

۱- تَبْدِیر : اِسراف ۲- مُعَبِّر : خوابگذار

۳- لَثِیم : مُمَسِک ۴- مُعَجِب : خودخواه

۴۱۴- علامت اختصاری "س" در : (حُطْبَه‌ی غُرّای حَضْرَتِ زَیْنَب "س" در دربار یزید) یعنی چه؟

۱- صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهَا ۲- عَلَیْهَا التَّحِیَّةُ وَالتَّنَآءُ

۳- سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهَا ۴- سَیِّدَةُ النِّسَاءِ

۴۱۵- منظور و مقصود کلی شاعر از " جگر بند پیش زاغ نهادن " در شعر زیر چیست؟

یا به تشویش و غصه راضی باش یا جگر بند پیشِ زاغِ بِنه

۱- مجازاً " ترک زن و فرزند را بیان می‌کند ۲- کنایه از محنت و رنج جانفرسا اختیار کردن

۳- استعاره‌ای است برای بیعاری و خوشگذرانی ۴- اشاره به حرص فراوان زاغ به گوشت

۴۱۶- کدام یک از دو کلمه‌های زیر به ترتیب صدای "اسب و شیر" است.

- ۱- نَعِيب . نَهِيَق
- ۲- هَدِير . طَنِين
- ۳- صَرِير . خَوَار
- ۴- صَهِيل . زَثِير

۴۱۷- "گزارَد" و "گزاره" در بیت زیر از نظر دستوری به ترتیب چه کلمه‌ای هستند؟

- سخن حجت گزارد سخت زیبا
- که لفظِ اوست معنی را گزاره (ناصر خسرو)
- ۱- فعل ماضی . صفت نسبی
- ۲- صفت مفعولی مرخم . صفت مفعولی
- ۳- فعل مضارع . اسم مصدر
- ۴- مصدر مرخم . صفت مفعولی

۴۱۸- "فاعل" جمله‌های بیت زیر را در کدام پاسخ درست می‌دانید؟

- (از رشک تو بر کنم دل و دیده‌ی خویش تا اینت نبیند و نه آن داند بیش)
- ۱- تو . و ضمیر متصل "ت" در اینت
- ۲- ضمیر فاعلی "م" . این . آن
- ۳- دل . و در ضمیر فاعلی "د"
- ۴- ضمیر فاعلی در (بر کنم . نبیند . داند)

۴۱۹- ضمیر مشترک "خویش" و ضمیر متصل "ت" در بیت فوق چه نقشی دارند؟

- ۱- مضاف الیه . مفعول
- ۲- هر دو متمم "مفعول با واسطه"
- ۳- مسند الیه . متمم
- ۴- هر دو مضاف الیه "اضافی"

۴۲۰- جای نقطه چینها را در عبارت زیر^۱ از : خواجه عبداللّه انصاری^۲ پر کنید:

- (..... اکسیری است که مس... را طلا می‌کند و خواه را خواه می‌کند .)
- ۱- عشق . عاشق . خود . معشوق
- ۲- قناعت . بی ارزش . دنیا . آخرت
- ۳- محبت . وجود . خود . دیگر
- ۴- صناعت . کانی . زر . هنر

۴۲۱- املاي کدام یک از لغات زیر با توجه به معنی غلط است؟

- ۱- تَأَلَّه : خداپرستی . پارسایی
- ۲- تَهَاتَّر : ادعای باطل . داد و ستد جنسی
- ۳- تُرْفَه : سخن نو . شگفت و نادر
- ۴- تَهْتَك : پرده‌دري . رسوایی

۴۲۲- مؤلف کتابهای زیر به ترتیب در کدام پاسخ درست است؟

- (خدمات متقابل اسلام و ایران ، خدا حافظ شهر شهادت . ما در کدام جهان زندگی می‌کنیم)
- ۱- جلال آل احمد . دکتر شریعتی . استاد مطهری
- ۲- دکتر سروش . استاد مطهری . دکتر شریعتی

۳ - دکتر شریعتی ، استاد مطهری ، دکتر سروش

۴ - استاد مطهری ، دکتر شریعتی ، دکتر سروش

۴۲۳ - "خرد در وجود آدمی" در شعر زیر به چه چیز تشبیه شده است؟

(نهاده‌ی خدای است در تو خرد چو در نار، نور و چو در مُشک ، شَم)

۱ - آتش در روشنایی ، و مُشک در نافه ۲ - آتش در برابر خورشید ، و مُشک در برابر نافه

۳ - سرخی در انار ، و خوشبویی در مُشک ۴ - روشنی در آتش ، و بوی در مُشک

۴۲۴ - سه غلط متن زیر منتخب از "کَلِيلَه وَ دُمنَه" را در کدام پاسخ می‌یابید؟

(.....) رای گفت برهنم^۱ آرا که شنودم^۲ مَثَلِ دو دوست که به تَضْرِيبِ^۳ تَمَام و سَعَايِ^۴ فَطَّان

چگونه از یک دیگر مُسْتَزِيد^۵ گشتند و به عداوت و مُقَاتَلَت گرایید تا مظلومی بی گناه کشته شد و

روزگار داد و دی داد ، که حَدم^۶ بنای باری - عَزَّ اَسْمَه - مبارک نباشد و اَوَاقِب آن از وِبَال^۷

و نِکَال^۸ خالی نماند .)

۱ - تَضْرِيب ، مُسْتَزِيد ، حَدم ۳ - فَطَّان ، حَدم ، اَوَاقِب

۳ - مَثَل ، عَزَّ اَسْمَه ، مُقَاتَلَت ۴ - مُسْتَزِيد ، عداوت ، اَوَاقِب

۴۲۵ - معنی و مفهوم مصراع : " عمل بیار که رختِ سرای آخرت است " یعنی چه؟

۱ - اگر به کار تن دهی به دنیای دیگر رخت می‌بری

۲ - بکوش که رخت و لباس آخرت تهیه کنی

۳ - کار نیک ، توشه‌ی آخرت است

۴ - کار کن که دستمزدت به آخرت دهند

۴۲۶ - " داغ عشقی " و " بیانی آتشین " در شعر زیر چه نقشی (حالتی) دارند؟

دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده (وحشی)

۱ - هر دو مضاف الیه ۲ - هر دو مفعول صریح

۳ - هر دو مسند الیه ۴ - هر دو متمم (مفعول با واسطه)

۴۲۷ - مقصود و منظورِ کلی عبارت زیر چیست؟

(هر که در میدانِ خرد پیاده باشد و از پیرایه حَزَم عاِطِلْ ، مُکْتَسَب او زود در حَیْزِ تفرقه افتد .)

۱ - پیاده‌ی بی خرد و بی احتیاط راه به جایی نبرد .

۲ - انسان بی خرد و بی احتیاط در میدان زندگی تهیدست بماند

۱ - دابشلیم پادشاه وقت هند ۲ - حکیم "بهدای" نویسنده‌ی کتاب ۳ - فتنه‌برانگیزی . سخن‌چینی ۴ - بدگویی و غیبت

۵ - دل‌آزرده و دلگیر ۶ - ویرانی و خراب کردن ۷ - سوء عاقبت ، وخامت امر ۸ - عقوبت و عذاب

- ۳ - سرمایه‌ی بی‌خرد و بی‌احتیاط‌زود از دست برود
۴ - پیاپی‌ی عاری از خرد و حزم بیکار و بی‌چیز خواهد ماند
- ۴۲۸ - مُسْنَدُ الْإِيَّه و مُسْنَدُ مِصْرَاع: "جورِ استاد به ز مهر پدر" در کدام پاسخ درست است؟
۱ - جور . به
۲ - استاد . پدر
۳ - جور . مهر
۴ - جور استاد . مهر پدر
- ۴۲۹ - "جور" و "مهر" در مصراع فوق چه کلمه‌ای هستند؟
۱ - هر دو صفت ساده
۲ - هر دو قید حالت
۳ - هر دو اسم معنی
۴ - هر دو صفت جانشین اسم
- ۴۳۰ - کدام دو شاعر زیر با هم معاصراند؟
۱ - رودکی . ناصر خسرو
۲ - حافظ . سعدی
۳ - نظامی . خاقانی
۴ - جامی . مولوی
- ۴۳۱ - کدام دو شاعر زیر به "سَبْکِ هِنْدِی" شعر می‌سروده‌اند؟
۱ - جمال الدین اصفهانی . عبدالواسع جبلی
۲ - صائب تبریزی . قاتانی شیرازی
۳ - نظیری نیشابوری . حافظ شیرازی
۴ - کلیم کاشانی . عُرْفی شیرازی
- ۴۳۲ - جمع مکسر "حیلَه . لَئیم . تَحْفَه" در کدام پاسخ درست است؟
۱ - حِیال . لَوَّامَه . تَحْف
۲ - حِیل . لِئام . تَحَف
۳ - حِیل . آلام . تحافی
۴ - حایل . لئامت . تحافات
- ۴۳۳ - حرف "را" در کدام یک از مصراعهای زیر علامت فک اضافه است؟
۱ - بر زبان بود مرا آنچه ترا در دل بود
۲ - تفقّدی^۱ نکند طوطی شکر خا را
۳ - قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز
۴ - اگر چه دوست به چیزی نمی‌خرد ما را
- ۴۳۴ - "این" و "آن" در بیت زیر چه نوع کلمه‌ای هستند؟
(نصیحت گوش کن کاین دُر بسی به از آن گوهر که در گنجینه داری)
۱ - هر دو ضمیر اشاره
۲ - هر دو از مبهمات
۳ - هر دو صفت اشاره
۴ - هر دو ضمیر ملکی

۴۳۵- "مُسْنَدُ إِلَيْهِ" و "مُسْنَدُ" جمله‌ی ربطی در مصراع اول بیت فوق کدام است؟

- ۱- نصیحت، گنجینه
- ۲- دَر، به
- ۳- این، آن
- ۴- دَر، گوهر

۴۳۶- "مان" در "آسمان، آسمان" مصراع دوم بیت زیر چه کلمه‌ای است؟

- (آسمان، آسیای گردان است)
- ۱- پسوند مکان، پسوند اسم معنی
- ۲- ریشه امر از ماندن، پسوند بین اندیشه
- ۳- ریشه‌ی کلمه، پسوند حالت
- ۴- پسوند شباهت، ضمیر متصل

۴۳۷- شعر معروف "مهر مادر" با مطلع زیر از کیست و در چه قالب شعری سروده شده است.

- (داد معشوقه به عاشق پیغام)
- ۱- پروین اعتصامی، قطعه
- ۲- ایرج میرزا، قطعه
- ۳- یحیی دولت آبادی، مثنوی
- ۴- سیمین بهبهانی، مثنوی

۴۳۸- قصیده‌ی معروف "وطن دوستی" با مطلع زیر از کیست؟

- تا زبرِ خاکی ای درخت برومند
- ۱- ملک الشعراء بهار
- ۲- ادیب الممالک فراهانی
- ۳- فرّخی یزدی
- ۴- عارف قزوینی

۴۳۹- پسوند "ک" در عبارت: (روز سیم نزد او رفتیم و نرمک او را گفتیم.) به چه معنی است؟

- ۱- تحقیر
- ۲- تحبیب و تعظیم
- ۳- تصغیر
- ۴- گونه و شباهت

۴۴۰- جای نقطه چینها را در اختتام عبارت نغز و پر مغز دکتر شریعتی پر کنید؟

(و تو ای پسر! اگر می‌خواهی که در زندگی گرفتار هیچ دیکتاتوری نشوی، فقط یک کار کن:)

- ۱- بخروش، بخروش، بخروش
- ۲- بکوش، بکوش، بکوش
- ۳- بخوان، بخوان، بخوان
- ۴- بستیز، بستیز، بستیز

۴۴۱- معنی کلمه‌های: "ثَارٌ، ثَوْرٌ، ثَوْرَةٌ" به ترتیب یعنی؟

- ۱- کینه، خون، شورش
- ۲- خونخواهی، گاوانر، انقلاب
- ۳- انتقام، زمین، کینه
- ۴- خون، برانگیختن، گاوان ماده

۴۴۲- داستان عامیانه "امیر ارسلان و فرخ لقا" وسیله چه کسی و در چه قرنی تلخیص گردیده است؟

۱- نَقِيبُ الْمَمَالِك ، اواخر قرن سیزدهم ۲- عَبْدُاللطیف طُسُوجِي ، قرن دوازدهم

۳- توران آغا فخرالدوله ، قرن چهاردهم ۴- رضا قلی خان هدایت ، قرن سیزدهم

۴۴۳- کدام عبارت زیر، معنی و مفهوم "مُشَخ" را در بردارد؟

۱- انتقال روح انسانی به بدن انسانی دیگر ۲- انتقال روح انسانی به بدن حیوانات پست

۳- انتقال روح انسانی به بدن سباع و طیور ۴- انتقال روح انسانی به بدن اشجار و نباتات

۴۴۴- "تَهْلِيل" به کدام یک از شعارهای اسلامی زیر گفته می شود؟

۱- لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ۲- سُحُانَ اللَّهِ

۳- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۴- اللَّهُ أَكْبَرُ

۴۴۵- "مُسْنَدٌ إِلَيْهِ" و "مُسْنَدٌ" عبارت: (لایقِ قَدَرِ من آنستی) کدام است؟

۱- من . آن ۲- قدر من . آنستی

۳- لایق قدر . من ۴- آن . لایق قدر من

۴۴۶- !ملای کدام لغت زیر نادرست است؟

۱- قُرَاضه : ریزه و براده ی فلزات ۲- حَجَر : کنار، دامن، پناه

۳- زَاغَر : چینه دان، حوصله ۴- هَجَر : منع کردن، بازداشتن

۴۴۷- مثنویهای: "سَلَامَانُ وَأَبْسَالُ، بَیْزَنُ وَمَنِيْزَه، هَشْتِ بَهْشْت" به ترتیب از کیست؟

۱- عنصری، دقیقی، خواجه ۲- جامی، فرودسی، امیر خسرو دهلوی

۳- نظامی، رودکی، جامی ۴- وحشی، جامی، نظامی

۴۴۸- داستانهای معروف: "پیر چنگی، شیخ صنعان" سروده ی کدام شاعر عارف است؟

۱- مولوی، عطار ۲- جامی، سنایی

۳- سنایی، شبستری ۴- عراقی، هاتف

۴۴۹- (ایستاده، نشسته، ریخته، شکسته) در عبارت زیر چه نوع کلمه ای هستند؟

(شمع را دیدم ایستاده، و شاهد نشسته، و می ریخته، و قدح شکسته، گلستان سعدی باب پنجم)

۱- صفت فاعلی ۲- قید حالت

۳- صفت مفعولی ۴- فعل ماضی نقلی

۴۵۰- "خواستار، باستار، جُستار" به ترتیب چه کلمه ای هستند؟

۱- اسم مصدر، اسم ذات، صفت ۲- صفت فاعلی، اسم مبهم، اسم مصدر

۳- صفت مفعولی، اسم مصدر، اسم معنی ۴- فعل امر، صفت فاعلی، اسم ذات

۴۵۱ - (ابو شکور بلخی در قرن ۱۰۰۰ می زیست و مثنوی ۱۰۰۰ را به نام یکی از شاهان ۱۰۰۰ سرود .)

۱ - چهارم ، آفرین نامه ، سامانی ۲ - ششم ، تَحْفَةُ الْعِرَاقِیْن ، خوارزم

۳ - پنجم ، و اَمَق و عَذْرَا ، غزنوی ۴ - هفتم ، شَرْفِنامه ، مغول

۴۵۲ - (خزانة بَيْتِ الْمَالِ لُقْمَةُ مَسَاكِينِ است نه طُعْمَةُ إِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ .) یعنی ؟

۱ - گنجینه ثروتمندان و توشه‌ی تهیدستان نباید خوراک نابکاران گردد .

۲ - مالیات کشور که بیشتر از مساکین وصول می شود صرف عمران زمینهای مالکین می گردد

۳ - گنجینه کشور اسلامی پشتوانه زندگی نیازمندان است نه خوراک اسراف کنندگان مال

۴ - از درآمد عمومی مملکت آذوقه‌ی بیچارگان و خوراک شیطان صفتان فراهم می شود

۴۵۳ - عبارت : " گفتا : شنیده‌ام که شتر را به سُخْرَه می گیرند . " یعنی چه ؟

۱ - گفتا : شنیده‌ام که شتر را به بازی گرفته اند .

۲ - گفتا : شنیده‌ام که شتر در سنگلاخ و کمر در می ماند

۳ - گفت : شنیده‌ام برای شتر کارگر اجیر می کنند

۴ - گفت : شنیده‌ام که شتر را برای بیگاری می برند

۴۵۴ - (عبارت : مُقَرَّبَ حَضْرَتٍ وَ مُشَارًا إِلَيْهِ وَ مُعْتَمِدَ عَلَيْهِ گشت .) یعنی ؟

۱ - عزیز و برگزیده درگاه و مشاور و مورد اعتماد دربار گشت .

۲ - از نزدیکان درگاه و از اشاره کنندگان مورد اعتماد گشت .

۳ - با یکی از خویشاوندان درگاه مشورت کرد و به پشتیبانی او شاد گشت .

۴ - به القاب ، مُقَرَّبَ الْحَضْرَتِ وَ مُشَارًا إِلَيْهِ وَ مُعْتَمِدَ عَلَيْهِ مفتخر گشت .

۴۵۵ - معلّم اوّل و دوم بشر به کدام دو حکیم زیر اطلاق می شود ؟

۱ - سقراط ، ابن سینا ۲ - افلاطون ، خواجه نصیر طوسی

۳ - ارسطو ، فارابی ۴ - سقراط ، میرداماد

۴۵۶ - " تنها " در بیت زیر از نظر دستوری ، به ترتیب چه کلمه‌ای است ؟

مگر خضر مبارک پی تواند که این تنها به آن تنها رساند

۱ - هر دو صفت بیانی ۲ - صفت جانشین اسم ، اسم ، ذات ، جمع

۳ - هر دو اسم جمع ۴ - اولی قید ، دومی صفت

۴۵۷ - تناسب کدام دو کلمه نسبت با سایر کلمه‌ها همانند نیست ؟

۱ - پویا ، پویان ۲ - روا ، روان

۳- جویا ، جویان ۴- دوا ، دوان

۴۵۸- معنی یکی از ترکیبهای زیر غلط است؟

- ۱- برِ اطلاق : رها و آزاد شدن
- ۲- برِ آغالیدن : تحریض و برانگیختن
- ۳- به راستای : در حق ، درباره‌ی
- ۴- برِ آویختن : مُصارَعَت و نبرد

۴۵۹- متن کدام جمله‌ی زیر از نظر نگارش نادرست است؟

- ۱- ایمان ، اعتقاد به قلب و اقرار به زبان و عمل به جوارح است .
- ۲- آفتها از کمبود تغذیه و فقر عمومی پایه می‌گیرند
- ۳- شعار هنر برای هنر فاجعه‌ای بس عظیم است
- ۴- فرد انقلابی به " اکنون " از سکوی " آینده " می‌نگرد

۴۶۰- املا‌ی کدام لغت با توجه به معنی نادرست است؟

- ۱- جُهد : توانایی و کوشش
- ۲- حَصد : درو کردن ، دریدن
- ۳- جَحد : انکار کردن
- ۴- حَصّ : برانگیختن ، تشویق

۴۶۱- کتاب " رِضَابُ الصَّبِيَّان " از کیست و در چه زمینه‌ای و در چه قرنی تألیف شده است؟

- ۱- ابونصر فارابی ، فلسفه ، قرن پنجم
- ۲- فرهاد میرزا مُعْتَمَد الدّوله ، لغت انگلیسی قرن سیزدهم
- ۳- ابونصر فراهی ، لغت ، قرن هفتم
- ۴- کمال الدّین حُسام هِروِی ، شرح آیات ، قرن هشتم

۴۶۲- معنی کدام یک از ترکیبات زیر غلط است؟

- ۱- مُحَطَّر حَال : جایگاه و بار انداز مسافران
- ۲- أَخْلَاطُ أَرْبَعَه : عناصر چهارگانه طبیعت
- ۳- مَهْبِطُ جِبْرِئِل : جایگاه فرود فرشته‌ی وحی
- ۴- إِقَالَتِ بَيْع : فسخ کردن معامله

۴۶۳- شعر زیر از کیست و بر روی سنگ آرامگاه کدام شاعر مَلّی نقر شده است؟

- | | |
|--|---|
| دروبه صفتان زشت خورا نکشند | در مَسْلُخِ عشق جز نکورا نکشند |
| مردار شود هر آنکه او را نکشند | گر عاشق صادقی ز کشتن مَهْراس |
| ۲- حُسین مَنصُور حَلّاج ، مدیر نسیم شمال | ۱- عَیْنُ الْقُصَاةِ همدانی ، فرخی یزدی |
| ۴- سُرْمَد کاشانی ، میرزاده‌ی عشقی | ۲- شیخ ابوسعید ابوالخیر ، عارف قزوینی |

۴۶۴- کدام دسته از کلمه‌های زیر " اسم مشتق " هستند؟

- ۱- زیبا ، دانا ، شنوا
- ۲- پرستار ، خریدار ، خواستار
- ۳- جزا ، پهنای ، صفا
- ۴- تابه ، سنبه ، گیره

۴۶۵- مقصود بیت (به کارنامه‌ی پیشینیان نگر، بدو خوب که تلخ‌کامیت آرد پدید و کام دهد) چیست؟

- ۱- دفتر اعمال گذشتگان را ورق بزن و ببین که بدو خوب و غم و شادی فراوانی دیده‌اند .
- ۲- در شرح حال و اعمال نیاکان خود بنگر و ببین که بدی ، تیره بختی به بار می‌آورد و خوبی خوشبختی .
- ۳- در تاریخ شاهان پیشدادی بد و خوب و پیروزی و شکست زیادی به چشم می‌خورد .
- ۴- در کار اجداد و نیاکان خود دقیق شو و توجه داشته باش که بد و خوب و غم و شادی تو نیز در تاریخ ثبت می‌شود .

۴۶۶- کتابهای : تفسیر آفتاب " و " ارزش احساسات " از کیست؟

- ۱- استاد شریعتی ، جلال آل احمد
- ۲- استاد مرتضی مطهری ، محمد علی اسفندیاری
- ۳- استاد مفتاح ، صمد بهرنگی
- ۴- استاد محمد رضا حکیمی ، نیما یوشیج

۴۶۷- کتابهای : " راه محمد " و " نمایشنامه زندگی گالیله " ترجمه‌ی کیست؟

- ۱- اسد الله میثری ، عبدالرحیم احمدی
- ۲- برتولت برشت ، جواد فاضل
- ۳- عباس محمود العقاد ، محمد علی فروغی
- ۴- جرجی زیدان ، برتولت برشت

۴۶۸- در عبارت پر مغز زیر منتخب از کتاب " نظام حقوق زن در اسلام " استاد مطهری کدام کلمه غلط نوشته شده؟

(... جمود جامدها به جاهلها میدان تاخت و تاز می‌دهد و جهالت جاهلها جامدها را در عقاید خشکشان متصلب تر می‌کند ، و در این میان ، آن که باید قرامت اشتباه هر دو دست‌هرا بپردازد ، اسلام است)

- ۱- جاهلها
- ۲- متصلب
- ۳- جهالت
- ۴- قرامت

۴۶۹- مفهوم این بیت : "آب حیوان نه آب حیوان است جان با عقل و عقل با جان است" یعنی چه ؟

- ۱- آب حیوان ، آب حیات بخش نیست ، بلکه جان است که به عقل و عقل است که به جان زندگی می‌بخشد .
- ۲- مقصود از آب حیوان آن است که هر کس روان خود را به خرد بیاراید به زندگی جاویدان دست یافته است .

۳- آب زندگی بخش نه در خور هر حیوانی است تنها جانهای خردمندان به آن صفا و طراوت می یابند.

۴- آب حیات بخش نه همین آب معمولی است که حیوان هم نوشد بلکه همچون جان و عقل آدمی عزیز است.

۴۷۰- جمع مؤنث سالم کلمه‌های "زَوْجَه" . نَفَحَه" با توجه به اعراب در کدام پاسخ صحیح است؟

۱- زَوَّجَات ، نَفَحَات

۲- زَوَّجَات ، نَفَحَات

۳- زَوَّجَات ، نَفَحَات

۴- زَوَّجَات ، نَفَحَات

۴۷۱- معنی لغت "أهل" با کدام کلمه‌ی زیر بی ارتباط و نامناسب است؟

۱- زن

۲- آنس

۳- فرزند

۴- شایسته

۴۷۲- کدام دو لغت زیر از نظر معنی با یکدیگر تناسبی نداشته‌اند؟

۱- خُدَر ، رَخو

۲- خُدَر ، سِتَر

۳- ثُغور ، ثُنایا

۴- مُهَذَّب ، مُدْهَب

۴۷۳- فاعل و مفعول مضارع اول و نوع "الف" مضارع دوم بیت زیر در کدام پاسخ درست است؟

نیاموزی اگر ما را تو گفتار

بزرگا منزلا و مشکلا کار

۱- ضمیر فاعلی "ی" ، ما ، الف تعجب

۲- تو ، ما ، الف کثرت

۳- گفتار ، ما ، الف اشباعی

۴- تو ، گفتار ، الف تعظیم و تکثیر

۴۷۴- کدام دانشمند زیر درباره‌ی کتاب "قانون" بوعلی رنجی کثیر برده و تحقیقی عمیق کرده‌و

شرحی دقیق نوشته است؟

۱- أَبُو عُبَیْدٍ جَوْزْجَانِی در اواخر قرن پنجم

۲- خواجه نصیر طوسی ، قرن هفتم

۳- قُطْبُ الدِّینِ محمودِ شیرازی در آخر قرن هفتم

۴- أَبُو سَهْلٍ مَسِیحی ، قرن پنجم

۴۷۵- "دَارُالْفُنُون" به همت چه کسی و در چه سالی دایر شد؟

۱- میرزا ابوالقاسم قائم مقام ، ۱۲۵۰ قمری

۲- اعتضاد السلطنه ، ۱۲۷۴ قمری

۳- فرهاد میرزا معتمد الدوله ، ۱۲۸۵ قمری

۴- میرزا تقی خان امیر کبیر ، ۱۲۶۸ قمری

۴۷۶- کدام جمله‌ی زیر درست تر است؟

- ۱- قاضی در قضاوت باید آزاد باشد
۲- قاضی در قضاوت بایستی آزاد باشد
۳- قاضی در قضاوت بایست آزاد باشد
۴- قاضی در قضاوت می‌بایستی آزاد باشد

۴۷۷- دو کتاب " آنجا که حق پیروز است " و " مرد نامتناهی " از کیست؟

- ۱- محمدرضا حکیمی ، جُرج جُرداق
۲- پرویز خرسند ، حسن صدر
۳- موسوی گرمودی ، فیض الاسلام
۴- دکتر زرین کوب ، سید رضی

۴۷۸- کدام جمله‌ی زیر از نظر نگارش غلط است؟

- ۱- مردی را که می‌بینی برادر من است
۲- هیئات از این امید درازی که در سرداری
۳- اسلام بر برادری و برابری استوار است
۴- دریغ‌آگاهی حقیقت‌فدای مصلحت می‌شود

۴۷۹- نام انا جیلِ اَرْبَعَه در کدام پاسخ صحیح است (عهد جدید)

- ۱- یهودا ، لوقا ، جلیل ، قیس
۲- مرقس ، تعمید ، یهودا ، استف
۳- متی ، مرقس ، لوقا ، یوحنا
۴- یوحنا ، تکوین ، جلیل ، متی

۴۸۰- نام اَسْفَارِ خَمْسَه (تورات) در کدام پاسخ صحیح است (عهد عتیق یا قدیم)

- ۱- سفر پیدایش ، سفر خروج ، سفر لاویان ، سفر اعداد ، سفر تثنیه
۲- سفر تکوین ، سفر دخول ، سفر اشراق ، سفر وجود ، سفر اعراض
۳- سفر خمس ، سفر طبیعیات ، سفر الهیات ، سفر مَشاء ، سفر اسباط
۴- سفر اعراض ، سفر جواهر ، سفر حاخام ، سفر لاوی ، سفر یهودا

۴۸۱- سه غلط متن زیر را که از کتاب التَّصْفِیَه فی اَحوالِ الْمُتَصَوِّفَه برگزیده شده است در کدام

پاسخ می‌یابید؟

" سه خُلق سبب هلاک است: یکی شَحْ۱ قالب ، دوم هوای مفرط و سوم عَجَب۲ ظاهر و سه چیز اصل نجات است راستی در فقر و غنا۳ درستی در سَخَت۴ و رضا و ترس از خدا در خلوت که چون مراعی۵ گردد محبوب ماند . "

- ۱- شَح ، محبوب ، غنا
۲- شَح ، عجب ، سَخَت
۳- عَجَب ، مفرط ، غنا
۴- قالب ، سَخَت ، مراعی

۴۸۲- " مُسْنَدُ اِلَیْهِ ، مُسْنَد " مصراع (عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است) کدام است؟

- ۱- درویش ، توانگر
۲- کم ، بیش
۳- عیب ، بد
۴- درویش و توانگر ، کم و بیش

۴۸۳ - مصراع: "جامه‌ی کس سیه و دلخ خود ازرق نکنیم" یعنی چه؟

- ۱ - دیگران را مصیبت زده و خود را شادمان نکنیم
- ۲ - دیگری را بد و گناهکار و خود را خوب و بی گناه بشماریم
- ۳ - موجبات ماتم دیگری و شادی خود را نخواهیم
- ۴ - دیگران را بی عزت و خود را پر حشمت جلوه ندهیم

۴۸۴ - کدام دسته از صفت‌های زیر "صفت فاعلی" هستند؟

- ۱ - رونویس ، لگد کوب ، پایمال
- ۲ - دعانویس ، زرکوب ، نمد مال
- ۳ - اسرارآمیز ، پس انداز ، گرفتار
- ۴ - زرنegar ، دست دوز ، لگد مال

۴۸۵ - "چه" در کدام عبارت یا مصراع زیر "صفت پرسشی" است؟

- ۱ - هر چه که دارد همه به خلق ببخشد
- ۲ - چه خوش گفت فردوسی پاکزاد
- ۳ - بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
- ۴ - درین چه حکمت بود

۴۸۶ - "همه" در کدام عبارت یا مصراع زیر "اسم مبهم" است؟

- ۱ - همای بر همه مرغان از آن شرف دارد
- ۲ - همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار
- ۳ - همه راستی کن که از راستی
- ۴ - تیرِ جمعی حجت همه بینداخت

۴۸۷ - "هیچ" در کدام عبارت یا مصراع زیر "صفت" است؟

- ۱ - مکن نماز بر آن هیچکس که هیچ نکرد
- ۲ - ز ترس خدا هیچ غافل مباش
- ۳ - وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست
- ۴ - هیچ می‌دانی خرد به تا روان

۴۸۸ - مؤلف و سال تألیف "نَهْجُ الْبَلَاغَةِ"؟

- ۱ - ابوالسودِ دوقلی ، اواخر قرن اول
- ۲ - سید محمد رُضی ، سرآغاز قرن پنجم
- ۳ - عبدالله بن عباس ، اواخر قرن اول
- ۴ - کُمیل بن زیاد ، اواسط قرن اول

۴۸۹ - قصیده‌ی عرفانی معروف با مطلع زیر از کدام شاعر بزرگ زبان فارسی است؟

(مکن در جسم و جان منزل که این دون است و آن والا

قدم زین هر دو بیرون نه نه اینجا باش و نه آنجا)

- ۱ - حکیم ناصر خسرو قبادیانی ، قرن پنجم
- ۲ - حکیم انوری ابیوردی ، قرن ششم
- ۳ - حکیم سنایی غزنوی ، قرن ششم
- ۴ - حکیم خاقانی شروانی ، قرن ششم

- ۴۹۰- در بیت زیر مقصود از "تیر" چیست و چه هنر و صنعتی به آن نسبت داده شده است^۱.
(کَلک از کف تیر سرنگون گردد / چون من ز خدنگ خامه سرگیرم) بهار
- ۱- سهم و حصه، ارزیابی و پخش کالا
۲- ستاره‌ی عطارد، دبیری و نویسندگی خدا
۳- خدنگ، کشندگی و جگر شکافی
۴- ماه شمسی، گرم‌زدگی و بی توانی
- ۴۹۱- در این بیت دیگر "بهار" مقصود از "ناهید" چیست و چه هنری به او نسبت داده شده است؟
(ناهید به زخمه تیزتر گردد / چون من سر خامه تیزتر گیرم)
۱- ستاره‌ی زهره، رامشگری
۲- ستاره‌ی زحل، نحوست و نامبارکی
۳- ستاره مریخ، جنگاوری
۴- ستاره‌ی مشتری، سعادت و مبارکی
- ۴۹۲- نام مؤلف کتابهای: "آیین سخنوری"، "ستارخان" را در کدام پاسخ می‌یابید؟
۱- محمد حجازی، حسین مکی
۲- علی دشتی، شاهرخ مسکوب
۳- محمد علی اسلامی، رسول پرویزی
۴- محمد علی فروغی، هوشنگ اپرانی
- ۴۹۳- مقاله‌ی معروف "سیاست‌زدایی توده"^۲ نوشته‌ی کیست و کلاً در چه زمینه‌ای است؟
۱- دکتر علی شریعتی، عدل و امامت
۲- استاد محمدرضا حکیمی، جهاد و شهادت
۳- استاد مرتضی مطهری، ولایت فقیه
۴- اسدالله مبشری، آزادی در اسلام
- ۴۹۴- "آفات نهضت"^۳ از نظر استاد مطهری در بخشی از کتاب (نهضت‌های اسلامی) عبارتند از:
۱- بی توجهی به هدف، اعمال هر گونه وسیله برای حصول هدف، انحراف از هدف، جمود و تحجر.
۲- شاد زیستی، خوشبینی مفرط، خروج از صحنه، امید و اعتماد به دیگران
۳- غفلت زدگی، غریزدگی، آیسیم گرایی، تکیه بر دولت خارجی
۴- نفوذ اندیشه‌های بیگانه، تجدّد گرایی افراطی، ناتمام گذاشتن، رخنه‌ی فرصت طلبان

۱- قدما برای هر یک از سیارات منظومه‌ی شمسی وظیفه و صفتی قائل بودند؛
چو گیرم اندر بنان کَلک پی شاعری / عطارد از شرم من سر به گریبان برد
گر زُحل نحس خویش پیداکرد / مشتری نیز داد خویش بـداد
و انگهم در داد جامی کز فروغش بر فلک / زهره دررقص مدوبربط‌زان می‌گفت‌نوش حافظ
۲ و ۳- این دو مقاله در کتاب قرائت فارسی سال دوم دبیرستان مندرج است شما را به خواندن آنها توصیه می‌کند

۴۹۵- فاعل و مفعول و متمم در مصراع؛ "کسی برگرفت از جهان کام دل" به ترتیب کدام است؟

- ۱- کام دل ، بر ، جهان
- ۲- کسی ، دل ، جهان
- ۳- کسی ، کام دل ، جهان
- ۴- کسی ، جهان ، کام

۴۹۶- مُسْنَدُ إِلَیْهِ و مُسْنَد و متمم مصراع "که یکدل بود با وی آرام دل" کدام است؟

- ۱- یکدل ، آرام دل ، وی
- ۲- وی ، دل ، دل
- ۳- ضمیر مستتر ، یکدل ، آرام دل
- ۴- آرام دل ، یکدل ، وی

۴۹۷- "را" در کدام یک از مصراعهای زیر علامت "فک" اضافه "است"؟

- ۱- چمیدن درخت جوان را سزد
- ۲- ترا که گفت؟ که این زال ترک دستان گفت؟
- ۳- چو ما را به غفلت بشد روزگار
- ۴- کند مرد را نفسِ اماره خوار

۴۹۸- "چون" در کدام یک از مصراعهای زیر "حرف اضافه" است؟

- ۱- صافیَم خوان چون صفای صوفیان را چاکرم
- ۲- بهار آمد و خاک شد چون بهشت
- ۳- دیوانگی است چاره‌ی دل چون گرفته شد
- ۴- آخر این غوره‌ی نوخاسته چون حلوا شد.

۴۹۹- (نخل ، مَنْ ، نخل ، نَوی) در بیت زیر یعنی چه؟

عسل دادت از نخل و، مَنْ از هوا رطب دادت از نخل و، نخل از نَوی

- ۱- فرقه و گروه مذهبی ، منت نهادن ، خرما ، آوا و بانگ
- ۲- پدر یا جد ، ضمیر منفصل شخصی ، خرما ، گروگان
- ۳- زنبور عسل ، شیرخشت ، درخت خرما ، هسته
- ۴- زنبور عسل ، ترنجبین ، دوخت خرما ، توشه و هزینه

۵۰۰- عبارت؛ "شیطان با مُخْلِصان بر نیاید و سلطان با مُفْلِسان، یعنی؟

- ۱- دیو نفس با پاکدلان و پارسایان بر نتابد و سلطان زر اندوز با تهیدستان
- ۲- شیطان با پارسایان نیامیزد و پادشاه با تهیدستان نستیزد
- ۳- شیطان از مردان خدا می‌ترسد و پادشاه از مردمان بی چیز می‌هراسد
- ۴- نه شیطان چیزی از پرهیزکاران رباید و نه پادشاه چیزی از بینوایان ستاند



تستهای کنکور

سالهای ۵۷ و ۵۸

در پایان، ۳ دوره از تست های آزمون سراسری دانشگاه
(سالهای ۵۷ و ۵۸) را که بالغ بر ۱۸۰ تست می شود ، برای حُسن ختامِ
مجموعه و آشنایی هر چه بیشتر و بهتر شما به نحوه ی سئوالات آزمون
پیوست نموده اضافه می نماید که از این تستها در خلال تهیه و تنظیم
مجموعه استفاده نشده که تکرار آنها از اعتبار و تازگی تستها بگاهد .

آزمایش عمومی آزمون زبان فارسی
(امتحان ورودی سال ۱۳۵۲)
دانشگاهها و مدارس عالی کشور

- ۱- کدام کلمه غلط معنی شده است؟
 - ۱- ابرام : پافشاری
 - ۲- مجری : اجرا کننده
 - ۳- متضمن : در بردارنده
 - ۴- عجول : لج باز
- ۲- در جمله : " همیشه احتمال سقوط سخره‌های عظیم در جاده‌های صعب العبور وجود دارد " املای کدام کلمه غلط است؟
 - ۱- سقوط
 - ۲- صعب
 - ۳- سخره
 - ۴- احتمال
- ۳- متن کدام جمله از نظر نگارش اشکال دارد؟
 - ۱- بازرسان از بی بی آبی باغات میوه اظهار تأسف خوردند
 - ۲- بلند خوانی برای اصلاح نوشته‌ها کمک موثری است
 - ۳- نوشته خود را با سرآغازی مناسب آراست
 - ۴- قبل از فرا رسیدن بهار همهی درختان جوانه زده بودند
- ۴- مناسب ترین کلمه‌ها برای تکمیل :

" مجال سخن تا نیایی ز پیش

به بیهوده گفتن میر " کدام است ؟

 - ۱- نوش و نیش
 - ۲- عذر بیش
 - ۳- قدر خویش
 - ۴- ارج کیش
- ۵- کدام متن از نظر نگارش اشکال دارد؟
 - ۱- نخستین ذکری که ما را سزاوار است سپاس خداوند یگانه است
 - ۲- یکی از مردم مشهد به اصفهان آمده بود
 - ۳- لازمهء همبستگی مردم جهان وحدت نظر است
 - ۴- مبادا عموم حتماً از مسافرت آمده باشد
- ۶- معنی بیت : ای که دستت می‌رسد کاری بکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار " چیست ؟
 - ۱- اگر کاری از تو بر نمی‌آید دست به هیچ کار مزن
 - ۲- کاری کن که پیش از تو بدان دست نزده‌اند
 - ۳- تا فرصت هست نکوکاری کن

- ۴ - تو اگر نکو کار باشی به انجام هر کاری توانا خواهی بود
- ۷ - "توصیه" یعنی :
- ۱ - اصرار کردن ۲ - سفارش کردن
- ۳ - باز کردن ۴ - راه دادن
- ۸ - در عبارت : "قاضی چون هیأت ما بدید و منطق ما بشنید سر به جیب تفکر فرو برد و پس از
تعمل بسیار سر برآورد و گفت " کدام کلمه با املای غلط نوشته شده است ؟
- ۱ - قاضی ۲ - هیأت
- ۳ - عمل ۴ - منطق
- ۹ - کدام کلمه غلط جمع بسته شده است ؟
- ۱ - کیسو - کیسوان ۲ - نیا - نیاکان
- ۳ - خدا - خدایان ۴ - مرده - مردهگان
- ۱۰ - کدام متن از نظر نگارش اشکال دارد ؟
- ۱ - خانواده هوشنگ می خواهند برای گذراندن ایام عید به شیراز بروند اما به علت نبودن
جا مسافرت ایشان عملی نشد .
- ۲ - در بیمارستان از دوستم عیادت کردم او سلامت خود را باز یافته بود و فردا بیمارستان را
ترک خواهد کرد .
- ۳ - بارانهای پراکنده به هوای بهاری لطافت خاص می بخشد .
- ۴ - تربیت انسان از گهواره شروع می شود و برای اغلب مردم تا روز مرگ ادامه می یابد .
- ۱۱ - کدام کلمه غلط معنی شده است ؟
- ۱ - صحیفه ؛ نامه ۲ - موجر ؛ اجاره دهنده
- ۳ - فراغت ؛ دور شدن ۴ - منزلت ؛ درجه
- ۱۲ - فعل امر از مصدر " انداختن " به کدام صورت باید نوشته شود ؟
- ۱ - بیانداز ۲ - به انداز
- ۳ - بی انداز ۴ - بینداز
- ۱۳ - مناسبترین معنی برای عبارت : "آلهی آن را که عقل دادی چه ندادی و آن را که عقل
ندادی چه دادی " کدام است ؟
- ۱ - بار الها چرا به کسی که عقل دادی همه چیز دادی و به آن که ندادی هیچ چیز ندادی ؟
- ۲ - خداوند ؛ عقل ده و جهل از سر همه دفع کن
- ۳ - خداوند متعال هر که را دوست بدارد عاقل می کند و جاهل را دوست ندارد
- ۴ - خداوند به هر کس که خرد داد همه چیز داد و به هر که نداد هیچ چیز نداد

۱۴ - کدام جمله از نظر نگارش اشکال دارد؟

- ۱ - وقوع جنگ اتباع دولت متخاصم را از کشور اخراج کرد
- ۲ - همیشه امکان اجتناب از بیماریهای مسری وجود دارد
- ۳ - جهالت ، موجب اسقاط تکلیف نیست

۴ - بی اطلاعی مجرم از مفاد قانون موجب تبرئه وی نمی شود

۱۵ - "اجاقشان کور مانده بود" یعنی :

- ۱ - فرزندشان نمی دید
 - ۲ - بچه دار نشده بودند
 - ۳ - کانون گرمی تشکیل نداده بودند
 - ۴ - چیزی برای پختن نداشتند
- ۱۶ - در عبارت : "مالیاتهای معوقه‌ی حقوق مطالبه می شود" (معوقه) یعنی :

- ۱ - عقب افتاده
- ۲ - فراموش شده
- ۳ - حساب نشده
- ۴ - بخشوده شده

۱۷ - در عبارت : " برای مسافرت به مسافتات دور باید از وسایت نقلیه‌ی عمومی مجاز استفاده کرد." املای کدام کلمه نادرست است؟

- ۱ - مجاز
- ۲ - نقلیه
- ۳ - وسایت
- ۴ - مسافتات

۱۸ - در بیت : " مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس توبه فرمایان چرا خود توبه کمتری کنند"

نیم بیت دوم ، کدام کلمه‌ی نیم بیت اول را تفسیر می کند؟

- ۱ - دانشمند
- ۲ - مشکلی
- ۳ - مجلس
- ۴ - باز پرس

۱۹ - کدام متن از نظر معنی نادرست است؟

- ۱ - پیشنهادهای مشروط در مزایده معتبر نیست
- ۲ - صلاحیت هیأت مدیره برای اعضا محل تردید است
- ۳ - شرکت کنندگان در مناقصه ، شرایط بعدی را نپذیرفتند
- ۴ - مشتری ، وام را به موقع مسترد نکرد و مشمول جریمه عدم تأخیر شد

۲۰ - بیت : " دل از بیماری به فکرت مسوز شب آبستن است ای برادر به روز " در چه مفهومی است؟

- ۱ - امید
- ۲ - اندیشیدن
- ۳ - انتظار
- ۴ - خودشناسی

۲۱ - " مباحثات " یعنی :

- ۱ - بهتر کردن
- ۲ - بخشش کردن

- ۳- فخر کردن
۴- تشویق کردن
- ۲۲- املای کدام کلمه با توجه به معنی مقابل آن غلط است؟
۱- مُضَلّ؛ گمراه کننده
۲- مُوْشَح؛ آراسته
۳- غامِض؛ دشوار
۴- حَرَاصَت؛ نگهبانی
- ۲۳- در عبارت: "در عصر ما به تنهایی و بدون مدد اهل تحقیق و فن نمی توان آثار دقیق علمی و ادبی بوجود آورد." کدام کلمه "صفت" است؟
۱- تحقیق
۲- دقیق
۳- تنهایی
۴- مدد
- ۲۴- کدام متن از نظر معنی اشکال دارد؟
۱- اگر فرهنگ پیشرفته نباشد، روابط اجتماعی متزلزل می شود.
۲- پیشرفت جوامع صنعتی تحولات اجتماعی را سبب می شود
۳- توسعه تسهیلات رفاهی کارگران اقدامی بجاست
۴- کارمند، تقسیط بهای اتومبیل را به بانک مسترد کرد
- ۲۵- شعر: "روزی که گذشته است از و یاد مکن فردا که نیامده است فریاد مکن" درباره ی کدام موضوع است؟
۱- دم غنیمت شمردن
۲- دوراندیشی
۳- تلاش معاش
۴- عفو و بخشش
- ۲۶- در جمله: "هتک حرمت دیگران پسندیده نیست." معنی "هتک حرمت" یعنی:
۱- ضرر رسانیدن
۲- تهمیت زدن
۳- بی احترامی کردن
۴- محروم ساختن
- ۲۷- کدام متن از نظر نگارش اشکال دارد؟
۱- هواپیما هنگام برخاستن از فرودگاه دچار سانحه شد
۲- شرکت به پنج نفر حسابدار احتیاج دارد که آنان را از طریق مسابقه انتخاب خواهد کرد
۳- افزایش بهای بنزین اثری در کم شدن مصرف نداشت
۴- چند بار به او تذکر شد که از کار خطا دست بردارد
- ۲۸- املای کدام کلمه با توجه به معنی مقابل آن غلط است؟
۱- ارتقاع؛ بالا رفتن
۲- ارائه؛ نشان دادن
۳- تقلیل؛ کم کردن
۴- وساطت؛ میانجی گری
- ۲۹- مفهوم بیت: "هیچ صیقل نگو نداند کرد آهنی را که بد گهر باشد" به معنی کدام بیت زیر نزدیکتر است؟

- ۱ - چون بود اصل گوهری قابل تربیت را در او اثر باشد
 - ۲ - قدر گهر جز گهر شناس نداند مرد ادب را ادیب داند مقدار
 - ۳ - سنگ بد گوهر اگر کاسه زرین بشکست قیمت سنگ نیفزاید و زر کم نشود
 - ۴ - قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن لا جرم از ابر تا دریا تنزل بایدش
- ۳۰ - کدام جمله از نظر معنی نادرست است؟

- ۱ - شاخص هزینه‌ی زندگی به علت تورم گران تر شد
 - ۲ - طبقات کم درآمد مردم از حمایت دولت بیشتر برخوردار شدند
 - ۳ - همیشه قانون عرضه و تقاضا حاکم بر روابط اقتصادی است
 - ۴ - فرمان تغذیه رایگان، در مدارس به نحو احسن اجرا نمی‌شود
- ۳۱ - کدام کلمه غلط معنی شده است؟

- ۱ - تسطیح؛ هموار کردن
 - ۲ - تحدید؛ ترساندن
 - ۳ - نصب؛ بر پا کردن
 - ۴ - تجانس؛ همانند بودن
- ۳۲ - در عبارت: "فردوسی، اَصاطیر ایرانی را احیا کرده و از این لحاظ حائز اهمیت است" کدام کلمه با املای غلط نوشته شده است؟

- ۱ - لحاظ
 - ۲ - احیا
 - ۳ - اصاطیر
 - ۴ - حائز
- ۳۳ - کدام متن از نظر نگارش اشکال دارد؟

- ۱ - داستانی را که بسیار غم انگیز بود برای او حکایت کردم.
 - ۲ - اتفاقی را که روی داد بسیار جالب بود.
 - ۳ - داستانی را که برایم تعریف کرد به دیگران باز گفتم.
 - ۴ - مردی را که در راه دیدم شناختم.
- ۳۴ - "پیرایه" مرکب است از:

- ۱ - پیر + ا + یه
- ۲ - پیر + یه
- ۳ - پیرا + یه
- ۴ - پیرای + ه

- ۳۵ - معنی "متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد"، چیست؟

- ۱ - اگر سخنگو را زشت نگویند، سخنش به سود مردم نخواهد بود.
- ۲ - هر کسی سخن بد بگوید مردم او را سرزنش می‌کنند
- ۳ - تا هر گوینده خرده نگیرند سخنش درست نمی‌شود
- ۴ - اگر گوینده از سرزنش مردمان بترسد به سود آنان سخن نمی‌گوید

- ۳۶ - کدام دو کلمه از نظر ساختمان با دو کلمه "سُنْب، سُنْبَه" شباهت دارد؟

- ۱- رند . رنده
۲- دماغ . دماغه
۳- ریش . ریشه
۴- تیغ . تیغه
- ۳۷- "اَلْهَام" یعنی :
۱- مهلت خواستن
۲- از کسی خواهش و تمنا کردن
۳- در دل انداختن و به دل گرفتن
۴- با خدای خود عهد بستن
- ۳۸- کدام متن از نظر نگارش درست نیست ؟
۱- اگر مردم سود خود را تشخیص دهند سزای خود را خواهند دید
۲- کارمندان بد نفعی ندارند ، مانند کسبه بد باید آنها را طرد کرد
۳- هدف سازمانهای دولتی باید خدمت به مردم باشد
۴- به آنچه را دستور خریداری دادم مورد نیاز است
- ۳۹- کدام متن از نظر نگارش درست نیست ؟
۱- حافظ از شاعران گرانقدر ایران است
۲- بازرسان امتحانات را از حوزه بازدید کردند
۳- میان دولتهای متخاصم جنگ سختی در گرفت
۴- عارف از انوار علم روشن گردد تا بدان عجایب غیب بیند
- ۴۰- مفهوم عبارت : " هر که فرصتی فائت گرداند بار دیگر بر آن قادر نشود ، " چیست ؟
۱- فرصت از دست دادن نشانه ضعف و ناتوانی است
۲- هر کس فرصتی را از دست دهد می تواند دوباره آن را بازیابد
۳- فرصتی که از دست رفت دیگر به دست نمی آید
۴- کسی که فرصتی را از دست دهد دیگر بر هیچ کاری توانا نیست
- ۴۱- کدام متن از نظر نگارش درست نیست ؟
۱- در تهران ساختمانهای عمومی بزرگ ایجاد شده است ،
۲- تعداد شاعران ایرانی که به زبان تازی شعر گفته اند بسیار است
۳- بیشتر اوقات او صرف مطالعه می شود
۴- برخی از مردم به داستانهای جنایی بسیار با علاقه مندند
- ۴۲- کلمه " سَدید " در کدام متن غلط به کار رفته است ؟
۱- نثرش سست و سدید بود و شعرش نا استوار
۲- بود گفتار خوشش یکسره ستوار و سدید
۳- کاخ سدید سخن پاری از باد و باران گزند نیابد
۴- سنگ سدید نیست چو آب روان به طبع

۴۳- در جملهی : " با تمام قوا به جبران مافات پرداخت " (مافات) یعنی :

- ۱- خرابیها
- ۲- آنچه از دست رفته
- ۳- آفتها
- ۴- قرضها

۴۴- کدام متن از نظر نگارش درست نیست ؟

- ۱- شکارچی گوزن را هدف قرار داد و او را بر زمین می افکند .
 - ۲- طبیعت با این همه تفاوتها اسرار فراوانی که ناشی از یک مبداء است دارد .
 - ۳- دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند ، شاید که به یک دم بیازارند .
 - ۴- من همیشه به آفتاب ، به این مظهر روشنایی عشق می ورزم .
- ۴۵- معنی و مفهوم عبارت : " ما با شعر تنها به عنوان شاخه‌ای از شاخه‌های ادبیات سروکار پیدا نمی‌کنیم ، بلکه آن را وسیله‌ای می‌بینیم برای بهتر شناختن خود و گذشته کشورمان . " چیست ؟

- ۱- نه ما بلکه دیگران نیز شعر را به صورت شاخه‌ای از ادبیات بکار می‌برند .
 - ۲- کسی که با شعر سروکار پیدا نکند کشورش را نخواهد شناخت .
 - ۳- شعر ، وسیله‌ای است برای آشنایی با ادبیات و تاریخ کشور .
 - ۴- شعر ، بهترین وسیله برای شناخت تاریخ کشور است .
- ۴۶- مناسبترین کلمه برای تکمیل جمله : به دشت آهوی نا گرفته " کدام است ؟

- ۱- مران
- ۲- متاز
- ۳- مگیر
- ۴- مبخش

۴۷- در عبارت : " دو ملاح ماهر مرا شنا بیا موختند به کراهیت نه به تبع " کدام کلمه با املائی غلط نوشته شده است ؟

- ۱- تبع
- ۲- ملاح
- ۳- کراهیت
- ۴- ماهر

۴۸- مناسبترین کلمه برای تکمیل جمله : " وای از آن روز که بی کسب گردد شام " کدام است ؟

- ۱- اثر
- ۲- نظر
- ۳- هنر
- ۴- هدر

۴۹- بیت : " هر که را بر سماع بنشستی واجب آمد به خدمتش برخاست " یعنی :

- ۱- هر که را بر سفره بنشانی . باید به خدمتش برخیزی .
- ۲- بر سفره‌ی هر کس بنشینی واجب است به خدمتش قیام کنی .
- ۳- هر که بر سفره‌ات بنشیند ، باید همیشه در خدمت تو باشد .

- ۴ - بر سفره هر کس بنشینی واجب است که او در خدمت تو باشد .
- ۵۰ - مناسبترین کلمه برای تکمیل جمله : " رحم آوردن بر بدان ستم است بر " کدام است ؟
- ۱ - نابخردان
۲ - نا اهلان
۳ - نیکان
۴ - خویشان
- ۵۱ - در جمله : " همه عالم گواه عصمتِ اوست " (مسند) کدام است ؟
- ۱ - او
۲ - عالم
۳ - همه
۴ - گواه
- ۵۲ - مناسبترین کلمه برای تکمیل جمله : " شاهنامه ، سند ملت ایران است " کدام است ؟
- ۱ - شاهکار
۲ - افتخار
۳ - حکومت
۴ - سخاوت
- ۵۳ - در جمله : " به درگاه باری روی آورد ، " (باری) یعنی :
- ۱ - بخشنده
۲ - بار دهنده
۳ - مبرا
۴ - آفریننده
- ۵۴ - مناسبترین کلمه برای تکمیل جمله : " قبل از مسافرت برایش مجلس تشکیل دادند " کدام است ؟
- ۱ - تودیع
۲ - معارفه
۳ - مذاکره
۴ - یاد بود
- ۵۵ - رابطه کدام دو کلمه با سایر ردیفها همانند نیست ؟
- ۱ - بدان - دانستن
۲ - بدید - دیدن
۳ - بمان - ماندن
۴ - بخور - خوردن
- ۵۶ - منظور نویسنده در عبارت : " مَتَرَقِبَ بودم که کسی حَرِّ تَمُوز از من به بَرَفایی فرو نشانَد " چیست ؟
- ۱ - کاستن از گرمای تابستان با آب خنک پاشیدن
۲ - نجات از تابستان با برف خوردن
۳ - رفع گرمای تابستان با آب خنک
۴ - آب سرد بر کسی ریختن در فصل گرما
- ۵۷ - مناسبترین کلمه برای تکمیل نیم بیت زیر کدام است ؟
- " تا صدف نشد پر در نشد "
- ۱ - قانع
۲ - نافع
۳ - مانع
۴ - قاطع

۵۸- در عبارت: " توانگران دست تناول به طعام آنگه برند که متعلقان و زیردستان بخورند و فضله‌ی مکارم ایشان به آرامل و پیران و عقارب و جیران رسد " کدام کلمه با املای غلط نوشته شده است؟

۱- فَضله

۲- تناول

۳- عقارب

۴- آرامل

۵۹- مناسبترین کلمه برای تکمیل جمله: " عبید زاکانی اوضاع نابسامان زمان خود را با بیان می‌کند . " کدام است؟

۱- عبارات عاشقانه

۲- طنز لطیف

۳- سستی کلام

۴- کلام عفیف

۶۰- شعر: جوهر نمای جوهر ذاتی خویش باد خاکش به سرکه زنده به نام پدر بود

درباره‌ی کدام موضوع است؟

۱- اعتماد به نفس

۲- مذمت خودپسندی

۳- اندوختن ثروت

۴- بخشش و از خود گذشتگی

آزمون زبان فارسی - آزمایش عمومی
(امتحان ورودی سال ۱۳۵۸)
"جلسه صبح" دانشگاهها و مدارس عالی کشور

الف - بخش یکم : معنی کلمه‌ی متن هر سؤال را از بین چهار جواب بیاوید و در پاسخنامه علامت

(=) بزنید .

۱ - " دم فرو بستن " یعنی :

۱ - سکوت کردن

۳ - غمخواری

۲ - " شوخ چشم " یعنی :

۱ - زیبا چشم

۳ - بی حیا

۳ - " عاصی " یعنی :

۱ - بیمار

۳ - شکایت

۴ - " ثمین " یعنی :

۱ - رنگارنگ

۳ - گرانبها

۵ - " تفحص " یعنی :

۱ - مطالعه

۳ - مباحثه

۶ - " تشمت " یعنی :

۱ - پراکندگی

۳ - سختی

۷ - " تحرز " یعنی :

۱ - بی باکی

۳ - گستاخی

۸ - کدام کلمه به معنی " زرد " است ؟

۲ - سهل انگاری

۴ - نفس کشیدن

۲ - تند خو

۴ - خوش ادا

۲ - گناهکار

۴ - خدمت

۲ - نقره‌ای

۴ - پولک دوزی شده

۲ - بازخواست

۴ - جستجو کردن

۲ - تیره شدن اوضاع

۴ - با خشم سخن گفتن

۲ - خویشتن داری

۴ - پرهیزگاری

- ۱- احمر
۲- ارزق
۳- اصفر
۴- اسود
- ۹- در عبارت: "نظام الملک زبان داد و گفت امشب با سلطان بگویم." (زبان داد) یعنی:
- ۱- فرمان داد
۲- مهلت داد
۳- به سخن درآمد
۴- قول داد
- ۱۰- در بیت: شب پراکنده خسب آن که پدید نبود وجه بامدادنش "پراکنده" یعنی:
- ۱- جدا
۲- ناآرام
۳- برهنه
۴- ترسان

ب- بخش دوم: بهترین پاسخ را برای محل یا محل‌های نقطه چین متن پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید؛

۱۱- از مزاح کردن با زیر دستان

- ۱- بیاویزد
۲- بیامیز
۳- بگیریز
۴- بهره‌یز
- ۱۲- دیری به سوک مادر نشستم و زبان از گفت و شنود بر بستم و ایام را با خاطر و درد جانکاه جدایی بییوستم.

- ۱- فراخنای
۲- گرفتگی
۳- فراخی
۴- گشادگی
- ۱۳- چون در اختیار یکی از دو کار مردّد باشی آن را انتخاب کن که
- ۱- ساده‌ترین باشد
۲- ساده‌ترین است
۳- سهلتر انجام پذیرد
۴- سهلتر نظر خواهد رسید
- ۱۴- سامانیان به نشر و ترویج زبان فارسی علاقه

- ۱- خاص داشتند
۲- خاص خواهند داشت
۳- خاص داشت
۴- خاص خواهد داشت
- ۱۵- از یک گل نمی‌شود.

- ۱- بهار
۲- بلبل امیدوار
۳- عسل حاصل
۴- باغ آباد
- ۱۶- باید در فنون سخن‌توانایی داشته باشی تا در هر مجلسی به فراخور و در خور شنوندگان سخن‌گویی.

- ۱- ارباب
۲- احوال

- ۳ - اجساد ۴ - اجسام
- ۱۷ - در عبارت : " اگر این مهم را سود آن رهایی از مرگ خواهد بود .
- ۱ - می پذیرفتم ۲ - پذیرفتم
- ۳ - پذیرفته بودم ۴ - پذیرم
- ۱۸ - پرویز به میان دولشگر پس سر بیرون و بتاخت .
- ۱ - می ماند . نهاد ۲ - بماند . نهاد
- ۳ - بماند . می نهد ۴ - مانده است . نهاده
- ۱۹ - پیشرفت سریع علوم جدید بعضی از فیلسوفان را بر آن داشته است که فلسفه را نیز در شمار یکی از علوم
- ۱ - قرار داد ۲ - قرار داده اند
- ۳ - قرار دهند ۴ - برقرار گذارند
- ۲۰ - پدر و مادرش را و به نعمت بیکران خشنود
- ۱ - خوانده است . گردانیده بود ۲ - بخواند . گردانید
- ۳ - خوانده بود . می گرداند ۴ - می خواند . ساخت
- ۲۱ - همه را دوست دار تا همیشه در باشی و چون همه را داری خیال دشمنان در نظر می آید و چنان است که شب و روز در خارستان می گردی .
- ۱ - گل و گلستان ۲ - تماشا و خوشی
- ۳ - سعادت و نیکنامی ۴ - دیدار و پندار
- ۲۲ - خیانت کردن با خداوند خویش را بر خلاف دیدم .
- ۱ - غدر ۲ - کفر
- ۳ - قدر ۴ - حزم
- ۲۳ - چون اندک مایه افتاد فضیلت علم طب را بشناختم .
- ۱ - وقفه ۲ - وقوف
- ۳ - واقف ۴ - توقف
- ۲۴ - وقتی از اوقات با جمعی از آزادگان بر حمرای هر چمن و هر دمن می گذشتم .
- ۱ - خضرای ۲ - یغمای
- ۳ - سودای ۴ - صغرای
- ۲۵ - برگل سرخ از نم او فتاده لالی همچو عرق بر شاهد غضبان .
- ۱ - فراق ۲ - فراش
- ۳ - کنار ۴ - عذار

- ۲۶- هر چه زود آید دیر نپاید . یعنی .
- ۱- مال دنیا به کسی وفا نکند
 - ۲- گل همین پنج روز و شش باشد
 - ۳- دیر آمد و شتاب کرد
 - ۴- باد آورده را باد می برد
- ۲۷- نکو کاری از مردم نیک رای یکی را به ده می نویسد خدای . یعنی :
- ۱- کار نیک مردم نیک اندیش را خداوند ده تا بحساب می آورد
 - ۲- خداوند به نیکوکاران به اندازه ده نیک اندیش پاداش می دهد
 - ۳- نیکوکاران را خداوند ده تن می شمارد
 - ۴- مردم نیک اندیش نیکوکاران را ده برابر می کنند
- ۲۸- پیرانه سر بخت و دولت مرا دست گرفت . یعنی :
- ۱- دست من در سر پیری از بخت کوتاه شد
 - ۲- در پیری بخت و اقبال به من روی آورد
 - ۳- دستم در پیری از کار افتاد
 - ۴- بخت و اقبال مرا پیر کرد
- ۲۹- صد انداختی تیر و هر صد خطاست اگر هوشمندی یک انداز و راست . یعنی :
- ۱- چه یک مرد جنگی چه یک دشت مرد
 - ۲- آن خشت بود که پر توان زد
 - ۳- دو صد گفته نیم کردار نیست
 - ۴- کم گوی و گزیده گوی چون در
- ۳۰- چو آید به کوشیدن خیر پیش ز توفیق حق دان نه از سعی خویش . یعنی :
- ۱- اگر نتیجه کارت خوب شد آن را از لطف خداوند بدان
 - ۲- اگر کوششی در کار خیر کنی خدا ترا توفیق خواهد داد
 - ۳- اگر در کار خیر بکوشی ، بهتر است تا به امید حق باشی
 - ۴- اگر خیر پیش روی تو آید شکر کن و قدر آن را بدان
- ۳۱- چون قضا آید طبیب ابله شود . یعنی :
- ۱- اتفاق می افتد که ابلهی ادعای پزشکی کند
 - ۲- چون سرنوشت پیش آید پزشک نادان می گردد
 - ۳- پزشک در قضاوت خود نباید نادانی کند
 - ۴- ابله از روی اتفاق نزد پزشک می آید
- ۳۲- آورده اند که در ناحیت کشمیر شکارگاهی بود که در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی یعنی شکارگاه :
- ۱- چون طاووس در مقابل پر زاغ بود .
 - ۲- مانند دم طاووس بود
 - ۳- از دم طاووس زیباتر بود
 - ۴- مانند پر زاغ در مقابل دم طاووس بود

۳۳- مقصود از "در آنچه نیل به آن ممکن نباشد و به ادراک آن طمع نتوان کرد، توقع مکن."

یعنی :

- ۱- به نایافتنی دل مبنده و به دنبال آن مرو
- ۲- به انتظار بازگشت فرصت از دست رفته مباش
- ۳- از بدخواه توقع دوستی مکن
- ۴- کار ناکرده توقع پاداش مدار
- ۳۴- ابناء جنس ما را به مرتبه ایشان که رساند؟ یعنی :
- ۱- همجنسان ما را چه کسی به آنها مانند می‌کند؟
- ۲- همجنسان ما را چه کسی مانند آنان یک شغل می‌دهد؟
- ۳- چه کسی ما را مانند آنان ارتقای مقام می‌دهد؟
- ۴- همجنسان ما را چه کسی با آنها برابر می‌کند؟
- ۳۵- مستولی کردن یا س بر دل خویشتن خود را در هلاک افکندن است. یعنی :
- ۱- اگر یاس بر دل غلبه کند دل را از کار باز دارد
- ۲- هر کس نومیدی به خود راه دهد خود را به نابودی می‌کشانند.
- ۳- اگر ما یوس نباشی هلاک نخواهی شد
- ۴- مگذار تحت غلبه نومیدی قرارگیری و دل خود را هلاک کنی

د- بخش چهارم - نگارش کدام جمله شیواتر یا درستتر است؟

- ۳۶- ۱- ناصر خسرو از شاعران بلند پایه‌ی ایران است
- ۲- از شاعران بلند پایه‌ی ایران است ناصر خسرو
- ۳- از شاعران بلند پایه‌ی ایران ناصر خسرو است
- ۴- از شاعران ایران ناصر خسرو بلند پایه است
- ۳۷- ۱- اگر دانشگاهها باز می‌بود درسها آغاز می‌شود
- ۲- من برای ثبت نام به دانشگاه مراجعه و کارت دانشجویی گرفتم
- ۳- من به دانشگاه رفتم و نام خود را ثبت کردم
- ۴- دانشگاه از اول مهر باز و استادان همه حضور می‌یابند
- ۳۸- ۱- استادانی که بتوانند همدیف حافظ قرار گیرند انگشت می‌شمارند
- ۲- قاضی نگه کرد، آن جوانمرد را دید آنجا ایستاده
- ۳- معلوم گشت که هر چه ساخته‌ای از رشوت است و مایه‌ی برکت
- ۴- بر خلاف شاعران بزرگ جامی از آنها ظهور نکرد

- ۳۹- ۱- من امروز می‌توانم که در حق ایشان اندیشه‌ای کنم
 ۲- فردا چون مرگ فرا رسد به آنان نیکی بمیرم
 ۳- اگر با بندگان خدای بد کنیم ، تا قیامت نام آور شویم
 ۴- نام ما به زشتی برند و به ما تا قیامت دعا کنند
 ۴۰- ۱- هر که با بدان نشیند سرآغازی نامیمون دارد
 ۲- شدت نیکان روی در فرج دارد و دولت بدان سر در نشیب
 ۳- نصیحت از دشمن پذیرفتن روا ولی شنیدنش غلط است
 ۴- از دو بیرون نیست یا غلط است یا نا صحیح
- ه- بخش پنجم : دستور زبان فارسی " شناخت ویژگیهای کلمه (صرف) یا شناخت نقش کلمه در جمله (نحو) ؛
- ۴۱- عبارت : " آنچه تازه شده است باز نمای تا بر شفقت تو حمل افتد . " چند جمله دارد ؟
- ۱- چهار
 ۲- دو
 ۳- یک
 ۴- سه
- ۴۲- در جمله : " قابوسنامه کتابی است مشتمل بر چهل و چهار باب . " (قابوسنامه) از نظر دستوری چیست ؟
- ۱- اسم عام
 ۲- صفت مطلق
 ۳- اسم خاص
 ۴- کنایه
- ۴۳- " نمکین " از نظر دستوری چه کلمه‌ای است ؟
- ۱- صفت نسبی
 ۲- صیغه مبالغه
 ۳- قید مکان
 ۴- صفت لیاقت
- ۴۴- در جمله ی : " بسیار دان و کم گوی باش . " (کم گوی) چه نوع کلمه‌ای است ؟
- ۱- اسم مرکب
 ۲- صفت فاعلی مرکب مرخم
 ۳- فعل مضارع مرکب
 ۴- مضاف و مضاف الیه
- ۴۵- در جمله ی : " بخت و دولت مرا دوستانه دست گرفت . " کدام کلمه قید است ؟
- ۱- دوستانه
 ۲- دست
 ۳- دولت
 ۴- بخت
- ۴۶- در بیت : " در آن دم که لشکر پیایی رسید / کمان کیانی شاید کشید " (پیایی) چه کلمه‌ای است ؟
- ۱- اسم مرکب
 ۲- صفت

- ۳ - مضاف و مضاف الیه
 ۴ - قید
- ۴۷ - در جمله : " خشم بیش از حد گرفتن وحشت آورد . " (مسند الیه) کدام است ؟
 ۱ - وحشت
 ۲ - بیش از حد
 ۳ - خشم گرفتن
 ۴ - گرفتن
- ۴۸ - در مصراع : " فلک مملکت کی دهد رایگانی " (مملکت) چه حالتی دارد ؟
 ۱ - مفعول بواسطه
 ۲ - مفعول صریح
 ۳ - مسند الیه
 ۴ - مسند
- ۴۹ - در بیت : " گفت او را ناصحی ، ای بی خبر عاقبت اندیش اگر داری هنر " (بی خبر) چه حالتی دارد ؟
 ۱ - مفعول صریح
 ۲ - فاعل
 ۳ - منادی
 ۴ - مسند الیه
- ۵۰ - در مصراع : " تو میندار که من شعر به خود می گویم " کلمه (شعر) چه حالتی دارد ؟
 ۱ - مفعول صریح
 ۲ - قید
 ۳ - مسند الیه
 ۴ - مسند
- ۵۱ - در جمله : " از بی برگی طاقتش طاق شد " (طاقتش) چه ترکیب دستوری است ؟
 ۱ - فعل و فاعل
 ۲ - صفت و موصوف
 ۳ - اسم و پساوند
 ۴ - مضاف و مضاف الیه
- ۵۲ - در مصراع : " شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار " (فاعل) " نهاد " کدامست ؟
 ۱ - ضمیر متصل
 ۲ - شکرگزار
 ۳ - شکر
 ۴ - انعام

و - بخش ششم : هر یک از متن های زیر را بخوانید و به پرسشهایی که بعد از هر یک آمده جواب دهید .

" پیش از اختراع چاپ ، کتاب نادر و کمیاب بود و هر کس موفق به داشتن آن نمی شد . طلاب علوم جزوه جزوه نسخه ی معلم را برای ایام درس می نوشتند و کمتر اتفاق می افتاد که دو نسخه یکسان و بی اختلاف تهیه شود . در هر شهر جماعتی بودند که به نوشتن کتب و رسالات اشتغال داشتند و از آن راه معاش خود را تامین می کردند . لیکن این قبیل کتابهای بازاری که برای فروش نوشته می شد ، اعتباری نداشت ، از آنجا که کاتبان اکثر بیسواد و جاهل بودند ، از عهده استنساخ صحیح بر نمی آمدند و گاهی تصرفات بی جا می کردند و از این رو نویسندگان مزدور را که به شتاب تمام صفحه سیاه می کردند و اجرتی می گرفتند به نادانی و ابله یی نسبت کرده اند . "

۵۳- چرا همه مردم نمی‌توانستند کتاب خطی تهیه کنند؟

۱- کتاب خطی فروخته نمی‌شد

۲- نسخه‌ها گرانقیمت بود

۳- نسخه‌های کتاب بقدر کافی نبود

۴- همه با سواد نبودند

۵۴- چرا نسخه‌های خطی غالباً با هم اختلاف داشتند؟

۱- نسخه نویسه‌ها در استتساخ دقت نمی‌کردند

۲- معلومات نسخه نویسه‌ها با هم تفاوت داشت

۳- نسخه نویسه‌ها نمی‌خواستند کارشان یکنواخت باشد

۴- خریداران کتاب سلیقه‌های مختلف داشتند

۵۵- چرا در شهر عده‌ای به نوشتن کتاب می‌پرداختند؟

۱- می‌خواستند مردم با سواد شوند

۲- نسخه کتابها فراوان شود

۳- از این راه نان می‌خوردند

۴- دولت آنها را بدین کار گمارده بود

۵۶- نسخه‌های خطی که برای فروش تهیه می‌شد چگونه بود؟

۱- زیبا

۲- بی اعتبار

۳- ارزان

۴- عین اصل

"..... فضل بن یحیی از جانب هارون به حکومت خراسان رفت و چون به بغداد آمد

برای هارون هدیه‌ای آورد که در نظری و اطرافیان او ناچیز می‌نمود، هارون پسر علی را به جای او به حکومت فرستاد یحیی پدر فضل که می‌دانست علی مردی ظالم است با رفتن او موافق نبود، لیکن هارون علی را به آنجا فرستاد و او خراسان را غارت کرد و از هر کس هر چه داشت گرفت و با مقداری از آنچه گرفته بود هدیه‌ای بسیار عظیم فراهم ساخت و به بغداد فرستاد، روزی که هدیه‌ها را می‌آوردند، هارون یحیی و فرزندان وی را با خود به قصری برد که بر سر راه بود و چون هدیه‌ها رسید مردم از بسیاری آن تعجب کردند، زیرا هرگز چنان هدیه‌ای به بغداد نیامده بود، هارون یحیی را گفت در روزگار حکومت پسر این مالها کجا بود، گفت در خانه صاحبان آنها در خراسان هارون بسیار خشمگین شد ولی دانست راست می‌گوید،"

۵۷- یحیی با حکومت علی موافق نبود زیرا :

۱- علی ستمکار بود

۲- حکومت را برای فرزند خود می‌خواست

۳- می‌دانست هدیه‌ای بزرگ برای هارون می‌آورد

۴- با او دشمن بود

۵۸- روزی که هدیه علی را به بغداد می‌آوردند یحیی :

۱- در خراسان بسر می‌برد

۲- به سوی خراسان حرکت کرده بود

۳- در قصر همراه هارون بود

۴- به استقبال علی رفته بود

۵۹- علی با مالهایی که از مردم خراسان گرفت چه کرد؟

- ۱- ثروتی عظیم برای خود گرد آورد
- ۲- هدیه‌ای بزرگ برای هارون آماده ساخت
- ۳- بر وسعت خزانه دولت افزود
- ۴- دوستی فضل و یحیی را برای خود خرید
- ۵- خراسان را چه کسی غارت کرد؟

۲- یحیی

۱- علی

۴- فضل

۳- هارون

آزمایش عمومی - آزمون زبان فارسی
(امتحان ورودی سال ۱۳۵۸)
"جلسه عصر" دانشگاهها و مدارس عالی کشور

الف - بخش یکم : معنی کلمه متن هر سؤال را از بین چهار جواب پیدا کنید و در پاسخنامه علامت (=) بزنید :

۱ - "نکوهش" چه معنی می دهد؟

- ۱ - نیکی
- ۲ - کم شدن
- ۳ - پژوهش
- ۴ - سرزنش

۲ - "هیبت" چه معنی می دهد؟

- ۱ - زشتی و بداندیشی
- ۲ - شکوه و بزرگی
- ۳ - اهمیت
- ۴ - هیأت

۳ - "سفاهت" یعنی ؟

- ۱ - گستاخی
- ۲ - بی ادبی
- ۳ - نادانی
- ۴ - بی باکی

۴ - "آزرم" چه معنی می دهد؟

- ۱ - حیا
- ۲ - آتش
- ۳ - آزار رسانیدن
- ۴ - نبرد

۵ - "پرند" یعنی ؟

- ۱ - شبنم
- ۲ - پروانه
- ۳ - حریر
- ۴ - پرند

۶ - کدام کلمه به معنی "زمستان" است ؟

- ۱ - صیف
- ۲ - شتا
- ۳ - ربیع
- ۴ - خریف

۷ - "امارات" چه معنی می دهد؟

- ۱ - نشانه ها
- ۲ - فرمانروایی
- ۳ - تعمیر کردن
- ۴ - امیران

۸ - "اشاعه" یعنی ؟

- | | |
|-----------------------|-----------------|
| ۱ - آموزاندن | ۲ - ارزش نهادن |
| ۳ - رواج دادن | ۴ - ترقی دادن |
| ۹ - " ابدال " یعنی ؟ | |
| ۱ - کیمیا گران | ۲ - اولیای خدا |
| ۳ - مرتاضان | ۴ - شعبده بازان |
| ۱۰ - " فراست " یعنی ؟ | |
| ۱ - زیرکی | ۲ - اسب |
| ۳ - آسایش | ۴ - زبان آوری |

ب - بخش دوم : بهترین پاسخ را برای محل یا محلّهای نقطه چین متن پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید :

۱۱ - روز جمعه بود ، چند نفر از جوانان قریه همت زیر درختی کهنسال جشنی ساده و روستایی گرفته بودند .

- | | |
|-----------|----------|
| ۱ - آورده | ۲ - برده |
| ۳ - نهاده | ۴ - کرده |

۱۲ - یکی از رفیقان روزگار مخالف پیش من آورد .

- | | |
|-----------|-----------|
| ۱ - قدیم | ۲ - موافق |
| ۳ - شکایت | ۴ - معترض |

۱۳ - هر کس در زندگی به رستگاری و پیروزی نزدیک تر است .

- | | |
|---------------|-----------------|
| ۱ - بیشتر جدی | ۲ - جدیت کرده |
| ۳ - جدی شود | ۴ - جدی تر باشد |

۱۴ - نصیب کسی است که برای موفقیت و پیروزی کوشش کند .

- | | |
|-----------|---------------|
| ۱ - سلامت | ۲ - سعادت‌مند |
| ۳ - سعادت | ۴ - نیکبخت |

۱۵ - ابر است بر جای قمر ، زهر است بر جای شکر سنگ است بر جای گهر ، ... است بر جای سمن .

- | | |
|---------|----------|
| ۱ - خار | ۲ - خیز |
| ۳ - خیر | ۴ - خوار |

۱۶ - سخن میان دو دشمن چنان گوی که دوست گردند شرم زده نشوی .

- | | |
|------------|----------|
| ۱ - روزی | ۲ - شاید |
| ۳ - کاملاً | ۴ - اگر |

۱۷- هریک را به کاری منصوب

۱- وامی دارد ۲- کرد

۳- می‌گیرند ۴- می‌گمارد

۱۸- آشنایی ایرانیان با زبانهای اروپایی وسیله‌ای برای تغییر

۱- افکار فارسیان شد ۲- سبک قدما شد

۳- افکار و عقاید می‌بود ۴- مضامین نویسندگی شده باشد

۱۹- دوستان ذخیره روز حاجتند و در گرفتاریها کمک

۱- ایشان بهره‌مند خواهی شد ۲- مادی و معنوی ایشان برخوردار می‌شویم

۳- همراهی مضایقه ندارند ۴- بی‌دریغشان گره گشاست

۲۰- دست آنکه به طعام برند که زیردستان بخورند .

۱- تناول ۲- تبادل

۳- تغافل ۴- تناول

۲۱- کسی از متعلقان منش بر حسب واقعه گردانید .

۱- وقوف ۲- آگاهی

۳- مطلع ۴- استحضار

۲۲- موفق آن کسی است که در هر روز برای کسب فضیلت تازه کوشش و

۱- دانش نو بیاموزد ۲- خدمت استادی برود

۳- به فعالیت بپردازد ۴- مجاهدتی کافی کند

۲۳- اندر باب دبیری سخن بسیار است بدین قدر بسنده باشد تا

۱- به درازا نکشد ۲- کوتاهی نشود

۳- کوتاهتر نشود ۴- دراز کشد

۲۴- این خلاف میان ایشان قائم شد و به مجادله

۱- پایان پذیرد ۲- پیوست

۳- انجامد ۴- کشد

۲۵- کلمه " کار " برای تکمیل کدام پاسخ مناسب تر است ؟

۱- شجاعت وسیله توفیق است ۲- هیچ کس نیک پشیمان نگردد

۳- یک دشمن صد دوست را خنثی می‌کند ۴- کارگر را می‌توان شناخت

ج- بخش سوم : پاسخی که متن سؤال را بهتر معنی می‌کند پیدا کرده در پاسخنامه علامت (=) بزنید !

ج- بخش سوم : پاسخی که متن سؤال را بهتر می‌کند پیدا کرده در پاسخنامه علامت (=) بزنید؛

۲۶- هر که با رسوا نشیند عاقبت رسوا شود . یعنی :

۱- هر که دیگران را رسوا کند خود رسوا می‌شود .

۲- عاقبت آدم رسوا بدبختی است

۳- اگر خواهان نیکنامی هستی با بدان منشین

۴- آدم رسوا با بدان همنشین می‌شود

۲۷- عبارت : " سعید کسی بود که در اکتساب اَصْدِقاء بذلِ جهد کند . " یعنی :

۱- کوشش در راه راستی مایه نیکبختی است

۲- نیکبخت کسی است که کوشش کند دوستانی بدست آورد

۳- کسی که به راستی کسب کند نیکبخت است

۴- بدست آوردن سعادت باید از روی راستی باشد

۲۸- مفهوم عبارت : " عفو کردن ظالمان جور است بر درویشان . " چیست؟

۱- ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان

۲- بد مکن که بدبینی چه مکن که خود افتسی

۳- جای گل ، گل باش ، جای خار ، خار

۴- هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

۲۹- معنی بیت : چو از گلبنی دیده باشی خوشی روا باشد از جور خارش کشی

با مفهوم کدام یک از مثالهای زیر نزدیکتر است؟

۱- گل بی خار جهان مردم صاحب هنرند

۲- تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

۳- می باش چو خار حربه بر دوش تا دامن گل‌کشی در آغوش

۴- هر کرا طاووس باید جور هندوستان کشد

۳۰- بیت : " زمین پوشد از نور پیراهنا شود تیره گیتی بدو روشنا " در وصف چیست؟

۱- گیتی ۲- زمین

۳- خورشید ۴- خدا

۳۱- معنی عبارت : " حالی صواب آن است که بر بالایی روم " ، کدام است؟

۱- اکنون بهتر است بر بلندی روم

۲- اگر بالا بروم به مصلحت حال و آینده خود عمل کردم

۳- بالا رفتن برای من صواب است

۴- حال خوب برای بالا رفتن بهتر است

- ۳۲- شعر: "عمر برف است و آفتابِ تَمُوزِ اندکی ماند و خواجه غِرّه هنوز" در وصف چیست؟
- ۱- غرور ثروت
 - ۲- پیری و درماندگی
 - ۳- کوتاهی عمر
 - ۴- گرما و سرما
- ۳۳- "ما به علوم ایشان مُسْتَظْهَر شویم" یعنی:
- ۱- دانشهای ایشان برای ما کافی است
 - ۲- پشتگرمی ما و کفایت ایشان به دانش است
 - ۳- تکیه ما به علوم و تکیه آنها به کاردانی است
 - ۴- دانش و کاردانی ایشان به ما پشتگرمی می دهد.
- ۳۴- "فردوسی به دخل آن ضیاع از امثال خود بی نیاز بود." یعنی:
- ۱- فردوسی دخل فراوانی داشت و از دیگران بی نیاز بود
 - ۲- فردوسی با درآمد آن املاک احتیاجی به دیگران نداشت
 - ۳- فردوسی با داخل شدن در املاک خود از دیگران بی نیاز بود
 - ۴- فردوسی درآمد خود را ضایع نمی کرد تا بی نیاز بماند
- ۳۵- درباره مصرع: "پذیره شدندش بزرگان همه" کدام یک از چهار پاسخ درست است؟
- ۱- به او خوش آمد گفتند
 - ۲- با او بیعت کردند
 - ۳- او را قبول کردند
 - ۴- او را استقبال کردند

د- بخش چهارم - نگارش کدام جمله یا عبارت شیواتر یا درست تر است؟

- ۳۶- ۱- رازی از حکیمان و پزشکان معروف ایران است
۲- رازی از حکیمان و پزشک معروفتر ایران است
۳- رازی از حکیمان و از پزشکان معروفتر ایران است
۴- رازی حکیم و پزشک معروفترین ایران است
- ۳۷- ۱- او این روش پسند را در معاشرت بکار گرفته است
۲- او این روش پسندیده را در معاشرت بکار برد
۳- او این روش پسندیده را در معاشرت بکار برده است
۴- او این روش پسندیده در معاشرت بکار برده است
- ۳۸- ۱- برای شرکت در امتحان باید قبلاً "پروندهای مربوطه را به اداره مربوطه تسلیم کرد."
۲- دیروز دبیر زبان و دبیر شیمی ما سر کلاس حاضر نبود.
۳- چون هر چسب میوه ها را نداشت میوه فروش، او را جریمه کردند
۴- دادگاه کیفر گران فروشان پروانه دو پیشه ور را به علت تخلف از مقررات لغو کرد.

- ۳۹- ۱- آنکه در مشکلات خویش مشورت کرد، راه صحیح برایش پیدا می‌شود
 ۲- از توانگران جمعی کفران نعمت و جمی شکر نمی‌کنند
 ۳- آنکه در کارها مشورت می‌کند راه صحیح را پیدا خواهد کرد
 ۴- آنکه در کارها مشورت بکند راه صحیح را پیدا کرده باشد
- ۴۰- ۱- قاتانی علوم ادبی و فقه و ریاضی را در مشهد شهرت یافت و در ادبیات فارسی و عربی استاد شد،
 ۲- قاتانی علوم ادبی و فقه و ریاضی را در مشهد کسب و آنجا در ادبیات فارسی و عربی تسلط یافت
 ۳- قاتانی در مشهد در تحصیل علوم ادبی و فقه و ریاضی کوشید و در ادبیات فارسی و عربی نام‌آور می‌شود،
 ۴- قاتانی در مشهد به تحصیل علوم ادبی و فقه و ریاضی مشغول شد و در ادبیات فارسی و عربی تسلط یافت،
- ه- بخش پنجم: دستور زبان فارسی (تجزیه، شناخت و ویژگیهای کلمه، ترکیب، شناخت نقش کلمه)
- ۴۱- " که " در کلمه (حربکه) از نظر دستوری چیست؟
 ۱- پساوند مکان
 ۲- پساوند لیاقت
 ۳- پساوند کثرت
 ۴- پساوند اتصاف
- ۴۲- کدام کلمه " اسم مصدر " است؟
 ۱- تابان
 ۲- خواهش
 ۳- گسیخته
 ۴- مدهوش
- ۴۳- در عبارت: " چون نیک نظر کرد پر خویش در آن دید، " کدام کلمه قید است؟
 ۱- آن
 ۲- خویش
 ۳- نیک
 ۴- نظر
- ۴۴- در عبارت: مذمت ایشان روا مدار که خداوند کرمند، " کلمه (مدار) از نظر دستوری چیست؟
 ۱- فعل نهی
 ۲- فعل ماضی
 ۳- قید
 ۴- فعل امر
- ۴۵- در بیت: " زبان آید از بهر شکر و سپاس به غیبت نگرداندش حق شناس " دو کلمه (سپاس و حق شناس) از نظر دستوری به ترتیب چه کلمه‌ای هستند؟
 ۱- صفت مطلق، صفت مفعولی
 ۲- اسم معنی، صفت فاعلی

- ۳- قید ، اسم مرکب
۴- اسم ذات ، قید مرکب
- ۴۶- در جمله : " فردا معالجتی دیگر خواهم کردن . " کلمات (فردا و خواهم کردن) به ترتیب چیست ؟
- ۱- اسم معنی ، فعل مضارع اخباری
۲- اسم ذات ، مصدر مرکب
- ۳- قید ، فعل مستقبل
۴- از مبهمات ، فعل مضارع التزامی
- ۴۷- در عبارت : " مَلَّاح طمع کرد و کشتی باز گردانید . " کلمه (مَلَّاح) چه حالتی دارد ؟
- ۱- فاعل " نهاد "
۲- مفعول صریح
- ۳- قید تاکید
۴- قید حالت
- ۴۸- در مصراع : " سنگی به چند سال شود لعل پاره‌ای " مسند الیه (نهاد) کدام است ؟
- ۱- سال
۲- چند
- ۳- سنگی
۴- لعل پاره‌ای
- ۴۹- در مصراع : " بشنوید ای دوستان این داستان " حالت (این داستان) چیست ؟
- ۱- مسند الیه
۲- مفعول صریح
- ۳- قید
۴- مسند
- ۵۰- در بیت : " ترا سلامت باد ای گل بهار و بهشت
که سوی قبله‌ی رویت نماز خواننددی "
- کلمه (گل) از نظر ترکیب چه حالتی " نقشی " دارد ؟
- ۱- مفعول بواسطه " متمم "
۲- فاعل " نهاد "
- ۳- مضاف الیه
۴- منادی
- ۵۱- در جمله : " اَمَل دام دیواست " کلمه (اَمَل) چه حالتی " نقشی " دارد ؟
- ۱- مسند الیه " نهاد "
۲- مسند
- ۳- مفعول بواسطه " متمم "
۴- منادی
- ۵۲- در مصراع : " پدر با پسر راز گفتن گرفت . " کلمه (پدر) چیست ؟
- ۱- مفعول بواسطه
۲- مفعول بیواسطه
- ۳- فاعل " نهاد "
۴- مضاف الیه

و- بخش ششم - هر یک از متن‌های بعد را بخوانید و به پرسشهای زیر آنها جواب دهید ؛

" وارد صحن مدرسه شدم و به دربان گفتم من آموزگار تازه هستم . دربان مرا به اطاق مدیر بود ، مدیر همینکه چشمش به من افتاد و سن کم و قامت کوتاه و اندام لاغر مرا دید ، یکه خورد و گفت : تو می‌خواهی در این مدرسه معلم شوی ؟ معلمی کار سختی است ، گمان ندارم از عهده این

کار بیرون بیایی، چنین کاری از مثل تو جوان نخواستہ، ساخته نیست، از شنیدن گفته‌های مدیر ترس عجیبی تمام بدنم را فرا گرفت. خدایا چکار کنم؟! اگر مدیر مرا نپذیرد بی کار می‌مانم، در آن صورت خرجی روزانه‌ام را از کجا پیدا کنم."

۵۳- چرا مدیر گمان می‌کرد او از عهده آموزگاری بر نمی‌آید؟

- ۱- معلومات کافی نداشت
- ۲- می‌دانست او بی بند و بار است
- ۳- معلمی را شغل دشواری می‌دانست
- ۴- قبلاً او را آزمایش کرده بود.

۵۴- چرا آموزگار از شنیدن گفته‌های مدیر ترسید؟

- ۱- ممکن بود او را نپذیرد
- ۲- اصولاً کم دل و ترسو بود
- ۳- مدیر خیلی جذبه داشت
- ۴- کرایه برگشتن در جیب نداشت

۵۵- اگر مدیر مدرسه او را نمی‌پذیرفت چه می‌شد؟

- ۱- از ترس بدنش به لرزه می‌افتاد
- ۲- مات و متحیر می‌شد
- ۳- لازم بود از پسانداز خرج کند
- ۴- بی کار و بی خرجی می‌ماند

۵۶- چرا مدیر از دیدن آموزگار پکه خورد؟

- ۱- لباسش نامرتب بود
- ۲- با هم آشنایی قبلی داشتند
- ۳- او را برای معلمی مناسب نیافته بود
- ۴- بی سبب از جا برخاسته بود

متن دوم

من دو سال از دوستم بزرگتر بودم. اما هر دو در تمام مدت تحصیل همکلاس بودیم، و هر دو نیز در یک سال عروسی کردیم. ولی جریان زناشویی ما مانند هم نبود. من صاحب فرزند نشدم و زنم را زود از دست دادم. در صوزتیکه دوستم در همان آغاز زندگی صاحب دختر زیبایی شد. من و او هر دو در یک شهر بسر می‌بردیم و لاقلاً هفته‌ای یکبار همدیگر را می‌دیدیم. کارمان هم شبیه یکدیگر بود. او نقاش بود و من نویسنده. یکی از کتابهایی را که من نوشتم، نقاشی آن را او بعهده گرفت و کتاب با امضای ما دو نفر منتشر شد.

۵۷- جریان زندگی نویسنده با دوستش از چه جهت تفاوت داشت؟

- ۱- بزرگتر بودن و همکلاس بودن
- ۲- زندگی در یک شهر و ملاقاتهای همیشگی
- ۳- ازدواج کردن و طلاق دادن
- ۴- اولاد دار نشدن و مردن زن

۵۸- همسر نویسنده چه وقت درگذشت؟

- ۱- دو سال بعد از ازدواج
- ۲- پیش از آنکه فرزندی بیاورد

- ۳- در همان آغاز زندگی
۴- پس از آنکه دختر زیبایی به دنیا آورد
- ۵۹- چرا نویسنده می‌گوید یکی از کتابهایش با همکاری دوستش تمام شد؟
۱- او نوشتن و دوستش نقاشی بعهده گرفت
۲- هر یک نیمی از آن را نوشتند
- ۳- کارشان شبیه یکدیگر بوده است
۴- کتاب با امضای هر دو منتشر شده است
- ۶۰- چرا کار آن دو نفر شبیه یکدیگر بود؟
۱- یکی شاعر و دیگری نویسنده بود
۲- هر دو نویسنده بودند
- ۴- یکی نویسنده بود و دیگری نقاشی آن را عهده‌دار بود
۳- هر دو نقاش بودند

خود را بیازمائید

۵۰ سؤال

۵۰ دقیقه

۱- املای کدام کلمه با توجه به معنی مقابل آن غلط نوشته شده است؟

- ۱- اقارب : خویشان
۲- محمل : کجاوه
۳- ارزال : فرومایگان
۴- اسخیا : بخشنندگان
- ۲- (روی برتافتن) یعنی :
۱- اعراض کردن
۳- خشمگین شدن
۲- صفاری کردن
۴- توجه کردن
- ۳- کدام جمله نادرست است؟

- ۱- موش این فصل بشنود و زود در بریدن بندها ایستاد
۲- بشنود موش این فصل را و زود ایستاد در بریدن این بندها
۳- موش این فصل را بشنود و به تندى در بریدن بندها ایستاد
۴- موش بشنود این فصل را و به سرعت در بریدن بندها ایستاد
- ۴- در جملهٔ: هزار دوست یک مرد را بسیار نیست، " بسیار " چه نوع کلمه‌ای است؟
۱- صفت ۲- قید ۳- اسم ۴- حرف
- ۵- کدام مثنوی از جامی است؟

- ۱- منطق الطیر ۲- خلد برین ۳- تحفه الاحرار ۴- هفت پیکر
- ۶- املای کدام کلمه با توجه به معنی آن، غلط نوشته شده است؟
۱- نذاهت : پاکی
۲- لایح : آشکار
۳- ظهر : پشت
۴- عارض : رخساره
- ۷- بزرگترین شاعر سبک هندی کیست؟

- ۱- وحشی بافقی ۲- صائب تبریزی ۳- کلیم همدانی ۴- اهلای شیرازی
- ۸- کدام جمله از نظر نگارش درست است؟

- ۱- با همت بلند به خواسته‌های خویش می‌توانیم رسیدیم
۲- همه زحمتکشان با موفق و به هدف خود خواهند رسید
۳- همت بلند مشکلات کارها را آسان می‌گرداند
۴- رفتار بزرگان سر مشق بزرگانند

۹- در مصراع: " پشه چو پر شد بزند پیل را " (بزند) چه نوع فعلی است؟

- ۱- مضارع ۲- امر ۳- ماضی ۴- مستقبل

۱۰- عبارت: " هر آنچه دانی که هر آینه معلوم تو گردد به پرسیدن آن تعجیل مکن، " یعنی :

- ۱ - سئوالی که ممکن است نپرسیده بدانی ، نباید پرسى
- ۲ - سئوالی که مى دانی مناسب فهم تو نیست نباید بپرسى
- ۳ - در پرسیدن سئوالی که نپرسیده نیز روشن مى شود شتاب نباید کرد
- ۴ - در پرسیدن سئوالی که معلوم خواهد شد که طرف نمى داند عجله مکن
- ۱۱ - املای کدام واژه با توجه به معنى آن غلط است ؟
 - ۱ - خسومت ؛ دشمنى
 - ۲ - استهلاك ؛ از میان رفتن
 - ۳ - مروحه ؛ بادبزین
 - ۴ - صور ؛ نغیر
- ۱۲ - در جمله : " توانگران مشغولند و ساهی " . مشتغل يعنى :
 - ۱ - منحرف
 - ۲ - بی بند و بار
 - ۳ - سرگرم
 - ۴ - بی ایمان
- ۱۳ - در جمله : " حاجتش بر آوردم " (حاجتش) چه نوع ترکیبی است ؟
 - ۱ - مضاف و مضاف الیه
 - ۲ - صفت و موصوف
 - ۳ - فعل و فاعل
 - ۴ - مبتدا و خبر
- ۱۴ - بیت : " اگر کوه آهن بود ، بسپرم
از این ننگ خواری است گر نگذرم " چند جمله است ؟
 - ۱ - دو
 - ۲ - سه
 - ۳ - چهار
 - ۴ - پنج
- ۱۵ - (شیخ بهایی و محمد باقر مجلسی) به ترتیب مؤلف کدام دو کتاب هستند ؟
 - ۱ - عین الحیوه ، حلیه المتقین
 - ۲ - خلاصه الحساب ، تشریح الافلاک
 - ۳ - جامع عباسی ، حیوه القلوب
 - ۴ - حق الیقین ، کشکول
- ۱۶ - در بیت : " رفیقی که غایب شد ، ای نیکنام
چه چیزی است از و بر رفیقان حرام " (غائب)
چه حالتی دارد ؟
 - ۱ - فاعل
 - ۲ - مسند الیه
 - ۳ - مسند (باز بسته)
 - ۴ - مفعول
- ۱۷ - در کدام یک از ترکیبهای زیر املای یکی از واژهها غلط نوشته شده است ؟
 - ۱ - قبه فلک
 - ۲ - لحن خوش
 - ۳ - اغتنام فرصت
 - ۴ - نغز عهد
- ۱۸ - در جمله : " منهیان به منصور واقعه را نوشتند " (منهیان) يعنى :
 - ۱ - خبر گزاران
 - ۲ - منشیان
 - ۳ - نهی از منکر کنندگان
 - ۴ - اشخاص سخت امین
- ۱۹ - نگارش کدام جمله غلط است ؟
 - ۱ - با نهایت دقت به راهنماییهای شما گوش خواهم داد ،
 - ۲ - من به اندرز شما توجه و آن را به کار خواهم بست ،
 - ۳ - نصیحت شما را گوش کرده مورد توجه قرار مى دهم ،

- ۴ - از خیر خواهیهای شما نهایت امتنان را دارم .
- ۲۰ - در جمله: " از تجارب برای دفع حوادث سلاحها توان ساخت . " (سلاحها) چه حالتی
" نقشی " دارد؟
- ۱ - مفعول با واسطه (متمم) ۲ - قید
- ۳ - مسند ۴ - مفعول صریح
- ۲۱ - در مصراع : مانند یکی جام یخین است شباهنگ . " (یخین) چه نوع صفتی است ؟
- ۱ - تفضیلی ۲ - نسبی ۳ - مطلق ۴ - عالی
- ۲۲ - کدام یک از ترکیبهای زیر " اضافهء بیانی " است ؟
- ۱ - کاسه زر ۲ - کاسه چینی ۳ - سینی نقره‌ای ۴ - میهن ما
- ۲۳ - عبارت " دنیا نه جای آسایش است که جای آزمایش است ، " یعنی :
- ۱ - دنیا مکان آسودگی نیست زیرا که جای آزمایش کردار آدمی است .
- ۲ - چون دنیا محل امتحان است بنابراین آسایش در آزمون نیست
- ۳ - به دنیا آسودگی وجود ندارد ، زیرا کمتر کسی از آزمایش پیروز بیرون می‌آید
- ۴ - ما برای آزمایش آفریده شده‌ایم نه آسایش
- ۲۴ - در جمله : " مشت زنی از دهر مخالف به فغان آمده بود . " (مشت زن) چه نوع کلمه‌ای است
- ۱ - صفت فاعلی مرکب ۲ - صفت مفعولی مرکب
- ۳ - اسم ذات مرکب ۴ - اسم معنی مرکب
- ۲۵ - املاي کدام کلمه با توجه به معنی آن غلط نوشته شده است ؟
- ۱ - غش ؛ آمیختگی ۲ - تزرو ؛ قرقاول
- ۳ - نحل ؛ زنبور عسل ۴ - شحنه ؛ داروغه
- ۲۶ - مقصود از مصراع : " زنیکو سخن نیست پاینده تر " چیست ؟
- ۱ - کسی که سخن نیکو سراید همیشه پایدار است
- ۲ - دوام سخن از دوام کارهای نیکو بیشتر نیست
- ۳ - گفتار نیکو و پسندیده از هر چیز دیگری بیشتر می‌ماند
- ۴ - نام سخن سرایان همواره باقی خواهد ماند
- ۲۷ - پالیز یعنی :
- ۱ - زمین صیفی کاری ۲ - فصل خزان
- ۳ - زمین لغزنده ۴ - پل محکم
- ۲۸ - عبارت : " کسی در زندگی پیروز است که برای رسیدن به هدف کوشش و " را کدام
پاسخ تکمیل می‌کند ؟

- ۱ - با استقامت باشد
۲ - راه کار را بداند
۳ - فعالیت داشته باشد
۴ - فرصت را از دست ندهد
- ۲۹ - مثنوی " منطق الطیر " از کدام شاعر است؟
۱ - سنایی غزنوی
۲ - خواجه عبدالله انصاری
۳ - فرید الدین عطار نیشابوری
۴ - ابوالحسن خرقانی
- ۳۰ - بیت " چو خواهی که گویی نفس بر نفس حلاوت نیابی ز گفتار کس " یعنی :
۱ - پر گوئی مانع استفاده بردن از سخن شیرین دیگران است
۲ - دمدم حرف زدن از شیرینی گفتار می‌کاهد
۳ - مخالف دیگران سخن گفتن مانع لذت بردن از گفتار آنان است
۴ - تا رو در روی مردم سخن نگویی از مصاحبه ایشان بهره نمی‌گیری
- ۳۱ - کدام واژه به معنی زناشویی است؟
۱ - اصطناع
۲ - اطلاق
۳ - ارحام
۴ - احصان
- ۳۲ - عبارت " نشینیم و با یکدیگر گفتگو کنیم و برخیزیم " چند جمله دارد؟
۱ - یک
۲ - دو
۳ - سه
۴ - چهار
- ۳۳ - " جامع التواریخ " از کیست؟
۱ - رشیدالدین فضل‌الله
۲ - علاء الدین جوینی
۳ - محمد عوفی
۴ - حمد الله مستوفی
- ۳۴ - در عبارت " در این مکان بوی عبیر از گند سیر فروماند " مسند کدام است؟
۱ - این مکان
۲ - گند سیر
۳ - بوی عبیر
۴ - فروماند
- ۳۵ - عبارت " من نتوانم که فرمان او را به نفاذ نپیوندم " یعنی :
۱ - نمی‌توانم در او نفوذ کنم
۲ - نمی‌توانم به او فرمان دهم
۳ - نمی‌توانم دستور او را اجرا نکنم
۴ - نمی‌توانم فرمانش را فراموش کنم
- ۳۶ - " گازر " یعنی چه؟
۱ - رنگرز
۲ - دوره گرد
۳ - جامه شوی
۴ - بازرگان
- ۳۷ - " ترتیل " یعنی چه؟
۱ - دعا خواندن
۲ - نیکوخواندن قرآن
۳ - درست نوشتن
۴ - شعرخواندن
- ۳۸ - " تهی دست " چگونه کلمه‌ای است؟
۱ - صفت مرکب
۲ - اسم مرکب
۳ - صفت مفعولی
۴ - اسم فاعل
- ۳۹ - در مصراع " به امید این همه دریا گذارد " کلمه (گذارد) از نظر دستوری چیست؟
۱ - صفت مفعولی
۲ - فعل امر
۳ - ماضی نقلی
۴ - فعل مضارع

۴۰- در جمله: "ایشان سخت غمناک بازگشتند"، کلمه "سخت" از نظر دستوری چیست؟

۱- اسم اشاره (صفت اشاره) ۲- اسم موصول

۳- قید ۴- صفت

۴۱- "سخنوری" چه نوع کلمه‌ای است؟

۱- صفت فاعلی ۲- اسم مصدر ۳- صفت نسبی ۴- اسم مرکب

۴۲- در جمله: "کسی از متعلقان منش بر حسب واقعه مطلع گردانید"، ضمیر "ش" چه حالتی (نقشی) دارد

۱- ندایی ۲- مفعولی ۳- اضافی ۴- فاعلی

۴۳- در جمله "رحم آوردن بر بدن ستم است بر نیکان" (رحم آوردن) چه حالتی (نقشی) دارد؟

۱- مسند الیه است ۲- مسند است ۳- مفعول صریح است ۴- مفعول با واسطه است

۴۴- کدام یک از عبارات زیر از نظر نگارش غلط است؟

۱- جوانان نیکبخت اندر زخیر خواهان رامی پذیرند ۲- صد گفته ارزش یک عمل را ندارد ۳- جامعه‌اند

۲- یانیروی مجاهدت می‌توان بر آرزوها دست یافت ۴- دانشمندان خیر خواهان، بزرگترین سرمایه آن

۴۵- مقصود از این عبارت: "صدقی را اگر چه به مضرت تو سرايت خواهد کرد بر کذبی که به

منفعت تو راجع باشد اختیار کن"، چیست؟

۱- در میان سخنان راست و دروغ آن قول معتبر است که خیری در آن باشد،

۲- راستگو هر چند به زیان سخن گوید بر دروغگو هر چند به سود تو سخن گوید برتری دارد.

۳- دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز

۴- سخن راست هر چند بزیان تو باشد از سخن دروغ هر چند که بسود باشد بهتر است

۴۶- املاء کدام یک از کلمات زیر با توجه به معنی مقابل آن غلط است؟

۱- صولت؛ حمله ۲- مشحون؛ انباشته ۳- امارت؛ نشانه ۴- نغز؛ شکستن

۴۷- املاء کدام یک از کلمات زیر با توجه به معنی مقابل آن غلط است؟

۱- دغا؛ جنگ ۲- تعذیر؛ تنبیه کردن ۳- حله؛ پارچه بریشمی ۴- اذی؛ آزار

۴۸- در مصراع: "ز صحرا سیل‌ها برخاست هر سو" (برخاست) چگونه فعلی است؟

۱- امر ۲- مضارع التزامی ۳- ماضی مطلق ۴- ماضی نقلی

۴۹- در جمله "ادب آموز و به راستی ثابت باش" (ادب) چه حالتی (نقشی) دارد؟

۱- مسند الیه " نهاد " ۲- مسند " باز بسته "

۳- مفعول بواسطه " متمم " ۴- مفعول صریح

۵۰- در مصراع: " به انگشت لشکر به هومان نمود " (نمود) چه فعلی است؟

۱- مستقبل ۲- مضارع

۳- امر ۴- ماضی

پاسخ ۳۰ تست شناخت کلمه‌های فارسی

۲-۵	۳-۴	۴-۳	۲-۲	۱-۱
۴-۱۰	۱-۹	۲-۸	۲-۷	۴-۶
۱-۱۵	۳-۱۴	۲-۱۳	۴-۱۲	۲-۱۱
۲-۲۰	۱-۱۹	۳-۱۸	۴-۱۷	۲-۱۶
۱-۲۵	۳-۲۴	۲-۲۳	۱-۲۲	۳-۲۱
۱-۳۰	۲-۲۹	۳-۲۸	۲-۲۷	۴-۲۶

پاسخ ۳۰ تست شناخت نقش کلمه در جمله

۴-۵	۲-۴	۴-۳	۱-۲	۳-۱
۲-۱۰	۴-۹	۳-۸	۴-۷	۳-۶
۳-۱۵	۱-۱۴	۱-۱۳	۳-۱۲	۲-۱۱
۲-۲۰	۴-۱۹	۳-۱۸	۲-۱۷	۲-۱۶
۳-۲۵	۳-۲۴	۱-۲۳	۲-۲۲	۱-۲۱
۱-۳۰	۴-۲۹	۳-۲۸	۲-۲۷	۱-۲۶

پاسخ ۳۰ تست معانی لغات

۱-۵	۴-۴	۲-۳	۳-۲	۱-۱
۲-۱۰	۴-۹	۱-۸	۲-۷	۴-۶
۳-۱۵	۲-۱۴	۳-۱۳	۴-۱۲	۳-۱۱
۴-۲۰	۳-۱۹	۱-۱۸	۴-۱۷	۳-۱۶
۲-۲۵	۳-۲۴	۳-۲۳	۲-۲۲	۱-۲۱
۲-۳۰	۳-۲۹	۱-۲۸	۴-۲۷	۳-۲۶

پاسخ ۱۰۰ تست مبحث املاء

۲-۵	۳-۴	۱-۳	۴-۲	۲-۱
۲-۱۰	۴-۹	۱-۸	۱-۷	۴-۶
۱-۱۵	۴-۱۴	۲-۱۳	۳-۱۲	۴-۱۱
۴-۲۰	۱-۱۹	۴-۱۸	۴-۱۷	۲-۱۶
۱-۲۵	۲-۲۴	۲-۲۳	۱-۲۲	۳-۲۱
۱-۳۰	۴-۲۹	۲-۲۸	۳-۲۷	۴-۲۶
۲-۳۵	۴-۳۴	۳-۳۳	۳-۳۲	۲-۳۱
۳-۴۰	۲-۳۹	۱-۳۸	۳-۳۷	۴-۳۶
۴-۴۵	۳-۴۴	۴-۴۳	۲-۴۲	۱-۴۱
۲-۵۰	۳-۴۹	۱-۴۸	۴-۴۷	۱-۴۶
۴-۵۵	۲-۵۴	۳-۵۳	۱-۵۲	۳-۵۱
۲-۶۰	۳-۵۹	۴-۵۸	۱-۵۷	۲-۵۶
۲-۶۵	۳-۶۴	۴-۶۳	۱-۶۲	۳-۶۱
۴-۷۰	۲-۶۹	۳-۶۸	۴-۶۷	۱-۶۶
۲-۷۵	۴-۷۴	۱-۷۳	۳-۷۲	۱-۷۱
۲-۸۰	۴-۷۹	۳-۷۸	۱-۷۷	۲-۷۶
۲-۸۵	۴-۸۴	۱-۸۳	۲-۸۲	۱-۸۱
۱-۹۰	۳-۸۹	۴-۸۸	۳-۸۷	۴-۸۶
۲-۹۵	۳-۹۴	۴-۹۳	۱-۹۲	۲-۹۱
۲-۱۰۰	۴-۹۹	۲-۹۸	۴-۹۷	۱-۹۶

پاسخ ۳۰ تست تاریخ ادبیات

۱-۵	۲-۴	۴-۳	۱-۲	۳-۱
۳-۱۰	۱-۹	۲-۸	۳-۷	۲-۶
۳-۱۵	۱۴-*	۳-۱۳	۴-۱۲	۲-۱۱
۱-۲۰	۳-۱۹	۳-۱۸	۲-۱۷	۴-۱۶
۴-۲۵	۳-۲۴	۳-۲۳	۲-۲۲	۴-۲۱
۴-۳۰	۲-۲۹	۳-۲۸	۱-۲۷	۲-۲۶

۱- مثنوی حماسی ۲- مثنوی عرفانی ۳- غزل عاشقانه ۴- غزل عارفانه ۵- قصاید مدحی

۶- مسقط ۷- ترکیب بند ۸- تک بیت ۹- ترجیع بند

پاسخ ۶۰ تست مبحث گزینش کلمه

۴-۵	۱-۴	۳-۳	۲-۲	۴-۱
۲-۱۰	۳-۹	۳-۸	۲-۷	۳-۶
۴-۱۵	۲-۱۴	۴-۱۳	۱-۱۲	۴-۱۱
۳-۲۰	۲-۱۹	۲-۱۸	۳-۱۷	۱-۱۶
۲-۲۵	۴-۲۴	۴-۲۳	۱-۲۲	۴-۲۱
۴-۳۰	۳-۲۹	۲-۲۸	۳-۲۷	۴-۲۶
۲-۳۵	۳-۳۴	۲-۳۳	۱-۳۲	۴-۳۱
۴-۴۰	۴-۳۹	۲-۳۸	۳-۳۷	۱-۳۶
۲-۴۵	۳-۴۴	۲-۴۳	۴-۴۲	۳-۴۱
۳-۵۰	۱-۴۹	۴-۴۸	۲-۴۷	۳-۴۶
۲-۵۵	۱-۵۴	۴-۵۳	۳-۵۲	۴-۵۱
۱-۶۰	۲-۵۹	۲-۵۸	۴-۵۷	۳-۵۶

پاسخ ۳۰ تست مبحث معنی و مفهوم

۲-۵	۳-۴	۳-۳	۱-۲	۲-۱
۱-۱۰	۳-۹	۴-۸	۳-۷	۱-۶
۳-۱۵	۱-۱۴	۲-۱۳	۲-۱۲	۳-۱۱
۳-۲۰	۲-۱۹	۴-۱۸	۲-۱۷	۲-۱۶
۳-۲۵	۲-۲۴	۱-۲۳	۴-۲۲	۲-۲۱
۴-۳۰	۲-۲۹	۳-۲۸	۴-۲۷	۱-۲۶

پاسخ پانصد تست متنوع

۲-۵	۳-۴	۳-۳	۴-۲	۱-۱
۱-۱۰	۱-۹	۳-۸	۴-۷	۲-۶
۴-۱۵	۲-۱۴	۲-۱۳	۳-۱۲	۲-۱۱
۱-۲۰	۲-۱۹	۴-۱۸	۱-۱۷	۱-۱۶
۴-۲۵	۳-۲۴	۴-۲۳	۱-۲۲	۴-۲۱
۱-۳۰	۱-۲۹	۱-۲۸	۴-۲۷	۲-۲۶
۳-۳۵	۴-۳۴	۲-۳۳	۲-۳۲	۳-۳۱
۱-۴۰	۳-۳۹	۱-۳۸	۲-۳۷	۱-۳۶
۱-۴۵	۴-۴۴	۲-۴۳	۴-۴۲	۳-۴۱
۱-۵۰	۲-۴۹	۴-۴۸	۳-۴۷	۳-۴۶
۲-۵۵	۱-۵۴	۴-۵۳	۲-۵۲	۳-۵۱
۳-۶۰	۳-۵۹	۴-۵۸	۳-۵۷	۱-۵۶
۱-۶۵	۲-۶۴	۴-۶۳	۲-۶۲	۲-۶۱
۳-۷۰	۴-۶۹	۳-۶۸	۳-۶۷	۳-۶۶
۲-۷۵	۲-۷۴	۴-۷۳	۴-۷۲	۱-۷۱
۳-۸۰	۲-۷۹	۳-۷۸	۱-۷۷	۳-۷۶
۳-۸۵	۳-۸۴	۱-۸۳	۱-۸۲	۱-۸۱
۲-۹۰	۲-۸۹	۳-۸۸	۲-۸۷	۴-۸۶
۲-۹۵	۲-۹۴	۳-۹۳	۴-۹۲	۳-۹۱
۳-۱۰۰	۴-۹۹	۳-۹۸	۱-۹۷	۲-۹۶
۲-۱۰۵	۲-۱۰۴	۴-۱۰۳	۲-۱۰۲	۱-۱۰۱
۲-۱۱۰	۴-۱۰۹	۱-۱۰۸	۴-۱۰۷	۴-۱۰۶
۳-۱۱۵	۳-۱۱۴	۱-۱۱۳	۳-۱۱۲	۴-۱۱۱
۳-۱۲۰	۴-۱۱۹	۴-۱۱۸	۲-۱۱۷	۱-۱۱۶
۳-۱۲۵	۱-۱۲۴	۴-۱۲۳	۲-۱۲۲	۳-۱۲۱
۳-۱۳۰	۳-۱۲۹	۱-۱۲۸	۴-۱۲۷	۳-۱۲۶
۳-۱۳۵	۲-۱۳۴	۲-۱۳۳	۱-۱۳۲	۲-۱۳۱
۳-۱۴۰	۳-۱۳۹	۱-۱۳۸	۴-۱۳۷	۲-۱۳۶
۲-۱۴۵	۳-۱۴۴	۲-۱۴۳	۴-۱۴۲	۲-۱۴۱

۳-۱۵۰	۱-۱۴۹	۲-۱۴۸	۱-۱۴۷	۳-۱۴۶
۴-۱۵۵	۱-۱۵۴	۴-۱۵۳	۱-۱۵۲	۴-۱۵۱
۲-۱۶۰	۱-۱۵۹	۲-۱۵۸	۴-۱۵۷	۳-۱۵۶
۳-۱۶۵	۱-۱۶۴	۳-۱۶۳	۱-۱۶۲	۴-۱۶۱
۳-۱۷۰	۳-۱۶۹	۲-۱۶۸	۴-۱۶۷	۲-۱۶۶
۴-۱۷۵	۴-۱۷۴	۲-۱۷۳	۳-۱۷۲	۱-۱۷۱
۴-۱۸۰	۴-۱۷۹	۱-۱۷۸	۳-۱۷۷	۲-۱۷۶
۲-۱۸۵	۱-۱۸۴	۳-۱۸۳	۴-۱۸۲	۲-۱۸۱
۲-۱۹۰	۳-۱۸۹	۴-۱۸۸	۳-۱۸۷	۲-۱۸۶
۳-۱۹۵	۲-۱۹۴	۲-۱۹۳	۳-۱۹۲	۳-۱۹۱
۲-۲۰۰	۴-۱۹۹	۱-۱۹۸	۳-۱۹۷	۲-۱۹۶
۲-۲۰۵	۳-۲۰۴	۲-۲۰۳	۳-۲۰۲	۱-۲۰۱
۲-۲۱۰	۴-۲۰۹	۲-۲۰۸	۱-۲۰۷	۳-۲۰۶
۴-۲۱۵	۲-۲۱۴	۱-۲۱۳	۱-۲۱۲	۲-۲۱۱
۱-۲۲۰	۴-۲۱۹	۲-۲۱۸	۴-۲۱۷	۳-۲۱۶
۱-۲۲۵	۳-۲۲۴	۱-۲۲۳	۳-۲۲۲	۲-۲۲۱
۳-۲۳۰	۲-۲۲۹	۳-۲۲۸	۲-۲۲۷	۱-۲۲۶
۱-۲۳۵	۴-۲۳۴	۴-۲۳۳	۲-۲۳۲	۴-۲۳۱
۴-۲۴۰	۲-۲۳۹	۱-۲۳۸	۳-۲۳۷	۳-۲۳۶
۴-۲۴۵	۲-۲۴۴	۳-۲۴۳	۳-۲۴۲	۳-۲۴۱
۳-۲۵۰	۱-۲۴۹	۲-۲۴۸	۴-۲۴۷	۳-۲۴۶
۱-۲۵۵	۲-۲۵۴	۳-۲۵۳	۲-۲۵۲	۴-۲۵۱
۲-۲۶۰	۳-۲۵۹	۴-۲۵۸	۲-۲۵۷	۲-۲۵۶
۴-۲۶۵	۴-۲۶۴	۳-۲۶۳	۱-۲۶۲	۳-۲۶۱
۴-۲۷۰	۲-۲۶۹	۳-۲۶۸	۱-۲۶۷	۲-۲۶۶
۲-۲۷۵	۳-۲۷۴	۳-۲۷۳	۲-۲۷۲	۱-۲۷۱
۲-۲۸۰	۳-۲۷۹	۲-۲۷۸	۲-۲۷۷	۲-۲۷۶
۳-۲۸۵	۴-۲۸۴	۲-۲۸۳	۱-۲۸۲	۲-۲۸۱
۴-۲۹۰	۲-۲۸۹	۳-۲۸۸	۴-۲۸۷	۳-۲۸۶
۳-۲۹۵	۴-۲۹۴	۲-۲۹۳	۴-۲۹۲	۱-۲۹۱
۳-۳۰۰	۳-۲۹۹	۴-۲۹۸	۲-۲۹۷	۱-۲۹۶

۲-۳۰۵	۲-۳۰۴	۴-۳۰۳	۳-۳۰۲	۴-۳۰۱
۴-۳۱۰	۳-۳۰۹	۳-۳۰۸	۱-۳۰۷	۳-۳۰۶
۴-۳۱۵	۳-۳۱۴	۳-۳۱۳	۲-۳۱۲	۲-۳۱۱
۲-۳۲۰	۱-۳۱۹	۳-۳۱۸	۳-۳۱۷	۲-۳۱۶
۱-۳۲۵	۲-۳۲۴	۱-۳۲۳	۲-۳۲۲	۳-۳۲۱
۴-۳۳۰	۳-۳۲۹	۴-۳۲۸	۳-۳۲۷	۱-۳۲۶
۳-۳۳۵	۴-۳۳۴	۳-۳۳۳	۲-۳۳۲	۴-۳۳۱
۳-۳۴۰	۱-۳۳۹	۲-۳۳۸	۴-۳۳۷	۱-۳۳۶
۲-۳۴۵	۲-۳۴۴	۳-۳۴۳	۲-۳۴۲	۴-۳۴۱
۲-۳۵۰	۳-۳۴۹	۴-۳۴۸	۴-۳۴۷	۴-۳۴۶
۳-۳۵۵	۱-۳۵۴	۳-۳۵۳	۲-۳۵۲	۴-۳۵۱
۳-۳۶۰	۴-۳۵۹	۲-۳۵۸	۴-۳۵۷	۲-۳۵۶
۲-۳۶۵	۴-۳۶۴	۴-۳۶۳	۲-۳۶۲	۳-۳۶۱
۲-۳۷۰	۲-۳۶۹	۱-۳۶۸	۳-۳۶۷	۱-۳۶۶
۳-۳۷۵	۴-۳۷۴	۱-۳۷۳	۴-۳۷۲	۳-۳۷۱
۴-۳۸۰	۲-۳۷۹	۲-۳۷۸	۴-۳۷۷	۱-۳۷۶
۴-۳۸۵	۲-۳۸۴	۲-۳۸۳	۴-۳۸۲	۱-۳۸۱
۲-۳۹۰	۳-۳۸۹	۳-۳۸۸	۴-۳۸۷	۳-۳۸۶
۲-۳۹۵	۱-۳۹۴	۴-۳۹۳	۳-۳۹۲	۳-۳۹۱
۲-۴۰۰	۴-۳۹۹	۴-۳۹۸	۲-۳۹۷	۳-۳۹۶
۳-۴۰۵	۱-۴۰۴	۲-۴۰۳	۲-۴۰۲	۲-۴۰۱
۳-۴۱۰	۲-۴۰۹	۴-۴۰۸	۲-۴۰۷	۴-۴۰۶
۲-۴۱۵	۳-۴۱۴	۲-۴۱۳	۱-۴۱۲	۱-۴۱۱
۳-۴۲۰	۱-۴۱۹	۴-۴۱۸	۳-۴۱۷	۴-۴۱۶
۳-۴۲۵	۳-۴۲۴	۴-۴۲۳	۴-۴۲۲	۳-۴۲۱
۳-۴۳۰	۳-۴۲۹	۱-۴۲۸	۳-۴۲۷	۲-۴۲۶
۲-۴۳۵	۳-۴۳۴	۱-۴۳۳	۲-۴۳۲	۴-۴۳۱
۳-۴۴۰	۴-۴۳۹	۲-۴۳۸	۲-۴۳۷	۴-۴۳۶
۴-۴۴۵	۳-۴۴۴	۳-۴۴۳	۱-۴۴۲	۲-۴۴۱
۲-۴۵۰	۱-۴۴۹	۱-۴۴۸	۲-۴۴۷	۴-۴۴۶
۳-۴۵۵	۲-۴۵۴	۴-۴۵۳	۳-۴۵۲	۱-۴۵۱

۴-۴۶۰	۲-۴۵۹	۱-۴۵۸	۴-۴۵۷	۲-۴۵۶
۲-۴۶۵	۴-۴۶۴	۴-۴۶۳	۲-۴۶۲	۳-۴۶۱
۳-۴۷۰	۲-۴۶۹	۴-۴۶۸	۱-۴۶۷	۴-۴۶۶
۴-۴۷۵	۳-۴۷۴	۴-۴۷۳	۴-۴۷۲	۳-۴۷۱
۱-۴۸۰	۳-۴۷۹	۱-۴۷۸	۲-۴۷۷	۱-۴۷۶
۴-۴۸۵	۲-۴۸۴	۲-۴۸۳	۳-۴۸۱	۴-۴۸۱
۲-۴۹۰	۳-۴۸۹	۲-۴۸۸	۳-۴۸۷	۲-۴۸۶
۳-۴۹۵	۴-۴۹۴	۱-۴۹۳	۴-۴۹۲	۱-۴۹۱
۱-۵۰۰	۳-۴۹۹	۲-۴۹۸	۳-۴۹۷	۴-۴۹۶

پاسخ تست‌های آزمون تیر ماه ۵۷

۴-۵	۳-۴	۱-۳	۳-۲	۴-۱
۱-۱۰	۴-۹	۳-۸	۲-۷	۳-۶
۲-۱۵	۱-۱۴	۴-۱۳	۴-۱۲	۳-۱۱
۱-۲۰	۴-۱۹	۲-۱۸	۳-۱۷	۱-۱۶
۱-۲۵	۴-۲۴	۲-۲۳	۴-۲۲	۳-۲۱
۱-۳۰	۱-۲۹	۱-۲۸	۴-۲۷	۳-۲۶
۳-۳۵	۴-۳۴	۲-۳۳	۳-۳۲	۲-۳۱
۳-۴۰	۲-۳۹	۴-۳۸	۳-۳۷	۱-۳۶
۳-۴۵	۱-۴۴	۲-۴۳	۱-۴۲	۴-۴۱
۳-۵۰	۲-۴۹	۳-۴۸	۱-۴۷	۴-۴۶
۲-۵۵	۱-۵۴	۴-۵۳	۲-۵۲	۴-۵۱
۱-۶۰	۲-۵۹	۳-۵۸	۱-۵۷	۳-۵۶

پاسخ تست‌های آزمون سال ۵۸ "نوبت صبح"

۴-۵	۳-۴	۲-۳	۳-۲	۱-۱
۲-۱۰	۴-۹	۳-۸	۲-۷	۱-۶
۳-۱۵	۱-۱۴	۳-۱۳	۲-۱۲	۴-۱۱
۲-۲۰	۳-۱۹	۲-۱۸	۴-۱۷	۲-۱۶
۴-۲۵	۱-۲۴	۲-۲۳	۴-۲۲	۱-۲۱
۳-۳۰	۴-۲۹	۱-۲۸	۲-۲۷	۳-۲۶
۴-۳۵	۲-۳۴	۴-۳۳	۳-۳۲	۱-۳۱
۴-۴۰	۳-۳۹	۴-۳۸	۳-۳۷	۱-۳۶
۲-۴۵	۱-۴۴	۳-۴۳	۲-۴۲	۱-۴۱
۴-۵۰	۲-۴۹	۳-۴۸	۱-۴۷	۳-۴۶
۴-۵۵	۱-۵۴	۳-۵۳	۳-۵۲	۱-۵۱
۴-۶۰	۱-۵۹	۲-۵۸	۴-۵۷	۳-۵۶

پاسخ تست‌های آزمون سال ۵۸ "نوبت عصر"

۳-۵	۱-۴	۳-۳	۲-۲	۴-۱
۱-۱۰	۲-۹	۳-۸	۱-۷	۲-۶
۱-۱۵	۳-۱۴	۴-۱۳	۳-۱۲	۴-۱۱
۱-۲۰	۴-۱۹	۲-۱۸	۲-۱۷	۴-۱۶
۳-۲۵	۲-۲۴	۱-۲۳	۴-۲۲	۳-۲۱
۱-۳۰	۴-۲۹	۲-۲۸	۱-۲۷	۴-۲۶
۲-۳۵	۳-۳۴	۱-۳۳	۳-۳۲	۲-۳۱
۲-۴۰	۱-۳۹	۲-۳۸	۳-۳۷	۱-۳۶
۱-۴۵	۲-۴۴	۱-۴۳	۳-۴۲	۴-۴۱
۱-۵۰	۳-۴۹	۲-۴۸	۳-۴۷	۴-۴۶
۳-۵۵	۲-۵۴	۳-۵۳	۲-۵۲	۴-۵۱
۱-۶۰	۲-۵۹	۳-۵۸	۱-۵۷	۲-۵۶

پاسخ تست‌های خود را بی‌آزمائید

۳-۵	۲-۴	۱-۳	۱-۲	۳-۱
۳-۱۰	۱-۹	۳-۸	۲-۷	۱-۶
۳-۱۵	۳-۱۴	۱-۱۳	۳-۱۲	۱-۱۱
۴-۲۰	۱-۱۹	۱-۱۸	۴-۱۷	۳-۱۶
۲-۲۵	۱-۲۴	۱-۲۳	۱-۲۲	۲-۲۱
۱-۳۰	۳-۲۹	۳-۲۸	۱-۲۷	۳-۲۶
۳-۳۵	۴-۳۴	۱-۳۳	۳-۳۲	۴-۳۱
۳-۴۰	۴-۳۹	۱-۳۸	۲-۳۷	۳-۳۶
۴-۴۵	۴-۴۴	۱-۴۳	۲-۴۲	۲-۴۱
۴-۵۰	۴-۴۹	۳-۴۸	۲-۴۷	۴-۴۶

معرفی چند نماینده از شهرستانها

اهواز	: کتابفروشی جعفری
شیراز	: کتابفروشی میاندشتی
همدان	: کتابفروشی ابن سینا
تبریز	: کتابفروشی ملازاده
اصفهان	: کتابفروشی امید
ساری	: کتابفروشی حامی
مشهد	: نشر و پژوهش - غفرانی
کرمان	: کتابفروشی مهدوی
سنندج	: کتابفروشی امیرکبیر
قزوین	: کتابفروشی خانه کتاب
کرج	: کتابفروشی بزرگ کرج
قم	: کتابفروشی هاذق فر
بروجرد	: کتابفروشی اسلامی
برازجان	: کتابفروشی پیرمرادی
چالوس	: کتابفروشی دنیای کتاب
تنکابن	: کتابفروشی فردوسی
قائم شهر	: کتابفروشی روحانی
شاهرود	: کتابفروشی داودی
میلندوب	: کتابفروشی سحر
سقز	: کتابفروشی محمدی
بوکان	: کتابفروشی اسماعیلزاده
لنگرود	: کتابفروشی میر فطروس
جیرفت	: کتابفروشی فرهنگ
بجنورد	: کتابفروشی طبری
الشتیر	: کتابفروشی مطهری
خرم آباد	: کتابفروشی شریعتی
بابلسر	: کتابفروشی صادقی

معرفی چند نماینده از تهران

خیابان انقلاب	: روبروی دانشگاه - انتشارات سپهر - انتشارات کلمه
خیابان انقلاب	: روبروی سینما کاپری ، بازارچه کتاب - کتابکده
خیابان هاشمی	: کتابفروشی ابن سینا
شمیران	: پل تجریش - کتابفروشی آشتیانی
نارمک	: پدر ثانی - کتابفروشی نظامی
تهران نو	: خیابان بلال حبشی - کتابفروشی حافظ
خیابان جمهوری	: روبروی سینما حافظ - کتابفروشی اشراقی
شهر ری	: اول ۲۴ متری - کتابفروشی توحید
نظام آباد شمالی	: کلبه کتاب

(شایان توجه)

با همدی دقت و وسواسی که در تهیه و تنظیم مجموعه‌ی آموزش و سنجش زبان و ادبیات فارسی "گنگور" معمول گردید، با کمال تأسف در صفحات ۳۰۱ و ۳۰۲ مجموعه "پاسخ تستهای صبح و عصر آزمون ۵۸" اشتباهی در درج جواب تستها رخ داده است بدین ترتیب که پاسخ تستها از شماره ۲۶ به بعد صبح به جای عصر، و پاسخ تستهای عصر به جای صبح قید گردیده است. ضمن پرسش پاسخ اصلاح شده‌ی هر دو آزمون را تقدیم می‌نماید.

پاسخ تستهای آزمون زبان فارسی - آزمایش عمومی ۵۸
(جلسه صبح)

۱-۶	۴-۵	۳-۴	۲-۳	۱-۲	۱-۱
۲-۱۲	۴-۱۱	۲-۱۰	۴-۹	۳-۸	۲-۷
۲-۱۸	۴-۱۷	۲-۱۶	۳-۱۵	۱-۴	۳-۱۳
۱-۲۴	۲-۲۳	۴-۲۲	۱-۲۱	۲-۲۰	۳-۱۹
۱-۳۰	۴-۲۹	۲-۲۸	۱-۲۷	۴-۲۶	۴-۲۵
۱-۳۶	۲-۳۵	۳-۳۴	۱-۳۳	۳-۳۲	۲-۳۱
۳-۴۲	۴-۴۱	۲-۴۰	۱-۳۹	۲-۳۸	۳-۳۷
۲-۴۸	۳-۴۷	۴-۴۶	۱-۴۵	۲-۴۴	۱-۴۳
۲-۵۴	۳-۵۳	۲-۵۲	۴-۵۱	۱-۵۰	۳-۴۹
۱-۶۰	۲-۵۹	۳-۵۸	۱-۵۷	۲-۵۶	۳-۵۵

پاسخ تستهای آزمون زبان فارسی - آزمایش عمومی ۵۸
(جلسه عصر)

۲-۶	۳-۵	۱-۴	۳-۳	۲-۲	۴-۱
۳-۱۲	۴-۱۱	۱-۱۰	۲-۹	۳-۸	۱-۷
۲-۱۸	۲-۱۷	۴-۱۶	۱-۱۵	۳-۱۴	۴-۱۳
۲-۲۴	۱-۲۳	۴-۲۲	۳-۲۱	۱-۲۰	۴-۱۹
۳-۳۰	۴-۲۹	۱-۲۸	۲-۲۷	۳-۲۶	۲-۲۵
۱-۳۶	۴-۳۵	۲-۳۴	۴-۳۳	۳-۳۲	۱-۳۱
۲-۴۲	۱-۴۱	۴-۴۰	۳-۳۹	۴-۳۸	۱-۳۷
۳-۴۸	۱-۴۷	۳-۴۶	۲-۴۵	۱-۴۴	۳-۴۳
۱-۵۴	۳-۵۳	۲-۵۲	۱-۵۱	۴-۵۰	۲-۴۹
۴-۶۰	۱-۵۹	۲-۵۸	۴-۵۷	۳-۵۶	۴-۵۵